



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

تاریخ حقایق

مجموعه
مقالات

مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران، به سردبیری سید محمد باقر

انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران (شانزدهم اسفند 1385)

نویسنده:

اداره کل اطلاع رسانی و ارتباطات معاونت اسناد ملی

ناشر چاپی:

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران (شانزدهم اسفند ۱۳۸۵)
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۰	تاریخ شفاهی ایران
۱۳	فهرست
۱۵	مقدمه
۱۹	گزارش برگزاری نخستین همایش تاریخ شفاهی (شانزدهم اسفند ۸۵)
۲۳	اسناد و تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی رحیم نیکبخت
۲۴	اسناد و خاطرات شفاهی در پژوهش های تاریخی
۲۵	اسناد و تاریخ شفاهی
۲۷	تاریخ شفاهی در مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۳۵	اهمیت تاریخ شفاهی روحانیون و اقدامات آستان قدس رضوی در این حوزه نور الدین حسین سنا بادی عزیز
۳۹	مشروح اهمیت تاریخ شفاهی روحانیت
۵۸	نتیجه
۶۲	پی نوشت ها
۶۸	تاریخ شفاهی آموزش تاریخ در دانشگاه ها دکتر محمدحسن راز نهران
۷۰	آموزش تاریخ در دانشگاه ها
۷۰	ضرورت های تدوین تاریخ شفاهی آموزش تاریخ
۷۰	اشاره
۷۰	۱- تاریخ تاریخ
۷۱	۲- تاریخ شفاهی، ابزاری برای برنامه ریزی
۷۱	۳- تاریخ شفاهی و شناخت چهره های علمی
۷۲	۴- تاریخ شفاهی به عنوان شاخه ای جدید از تاریخ
۷۲	۶- چالش های تاریخ و مورخان
۷۳	۷- تاریخ شفاهی و تألیف کتاب و منابع درسی
۷۳	پی نوشت ها
۷۵	تاریخ شفاهی تبعیدی ها رحیم روح بخش
۷۶	طرح مسئله

۷۷	چهار موج تبعیدی
۷۷	اشاره
۷۷	۱- موج اول تبعید ها: در پی افزایش اعتراضات به تبعید امام و تداوم نهضت (۱۳۴۳ - ۱۳۴۵):
۷۷	۲- موج دوم تبعید ها: در پی ارسال اولین اعلامیه امام از نجف و اعلام مرجعیت ایشان بعد از رحلت آیت الله العظمی حکیم (۱۳۴۶ - ۱۳۵۰):
۷۸	۳- موج سوم تبعید ها: در پی قتل و خلع سلاح پاسبانی در قم به دست گروه ابوذر و تبعید گسترده روحانیون مبارز (۱۳۵۱ - ۱۳۵۴):
۷۸	۴- موج چهارم تبعید ها: قیام نوزدهم دی ماه قم و سلسله اربعین های بزرگ داشت شهدا در شهر های مختلف (۱۳۵۵ - ۱۳۵۷):
۸۴	رویداد های تعیین کننده
۸۶	مروری بر فعالیت های تبعیدی های موج سوم در تبعید گاه های خود
۸۹	نتیجه گیری
۹۱	پی نوشت ها
۹۷	تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دکتر محسن خلیلی
۹۹	گفتار یکم - معنا و کار ویژه تاریخ شفاهی
۱۰۲	گفتار دوم - گوناگونی سخن ها در خبرنگاران قانون اساسی
۱۰۸	دست آورد
۱۰۹	افزودنی ها
۱۱۲	پی نوشت ها
۱۱۹	تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی محمد رضا بختیاری
۱۲۰	پیشینه تاریخ شفاهی و اهمیت تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی
۱۲۱	اهمیت تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی
۱۲۲	منابع تاریخ شفاهی جنگ
۱۲۴	نقش مصاحبه گر در بیان سؤالات مختلف از اینارگران
۱۲۵	کاربرد مطالب تاریخ شفاهی جنگ
۱۳۳	تاریخ شفاهی رویکردی نو به تاریخ حوزه در مشهد نور الدین حسین سنا بادی عزیز
۱۴۶	مدارس حوزه علمیه مشهد
۱۵۶	پی نوشت ها
۱۶۲	تاریخ شفاهی و صنعت (با تأکید بر صنعت خودرو سازی) احمد فرهادی
۱۶۵	نقش تاریخ های شفاهی در تحلیل های تاریخی اقتصاد ایران
۱۶۶	فعالیت های صورت گرفته
۱۶۷	محدودیت ها
۱۶۷	پی نوشت ها

- تاریخ شفاهی و مطالعات شهری (اهمیت تاریخ شفاهی و تبیین آن در مطالعات شهری در راستای تولید دور نمایی از دگرگونی فضایی زندگی اجتماعی در خلال تحولات شهری عصر نوین) رضا مسعودی نژاد ۱۶۸
- جمع بندی ۱۹۴
- پی نوشت ها ۱۹۶
- روش ها و چارچوب های مصاحبه به منظور گرد آوری تاریخ شفاهی حمیده غفوری ۱۹۹
- مسائل اساسی در تاریخ شفاهی ایران (با رویکرد به پژوهش های منتشر شده و طرح تاریخ شفاهی شهریور ۱۳۲۰ مشهد) غلام رضا آذری خاکستر ۲۱۱
- نتیجه گیری ۲۲۴
- پی نوشت ها ۲۲۵
- نقش تاریخ شفاهی در تاریخ نگاری نسیم خلیلی ۲۳۲
- نخستین گام: جست جوی ضرورت و اهمیت تاریخ شفاهی ۲۳۴
- گام دوم: تاریخ شفاهی. روزنه ای به سوی روان شناسی اجتماعی ۲۳۷
- گام سوم: پیوند میان تاریخ شفاهی و فرهنگ عامیانه ۲۳۹
- گام چهارم: ارتباط تاریخ گذشته با تاریخ نگاری اکنون ۲۴۱
- نتیجه گیری ۲۴۳
- پی نوشت ها ۲۴۴
- نقش دانشگاه ها در گسترش تاریخ شفاهی (همراه با ارائه اولین طرح درس تاریخ شفاهی در ایران) ابو الفضل حسن آبادی ۲۴۶
- تاریخ شفاهی در دانشگاه های دنیا ۲۴۷
- تاریخ شفاهی در دانشگاه های ایران ۲۴۹
- نقش دانشگاه ها در گسترش تاریخ شفاهی ۲۵۲
- راه کارها و راه بردها ۲۵۵
- پی نوشت ها ۲۵۶
- نقش مصاحبه گر در پیش برد اهداف تاریخ شفاهی غلام رضا درکتانیان ۲۶۰
- مصاحبه، کلید تاریخ شفاهی ۲۶۱
- ویژگی ها، توانایی ها و مهارت های مصاحبه گر در تهیه تاریخ شفاهی ۲۶۲
- پی نوشت ها ۲۷۰
- نگاهی به میزان بهره گیری از تاریخ شفاهی در تاریخ نگاری معاصر ایران زهرا طلایی ۲۷۵
- پی نوشت ها ۲۸۴
- درباره مرکز ۲۹۰

مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران (شانزدهم اسفند 1385)

مشخصات کتاب

سر شناسه: همایش تاریخ شفاهی ایران (نخستین: 1385: تهران)

عنوان و نام پدید آور: مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران (شانزدهم اسفند 1385)/ به کوشش اداره کل اطلاع رسانی و ارتباطات معاونت اسناد ملی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، 1387.

مشخصات ظاهری: 238 ص.

شابک: بها: 2500 تومان 4-234-446-964-978 ISBN:

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یاد داشت: کتاب نامه.

موضوع: تاریخ شفاهی - ایران - کنگره ها

موضوع: ایران - تاریخ - جمهوری اسلامی، 1358

شناساه افزوده: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

رده بندی کنگره: 8 1385 -/ DSR 1571

رده بندی دیویی: 955/084

شماره کتاب شناسی ملی: 5 4 8 3 4 6 1

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

تاریخ شفاهی ایران

(شانزدهم اسفند 1385)

انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تهران، 1387

ص: 3

فهرست نویسی پیش از انتشار کتاب خانه ملی جمهوری اسلامی

سر شناسه: همایش تاریخ شفاهی ایران (نخستین: 1385: تهران)

عنوان و نام پدید آور: مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران (شانزدهم اسفند 1385)/ به کوشش اداره کل اطلاع رسانی و ارتباطات معاونت اسناد ملی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان اسناد و کتاب خانه ملی جمهوری اسلامی ایران، 1387.

مشخصات ظاهری: 238 ص.

شابک: بها: 2500 تومان 4-234-446-964-978 ISBN:

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یاد داشت: کتاب نامه.

موضوع: تاریخ شفاهی - ایران - کنگره ها

موضوع: ایران - تاریخ - جمهوری اسلامی، 1358

شناساه افزوده: سازمان اسناد و کتاب خانه ملی جمهوری اسلامی ایران

رده بندی کنگره: 8 1385 -/ DSR 1571

رده بندی دیویی: 955/084

شماره کتاب شناسی ملی: 1 4 6 3 4 8 5

سازمان اسناد و کتاب خانه ملی جمهوری اسلامی

WWW.nlai.ir

مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران

(شانزدهم اسفند 1385)

به کوشش: اداره کل اطلاع رسانی و ارتباطات معاونت اسناد ملی

ویر استار: علی سوری

نوبت چاپ: اول

تیراژ: 1000 نسخه

چاپ و صحافی: شاد رنگ

تاریخ انتشار: 1387

بها: 2500 تومان

بزرگ راه شهید حقانی (غرب به شرق)، بعد از ایستگاه مترو، بلوار کتاب خانه ملی

تلفن فروشگاه: 88941946؛ دور نگار: 88947496

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم زهرا روؤفی

ص: 4

- گزارش بر گزارى نخستين همایش تاریخ شفاهی... 5
- اسناد و تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی / رحیم نیکبخت... 9
- اهمیت تاریخ شفاهی روحانیون و اقدامات آستان قدس رضوی در این حوزه / نور الدین حسین سنا بادی عزیز... 19
- تاریخ شفاهی آموزش تاریخ در دانشگاه ها / دکتر محمد حسن راز نهمان... 49
- تاریخ شفاهی تبعیدی ها / رحیم روح بخش... 57
- تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران / دکتر محسن خلیلی... 77
- تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی / محمد رضا بختیاری... 97
- تاریخ شفاهی رویکردی نو به تاریخ حوزه در مشهد / نور الدین حسین سنا بادی عزیز... 109
- تاریخ شفاهی و صنعت (با تأکید بر صنعت خودرو سازی) / احمد فرهادی... 135
- تاریخ شفاهی و مطالعات شهری (اهمیت تاریخ شفاهی و تبیین آن در مطالعات شهری در راستای تولید دور نمایی از دگرگونی فضایی زندگی اجتماعی در خلال تحولات شهری عصر نوین) / رضا مسعودی نژاد... 141
- روش ها و چارچوب های مصاحبه به منظور گرد آوری تاریخ شفاهی / حمیده غفوری... 161
- مسائل اساسی در تاریخ شفاهی ایران (با رویکرد به پژوهش های منتشر شده و طرح تاریخ شفاهی شهریور 1320 مشهد) / غلام رضا آذری خاکستر... 173
- نقش تاریخ شفاهی در تاریخ نگاری / نسیم خلیلی... 191
- نقش دانشگاه ها در گسترش تاریخ شفاهی (همراه با ارائه اولین طرح درس تاریخ شفاهی در ایران) / ابو الفضل حسن آبادی... 205
- نقش مصاحبه گر در پیشبرد اهداف تاریخ شفاهی / غلام رضا درگتانیان... 215
- نگاهی به میزان بهره گیری از تاریخ شفاهی در تاریخ نگاری معاصر ایران / زهرا طلایی... 229

روز وصل دوست داران، یاد باد *** یاد باد، آن روز گاران یاد باد (حافظ)

تاریخ شفاهی را، روشی برای ثبت و ضبط صوتی - تصویری اطلاعات تاریخی از طریق باز گو کردن تجارب، خاطرات و نظرات شخصی افراد بر شمرده اند. محتوای تاریخ شفاهی - که به مدد مصاحبه تولید می شود - می تواند شامل مشاهدات شخصی و یا نقل قول هایی از دیگران درباره وقایع تاریخ معاصر باشد. گر چه تاریخ شفاهی روشی ارزشمند برای حفظ و نگه داری دانش و فهم افراد مسن است، اما می توان تجارب افراد جوان تر را نیز به ثبت رساند.

عده ای، اطلاعات ناشی از تاریخ شفاهی را معتبر نمی دانند؛ زیرا این گونه اطلاعات را بسیار شخصی و ساخته و پرداخته ذهن افراد می شمارند. اما از این امر نباید غافل بود که چه بسا همین خاطرات - که عمری در سینه افراد محبوس بوده و امروز به همت دست اندر کاران تاریخ شفاهی ثبت و ضبط شده - تنها اطلاعات موجود درباره شخص، واقعه و یا محل مد نظر باشد. از سوی دیگر، کم ترین فایده از آن چه در خاطرات دیگران باز گو می شود، این است که در ذهن پژوهش گر تاریخ معاصر، ایجاد شک برای کند و کاو بیش تر در زمینه مطلبی می کند که هرگز به آن توجهی نداشته است.

شاید بتوان مصاحبه را نبض کار و قلب تاریخ شفاهی دانست. مصاحبه گر مجرب و آزموده با هنرمندی، زمینه را فراهم می کند تا مصاحبه شونده در بیان خاطرات خود، علاوه بر اشاره به وقایع و حوادث تاریخی، احساس و نظر خود را درباره آن موضوع بیان کند. محصول چنین تعاملی، کاربران تاریخ شفاهی را به سوی آن چه دیگران انجام داده اند و یا

آرزوی انجام آن را داشته و یا به آن اعتقاد داشته اند، هدایت می کند. در واقع، تاریخ شفاهی را می توان فرآورده مشترک مصاحبه گر و مصاحبه شونده دانست. باز هم باید بر این نکته پافشاری کرد که هنر مصاحبه، نقشی حیاتی در موفقیت کار تاریخ شفاهی دارد.

البته نباید فراموش کرد که هر مصاحبه ای تاریخ شفاهی نیست و هر مصاحبه گری هم توان انجام مصاحبه تاریخ شفاهی را ندارد. بنابراین، افزون بر لزوم داشتن اطلاعات کافی از فرد و موضوع مورد بررسی، آموزش روش های مصاحبه تاریخ شفاهی نیز از الزامات و پیش نیاز های نخستین کار است. بدون آموزش تخصصی در حوزه تاریخ شفاهی - که امروزه در محیط های دانشگاهی به عنوان دوره ای مستقل راه اندازی شده و دانشگاه اصفهان در داخل کشور از پیشگامان این حرکت است - نمی توان به تولیدات علمی مطلوبی که مکمل اطلاعات تاریخی مکتوب است، دست یافت.

آن چه پیش روی شماست، مجموعه مقالات ارائه شده در نخستین همایش تاریخ شفاهی است که در شانزدهم اسفند 1385، در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران برگزار شد.

مقالات این مجموعه را، به طور کلی می توان در چهار بخش زیر گنجانید:

تاریخ شفاهی و اهمیت آن؛

مصاحبه تاریخ شفاهی؛

آموزش تاریخ شفاهی؛

نمونه هایی از تاریخ شفاهی تولید شده در داخل کشور.

امید آن که با مطالعه این مجموعه، سطح دانش عمومی و تخصصی علاقه مندان به تاریخ شفاهی ارتقا یابد و نیز انگیزه ای برای ادامه راه و تولیدات علمی بیش تر و بهتر در این حوزه گردد. البته تاریخ شفاهی با فرهنگ شفاهی ارتباط تنگاتنگی دارد؛ به گونه ای که عده ای سابقه و شباهت آن را به فرهنگ شفاهی دوران اولیه زندگی بشر می رسانند. ولی آن چه به عنوان روشی علمی از آن یاد می شود، بسیار جوان، اما پویا و پر نشاط است که تنها 60 بهار از عمر آن گذشته است. پس نباید از این قافله عقب ماند و چاره ای جز پیوستن به این جنبش شتابان علمی وجود ندارد.

البته باید اذعان داشت که خوشبختانه در دو دههٔ اخیر، کارهای فراوانی در داخل کشور انجام شده که از قدیمی‌ترین آن‌ها، فعالیت آرشیو ملی ایران در حوزهٔ تاریخ شفاهی است. در کنار این فعالیت‌ها، حرکت‌های ارزشمند علمی و آموزشی نیز آغاز شده که بدون شک، با توجه و حمایت بیش‌تر از آن‌ها، تاریخ شفاهی جایگاه والای خود را، در تولید تاریخ معاصر باز خواهد یافت، ان شاء الله.

دکتر سعید رضایی شریف آبادی

ص: 3

گزارش برگزاری نخستین همایش تاریخ شفاهی (شانزدهم اسفند 85)

حیات تاریخ شفاهی در ایران، مقارن با تولد انقلاب اسلامی است. قریب به سی سال است که این فعالیت پژوهشی در سازمان ها و مؤسسات دولتی و غیر دولتی ایران و یا به صورت خصوصی دنبال می شود. در خارج از کشور نیز فعالیت گسترده ای برای ثبت و ضبط تاریخ شفاهی معاصر ایران صورت گرفته است. حاصل چنین فعالیت هایی، گاه به صورت مجموعه خاطرات چاپ و به جامعه تحقیقاتی ارائه شده است.

عوامل و شرایط متعددی موجب شد که تاریخ شفاهی در ایران با استقبال روبه رو شود و در زمینه های مختلفی کاربرد پیدا کند. اما احساس می شود که این فعالیت پژوهشی، نیازمند برخی حمایت های علمی است. به منظور درک هر چه بهتر ضرورت های تاریخ شفاهی و نیز شناخت روش ها و اسلوب های آن، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، در صدد بر آمد تا با برگزاری نخستین همایش تاریخ شفاهی و دعوت از سازمان های فعال در این زمینه، مسائل اساسی و مهم این شیوه پژوهش تاریخی را بررسی کند و فضای لازم را برای شناخت آن، فرا روی علاقه مندان و صاحب نظران قرار دهد.

لذا اولین قدم برای برگزاری همایش تاریخ شفاهی، با تأسیس دبیرخانه همایش در اداره کل اطلاع رسانی و ارتباطات معاونت اسناد ملی بر داشته شد و اعلام فرا خوان آن در تاریخ 85/8/28 انجام شد. تا تاریخ 20 دی ماه تعداد 38 مقاله به دبیرخانه همایش ارسال گردید. از این تعداد، 30 مقاله را اعضای کار گروه علمی همایش داوری کردند، تا این که سر انجام 16 مقاله برای ارائه در همایش انتخاب شد که از آن میان، 2 مقاله از خارج کشور دریافت شد.

اعضای کار گروه علمی همایش عبارتند از :

- دکتر سعید رضایی شریف آبادی، معاون اسناد ملی، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا و دبیر علمی همایش؛

- دکتر علی اصغر سعیدی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران؛

- دکتر ابو الفضل شکوری، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس؛

- دکتر مرتضی نورایی، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان؛

- آقای مرتضی رسولی پور، مدرس دانشگاه و مؤسس تاریخ شفاهی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر؛

- آقای غلام رضا عزیزی، معاون اداره کل اطلاع رسانی و ارتباطات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

دبیر خانه همایش، مجموعه مقالات رسیده را برای هر یک از اعضای کار گروه ارسال کرد و داوران محترم نیز، نظر کتبی خود را به دبیر خانه همایش فرستادند. هم چنین طی جلسه ای مجزا، هر یک از مقالات مورد بررسی گروهی داوران قرار گرفت. بدین ترتیب، نخستین همایش تاریخ شفاهی، در روز چهارشنبه مورخ 16 اسفند 1385 برگزار گردید. مراسم افتتاحیه، از ساعت 9 صبح با سخنرانی مشاور محترم رئیس جمهور و ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی جناب آقای علی اکبر اشعری آغاز شد. آن گاه طی چهار نشست با موضوعات زیر، 16 سخنرانی ارائه شد:

- مبانی تاریخ شفاهی و روش های آن؛

- بررسی جایگاه دانشگاه ها در شناخت تاریخ شفاهی؛

- جنگ تحمیلی و تاریخ شفاهی؛

- تجربیاتی در زمینه تاریخ شفاهی؛

هر نشست را یکی از اعضای کار گروه علمی و دو مهمان همراهی کردند. این همایش، تا ساعت 20 ادامه پیدا کرد و با تقدیر از ارائه دهندگان مقاله و دست اندر کاران برگزاری همایش، به پایان رسید. چکیده ای از مقالات بررسی شده نیز در کتاب چه ای در روز همایش توزیع گردید.

در حاشیه این همایش، نمایشگاهی با عنوان نمایش گاه تاریخ شفاهی برگزار شد. اهمیت آن نمایش گاه، در این بود که برای اولین بار مراکز فعال در زمینه تاریخ شفاهی ایران را در یک محل کنار یک دیگر گرد آورد و نتیجه فعالیت های آن ها را در زمینه تاریخ شفاهی به نمایش گذاشت؛ چنین اقدامی، تا آن تاریخ در جایی صورت نگرفته بود و شاید برای سازمان های شرکت کننده نیز جالب و تازه بود. هم چنین ویژگی دیگر همایش، این بود که برای نخستین بار نمایش گاهی مفهومی از تاریخ شفاهی در ایران، به همت یکی از نام داران هنر گرافیک، آقای ساعد مشکی، با هنرمندی و سلیقه خاصی انجام شد.

سازمان های شرکت کننده در آن نمایش گاه، عبارت بودند از: سازمان اسناد و کتاب خانه ملی جمهوری اسلامی ایران، آستان قدس رضوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (رحمه الله)، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی) و موزه پزشکی.

ارائه یک نرم افزار چند رسانه ای که شامل سوابق فعالیت سازمان اسناد و کتاب خانه ملی در زمینه تاریخ شفاهی و مجموعه اطلاعات مرجع در این زمینه بود، از امتیازات دیگر همایش بود. مقالات منتشر شده در فصل نامه گنجینه اسناد در مورد تاریخ شفاهی، فهرست نام مصاحبه شوندهگان تاریخ شفاهی در سازمان اسناد و کتاب خانه ملی، گزیده فیلم های مصاحبه، نمایش اسلاید از تصاویر مصاحبه شوندهگان، وب گاه های مهم تاریخ شفاهی در داخل و خارج از کشور و اطلاعات سود مند دیگر، از جمله اطلاعاتی بود که در این نرم افزار گرد آمده است. نرم افزار یاد شده، در روز همایش توزیع گردید.

دبیر خانه، پس از برگزاری همایش، طی مکاتباتی از ارائه دهندگان مقالات خواست تا به منظور چاپ و انتشار مجموعه سخنرانی ها، مقالات خود را تکمیل و به دبیر خانه ارسال کنند. مجموعه حاضر، حاصل پیگیری های انجام گرفته در جهت جمع آوری و تکمیل مقالات همایش است. از مجموع 16 مقاله خوانده شده در همایش، تعداد 13 مقاله در این مجموعه ارائه شده است. هم چنین یک مقاله با عنوان تاریخ شفاهی صنعت در ایران نیز- که خارج از زمان بندی همایش به دبیر خانه ارسال شده بود- و مقاله ای دیگر از نور الدین حسین سنا بادی در مجموعه گنجانده شد.

برگزاری این همایش، مرهون توجه، هم کاری و مساعی کسانی است که ذکر نام آن‌ها در این جا ضروری است؛ اگر چه بدون شک اشاره به نام یکایک آن‌ها مقدور نمی باشد. شایسته است از بذل توجه و امعان نظر جناب آقای علی اکبر اشعری؛ ریاست محترم سازمان، حمایت های جناب آقای صفری؛ معاون محترم پشتیبانی، هم کاری و توجه جناب آقای دکتر سعید رضایی شریف آبادی، معاون وقت اسناد ملی و دبیر علمی همایش؛ مساعدت و هم کاری بسیار ارزشمند اعضای محترم کار گروه علمی جناب آقای دکتر علی اصغر سعیدی، جناب آقای دکتر مرتضی نورایی، جناب آقای مرتضی رسولی پور و جناب آقای غلام رضا عزیزی؛ حضور فعال و مؤثر سر کار خانم مهندس فریبا فرزام، مدیر کل اطلاع رسانی و ارتباطات- که به نحو بسیار شایسته ای مراحل اجرایی همایش را مدیریت کردند- و هم چنین اعضای کار گروه اجرایی همایش خانم ها پیمانہ صالحی، رؤیا محمد لو، فهیمه آزاده، فاطمه نورایی نژاد، آزاده نباتچیان، لیدا بیستونی و زهرا گودرزی تشکر و قدردانی شود.

آماده سازی مجموعه مقالات همایش برای چاپ، حاصل زحمات انتشارات سازمان اسناد و کتاب خانه ملی است؛ از آقای عبد الله نجفی مدیر کل آموزش و پژوهش بسیار سپاس گزاریم، هم چنین از مدیر انتشارات خانم پروانه درویش و آقای علی سوری که با دقت و حوصله مجموعه مقالات را ویرایش کردند؛ و نیز از خانم ها فریبا خرد پژوه، لیلا مراد علیان، لیدا بیستونی، طاهره معمار و از سایر اعضای کار گروه اجرایی قدر دانی می گردد.

در پایان، یاد آور می شود که یکی از ضرورت های تاریخ شفاهی در ایران، ایجاد پیوند بین دست اندر کاران اجرایی از طرفی و دانشگاه ها از طرف دیگر و تولید پستوانه های علمی آن است که به قدر کافی تا کنون صورت نگرفته است. تاریخ شفاهی، امروزه از مباحثی است که در جهان بسیار مورد توجه قرار گرفته و در حوزه های مختلف و با اهداف علمی، آموزشی و تربیتی، مورد استفاده است. لذا می باید در برنامه ریزی های کلان آموزشی، مورد توجه خاص قرار گیرد. برگزاری نخستین همایش تاریخ شفاهی، گام مثبتی بود که در این راستا برداشته شد، اما بی تردید تداوم موضوع لازمه موفقیت نهایی آن است.

شفیقه نیک نفس

دبیر اجرایی همایش

ص: 8

اشاره

قرار بود سه سال قبل همایشی در زمینه تاریخ شفاهی در سازمان اسناد ملی ایران برگزار شود که در زمستان 1386 محقق گردید. نگارنده، مقاله ای برای آن همایش تهیه دید که حاصل تجربیات شخصی بود. اینک پس از برگزاری همایش تاریخ شفاهی ایران به همت مسئولان و کارکنان سخت کوش «معاونت اسناد» سازمان اسناد و کتابخانه ملی، همان مقاله با افزوده هایی تقدیم محققان و صاحب نظران می شود.

آن چه در پی آمده، بحث اولیه ای برای بیان جایگاه اسناد در تاریخ شفاهی است. پر واضح است موضوعاتی که به صورت تاریخ شفاهی در نظر گرفته می شود، عمدتاً به نیم قرن اخیر و بویژه انقلاب اسلامی تعلق دارد. زیرا امکان گردآوری خاطرات شفاهی قبل از مقطع زمانی یاد شده، به دلایل متعدد وجود ندارد و بناچار به منابع مکتوب یا اسناد باز مانده اتکا باید کرد.

در این نوشتار، نخست به اختصار از اسناد و پژوهش های تاریخی و سپس از تاریخ شفاهی در ایران سخن خواهد رفت و در ادامه، به بیان ارتباط و جایگاه اسناد در مراحل مختلف گردآوری تاریخ شفاهی پرداخته می شود، این نوشتار، تجربیات شخصی نویسنده از

ص: 9

تدوین چندین مجموعه تاریخ شفاهی و ناشی از مسئولیت های پژوهشی است. در ادامه، گزارشی هم از فعالیت های مرکز اسناد انقلاب اسلامی ارائه خواهد گردید.

اسناد و خاطرات شفاهی در پژوهش های تاریخی

پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357، ضمن آن که تحولی مهم در عرصه سیاست جهانی بود، به لحاظ تاریخ نگاری هم تأثیرات مهمی در عرصه پژوهش و تحقیق به بار آورد. ورود دو گونه منبع جدید به عرصه پژوهش - که شامل اسناد دولتی نهاد های سیاسی و امنیتی و خاطرات شفاهی است - انقلابی در این عرصه به شمار می آید.

تا پیش از انقلاب برخی اسناد-که اغلب متعلق به خاندان های دوره قاجار بود - مورد استفاده پژوهش گران قرار گرفت. لیکن حجم انبوه اسناد سازمان دهی شده در مرکزی چون سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران یا مراکز دیگری چون نهاد ریاست جمهوری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی و آرشيو وزارت امور خارجه، به هیچ وجه با پیش از انقلاب اسلامی در خور سنجش نیست؛ ضمن آن که دستیابی به اسناد این مراکز به سهولت امکان پذیر است. دسترسی محققان و پژوهش گران به حجم انبوهی از اسناد ضمن آن که زوایای فراوانی از تاریخ معاصر ایران را روشن می سازد، گونه ای پژوهش هم به وجود آورده است که پشتوانه اصلی آن اسناد است و به عنوان «پژوهش های اسنادی» می توان از آن نام برد. (1)

توجه به خاطرات شخصیت های دخیل در حوادث تاریخی ایران، سابقه ای بس کهن دارد. بسیاری از منابع مکتوب نیز از نوشته شدن دیده ها و شنیده ها به وجود آمده است. درج اخبار متفاوت را از روایان متعدد درباره واقعه ای واحد، در منابعی چون طبری می توان یافت. آن چه این سنت قدیمی را از تاریخ شفاهی (Oral History) کنونی متمایز می سازد، استفاده نظام مند از خاطرات افراد مختلف در واقعه یا موضوع خاصی در مراحل مختلف گرد آوری اطلاعات از طریق مصاحبه، پیاده سازی، نگارش و تدوین آن است.

ص: 10

1- نگارنده، اخیراً مقاله ای تحت عنوان «اسناد و تاریخ انقلاب اسلامی»، در مجله کتاب ماه تاریخ، شماره 104 - 106 منتشر کرده است

در حالی که در شیوه سنتی تاریخ نگاری، هر آن چه از حوادث و وقایع از حالت قول شفاهی به کتابت در آمده، اقوال موجود همان روزگار بوده است که مورخ، آن ها را ثبت کرده است و این طور نبوده که در پی شاهدان حادثه باشد تا از زبان ایشان موضوعی را روایت کند. ضبط صوتی یا تصویری خاطرات، به صورت نوار کاست یا فیلم ویدئویی و کیفیت و کمیت ضبط آن، آرشیو و نحوه استفاده و ارجاع به آن ها در تاریخ شفاهی، از وجوه امتیاز این شیوه از گرد آوری اطلاعات است. انقلاب اسلامی - همان گونه که در عرصه پژوهش های اسناد انقلاب به وجود آورد - در عرصه خاطره نگاری و پیدایش یا تکامل و نضج گیری تاریخ شفاهی در داخل و خارج از ایران نقش عمده و اساسی داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انتشار یاد نامه هایی حاوی خاطرات در مناسبت های ویژه انقلاب اسلامی، از جمله نخستین فعالیت ها می باشد. نخستین تلاش که هم به لحاظ علمی و هم عملی در عرصه تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی در خور توجه است، در مجله «یاد» از نشریات بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی صورت گرفته است. قدم های بعدی مستحکم تر برداشته شد. مجموعه «خاطرات 15 خرداد شامل 9 دفتر، و آثاری چون تاریخ های شفاهی انقلاب اسلامی - که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انجام رسیده - از جمله تلاش های بعدی است که مسیر تکاملی طی کرده است.

اسناد و تاریخ شفاهی

اسنادی که در نهادهای انتظامی - امنیتی یا سیاسی - اداری تولید شده است، بسته به نوع نهاد و سازمان تولید کننده، نزدیکی یا دوری گزارش کننده به حادثه یا موضوع مورد مطالعه در تاریخ شفاهی، تعلقات درونی وی، اشراف بر موضوع مورد گزارش یا آموزش مأموران در مورد نحوه تهیه گزارش، می تواند در کیفیت و کمیت اطلاعات موجود در گزارش ها مؤثر و در مرتبه اعتبار سند متفاوت باشد. با تمام این مباحث، پژوهش گر تاریخ، می باید اشراف کاملی به آن داشته باشد؛ اسنادی که در بررسی های بایسته محقق واجد اعتبار است، در مراحل مختلف پیدایش تاریخ شفاهی کاربرد هایی دارد که به مواردی از آن ها اشاره می شود.

اول - کار برد اسناد در تاریخ شفاهی، برای تعیین دقیق زمان حادثه و مکان وقوع آن است. زیرا در تاریخ شفاهی، در اغلب موارد نمی توان تاریخ دقیق وقوع را از اقوال مختلف استخراج کرد و روایات ضد و نقیض از آن دیده می شود.

دوم - پس از مشخص شدن زمان و مکان وقوع حادثه در شناسایی منابع شفاهی، اسناد اهمیت مضاعفی پیدا می کنند. براساس اسناد، مشخص می شود چه کسان یا گروه هایی در هنگام حادثه حضور داشته اند. در شناسایی افراد نیز برای انجام مصاحبه (اعم از شفاهی یا مکتوب)، سند کارایی خود را داراست.

سوم - در جریان مصاحبه و طرح پرسش از شاهدان حادثه، سؤال هایی که محقق از منابع دیگر درباره موضوع مورد تحقیق خود استخراج کرده، باز هم اسناد در آن ها جایگاهی ویژه می یابد. زیرا با داده هایی که از خلال اسناد از کمیت و کیفیت واقعه وجود دارد، محقق به زوایای مبهم و سؤال بر انگیز آن می پردازد.

چهارم - پس از انجام مصاحبه و مراحل آماده سازی خاطرات برای استفاده و تدوین تاریخ شفاهی، باز هم اسناد برای سازماندهی فصول و مطالب به یاری محقق می آید. زیرا براساس خاطرات، نمی توان ترتیب وقوع حوادث را به دقت مشخص ساخت. چه بسا در نقل روایات این تسلسل پس و پیش شده باشد. در حالی که تاریخ دقیق حادثه در اغلب موارد در اسناد یافت می شود و بر اساس همین یاد کرد تاریخ می توان مطالب و خاطرات شفاهی را مرتب کرد.

و سر انجام مهم ترین کاربرد اسناد، در تدوین تاریخ شفاهی است. بی شک بدون استفاده محقق از اسناد صحیح در تدوین تاریخ شفاهی، چرخه تاریخ معاصر و بویژه انقلاب اسلامی ناقص خواهد ماند. خاطرات شفاهی که از راویان مختلف حول محور یک موضوع خاص گرد آمده است، هم چون اسناد که بر اساس دوری و نزدیکی به حادثه و دیگر مسائل پیش گفته در مورد اسناد طبقه بندی و ارزش گذاری می شود. صحت و سقم این داده ها، از راه های گوناگونی در خور بررسی است که محقق تاریخ شفاهی، ناگزیر از انجام آن است.

در تاریخ شفاهی، به حوادث قبل از وقوع (پیش زمینه ها)، چگونگی شکل گیری، زمینه ها، ماهیت موضوع، عوامل تأثیر گذار در موضوع، وقوع حادثه (با تسامح در زمان، مکان

و تسلسل تاریخی آن) و پیامد های آنی و بلند مدت موضوع پرداخته می شود. اسناد در کنار این مسائل، لحظه وقوع، کمیت و کیفیت حادثه، افراد حاضر در صحنه، پیگیری های صورت گرفته، اقدامات انجام شده و واکنش نهاد های ذی ربط را با ترتیب تاریخی روشن می کند. گاهی هم که برخی حوادث از یاد شاهدان رفته یا کم رنگ شده است، اسناد به تکمیل این گونه «از یاد رفته ها» می پردازد.

تاریخ شفاهی در مرکز اسناد انقلاب اسلامی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، با دست یابی به اسناد دستگاه هایی چون ساواک و شهر بانی و ادارات دیگر از یک سو و امکان انجام مصاحبه با شاهدان تاریخ انقلاب از دیگر سو، حرکتی را شروع کرد که سیر تکاملی داشت. سه گونه تاریخ شفاهی در مرکز اسناد انقلاب اسلامی امکان شناسایی دارد:

الف - اولین کتاب های تاریخ شفاهی مرکز، به مجموعه خاطرات شخصیت های حاضر و ناظر در یک حادثه یا موضوع اختصاص داشت که متن خاطرات هر فرد مستقل از فرد دیگر در کنار هم قرار می گرفت. هر یک از راویان در پاسخ به سؤالات مصاحبه گر، روایت خود را از موضوع بازگو می کردند. آثاری چون حماسه 29 بهمن تبریز، حماسه 19 دی قم، حماسه 17 خرداد 1354- که همگی به کوشش علی شیر خانی منتشر گردیده است - به همین شیوه است؛ ضمن آن که پس از قسمت خاطرات، اسناد دولتی یا غیر دولتی و تصویر نشریات و عکس های تاریخی درج گردیده است.

ب - در گونه تکامل یافته تاریخ شفاهی، به جای در کنار هم قرار گرفتن خاطرات در متن کتاب، بر اساس فصول و ترتیب موضوعی، روایات شفاهی افراد مورد استفاده قرار گرفته است. فرضاً اگر چند راوی از نحوه شروع حادثه سخن گفته اند، روایت ایشان در قسمت نحوه شروع حادثه به صورت نقل قول مستقیم درج گردیده است. به همین ترتیب، خاطرات شفاهی همانند قطعات جور چین، به تکمیل و تبیین موضوع کمک می کند. در این شیوه هم، استفاده از اسناد جایگاهی ویژه در مراحل مختلف دارد. آثاری چون: تاریخ شفاهی مسجد جلیلی، تاریخ شفاهی مسجد ارک، تاریخ شفاهی گروه ابوذر، تاریخ شفاهی کانون نشر

حقایق اسلامی، تاریخ شفاهی واقعه هفدهم شهریور، تاریخ شفاهی گروه مهدویون، تاریخ شفاهی گروه های هفت گانه، به همین شیوه تدوین و انتشار یافته است.

ج - شیوه تازه ای که اخیراً برخی محققان و پژوهشگران صاحب نام در مرکز اسناد انقلاب پیشه کرده اند، استفاده پژوهشی از متن روایات شفاهی به جای نقل قول مستقیم خاطرات است. محقق، در این شیوه مراحل اجرای طرح تاریخ شفاهی را انجام می دهد. در مرحله نگارش و تدوین است که به جای نقل قول مستقیم از خاطرات، محقق، مضمون آن ها را با جمله بندی خود در ترتیب موضوعی تحقیق استفاده می کند. بهره گیری از اسناد در مراحل مختلف طرح در این شیوه نیز مورد توجه پژوهشگر می باشد. از آثاری که با این شیوه جدید نگارش و تدوین یافته، می توان از تاریخ شفاهی مسجد همت تجریش و تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله ملک، از آثار محقق سخت کوش، محمود طاهر احمدی و تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله خادمی تألیف دکتر مهر علی زاده، نام برد.

الف - طرح های منتشر کرده تاریخ شفاهی مرکز اسناد

1- تاریخ شفاهی گروه های هفت گانه؛

2- تاریخ شفاهی گروه مهدویون؛

3- تاریخ شفاهی مسجد ارک؛

4- تاریخ شفاهی مسجد جلیلی؛

5- تاریخ شفاهی مساجد اطراف بازار؛

6- تاریخ شفاهی مدرسه حقانی؛

7- تاریخ شفاهی گروه ابوذر؛

8- تاریخ شفاهی کانون نشر حقایق اسلامی؛

9- تاریخ شفاهی دهه فجر؛

10- تاریخ شفاهی تغییر مواضع ایدئولوژیک؛

11- انقلاب اسلامی به روایت خاطره؛

12- حماسه نوزدهم دی قم؛

13- حماسه 29 بهمن تبریز؛

14- حماسه هفدهم خرداد 1354.

ب - طرح های زیر چاپ تاریخ شفاهی

1- تاریخ شفاهی مسجد هدایت؛

2- تاریخ شفاهی مبارزات علمای فارس؛

3- تاریخ شفاهی حزب ملل اسلامی؛

4- تاریخ شفاهی واقعه هفدهم شهریور؛

5- تاریخ شفاهی جامعه اسلامی مهندسان؛

6- تاریخ شفاهی جامعه روحانیت مبارز؛

7- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات شهید بهشتی؛

8- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله خادمی؛

9- تاریخ شفاهی تأسیس کمیته انقلاب اسلامی؛

10- تاریخ شفاهی مسجد همت تجریش؛

11- تاریخ شفاهی مبارزات سیاسی زنان مسلمان؛

ج - طرح های در دست انجام تاریخ شفاهی

1- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله ملکی؛

2- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله اشرفی اصفهانی؛

3- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله ربانی شیرازی؛

4- تاریخ شفاهی زندگانی و خدمات فرهنگی - اجتماعی آیت الله حائری تهرانی؛

5- تاریخ شفاهی بیعت افسران نیروی هوایی با امام خمینی؛

6- تاریخ شفاهی مساجد تأثیر گذار در انقلاب اسلامی؛

7- تاریخ شفاهی مبارزات امام خمینی در نجف؛

8- تاریخ شفاهی شکنجه در زندان های پهلوی؛

ص: 15

9- تاریخ شفاهی تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛

10- تاریخ شفاهی گروه منصورون؛

11- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات حاج احمد آقا خمینی؛

12- تاریخ شفاهی مدارس اسلامی؛

13- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله مطهری؛

14- فدائیان اسلام در کلام یاران.

علاوه بر طرح های فوق، از شیوه تاریخ شفاهی در انجام طرح های تاریخ منطقه ای انقلاب اسلامی (انقلاب اسلامی در شهرستان ها) نیز استفاده می شود.

الف - طرح های چاپ شده تاریخ منطقه ای

1- انقلاب اسلامی در میانه؛

2- انقلاب اسلامی در ورامین؛

3- انقلاب اسلامی در بجنورد؛

4- انقلاب اسلامی در کاشان؛

5- انقلاب اسلامی در سیرجان.

ب - طرح های زیر چاپ تاریخ منطقه ای

1- انقلاب اسلامی در زنجان؛

2- انقلاب اسلامی در یزد؛

3- انقلاب اسلامی در اهواز؛

4- انقلاب اسلامی در مرند؛

5- انقلاب اسلامی در مشهد؛

6- انقلاب اسلامی در رفسنجان؛

ج - طرح های در دست تألیف تاریخ منطقه ای

1- انقلاب اسلامی در تبریز؛

2- انقلاب اسلامی در اصفهان؛

3- انقلاب اسلامی در شیراز؛

4- انقلاب اسلامی در اردبیل؛

5- انقلاب اسلامی در مازندران؛

6- انقلاب اسلامی در کرمان؛

7- انقلاب اسلامی در جهرم؛

8- انقلاب اسلامی در کازرون؛

9- انقلاب اسلامی در سبزوار.

ص: 17

اهمیت تاریخ شفاهی روحانیون و اقدامات آستان قدس رضوی در این حوزه نورالدین حسین سنا بادی عزیز

*اهمیت تاریخ شفاهی روحانیون و اقدامات آستان قدس رضوی در این حوزه نورالدین حسین سنا بادی عزیز (1)

چکیده

تاریخ شفاهی به صورت امروزینش گرچه عمری دراز ندارد، ولی از گستره بسیار وسیعی برای نمایاندن اجزایی از یک واقعه که به صورت مکتوب در نیامده، اما در ذهن فردی که نقشی در واقعه داشته یا در اتفاق حضور به هم رسانیده، بر خور دار است. این نوع تاریخ خصوصاً در شاخه روحانیت، حائز اهمیت بسیار است. احادیث، اخبار و روایات بی شماری به دلایل مختلف، قرن ها از سینه ای به سینه دیگر منتقل گردیده تا اسباب کتابت آن ها فراهم آمده است. هنوز اهل فن بر سر سندیت این اخبار بحث و جدل دارند تا سره از ناسره شناخته شود. این حرکت روایی، تاریخ شفاهی دین و روحانیت است. بی علت نیست که این بخش از جامعه در بیان شفاهی تاریخ، گوی سبقت از دیگر اقشار جامعه و دیگر مقوله ها ر بوده اند. بحث و درس، منابر و مجالس متعدد و پیوسته، آن ها را در بیان مطالب و انتقال اطلاعات به دیگران متبحر کرده است. در این قشر، عده قلیلی حضور فرهنگی خود را با

ص: 19

نگارش حفظ می کنند، اما اکثر روحانیون صرفاً به لحاظ حرفه ای با کلام و تاریخ شفاهی سر و کار دارند.

در مصاحبه های رسمی و متعدد و نشست و برخاست های دوستانه ای که با روحانیون در سطوح مختلف شخصیتی داشته ایم، بر اهمیت تاریخ شفاهی بیش از پیش تأکید شده، خصوصاً در حوزه جغرافیایی شهر مقدس مشهد الرضا که بذر دانش تاریخ شفاهی در آن با بیان حدیث قدسی سلسله الذهب (1) قوت گرفت و به یقین مهم ترین علت برای تدریس و ترویج فقه جعفری و سبب اصلی تشکیل حوزه علمیه مشهد الرضا (علیه السلام) شد که خود، جاذب استادان و طلبه های بی شمار علوم دینی می باشد. (2)

گنج هزار ساله کتاب خانه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی - که در آن بیش از شش میلیون برگ سند، حاوی یک میلیون برگ نفیس ثبت شده موجود است - فرصت تحقیق را برای هر محققى مهیا ساخته است تا کار نامه درخشان فعالیت حوزه علمیه مشهد الرضا را در هر دو بُعد دیانت و سیاست - که به چند سده می رسد - بکاود و بخصوص کند و کاو در عقاید متفاوت در مقوله جدایی پذیری و نا پذیری دین از سیاست که مهم ترین محور اصلی مصاحبه ها را تشکیل می دهد.

به لحاظ شفاهی بودن بحث، بیش تر از منابع شفاهی استفاده شده است. در پایان، اسامی اشخاص و مشخصات منابع موجود در بخش تاریخ شفاهی مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، ذکر شده است.

ص: 20

1- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، مجمع البحوث الاسلامیه (مشهد: 1408ق.).

2- محمود پسندیده، حوزه علمیه خراسان، ج اول، مدارس علمیه مشهد، چاپ اول (مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1385).

... این دبیر گنج و گول و کور دل تاریخ

تا مُذْهَبِ دَفْتَرش را گاه گه می خواست

با پریشان سرگذشتی از نیاکانم بیالاید

رعشه می افتادش اندر دست

در بنان دُر فشانش، کلکِ شیرین سلک می لرزید

حبرش اندر محبر پر لایقه چون سنگ سیه می بست...

در این شعرِ زنده یاد اخوان ثالث، باور مخدوش بودن تاریخ مکتوب - که دور از واقعیت نیست - بخوبی بیان شده است.

هم عقیده بودن با اصل یاد شده، جایگاه تاریخ نگاری شفاهی را برای بیرون کشیدن واقعیات از غیر واقعیات، بر جسته تر می سازد. بیرون کشیدن نا گفته ها از گنجینه سینه های سال خوردگان و شنیدن تجارب آن ها - که اغلب فرصت نگارش را به دلایل مختلف نداشته اند - شاخه ای را از دیر باز در علم تاریخ به خود اختصاص داد که انتقال سنت های شفاهی بود و به تاریخ شفاهی مشهور شد.

آن قدر این جایگاه اهمیت یافت که زمان بسیاری صرف حرفه ای کردن این شاخه گردید. تعاریف بسیاری شنیده و شروح مختلفی بر این شاخه از تاریخ نگاشته شده است که نیازی به تعریف کردن معنا و مفهوم تاریخ شفاهی نیست. تنها به سبب موضوع مورد بحث، بناچار مختصری تاریخ نگاری روحانیت را به بحث می گذاریم تا بر اهمیت موضوع تأکید بیش تر شده باشد. برای دستیابی به نتایج بهتر، راه کار های عملی و نظری تجربه شده را بررسی می کنیم و در نهایت، تجارب گروه تاریخ شفاهی مدیریت اسناد آستان قدس رضوی را عرضه می داریم. باشد که از نظرات سود مند پیشکسوتان و استادان فن، برای پیشبرد وظیفه و مقاصد حرفه ای مان استفاده کنیم. بی شک از انتقادات و راهنمایی های مجربان استقبال خواهد شد. چرا که این ویژگی کسانی است که در پی دست یابی به حقیقت و واقعیت هستند.

گرد آوری اخبار به هر شکل غیر مکتوبی که باشد و استنتاج از آن ها در موضوعی مشخص نیز می تواند راهی برای دستیابی به حقایق باشد. البته تا موضوع چه باشد، بعد زمانی و

مکانی آن موضوع چه باشد و تا چه حد اشخاص مطلع و منابع مختلف در اختیار باشد و تا چه درجه، محقق به آن چه می کند تسلط علمی داشته و مانع سوگیری های شخصی شود.

به هر روی، تاریخی که به صورت شفاهی و متواتر جمع آوری می شود، معتبر تر از خبری است که فقط در یک منبع به شکل متفاوت ذکر شده است (1) و مستند تر از تاریخ مکتوبی است که مورخی در همان موضوع نگاشته باشد. تطابق نتایج تاریخ مکتوب و شفاهی بر اهمیت تاریخ شفاهی می افزاید؛ گر چه بظاهر در مقایسه با تاریخ مکتوب، زمان چندان از پیدایش علمی و حرکت حرفه ای تاریخ شفاهی نمی گذرد، ولی رواج و تلاش روز افزون و حرکت سریع کار شناسان این شاخه، نشان دهنده این است که زمان برای جبران عقب ماندگی از به کار بردن این علم بسرعت سپری می شود.

معمران و شیوخ آگاه بسیاری هستند که متأسفانه روز های واپسین حیات پر برکت شان را می گذرانند؛ اما تا کنون حداقل به منظور ثبت خاطرات خود اقدام نکرده اند و بیم آن می رود که گنجینه اسرار سینه هاشان را به جای آن که در این زمان انفجار اطلاعات در معرض قضاوت دیگران قرار دهند، با خود در صدف خاک پنهان کنند؛ نا گفته هایی که شاید گره های کوری از تاریخ معاصر ما را باز کند؛ اگر چه تا کنون با هزار تلاشی که در این زمینه صورت گرفته، گنج های نادری گشوده نشده، با صاحب دلش در صدف خاک مدفون شده است. سکوت اکثر این رجال بیش تر دلایل عقیدتی و سلیقه سیاسی داشته است و گمان می کرده اند که با بیان آن عقاید، به شخصیت آن ها لطمه وارد می آمده است، یا آن ها از بُعد دینی به گونه ای تقیه می کرده اند تا در صفوف دین، شکافی وارد نشود. جای بسی تأسف است که اگر پس از گذشتن زمان لازم از آن واقعه و خروج از بحران، باز هم لب نگشوده باشند. این حرکت، تنها بعد قضیه در نشان دادن اهمیت بالای تاریخ شفاهی روحانیت نیست. ابواب دیگری هم وجود دارد که سعی در بیان آن ها داریم و به دنبال باز گشایی آن ها هستیم.

برای بررسی میدانی تاریخ شفاهی روحانیت، بناچار از موضوع دین و وحی - که شاخص ترین و قدیمی ترین موضوع تاریخ شفاهی است - به صورت اشاره شروع کرده ایم. سپس انتقال کلام وحی الهی به شکل مکتوب، همراه با اشاره ای به علت و شیوه سنتی آن و

ص: 22

1- دکتر محمد حسین دیانی، روش های تحقیق در کتاب داری (مشهد: انتشارات کتاب خانه رایانه ای، 1384)، ص 16.

ترویج عقاید دینی به دست صحابه در اوایل و روحانیت در دوران بعدی به صورت حرفه اصلی این قشر از جامعه در جایگاه اصلی آنان یعنی منابر و مجالس، توجه شده است.

حضور عامل مهم سیاست در ادوار مختلف و درگیری روحانیت در این مقوله مهم و سرنوشت ساز، سبب گردید تا عده ای واجد بر جستگی شخصیت و گروهی گوشه نشین یا حاشیه نشین شوند. شنیدن عقاید و مشارب فکری آنان، حائز اهمیت بسیار است که در حد توان به آن پرداخته شده است. همین قدر که گمان می رود حق مطلب در این مختصر ادا شده باشد؛ همین حرکت و حضور مرجعیت دینی در عرصه سیاست، حائز توجه بیش تر است. تقیه و سکوت در مواردی که بیان عقاید سبب جنجال و شکاف در صفوف دین می شده، (1) شنیدنی است که در این مورد هنوز موفقیت چندانی به دلایل مختلف حاصل نشده است. امید آن که در آینده این چنین نباشد.

گفتنی است که روال دست یابی به نکات مهم، بررسی و تطابق آن ها با دیگر نکات، قاعدتاً رجوع به منابع و مآخذ مکتوب است. در مواردی که دست یابی به این نکات به صورت مکتوب میسر نیست، شیوه گفت گوی شفاهی با استادان و مراجع به کار برده شده که از همه این حضرات که نام شان در پایان آمده است، قدر دانی می کنم.

مشروح اهمیت تاریخ شفاهی روحانیت

ظهور و شکل گیری ادیان الهی، بر محور وحی استوار بوده است. بویژه هنگامی که صحبت از دین مبین اسلام مد نظر می باشد که آغاز آن با وحی پروردگار، به صورت نزول دفعی قرآن در شب قدر بر قلب مبارک پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) صورت گرفت. (2) سپس نزول تدریجی قرآن به وسیله جبرئیل امین به محمد امین (صلی الله علیه و آله و سلم) و به زبان فصیح عربی، بسته به زمان و موقعیت مخصوص خودش انجام می شد. نزول تدریجی قرآن، طی 23 سال به صورت مداوم صورت پذیرفت. از ابتدای رسالت و شروع نزول تدریجی قرآن، گروه کاتبان وحی (3) را پیامبر اُمی انتخاب کرد و تشکیل داد. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) - که خود سواد خواندن و نوشتن نداشت - کلام وحی را بر کاتبان وحی قرائت می فرمود و این افراد، وظیفه ثبت آن ها را بر عهده داشتند. این که قرآن مجید تنها کتاب آسمانی است که تحریف نشده، دلایل

ص: 23

1- ناصر مکارم شیرازی، تقیه سپری برای مبارزه عمیق تر (قم: انتشارات هدف).

2- ناصر مکارم شیرازی و...، تفسیر نمونه، جلد 27 - سورة قدر (قم: دار الکتب الاسلامیه، 1366).

3- حافظان و کاتبان وحی (نوار صوتی)/ عبد الغفار ذوقی طالقانی، شماره بازیابی 102 ک CA3102000.

گونگونگی دارد، از جمله این که کتابت آن درست پس از وقوع وحی بود و جمع آوری آن به دست حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) و رواج آن در میان مسلمانان، چه در دوران 23 سال و چه در دوران بعدی.

غیر از وحی قرآنی، نوع دیگر وحی که بر پیامبر نازل می شد، به اصطلاح در شرایط خواب و رؤیا بوده که بی واسطه جبرئیل صورت می گرفته است. (1) زبان وحی از نوع دوم، ظاهراً با زبان محاوره ای مردم عادی متفاوت بوده است. وظیفه پیامبر در انتقال این گونه اطلاعات، بازگویی آن ها برای مردم بود به زبانی که قابل پذیرش و فهم عوام باشد. علی الظاهر این نوع اطلاعات - که با عنوان احادیث مشخص شده است - گر چه همانند قرآن به دست کاتبان وحی کتابت می شده، ولی مانند قرآن اجباری در نوشتن آن ها نداشتند. لذا هر کس که می شنید، در سینه حفظ می کرد.

احادیث، پس از قرآن مهم ترین منابع قابل استفاده در زندگی مادی و معنوی مسلمانان است که شامل همه گونه اطلاعات می باشند و حتی اطلاعاتی در مورد زمان پس از مرگ و اخبار قیامت و جهان دیگر است. علی ای حال با افزایش احادیث و پیدایش و کثرت راویان، سنت تاریخ نگاری اسلامی پدید آمد که چیزی جز نقل آن ها از سینه ای به سینه دیگر نبود. در این میان عده ای سود جو، با نظرات خاص شروع به جعل و نقل احادیث از قول پیامبر کردند. بنابراین، احادیث جعلی و راویان جاعل (2) پدیدار گردید و این امر سبب شد که تحقیقات وسیعی در این زمینه صورت گیرد تا سره از ناسره تمییز داده شود. هنوز اهل فن بر سر سندیت احادیث و راویان حرف و بحث دارند.

الزامی نبودن کتابت احادیث، انواع مختلف آن - که قابل ثبت مکتوب نبوده - بی سوادی اکثر مردم و دلایل دیگر، از جمله علل نقل شفاهی و پیدایش جعل آن هاست. از طرف دیگر نبود امکان کتابت، نشر و اطلاع رسانی مکتوب، شکل کار نقل را ناچار به صورت شفاهی درآورد. این روایت شفاهی از صحابه به تابعین و از تابعین به تابعین دیگر، (3) از زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به صورت یک اصل تاریخ نگاری شروع شد و در زمان ائمه اطهار (علیهم السلام) ادامه یافت و تا کنون به صورت های مختلف در آمده است که در واقع یکی از وجوه تمایز سنت مستندات شفاهی قدیم و جدید به شمار می رود.

ص: 24

1- الاخبار الدخیله، محمد تقی تستری (تهران: مکتب الصدوق، 1401ق.).

2- یکصد و پنجاه صحابه ساختگی، مرتضی عسکری، ترجمه عطا محمد سردار نیا (تهران: بهار 64-1361).

3- علم الحدیث و درایة الحدیث، کاظم مدیر شانه چی، چاپ سوم (قم: دفتر انتشارات اسلامی).

اختلافات پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بین صحابه و پیدایش فرق اسلامی (1)، بر اهمیت کار تاریخ شفاهی افزود. تلاش مؤسسان برای ثابت کردن حقانیت فرقه خود، چیزی جز تکیه کردن بر احادیث نبود که در این میان از بین بردن احادیث صحیح و ممنوعیت نشر متداول آن زمان و نقل شفاهی آن به دست قدرت حاکم و طبعاً ساخت احادیث جعلی، (2) رایج شد. موضوع امامت به عنوان تنها شیوه تداوم راه پیامبر و اسلام، تشریح و تبیین احادیث برای ثبوت ولایت، منشأ اخبار و روایات گردید. برای انتشار این اخبار در جهت روشن کردن حقیقت، مهم نبود که به چه صورت منتشر شود. خواه گوینده خبر، خود مستقیم از پیامبر یا ائمه اطهار (علیهم السلام) شنیده باشد یا از زبان دیگری، تفاوتی نمی کرد. تنها تفاوت در راوی بود که می بایست روایتش سندیت می داشت و دارای شخصیت موجه می بود.

فرصت و موقعیت انتشار اخبار نیز خود حائز اهمیت بود. حاکمیت خلفای راشدین در رأس حکومت اسلامی و رهبری ظاهری و حکومتی مانند هر حکومت دیگر، تابع سیاست های مخصوص خود بود. در یک کلام سانسور و در ادامه آن، اختناق به شکل علنی در آمد. دستور و سفارش اکید حکام در محو احادیث و کم رنگ کردن حضور ائمه اطهار (علیهم السلام) و مسئله امامت و ولایت، شکل شفاهی تاریخ نگاری را به صورت حرفه ای در آورد. مقابل حرکت ائمه اطهار در جهت ترویج اسلام ناب و پروراندن شاگردان مستعد در مجالس درس و بحث، استخدام و اجیر شدن راویان خبر به دست حاکمان جبار، گر چه سنجیدنی نبوده است، ولی چون ناقلان احادیث و اخبار به شیوه شفاهی این کار را می کردند، حائز اهمیت بوده است. بدون هیچ سند مکتوبی از پیامبر یا منبع اخبار صحیح، براحتی در منابر و مجالس، اخبار و احادیث جعلی گفته و منتشر می شد.

اولین اقدام رسمی و اعلان عمومی برای تدریس و تعلیم اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) در فضای باز سیاسی، موقعیت بسیار خوبی برای امامان بزرگوار، حضرت باقر العلوم (علیه السلام) (3) و جعفر صادق (علیه السلام) دست داد. علاوه بر شکل شفاهی، تاریخ نگاری مکتوب نیز به عرصه مبارزات مکتوب کشیده شد. شاگردان بسیاری در مدرس امامان بزرگوار یاد شده پرورش یافتند که برخی سبب تأسیس فرق جدید اسلامی نیز شدند. جمع آوری مستندات دینی در همین زمان شکل علمی به خود گرفت. اما شیوه کار انتقال اطلاعات، به علت نبود امکانات نشر، هم چنان

ص: 25

1- فرهنگ فرق اسلامی، محمد جواد مشکور (مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1368).

2- سیری در صحیحین، محمد صادق نجمی (قم: 1361).

3- مسند الامام الباقر، عزیز الله عطاردی (تهران: عطارد، 1381).

بر عهده بیان شفاهی بود و سکان حرکت به دست توانای شاگردان ممتاز می چرخید. حضور طالبان و مشتاقان علوم دینی و حقه اسلام نزد حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)، بنیان مکتب و فقه جعفری را فراهم آورد. اولین حرکت در جمع آوری احادیث و اخبار صحیح و انتشار آن در ولایات اطراف نیز در همان زمان شکل سازمان یافته به خود گرفت و این کار به دستور و تأکید امام جعفر صادق (علیه السلام) انجام شد.

نظر برخی از محققان که حساسیتی به فقه جعفری نداشتند و اسلام را از دیدگاه حکومتش بررسی می کردند، افزایش یا کاهش حجم روایت و کم و کیف آن، در هر حال دغدغه ای نبوده است. آن چه مد نظرشان بوده، در واقع نفس روایت واقعه یا خبر بود که بر وقوع آن اتفاق متواتر وجود داشته است یعنی اصل رخداد را برای ناقل و شنونده مهم می دانستند نه تفسیر آن را که از دید جااعلان، تفسیر به رأی و در جهت سیاست شان بوده است. ولی از دید شیعیان، اگر چه که گرایش به تاریخ روایی به دلیل سهولت در شیوه تولید و توزیع بوده، ولی صحت احادیث و روایات حائز اهمیت بیش تری بوده است.

در هر حال عوامل یاد شده، سیطره کاملی در قرن های متمادی بر مورخان و تأثیر بسزایی در انتقال اطلاعات داشته است. چرا که اسناد شفاهی، بهترین نوع منبع شکل گرفته در میان تمام منابع می باشد و کوتاه ترین و سریع ترین راه برای انتقال اطلاعات خصوصاً در جوامع بی سواد و کم سواد قبلی بوده است.

دوران آزادی و فضای باز سیاسی در زمان حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) سپری شد و فرصت تا زمان حضرت رضا (علیه السلام) به صورت آزاد و رسمی سلب گردید.

در زمان حضرت رضا (علیه السلام) فضا مجدداً فراهم گردید. [\(1\)](#) حدیث معروف سلسله الذهب و شرح آن در نیشابور، بیانگر استعداد زمان برای فعالیت تاریخ شفاهی بوده است.

پس از شهادت حضرت رضا (علیه السلام) تا آغاز غیبت کبرا، مجدداً موقعیت آزادی اندیشه و بیان متزلزل شد و هم چنان فعالان تاریخ شفاهی، راه دشوار خود را می پیمودند. اشاره به قیام های متعدد شیعیان در آن دوران، دلیل این مطلب است. این فضا تا اسلام آوردن سلسله ایل خانیان ادامه داشت؛ گر چه شیعیان در آن دوران نسبت به دیگر فرقه های اسلامی آزاد

ص: 26

1- عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، مجمع البحوث الاسلامیه (مشهد: 1408ق.).

نبودند و راهبرد تقیّه در میان آنان رواج داشت، طبعاً وظیفه تاریخ نگاران شفاهی روز به روز سنگین تر می شد.

تا دوران استقرار صفویه، جسته گریخته حکومت هایی مانند آل بویه یا در ولایاتی دیگر، شیعیان به موقعیت هایی دست یافتند، ولی اوج آزادی در زمان صفویه بود. تاریخ شفاهی، در ابعاد گسترده ورزیده شد و عرصه های جدید را تجربه کرد. تغییر شکل نوین به علت فضای بازی که فراهم آمده بود، مخفی کاری در انتقال اطلاعات - که بیش تر به صورت نقل سینه به سینه صورت می گرفت - جایش را به منابر و مجالس متعدد داد. روحانیون فرصت بسیار خوبی پیدا کردند تا بتوانند در هر نقطه ای که اراده کنند، مجلس سوگواری یا مولودی بر پا کرده، بر منبر روند و مکنونات سینه را یا آن چه از تاریخ مکتوب در حفظ داشتند، به صورت وعظ بیان کنند. بزودی با وجود مناسبت های بسیاری که در تاریخ شیعه وجود داشت خصوصاً دو ماه پی در پی محرم و صفر، مجالس و منابر به صورت پیوسته انجام می گرفت. روحانیون با در اختیار داشتن این مجالس، به صورت شفاهی کار ترویج دین را - که اساس و محور فعالیت روحانیت است - شروع کردند.

مدرس ها، در شهر های بزرگ و مهم تأسیس گردید و استادان به تربیت مروّجان همت گماشتند. استقبال مردم از علوم دینی، به توسعه حوزه های علمیه و افزایش طلاب کمک کرد. احکام، از مهم ترین دروس حوزه ها به شمار می رفت. استادان و آیات عظام، به تدریس و تشریح احکام پرداختند. پای بندی شیعیان به مسائل شرعی و نبود اطلاع رسانی مکتوب به صورت گسترده و همگانی، کار مروّجان را در بخش تاریخ شفاهی مشکل و گسترده تر ساخت. بخش عظیمی از فعالیت روحانیون به حل مسائل شرعی اختصاص یافت. سؤال و جواب های مکرر - که اساس کار تاریخ شفاهی است - رونق گرفت. دسترسی نداشتن مردم به رساله های توضیح المسائل، نبود امکانات نوشتاری و نشر، بی سوادی و... علت اصلی گسیل کردن طلاب به شهر ها و روستا ها گردید. کار عملی تاریخ شفاهی با اعزام مروّجان طلبه، قوی گردید، خصوصاً در ماه هایی که مناسبت های بیش تری دارا بود. تعطیل کردن حوزه های علمیه و اعزام طلاب، در برنامه حوزه ها قرار گرفت.

می توان گفت که تمامی انتقال اطلاعات، شفاهی صورت می گرفت. به رغم این که در دوران و اعصار بعد، صنعت چاپ بار سنگین تاریخ شفاهی روحانیت را سبک تر کرد، ولی از اهمیت آن نکاست. چرا که بر تعداد مجالس و منابر اضافه می شد. امروزه نیز که دوران انفجار اطلاعات و عصر اوج گیری اطلاع رسانی است، چیزی از اهمیت تاریخ شفاهی کم نکرده است. زیرا توسعه مدنیت و افزایش جمعیت، نیاز کار عملی تاریخ شفاهی را روز افزون کرده است؛ به طوری که همگی شاهد این فعالیت در تمامی ایام سال و در اقصی نقاط کشور های شیعه نشین هستیم.

بعد دیگر کار عملی تاریخ شفاهی، وقتی جامه عمل به خود پوشاند که روحانیون عملاً وارد عرصه سیاست شدند و حضور پر رنگی در سیاست گذاری های کشور های اسلامی پیدا کردند. گر چه قبلاً نیز بنا به مواردی که اتفاق می افتاد، روحانیون با شمشیر برنده اجتهاد و اعلام جهاد، قاطعیت خود را در امور سیاسی مملکت اعلام می کردند، ولی این بار حضور مستمر روحانیون با شعار جدایی ناپذیری دین از سیاست، جایگاه ایشان را به عنوان تصمیم گیرندگان امور سیاسی مستحکم ساخت.

جای جای تاریخ، از اقدامات تندروانه رهبران روحانی جامعه در ادوار و اعصار گذشته خبر می دهد. برای نمونه و نمی از یمی، به جنبش تنباکو اشاره می شود که تقریباً به عنوان یک سند تاریخی، همه گیر و زبان زد عام و خاص است. این حرکت روحانیت، پس از مدتی برای دولت مردان، گران آمد و باب مبارزات سیاسی روحانیون باز گردید. اگر بخواهیم اطاله کلام نکنیم و مستقیم وارد دوران معاصر شویم، نزدیک تر از همه زمان ها باید به دوران پنجاه ساله پهلوی تکیه کنیم. چرا که مصاحبه شونده هایی که دوران قاجار را درک کرده اند، یقیناً بسیار نادر می باشند.

حضور جمع چشم گیری که خاطرات بسیاری از دوره پهلوی دارند و ثبت و ضبط خاطرات آن ها، حائز اهمیت و درخور محاسبه می باشد. تأکید بر بخش خاطرات سیاسی مصاحبه شوندهگان، علت اهمیت کار است. بیش ترین خاطرات را بخش سیاسی فعالیت روحانیون شامل می شود تا خاطرات شاخه دین از طرف دیگر، فضای فعلی جامعه با استقرار حکومت اسلامی، این گونه خاطرات را می طلبد.

اشاره به قدرت و فعالیت سیاسی شهید مدرس در برقراری سیاست‌ها برای اجرای مسائل دینی و شرعی از جهت مثال در دوران پهلوی اول به نظر کافی است. سانسور شدید رضا خانی مجدداً کار تاریخ شفاهی را با چالش مواجه کرد. مبارزات روحانیون در قالب کار اصلی آن‌ها یعنی ترویج، جای گرفت. اهمیت و تأثیر این کار به قدری بود که برگزاری مجالس به اصطلاح روضه - که شکل ظاهری منبر بود و در باطن حقیقت مبارزه را دنبال می‌کرد - به دستور رضا خان تعطیل گردید. واکنش رضا خان را در هراس از این فعالیت‌ها، در صدور فرمان کشف حجاب زنان و تغییر پوشش مردان می‌توان ملاحظه کرد. هر چه فشار و اختناق دولت بیش تر می‌شد و قلم و رسانه‌ها زیر تیغ سانسور می‌رفتند، مردم به انجام شفاهی کار، به صورت مخفیانه تهییج می‌شدند. به وجود آمدن زندان‌های سیاسی، حجم کار عملی تاریخ شفاهی را بالاتر برد. چرا که سانسور قلم، بسیار آسان صورت می‌گرفت.

روحانیون اهل قلم نیز روی به مبارزه شفاهی آوردند. محاسبه آن چه از این مبارزات به صورت مکتوب یا شفاهی باقی مانده است، خود دلیل این شاخه مهم می‌باشد.

در کنار این دسته از روحانیون که سیاست را عین دیانت و دیانت را عین سیاست می‌دانستند، گروهی اعتقاد به جدایی سیاست از دیانت داشتند. شاید بتوان به جرئت گفت که عده این گروه از دسته اول به مراتب بیش تر بود. این افراد تنها در جایی اظهارات سیاسی خود را - که آن هم عقاید ضد حکومتی بود - بیان می‌کردند که مجلس خالی از اغیار بود و شنوندگان نیز همین امر را در جلسات بعدی انجام می‌دادند. ناگفته پیداست که شنیدن عقاید این گروه که نه کلمه‌ای نوشتند و نه جایی در اماکن عمومی صحبت کردند، حائز اهمیت است.

دسته سوم هم بودند که راه برد تقیه (1) را پیش گرفتند. این که چرا این گروه تقیه می‌کردند، دلیل واضحی دارد که این زمان بگذار تا وقت دگر. اهمیت ثبت و ضبط خاطرات و عقاید این افراد نیز دست کم از گروه دوم نیست. چرا که این گروه، عقاید خود را بندرت و آن هم به خواص می‌گفتند.

تا این جا بر تاریخ چه و اهمیت تاریخ شفاهی روحانیون تأکید شد. اما ما به علت این که از نظر جغرافیایی در منطقه ای قرار داریم که دست خوش طوفان‌های عظیم سیاسی و اجتماعی بوده

ص: 29

است، در نظر داریم اهمیت تاریخ شفاهی را در حیطة شهر مقدس مشهد الرضا(علیه السلام) به بحث بگذاریم. آن هم به دلیل دیگری که جزو وظیفه گروه تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی است و آن، چیزی جز بارگاه منور و ملائک پاسبان امام ابو الحسن الرضا - علیه آلاف التحية و الثناء - نیست که مستقیم آستان قدس رضوی را درگیر تمامی مسائل شهر مشهد بلکه استان خراسان کرده است. برای روشن شدن این مسائل، حسب الامر مقام منیع تولیت عظمای آستان قدس رضوی، سیاست فعالیت گروه تاریخ شفاهی بر این مبنا یعنی تعامل آستان قدس رضوی و مشهد الرضا (علیه السلام) آغاز گردید.

سابقه تأسیس حوزه علمیه مشهد الرضا(علیه السلام) (1) را باید در واقع با تشریف فرمایی حضرت رضا (علیه السلام) مقارن دانست. خیل عظیم دوست داران ولایت و طالبان علوم دینی گرداگرد شمع وجود مبارک امام هشتم (علیه السلام) جمع شدند تا از دریای بی کران علوم الهی استفاده کنند. به رغم شهادت آن حضرت و اختناق شدید ناشی از دستگاه مأمون، کار درس و بحث تعطیل نشد و بارگاه منور امام همام، جاذب اهل علم و معرفت شد. سابقه جمع شدن کاتبان و تأسیس کتابخانه هزار ساله آستان قدس رضوی با آن چه در جزوه قرآن وقفی کشور بن آملاس (محرر 327ق.) به عنوان سندی معتبر نوشته شده است، (2) دلیل ادعای فوق است. مدارس متعددی در جوار بارگاه حضرت ثامن الائمه (علیه السلام) تأسیس شد. به طور رسمی فعالیت حوزه علمیه مشهد طبق گزارش ابن بطوطه از مدارس حوزوی در جوار حرم مطهر، به حدود سده هفتم قمری می رسد که از آن میان، مدارس بالاسر، دو درب و پریزاد می باشد.

همان گونه که پیش تر گفته شد، مسائل سیاسی باعث شد تا حوزه های علمیه و روحانیون درگیر مسائل سیاسی شوند. تأکید ما از نظر محدوده زمان دوران پهلوی است. برای بهتر روشن شدن موضوع مبارزات و درگیر شدن روحانیون در امور سیاسی و اجتماعی، مسائل به صورت زیر تفکیک شده است.

بخش اول - درگیر شدن روحانیون با یک دیگر در مسائلی غیر از امور شرعی و دینی: برای مثال به درگیری آیات عظام میرزا احمد کفایی (1300 - 1391ق.)، مشهور به آقا زاده یا مرحوم حجت الاسلام آقای علی اکبر نوغانی (1300 - 1370ق.)، به خاطر بهتر اداره کردن مدرسه علمیه نواب اشاره می شود. (3) مرحوم آقا زاده پس از رحلت برادر بزرگش میرزا محمد

ص: 30

1- حوزه علمیه خراسان، جلد اول، مدارس علمیه مشهد، از محمود پسندیده با مقدمه استاد واعظ خراسانی، چاپ اول (مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1385).

2- گنج هزار ساله، رمضان علی شاکری، انتشارات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، شماره 15، بهمن 1367.

3- مشهد در بامداد نهضت امام خمینی (رحمه الله)، چاپ اول، غلام رضا جلالی (تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1378)

آقا زاده، ریاست علمی حوزه مشهد را به عهده گرفت. به رغم سخت گیری های رضا خان، بحث و درس را حفظ کرد و مدرسه تعطیل نشد. در همان زمان قشون روس در مشهد به سر می برد و توده ای ها، شبانه روز فعالیت سیاسی داشتند. آقا زاده با تشکیل هیئت های مذهبی و راه انداختن دسته های عزاداری و روضه و منبر - که سالیان مدید ممنوع بود - توانست سدی در برابر نفوذ فرهنگی شوروی به وجود آورد. او تا زمان نهضت ملی نفت با توده ای ها درگیری داشت و در مسائل شهر دخالت می کرد. در دوره نهضت ملی بخصوص با توجه به نقش منفی ای که دسته های مذهبی در سقوط مصدق و تقویت رژیم شاه داشتند، سخت مورد حمله مخالفان بود و جراید به ایشان اهانت ها کردند. اما به خاطر داشتن رابطه با شاه و مأموران بلند پایه رژیم در خراسان (در جهت استفاده از آن ها برای انجام کار های خیر و مرتفع ساختن مشکلات شهر و مردم) بخصوص در سال های آخر عمر، هماهنگی لازم را با روحانیون مبارز نداشت و موجب انتقاد شدید آن ها و انزوای سیاسی وی شد و هر از چند گاهی طلاب حوزه خراسان اعتراض های خود را درباره مشی سیاسی ایشان به گوش وی می رساندند.

طرف مقابل ایشان، مرحوم حجت الاسلام آقای علی اکبر نوغانی بود که داعیه اداره و مدیریت حوزه علمیه مدرسه نواب را داشت. مرحوم نوغانی نیز همانند همتای خود، دارای پرونده و سابقه درخشان سیاسی و حوزوی می باشد و در جهاتی عمل کردش مشابه مرحوم آقا زاده بود، از جمله رابطه اش با حکومت در جهت امور خیریه شهر و مردم.

زنده یاد نوغانی انسانی مؤمن، متعهد، اهل تهجد، خوش قریحه، شوخ طبع و مهربان بود. در مدت هفتاد سال عمر خود هرگز از سهم امام استفاده نکرد. میرزا، انسانی آگاه به مسائل دینی و مقتضیات زمان خود بود و از تعصبات کاذب و بی اساس دوری می کرد. با امام راحل رابطه بسیار دوستانه ای داشت و از نظر مشرب فکری به امام بسیار نزدیک بود. مبارزه با کمونیسم شرق و مسیحیت سازمان یافته غرب، جزو فعالیت های درخشان ایشان است. چنان که اهل دیانت بود، اهل سیاست نیز بود و دوره مشروطیت را درک کرد. (1)

با این توضیح مختصر، روشن می شود که درگیری این دو عالم بزرگ، تنها به خاطر بهتر اداره کردن حوزه علمیه مشهد بوده است و هر دو عقیده داشتند که می توانند اهداف

ص: 31

خود را بتهایی و بهتر از دیگری انجام دهند که در پایان به موفقیت آقا زاده انجامید. از این نوع درگیری ها در جای جای تاریخ باز هم حکایت برای نقل وجود دارد. درباره این جریان، دوستان هر کدام یا دوستان مشترک حرف های ناگفته بسیاری دارند که شنیدن، ثبت و استنتاج از این حرف ها، قضاوت را آسان تر می سازد.

بخش دوم: درگیر شدن روحانیت با حکومت است که در این بخش، تاریخ پُر است از حکایات و قضایا؛ فهرست وار برخی از مبارزات روحانیون را با رژیم پهلوی - که مشهور تر از دیگر جریانات است - نام می بریم.

مسئله کشف حجاب، تعطیلی مراسم سوگواری و مجالس مذهبی و تعطیلی درس و بحث و منبر، تغییر لباس مردم خصوصاً روحانیون، واقعه مسجد گوهر شاد، مسائل شهریور 20، 28 مرداد و مسئله نفت، انقلاب سفید، انجمن های ایالتی و ولایتی، درگیری های حزبی خصوصاً درگیری با توده ای ها و حکومت شوروی، و در رأس همه این جریانات، قیام خرداد 1342. (1)

درباره موارد فوق، شرح های بسیاری در تاریخ آمده است. لذا از شرح آن ها به علت مغایرت با هدف اصلی این مقاله، خود داری می شود. اما هنوز ناگفته هایی هست که علت اصرار برای انجام مصاحبه هاست.

روحانیون درگیر در موارد فوق بسیارند که مشهور ترین آن ها با ذکر مبارزات سیاسی برای آوردن مثال در حوزه مشهد، به شرح زیر است:

1- آیت الله سید یونس اردبیلی (1296 - 1377 ق.)(2)

مسئله کشف حجاب، تغییر لباس مردم و روحانیون، موضع گیری در جریان مسجد گوهر شاد که منجر به بازداشت شدن ایشان با تنی چند از علما و اعزام آن ها به تهران گردید، شهریور 20 و سقوط رضا خان، مبارزه با توده ای ها، نهضت ملی نفت و حمایت از آیت الله کاشانی، منزل ایشان محل جمع شدن و تصمیم گیری روحانیون و آیات عظام برای مبارزات بود.

ص: 32

1- مصاحبه های محمود سنا بادی عزیز، نوار کاست 989، 963، 964 و 893 و نوار ویدئو 229 و 232، غلام حسین بقیعی، نوار کاست 247 تا 279 و نوار ویدئو 157 تا 164 و 177 تا 186 و 201 و 202، سید رضا رفایی سعیدی، نوار کاست 465 و 466 و نوار ویدئو 383 و 387، سید حسین سیدی علوی، نوار کاست 1367 و نوار ویدئو 730، محمد فاضلی، نوار کاست 901، 902، 932 و 967 و نوار ویدئو 512، محمد خرقانی، نوار کاست 935، 942، 970، 985، 992 و 1014 و نوار ویدئو 498، محمد علی قدس روحانی (گلاب گیر)، نوار کاست 519 تا 523 و 941 و نوار ویدئو 466 و 507، محمد علی اعتضاد رضوی، نوار کاست 1120، 1169، 1445 و 1505 و نوار ویدئو 696، غلام حسین مهدی خانی (مصباح)، نوار کاست 1308 و نوار ویدئو 724، محمد واعظ زاده خراسانی، نوار کاست 299 و 300 و نوار ویدئو 252، سید محمد علی شیرازی، نوار کاست 899، 903 و 1532 و نوار کاست 496، دکتر محمود فاضل مطلق یزدی، نوار کاست 898، 908 و 968 و نوار ویدئو 490. (منابع سمعی و بصری، مصاحبه های تاریخ شفاهی، مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی).

2- ابراهیم زنگنه، همان، ص 60.

2- آیت الله سید عبد الله شیرازی (1271 - 1363 ش) (1)

مشارکت در برگزاری همایش بزرگ علما در قم در جهت مبارزه با سیاست های ضد دینی رضا شاه، کشف حجاب و تغییر لباس مردم و روحانیون، دست گیری و بازداشت و اعزام به تهران در جریان مسجد گوهر شاد، نهضت ملی شدن نفت و حمایت از آیت الله کاشانی، و نیز بیت آن مرحوم یکی از مهم ترین مراکز مبارزات انقلاب اسلامی بود.

3- آیت الله حاج شیخ محمد هاشم مدرس قزوینی (1270 - 1339 ش) (2)

نقش آفرینی در واقعه مسجد گوهر شاد، حضور مستمر در بیت آیت الله سید یونس اردبیلی، کشف حجاب و تغییر لباس ...، بازداشت، اعزام به تهران و تبعید....

4- میرزا احمد کفایی

که پیش تر درباره او صحبت شده است، افزون بر مبارزه با رضا خان در کلیه ابعاد.

5- آیت الله سید کاظم مرعشی (1337 - 1423 ق) (3)

از جمله پیشگامان در انقلاب اسلامی.

6- آیت الله سید محمد هادی میلانی (1313 - 1395 ق) (4)

مبارزه با رضا خان در تمام ابعاد، حمایت از کانون نشر حقایق اسلامی، (5) پانزدهم خرداد و حمایت از امام و سیاست هایش، انجمن های ایالتی و ولایتی، صدور اعلامیه مهم و جنجال بر انگیز چهاردهم مهر 1342 درباره خفقان حاکم، کاپیتولاسیون، دادن فتوای ترور حسن علی منصور به شهید محمد بخارایی، انتشار اعلامیه در زمینه جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در خرداد 46، پیشرو در ادای جهاد و عدالت خواهی از دستگاه پهلوی دوم.

7- بیت آیت الله حاج آقا حسین قمی (6)

8- شیخ غلام رضا طبسی والد مکرم حضرت آیت الله واعظ طبسی (1313 - 1355 ق) (7)

کشف حجاب، تغییر لباس روحانیون و مردم، به علت مبارزه با رضا خان سه بار تبعید به کاشمر و طبس.

ص: 33

1- گلشن ابرار، ج 3، ص 405، چاپ اول، پاییز 82

2- ابراهیم زنگنه، همان، ص 237.

3- همان، ص 268.

4- جمعی از پژوهش گران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، ج دوم، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، بهار 85، ص 765.

5- مصاحبہ محمد صادق مولوی، ویڈیو 347، کاست 77، 78، 469.

6- گلشن ابرار، جلد دوم، ص 594.

7- ابراہیم زنگنه، همان، ص 200.

9- شیخ محمود حلبی (1279 - 1367 ق.) (1)

سردم دار مبارزه با توده ای ها و کمونیست ها، کناره گیری از سیاست پس از کودتای 28 مرداد و فعالیت به عنوان مؤسس، در راه اهداف انجمن حجتیه.

10- سید عبد الکریم هاشمی نژاد (1311 - 1360 ش.) (2)

17 سال برگزاری جلسات کانون بحث و انتقاد دینی ویژه دانش جویان، خرداد 42، از 1342 به بعد ممنوع المنبر، مکرر دستگیر و زندانی شدن.

11- آیت الله عباس واعظ طبسی (1314 ش.) (3)

سال 1339 به مدت 7 ماه ممنوع المنبر به دلیل سخنرانی درباره «عدل زمامداران»، از سال 1341 به بعد 6 بار دستگیر و زندانی شدن، ائتلاف با شهید هاشمی نژاد و رهبر معظم انقلاب برای مبارزه تا برقراری حاکمیت نظام اسلامی، خرداد 42.

بخش سوم: روحانیون و درگیری آن ها در مسائل مهم اجتماعی مانند تعطیلی مدارس قدیم، بهداشت عمومی و اجرای شبکه لوله کشی آب.

بخش چهارم: مبارزات و درگیری روحانیون با رژیم حاکم در نهان و ارتباط با شاه و رژیم برای حل مسائل اجتماعی در عیان؛ به عنوان مثال:

1- آیت الله حسین سبزواری [فقیه سبزواری؛ 1309 - 1386 ق.] (4)

احداث مدرسه باغ رضوان با 16 هزار متر مربع مساحت در سال 1330، تکمیل درمانگاه رازی، احداث 120 باب منزل در خیابان نخریسی و 25 باب در خیابان خواجه ربیع برای سیل زدگان، واگذاری 2500 قطعه زمین در کوی طلاب به طلبه ها و فضیله های حوزه علمیه مشهد و مستضعفان، ساخت ده ها مسجد و تکیه.

2- میرزا احمد کفایی

که پیش تر درباره او صحبت شده است.

ص: 34

1- گزارش مؤسسه یکتای مهدویه پیروان انجمن حجتیه و مصاحبه احمد طاهر زاده (انجمن حجتیه در بستر زمان) پرونده 10/2، بخش تاریخ شفاهی، مدیریت گروه اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی.

2- مصاحبه با همسر آن شهید، سرکار علی خانم فرح الملوک جوشقانی؛ ابراهیم زنگنه، همان، ص 359.

3- www.Vaeztabasi.com

4- ابراهیم زنگنه، همان، ص 167.

بخش پنجم: روحانیونی که بظاهر با رژیم پهلوی مبارزه نمی کردند ولی در باطن با انجام کار های فرهنگی و مذهبی، مبارزه پیوسته ای داشته اند و اعتقاد راسخ است که در زمره مبارزان واقعی می باشند.

1- آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (1283 - 1368 ش.) (1)

تأسیس بنیاد خیریه و مرکز درمانی رایگان برای مستضعفان، صندوق قرض الحسنه، فروشگاه تعاونی و احداث کتاب خانه.

2- حجت الاسلام علی اصغر عابد زاده (1290 - 1365 ش.) (2)

تأسیس 14 مدرسه به نام مبارک چهارده معصوم، (3) مؤسس انجمن پیروان قرآن، (4) تأسیس بنای مهدیه که مورد توجه خاص توده ها قرار داشت، برگزاری جشن در مناسبت های مذهبی، کانون مبارزه در نهضت ملی شدن نفت و حمایت از آیت الله کاشانی، واقعه مسجد گوهر شاد و ارتباط با نواب صفوی.

تمامی موارد یاد شده مانند دیگر جریانات، حاوی مسائل جانبی می باشند که اهم مصاحبه ها برای روشن شدن آن مسائل می باشد.

و بالاخره مسائل مختلف انقلاب اسلامی و روحانیت، تصمیم گیری ها، برگزاری مجالس متعدد در جهت انقلاب، صدور اعلامیه ها علیه رژیم، حاکمیت روحانیت پس از پیروزی انقلاب، ترور شخصیت ها و روحانیون، مسائل جنگ و روحانیت، روحانیون و امور کشور داری اسلامی.

آخرین مطلب از این دسته بندی، فعالیت و مبارزات بیوت چند تن از آیات عظام، حضرات سید یونس اردبیلی، قمی، مرعشی، میلانی و شیرازی است که هر کدام در زمان خود مرکز مبارزه با حاکمیت وقت بوده اند. در مورد بیت آیت الله اردبیلی اشاره شده است، اما در مورد بیت آیت الله العظمی حاج حسین آقا (5) و حاج آقا حسن قمی مطالب زیادی در اذهان مانده است. هر دوی حضرات، مبارزات چشم گیری داشته اند که در هر دوره پهلوی اول و دوم، مسائل سیاسی مشهد را تحت الشعاع قرار می داده است. به رغم تردد افراد بسیاری در این

ص: 35

1- همان، ص 461

2- مصاحبه علی محمد برادران رفیعی، ویدئو 13 و 137، هم چنین فاطمه عابدزاده، ویدئو 237.

3- محمد رضا حکیمی، عقل سرخ (قم: دلیل ما، 1383)، ص 192؛ هم چنین علی اصغر عابدیان، ویدئو 237.

4- مصاحبه شونندگان در پروژه تاریخ شفاهی انجمن پیروان قرآن.

5- جمعی از پژوهش گران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، جلد دوم، چاپ سوم (قم: سازمان تبلیغات اسلامی قم، بهار 85)، ص 590.

بیت و مصاحبه‌هایی که پیرامون این بیت شده (از جمله مصاحبه آقای حاج محمد علی قدس، روحانی مشهور به گلاب گیر که از نزدیکان بیت بوده است)، تا کنون فقط بخش اندکی از حق مطلب ادا شده است. شاید به لحاظ شرایط خاص این بیت، نه تنها هیچ کدام از افرادی که حضور مستمر داشته و دارند، تمام مطالب را بازگو نکرده اند، بلکه خود صاحبان بیت هم اقدام به نگارش یا مصاحبه درباره زندگی نامه خود نکرده اند. مطالبی هم که تا کنون جمع آوری شده، تقریباً دست دور از آتش است. در حال حاضر نیز خود آیت الله حاج آقا حسن به علت کهولت سن و بیماری، متأسفانه قادر به مصاحبه نمی باشند و اطرافیان نیز راضی به این کار نمی شوند یا لاقلاً ظاهر قضیه این است و زمان، این مشکل را ان شاء الله حل خواهد کرد و شاید در آینده نوشته ای یا کلامی عرضه گردد. اما در مورد بیت آیت الله العظمی میلانی مطالب مشروح گرد آوری شده است؛ گرچه در تلاش هستیم تا اشخاص مد نظر دیگری را نیز به سخن آوریم، هم چنان که در مورد بیت آیت الله العظمی مرعشی گفته خواهد شد و جای امیدواری است.

و اما بیت آیت الله العظمی سید عبد الله شیرازی که یکی از مهم ترین مراکز در هدایت و حرکت انقلاب اسلامی در مشهد بود. امروزه نیز این بیت هم چنان فعال است و فعالیت در جهت انجام مصاحبه با دست اندر کاران و اقربا، ادامه دارد.

بیت آیت الله العظمی سید کاظم مرعشی (1337 - 1423 ق.): در سال 1392 ق. به ایران آمد و بعد از 2 سال توقف در حوزه علمیه قم، در سال 1394 ق. به شهر مشهد هجرت کرد و تا پایان حیات پر برکت خود، در مشهد به تدریس و خدمات اجتماعی همت گماشت. بیت آیت الله العظمی مرعشی، در جریان انقلاب اسلامی از بیوت پیشگام بود. فعالیت شخص آیت الله از آن چه در مصاحبه ها (1) به دست آمده، بسیار زیاد بوده و محدود به شهر مشهد نمی شده است.

جمله این بیوت، هنوز برای تحقیق کارهای بسیار دارد. ولی همان گونه که گفته شد، ظاهراً تمایل چندانی برای مصاحبه ندارند. این مطلب در مورد حضرات روحانی دیگر نیز صادق است. گرچه برای نشان دادن اهمیت کار تاریخ نگاری شفاهی، با وجودی که اظهر من الشمس است، تعریف و توضیح بسیار داده می شده است؛ حتی یاد آور این مطلب

ص: 36

همیشه بوده ایم که طبق قانون موجود در تاریخ نگاری شفاهی، مصاحبه شونده حق دارد زمان درج مصاحبه را تعیین کند. با همه این تلاش ها، موفقیت نا چیز بوده است. برای پی بردن به علت این کار، با افراد بسیاری گفت گو شده است که مختصراً نتایج بی میلی به انجام مصاحبه را این گونه بیان کرده اند:

1- اگر در تاریخ نگاری مکتوب می توان در مراحل تصحیح و ویراستاری و باز خوانی در مطالب دخل و تصرف کرد، در بحث تاریخ شفاهی، همان قدر که حرفی گفته شد، تصحیح آن مشکلاتی دارد که به زحمت بیان آن شاید نیرزد.

گر چه برای جلوگیری از این کار، قبل از انجام مصاحبه معمولاً سؤالات مورد نظر در اختیار شخص مصاحبه شونده قرار می گیرد (مصاحبه اولیه)، ولی در لابلای سؤالات، اغلب حرف پیش می آید یا پرسش تازه ای به ذهن خطور می کند که مصاحبه شونده در آن باره فکر نکرده یا حضور ذهن ندارد.

2- گروهی از این که در صحنه مصاحبه حاضر شوند و نام شان آورده شود، ناراحت و ناراضی هستند و بیش تر علاقه مندند گم نام باقی بمانند.

3- عده ای به رغم این که در مجالس متعدد و منابر مختلف حضور به هم می رسانند، در زمان مصاحبه و در بیان کردن آن چه از آن ها می خواهند، از قدرت کلامی و سخن وری خوبی بر خور دار نیستند. لذا چون در کسوت خاصی هستند که کارشان شفاهی است، شاید به طریقی جالب و خوب نباشد. در این زمینه نیز توضیح داده ایم که مراحل پس از مصاحبه، مختلف و متعدد است و می توان پس از پیاده شدن نوار صوتی یا تصویری، هر گونه اقدام اصلاحی را انجام داد، ولی مورد قبول واقع نشده است.

4- برخی از آقایان گمان می کنند اگر دانسته هاشان مطرح شود، از نظر هم عقیده نبودن با قشر یا اشخاص خاص برای شان مشکل ایجاد می گردد؛ لذا از انجام مصاحبه خودداری می کنند.

5- عده ای نیز تقیّه می کنند؛ گر چه از زمان مورد نظر ما ممکن است سال ها گذشته باشد و بعد زمانی جز برای بهتر روشن شدن مطلب، هیچ مسئله ای ایجاد نمی کند.

در این باره هزار التماس و خواهش شده و بارها توضیحات کافی و وافی داده شده، ولی بندرت در بحث های سیاسی موفقیت حاصل شده است که از همین جا عاجزانه تقاضا داریم از طرف خود و دیگر کارشناسان هم کار و همتای خود که درباره این مسئله بیش تر بیندیشند و حکم را بر صحت و صداقت و امانت داری مصاحبه کننده و سازمان متبوعش بدانند. از نظر بنده، تاریخ نگاری جزو تکالیف شرعی و عرفی است که هر کس چیزی بداند، در واقع موظف به اظهار آن است تا موضوع برای آیندگان روشن گردد. هیچ دلیلی بهتر از نص صریح قرآن نیست که جمله، وقایع نگاری و تاریخ است. به فرموده علامه طباطبایی:

قول نبی، «تبلیغ» است. فعل و عمل پیامبران، جنبه تبلیغی دارد. پیامبران تاریخ نگاران واقعی شفاهی هستند.

امام علی (علیه السلام) فرمود: گر چه از نظر طول عمر من در همه ادوار نبوده ام، ولی آن قدر آگاهی تاریخی دارم که گویی در همه آن دوره ها زیسته ام. سیره تاریخ نگاری ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز ابراز کردن بوده است نه سکوت. اگر چنین نبود، این قدر منابع و اخبار از ائمه اطهار (علیهم السلام) باقی نمی ماند. حتی بعد دوران گری تاریخ شفاهی که خبر دادن از آینده است و جزو کار شفاهی ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده است و کم تر به این بعد توجه و اشاره شده و جزو سیره انبیا و اولیاء الله بوده است.

کتاب و عترت دو میراث الهی سرمدی با آن چه بنده کم ترین می گوید و بارهای بی شمار گفته شده است، چیزی جز اظهار نیست و تاریخ نگاری نیز همین است. لذا انتظار می رود هر کس در هر مقام و منزلتی که در سکوت روحانیت است، در این باره به وظیفه الهی و به تکلیف خود عمل کند. می دانیم که عواقب سکوت نتیجه ای جز سوء استفاده سودجویان ضد شرع و عرف ندارد. بخشی از عقب ماندگی و ناکامی های دوران انقلاب اسلامی، به سکوت همین افراد بر می گردد. از این که چنین گستاخانه برای پیش برد اهداف تاریخ نگاری شفاهی با این لحن و کلام و قلم، عاجزانه التماس می کنم، عذر خواهی این کم ترین خادم بارگاه ولایت مدار حضرت رضا (علیه السلام) را بزرگ وارانه بپذیرید. زیرا بیش از این در این باره تأمل جایز نیست.

و آخرین مطلب از این دست، مسئله شهر مشهد و آستان قدس رضوی است که بسیار مفصل و از حوصله این مقاله بیرون است. ولی تنها به حوادثی بناچار اشاره می‌کنیم تا حداقل اهمیت آن حوادث نمایان شود. از جمله واقعه مسجد گوهر شاد است که به قول دکتر سید محمد حسین منظور الاجداد، (1) به رغم این که حرف و حدیث در مورد واقعه مسجد بسیار زده شده و تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته، اما هنوز می‌توان پنجره‌هایی را به این واقعه گشود که فقط به برخی اذهان خطور نموده و تولید مسائل بسیاری کرده است. ما نیز به نسبت وسع خود، در این مورد مصاحبه‌های متعددی انجام داده‌ایم تا بتوانیم نقش روحانیون را روشن‌تر سازیم و این را نیز می‌دانیم که باید بیش‌تر در این زمینه کار بشود.

مطلب بعد، زندگی و شخصیت روحانی عالی قدر و مبارز نستوه، شیخ محمود حلبی است. ایشان تا سال 1332 ش. میدان دار مبارزه با حاکمیت وقت در هر مجلس و منبری بود. خطابه‌های بسیار مهمی در این زمینه صورت داد. از نظر مبارزه شفاهی، جایگاه والایی در تاریخ‌نگاری شفاهی دارد. بعد از وقایع سال 1332 با اوج‌گیری فعالیت فرقه ضالیه بهائی، نوک شمشیر مبارزه را به طرف آن فرقه برد و فعالیت‌ها و آثارش زبان زد عام و خاص است. بسیار مخلصانه و فروتنانه حرکت خود را شروع و شجاعانه دنبال کرد و نتایج آن همه خون دل خوردن، از دیده‌ها پنهان نیست!

بحث شیخ محمود حلبی و تأسیس انجمن حجتیه، خود واجد توجه خاص است که دست‌اندرکاران این شاخه از مبارزات دینی، کم‌تر تمایل به مصاحبه‌نشان می‌دهند. نبود موفقیت در این کار، اصرار دست‌اندرکاران این انجمن بر هدف سکوت و تقیه کردن، هم‌چنان استوار است. بارها اهمیت کنار رفتن پرده ابهام از عملکرد این انجمن به عنوان پیروان شیخ محمود حلبی مطرح و شرح مفصل داده شده است؛ ولی آن قدرها تأثیر نداشته است. شاید نفوذ کلام و اعتماد سازی و اطمینان بخشی چندان کافی نبوده است. علی‌ای حال، تلاش در این زمینه هم‌چنان ادامه دارد. آن قدر این حرکت مهم می‌باشد که به آسانی نمی‌توان از آن دست برداشت!

ص: 39

کار تاریخ نگاری شفاهی با وجود یک میلیون برگ سند نفیس از مجموع بیش از 6 میلیون برگ سند ثبت شده در مدیریت اسناد آستان قدس رضوی، در دستور کار قرار گرفت. پس از این که اهمیت موضوع ها بررسی و اولویت ها مشخص شد، هر گروه کار خود را بنا به تخصصی که داشت، دنبال کرد. از نظر زمانی به علت وسعت کار، دوران پهلوی مد نظر قرار گرفت. چرا که به قول استادی، شخصیت هایی که به آفتاب لب بام شهرت یافته اند، شتاب و تمرکز کار را بر روی آن ها بیش تر کرده است. از آخرین لحظات حیات این عزیزان - که گنجینه سیار هستند - باید بیش تر استفاده کرد تا حسرت آه گفتن در مدفون شدن گنج ها بر لب ننشیند. گر چه مشکلات دعوت، پذیرش، کهولت سن و فراموشی و کم حوصلگی و عوارض ناشی از فرتوتی بر دیگر مسائل سنگینی می کند، ولی زمان با سرعت تصور ناپذیری از دست می رود. هم چنان که هنوز در سوگ عزیزان سکوت کرده، روحی و جسمی سیاه پوشیم. شناسایی روحانیون و ترتیب شروع کار صورت گرفت. طرح ها مشخص شد و بدون فوت وقت اقدام گردید. در هر بیتی را دق الباب کردیم، هر که لبیک گفت، اسباب زحمت شدیم و گاه و بی گاه منزل شان را به صورت استودیوی ضبط برنامه در آوردیم. گاه چند بار در زدیم ولی صدایی نشنیدیم.

ما ز یاران چشم یاری داشتیم/ خود غلط بود آن چه می پنداشتیم. بار ها خلف وعده شد، قرار گذاشته شد و عمل نشد و بی قرار شدیم و خم بر ابرو نیاوردیم. چه می توان کرد؟ چاره ای نداشتیم.

گر چه در هر منزل را که کوفتیم باز شد و ما را به مهربانی و عطوفت پذیرفتند و پذیرایی گرمی شد، آن چنان که از خانه طلبه ای انتظار می رود، ولی فرصت حتی سؤالی داده نشد. ناچار با وضع موجود خود را تطبیق کردیم و آن چه میسر بود، در حد توان انجام دادیم. همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، سؤالات تدوین گردید و اختیار و انتخاب جواب دادن به سؤالات، بر عهده بزرگان مصاحبه شونده بود، در همه جا. به پیوست بخشی از ابواب و مداخل مورد نظر آمده است. خود قضاوت کنید که پرسش ها آن قدر ها هم پیچیده و چالش بر انگیز نبود که سبب طرد ما بشود.

علی ای حال، بعد از روحانیون به شخصیت هایی که مرتبط با روحانیون و به اصطلاح از نزدیکان آن ها بودند، روی آوردیم که در این زمینه موفق تر بودیم. سرانجام تمامی آن چه می خواستیم، کسب نشد. هنوز هم دست به دامان عمرو و زید می شویم تا واسطه شوند بلکه موقعیتی برای مصاحبه فراهم آید. به هر صورت مصاحبه ها با سرعت قابل قبولی پیاده شد. تصحیح و بازخوانی به عهده شخص مصاحبه گر گذاشته شد. چرا که خودش مصاحبه را انجام داده بود و بهتر از هر کس دیگری به کار اشراف داشت. تطبیق موضوع های مورد نظر، دسته بندی نتایج بحث ها، از جمله کار های انجام شده می باشد. در صدد هستیم تا با جمع کردن این مصاحبه ها و انجام دادن مصاحبه های دیگر، زمینه را برای انتشار مصاحبه ها آماده کنیم، ان شاء الله .

شایان گفتن است که هر مقاله و نوشته ای به استناد مدارک، منابع و مآخذ، مستدرک و مستند می باشد که اغلب این منابع مکتوب هستند. در این مقاله، با توجه به تاریخ نگاری شفاهی، مبنا را بیش تر بر منابع شفاهی گذاشتیم و سند های مورد نیاز را به صورت مصاحبه و جلسات بحث از کارشناسان و سال خوردگان تهیه کردیم. لذا در بخش پایانی، اسامی این افراد به صورت الفبایی همراه با زمان مصاحبه آمده است. از این رو، مستندات به شکل کلی مطرح شده است.

نتیجه

با توجه به اهمیت تاریخ نگاری شفاهی به طور کلی و خصوصاً تاریخ نگاری شفاهی روحانیت به دلایل یاد شده بویژه شخصیت های روحانی موجود در رأس حکومت اسلامی، باید محیط را برای کارشناسان تاریخ شفاهی به گونه ای فراهم کنند تا قبل از فوت وقت، آن چه میسر است، انجام شود و اطلاعات لازم به دست آید، تدوین گردد و در اختیار جامعه محقق از یک طرف و در معرض اطلاع رسانی عموم از طرف دیگر قرار گیرد تا هم چون دیگر نکات تاریخی مورد استفاده واقع شود. از نتایج کار، استفاده های دیگری نیز بسته به نیاز می توان کرد.

در همین جا از کلیه محققان و کارشناسان دعوت به عمل می آید تا از منابع گنج هزار ساله کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، بهره بیش تر بگیرند و در پایان،

برای بهتر شدن کیفیت کار، با کمال میل آماده ایم تا انتقادها و پیشنهاد های شما عزیزان را بشنویم و به کار بندیم. هم چنین هر کس که آمادگی هم کاری داشته باشد، مفتخر خواهیم بود تا بسته به تخصص و علاقه اش، طرح های آماده اجرا را، در اختیارش قرار دهیم. شاید منطقه خراسان بویژه مشهد الرضا (علیه السلام)، از نظر تاریخ نگاری شفاهی بیشترین فرصت را برای فعالیت و تحقیق داشته باشد. طرح های خام و کار نشده نیز بسیار فراوان است. وجود میلیونی اسناد با قدمت کهن، فرصت را برای ده ها نفر می تواند فراهم سازد (از جمله کهن ترین سند ثبت شده موجود در مخزن اسناد، می توان به سندی با تاریخ حدود قرن نهم مربوط به تشکیلات اداری آستان قدس رضوی اشاره کرد).

دستان گرم شما محقق عزیز را، در این باره می فشاریم.

ص: 42

اهمیت تاریخ شفاهی روحانیون و... / ۴۳

جدول مصاحبه‌های انجام شده در بخش تاریخ شفاهی

ردیف	مصاحبه شونده	شماره پرونده	شماره ویدئو	شماره کاست
۱	آهنیان، غلامحسین	۲۰،۳	۸۳۴	۱۴۷۵
۲	احتشام، رضوی نیره سادات	۳۶۲	۱۲	۱۲۵۷، ۴۹
۳	اشرفی، مصطفی	۱۷،۳	۹۸۸	۲۰۹۲
۴	اصفهان‌نای، زاده احمد	۹،۲	۷۰۸	۱۱۴۵، ۴۶ و ۴۷
۵	اعتضادرضوی، محمدعلی	۷،۲	۶۹۶	۱۴۴۵، ۱۱۶۹، ۱۱۲۰
۶	امامی، سید علی	۱۱	۴۸۸	۹۳۰، ۵۲۴
۷	برادران رفیعی، علیمحمد	۲۷	۱۳۷، ۱۳	۲۳۲، ۱۳۱، ۵۷
۸	بقیعی، غلامحسین	۳۳	۲۰۱ و ۲، ۱۶۴ تا ۱۵۷	۲۷۹ تا ۲۴۷
۹	تقوی گیلانی، محمدحسین	۵۲، ۱	۷۰۳، ۶۸۸، ۶۷۷	۱۱۶۰ و ۶۱ و ۶۳ و ۶۴
۱۰	تلافی نوغانی، میرزا ابوالقاسم	۵۴	۹۹۹	۲۰۴۷
۱۱	جلایر، عباسقلی	۷۹	۶۴۱، ۶۱۶	۱۰۵۶، ۱۰۰۱ و ۲
۱۲	جوشقانی، فرح الملوک	۷۱، ۲	۹۶۳	۱۹۸۴
۱۳	خرقانی، محمد	۱۱۰	۴۹۸	۹۸۵، ۹۷۰، ۹۴۲، ۹۳۵
۱۴	خزاعی، محمدحسن	۱۰۸	۴۸۹	۵۴۵ و ۶
۱۵	دهشت، غلامرضا	۱۱۴، ۲		۲۰۸۰
۱۶	رجایی، محمد هادی	۱۳۱، ۱	۹۶۹	۲۰۰۴
۱۷	رحیم پورازغدی، حیدر	۱۳۳	۹۷۸	۲۰۴۹-۵۰
۱۸	رضازاده، رجبعلی	۱۳۳، ۲	۸۵۵	۲۰۶۷
۱۹	رفایی سعیدی، سیدرضا	۱۴۶	۳۸۷، ۳۸۳	۴۶۵ و ۶
۲۰	روحانی، سید محمد	۱۳۱، ۲	۹۷۷	۲۰۴۸
۲۱	سیدی علوی، سیدحسین	۱۸۱، ۱	۷۳۰	۱۳۶۷
۲۲	شاهمرادیزاده، غلامحسین	۱۹۷	۷۷	۱۹۱ تا ۱۸۹
۲۳	شریعتی کوهبنانی محمدحسن	۱۹۸	۹۷۱	۲۰۲۷
۲۴	شمس، سید حسن	۲۱۰	۹۷۴	۲۰۴۴
۲۵	شیرازی، سیدمحمدعلی	۱۹۹	۴۹۶	۱۵۳۲، ۹۰۳، ۸۹۹
۲۶	صالحی، حسن	۲۱۷	۷۴، ۶۰، ۴۱	۱۶۱ تا ۱۵۸

جدول مصاحبه‌های انجام شده در بخش تاریخ شفاهی

۴۴ / مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران

ردیف	مصاحبه شونده	شماره پرونده	شماره ویدئو	شماره کاست
۲۸	طالبیان شریف، محمد ابراهیم	۲۴۱،۱	۱۰۱۴	۲۰۹۸
۲۹	عابدزاده، فاطمه	۲۶۳	۲۷۵،۲۳۷	۲۸۹
۳۰	عابدیان، علی اصغر	۲۶۵	۲۷۵،۲۳۷	۲۸۸
۳۱	عباسپور بنهنگی، محمد باقر	۲۶۶،۳	۱۰۱۵	۲۰۹۶-۷
۳۲	عطایی خراسانی، علی اصغر	۲۶۱	۶۷	۱۸۳۲ تا ۱۳۵
۳۳	علم الهدی، سید عبدالجواد	۲۶۶،۲	۸۰۸	۱۴۰۹ و ۱۰، ۱۴۱۵
۳۴	علوی گنابادی، سید حسن	۲۶۷،۳	۱۰۴۸	۲۱۲۰
۳۵	غروی، عبدالجواد	۲۷۶	۱۰۴۶	۲۱۱۸
۳۶	فاضل مطلق یزدی، محمود	۲۸۸	۴۹۰	۹۶۸، ۹۰۸، ۸۹۸
۳۷	فاضلی، محمد	۲۸۶	۵۱۲	۹۶۷، ۹۳۲، ۹۰۱ و ۲
۳۸	قدس روحانی (گلابگیر)، محمد علی	۱۳۱	۵۰۷، ۴۶۶	۹۴۱، ۵۲۳ تا ۵۱۹
۳۹	قدیری، قصابان عباس	۲۹۴	۴۶	۱۹۸ و ۹
۴۰	لطفی، نفی	۳۲۱	۲۲۰	۲۹۱ و ۲
۴۱	محامی، مرتضی	۳۵۷، ۲	۹۷۹	۲۰۵۱
۴۲	محدث، سید ابراهیم	۳۵۸، ۲	۱۰۰۵	۲۰۶۰
۴۳	سنابادی عزیز، محمود	۱۷۱	۲۳۲، ۲۲۹	۹۶۳ و ۴، ۸۹۳، ۹۸۹
۴۴	مدیر شانه چی، کاظم	۳۳۱	۲۳۴	۳۲۲ و ۳
۴۵	مصدق، احمد	۳۴۰	۱۴۰، ۸۲	۲۱۲ تا ۲۰۹
۴۶	مصدق، محمود	۳۵۱، ۲	۸۱۵	۱۴۲۵
۴۷	معصومی، علی اصغر	۳۵۵، ۱	۱۰۰۹	۲۰۶۴
۴۸	مهدوی، سید مهدی	۳۳۹	۲۸۶	۳۲۷ و ۸
۴۹	مهدیخانی (مصباح)، غلامحسین	۳۴۰، ۲	۷۲۴	۱۳۰۸
۵۰	موسوی نیا، سید محمد	۳۴۵	۱۰۰۴	۲۰۵۹
۵۱	مولوی، محمد صادق	۳۳۷	۳۴۷	۴۶۹، ۷۷ و ۸
۵۲	نورانی، عبدالله	۳۶۴	۹۷۴	۲۰۴۵
۵۳	واعظ زاده خراسانی، محمد	۳۸۴	۲۵۲	۳۰۰، ۲۹۹
۵۴	واعظ عبایی، مهدی	۳۸۳، ۱	۹۴۶	۱۹۱۸
۵۵	واعظی، یعقوب	۳۹۰	۱۰۰۶	۲۰۶۱

- 1- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، مجمع البحوث الاسلامیه (مشهد: 1408ق.).
- 2- محمود پسندیده، حوزه علمیه خراسان، ج اول، مدارس علمیه مشهد، چاپ اول (مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1385).
- 3- دکتر محمد حسین دیانی، روش های تحقیق در کتاب داری (مشهد: انتشارات کتاب خانه رایانه ای، 1384)، ص 16.
- 4- ناصر مکارم شیرازی، تقیه سپری برای مبارزه عمیق تر (قم: انتشارات هدف).
- 5- ناصر مکارم شیرازی و...، تفسیر نمونه، جلد 27 - سورة قدر (قم: دارالکتب الاسلامیه، 1366).
- 6- حافظان و کاتبان وحی (نوار صوتی)/ عبد الغفار ذوقی طالقانی، شماره بازیابی 102 ک CA3102000.
- 7- الاخبار الدخیله، محمد تقی تستری (تهران: مکتب الصدوق، 1401ق.).
- 8- یکصد و پنجاه صحابه ساختگی، مرتضی عسکری، ترجمه عطا محمد سردار نیا (تهران: بهار 64 - 1361).
- 9- علم الحدیث و درایة الحدیث، کاظم مدیر شانه چی، چاپ سوم (قم: دفتر انتشارات اسلامی).
- 10- فرهنگ فرق اسلامی، محمد جواد مشکور (مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1368).
- 11- سیری در صحیحین، محمد صادق نجمی (قم: 1361).
- 12- مسند الامام الباقر، عزیز الله عطاردی (تهران: عطارد، 1381).
- 13- عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، مجمع البحوث الاسلامیه (مشهد: 1408ق.).
- 14- ناصر مکارم شیرازی، همان.
- 15- حوزه علمیه خراسان، جلد اول، مدارس علمیه مشهد، از محمود پسندیده با مقدمه استاد واعظ خراسانی، چاپ اول (مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1385).
- 16- گنج هزار ساله، رمضان علی شاکری، انتشارات کتاب خانه مرکزی آستان قدس رضوی، شماره 15، بهمن 1367.
- 17- مشهد در بامداد نهضت امام خمینی (رحمه الله)، چاپ اول، غلام رضا جلالی (تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1378).
- 18 - ابراهیم زنگنه، همان، ص 337.

19 - مصاحبه های محمود سنا بادی عزیز، نوار کاست 989، 963، 964 و 893 و نوار ویدئو 229 و 232، غلام حسین بقیعی، نوار کاست 247 تا 279 و نوار ویدئو 157 تا 164 و 177 تا 186 و 201 و 202، سید رضا رفایی سعیدی، نوار کاست 465 و 466 و نوار ویدئو 383 و 387، سید حسین سیدی علوی، نوار کاست 1367 و نوار ویدئو 730، محمد فاضلی، نوار کاست 901، 902، 932 و 967 و نوار ویدئو 512، محمد خرقانی، نوار کاست 935، 942، 970، 985، 992 و 1014 و نوار ویدئو 498، محمد علی قدس روحانی (گلاب گیر)، نوار کاست 519 تا 523 و 941 و نوار ویدئو 466 و 507، محمد علی اعتضاد رضوی، نوار کاست 1120، 1169، 1445 و 1505 و نوار ویدئو 696، غلام حسین مهدی خانی (مصباح)، نوار کاست 1308 و نوار ویدئو 724، محمد واعظ زاده خراسانی، نوار کاست 299 و 300 و نوار ویدئو 252، سید محمد علی شیرازی، نوار کاست 899، 903 و 1532 و نوار کاست 496، دکتر محمود فاضل مطلق یزدی، نوار کاست 898، 908 و 968 و نوار ویدئو 490. (منابع سمعی و بصری، مصاحبه های تاریخ شفاهی، مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی).

20- ابراهیم زنگنه، همان، ص 60.

21- گلشن ابرار، ج 3، ص 405، چاپ اول، پاییز 82

22- ابراهیم زنگنه، همان، ص 237.

23- همان، ص 268.

24- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، ج دوم، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، بهار 85، ص 765.

25- مصاحبه محمد صادق مولوی، ویدئو 347، کاست 77، 78، 469.

26- گلشن ابرار، جلد دوم، ص 594.

27- ابراهیم زنگنه، همان، ص 200.

28- گزارش مؤسسه یکتای مهدویه پیروان انجمن حجتیه و مصاحبه احمد طاهر زاده (انجمن حجتیه در بستر زمان) پرونده 10/2، بخش تاریخ شفاهی، مدیریت گروه اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی.

29- مصاحبه با همسر آن شهید، سرکار علیہ خانم فرح الملوک جوشقانی؛ ابراهیم زنگنه، همان، ص 359.

30- www.Vaeztabasi.com

31- ابراهیم زنگنه، همان، ص 167.

32- همان، ص 461

33- مصاحبه علی محمد برادران رفیعی، ویدئو 13 و 137، هم چنین فاطمه عابدزاده، ویدئو 237.

34- محمد رضا حکیمی، عقل سرخ (قم: دلیل ما، 1383)، ص 192؛ هم چنین علی اصغر عابدیان، ویدئو 237.

35- مصاحبه شوندگان در پروژه تاریخ شفاهی انجمن پیروان قرآن.

36- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، جلد دوم، چاپ سوم (قم: سازمان تبلیغات اسلامی قم، بهار 85)، ص 590.

37- غلام حسین شاه مرادی زاده، ویدئو 77، کاست های 91 تا 189.

38- سخنرانی مورخ 77/9/17 نام برده در مرکز اسناد آستان قدس رضوی، پرونده مصاحبه های تایپ شده، شماره 338.

ص: 47

*تاریخ شفاهی آموزش تاریخ در دانشگاه‌ها دکتر محمد حسن راز نهران (1)

مقدمه

ناگفته نماند که موضوع تاریخ شفاهی آموزش تاریخ در دانشگاه‌های ایران، از مباحثی است که تا کنون بدان پرداخته نشده است. به طور یقین در این فرصت کوتاه نیز تنها می‌توان به طرح ضرورت مسئله پرداخت و بررسی و چگونگی اجرای این موضوع را به فرصت دیگری وا گذاشت. زیرا این موضوع علاوه بر نیاز به تحقیقات عمیق‌تر، انجام یک طرح مطالعاتی گسترده را می‌طلبد.

از قرن هجدهم میلادی در بسیاری از شاخه‌های معرفت بشری، اندیشه‌های جدید همراه با وقوع تحولاتی فراگیر و شتابان پدید آمد. علوم انسانی و از میان آن‌ها، تاریخ نیز در معرض این تحولات قرار گرفت. این تحولات، به بروز و ظهور آرای مختلف در تعریف علم، روش، موضوعات و مواد مورد مطالعه مورخان انجامید.

منازعات موضوعی، گرایش طیف گسترده‌ای از محققان بود. مورخان نو اندیش، موضوع تاریخ را به تاریخ شاهان و برگزیدگان سیاسی منحصر نمی‌دانستند. از نظر آنان علم تاریخ، شناخت فرهنگ عامه و گذشته انسانی بدون تمرکز بر قدرت سیاسی و سلسله‌های حاکم بود. آنان، گشودن درهای بسته تاریخ نگاری و آزاد کردن مورخ را برای گشت و گذار

ص: 49

در گذشته مورد تأکید قرار می دادند. تاریخ زبان، تاریخ تغذیه، تاریخ مسکن و مانند این ها به عنوان بخشی از گزارش منسجم درباره گذشته، مورد بحث ایشان قرار گرفت. (1) از نظر این دسته، مقابله با تاریخ سیاسی - که به تاریخ بی حاصل زندگی شاهان، اغراق در نقش شخصیت ها در تاریخ، گزارش طولانی جنگ ها و دیگر کشمکش ها، تبدیل شده بود - ضرورت قطعی است. مطالعه و تحقیق درباره گروه ها و نهاد های اجتماعی نظیر زنان، کارگران، بازرگانان، معلمان و هم چنین دانشگاه ها، خانواده و ارتش، رویکرد های نوینی بود که مورخان جدید به آن می اندیشیدند.

مورخان نوگرا، هم چنین به تغییر در حوزه یافته ها و شواهد تاریخی تأکید داشتند. آنان یافته های تاریخی را محدود به اسناد و آرشیو های ملی نمی دانستند و مورخان را به استفاده از منابع دیگر دعوت می کردند. تاریخ شفاهی، ابزار نوینی بود که مورد توجه قرار گرفت. (2)

از آن زمان (1950 م) تاریخ شفاهی به صورت گسترده در تاریخ نگاری موضوعات متنوع تاریخ معاصر مورد استفاده قرار گرفت و انجمن های علمی تاریخ شفاهی تأسیس شد طرح های تحقیقاتی گوناگون برای نگارش موضوعات تاریخ معاصر به اجرا در آمد. (3)

بنیاد اصلی این روش، بر آن قرار داشت که در نگارش تاریخ، مورخ باید از گفته ها و گزارش هایی بهره بجوید که بازیگران و دست اندر کاران یک موضوع آن را نقل می کنند. گرد آوری اطلاعات مربوط به هر موضوع با استفاده از مصاحبه های روش مند، می تواند ابعاد ناشناخته و ناپیدای موضوعات تاریخی را روشن سازد. زبان گفتاری تاریخ شفاهی به دور از دغدغه های زبان نوشتاری، به پرده برداری از لایه های پنهان و مغفول مانده حادثه کمک می کند. هم چنین، آرایش یافته های تاریخی در قالب سخن و گفتار شفاهی، متمایز از زبان نوشتاری است؛ هر چند که زبان گفتار در تاریخ شفاهی سر انجام به صورت نوشته در می آید. تأکید، تشدید، تمایل، توجه تنفر و بسیاری از احساسات درونی دیگر - که در زبان گفتار نسبت به نوشتار بیش تر مجال بروز می یابد - می تواند یکی از دلایل اقبال گسترده به تاریخ شفاهی باشد. (4)

ص: 50

1- پیتربک، ضرورت هم گرایی نظریه اجتماعی و تاریخ: رابطه جامعه شناسی و تاریخ، فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری، ترجمه حسین علی نودری (تهران: طرح نو، 1379)، ص 432.

2- مایکل استنفورد، در آمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه مسعود صادقی (تهران: انتشارات سمت، 1384)، ص 266.

3- همان، صص 267-268.

4- همان، ص 266. استنفورد به تفاوت های جزئی گفتار اشاره می کند که در سند کتبی وجود ندارد.

بیش از نیم قرن از آموزش تاریخ در دانشگاه های ایران می گذرد. (1) به طور مسلم در این مدت این رشته آموزشی با تحولات مختلفی رو برو بوده است. مواجهه دست اندر کاران آموزش تاریخ با موضوعاتی که به ماهیت، ساختار، جریان های بیرونی و درونی این حوزه معرفتی باز می گردد، می تواند دستمایه مطالعه قرار گیرد. ماهیت علم تاریخ که زمانی هستی آن به عنوان یک علم، مورد تشکیک گروهی از اهل فن قرار گرفت (2) تا هنگامی که به مواجهه با علوم محض و موج پر رونق آن برخاست و یا هنگامی که علم آموزی در آن به سبب تحولات سیاسی با اقبال روپرو شد و هم چنین کم اقبالی اخیر، می تواند نا گفته هایی را از این موضوع آشکار سازد.

ساختار های داخلی و خارجی این رشته، مانند جایگاه آن در میان دیگر رشته ها، نسبت و مناسبات این رشته با مراکز قدرت سیاسی و جریان های مختلف فرهنگی و فکری جامعه، مناسبات تاریخ با سایر رشته های علوم انسانی مانند، ادبیات، جغرافیا، جامعه شناسی و علوم تجربی، الزاماتی را به تاریخ و پیشینه این رشته تحمیل کرده که در قالب تدوین تاریخ شفاهی، به بخشی از آن می توان دست یافت.

ضرورت های تدوین تاریخ شفاهی آموزش تاریخ

اشاره

در مقاله حاضر، تدوین تاریخ شفاهی براساس هفت ضرورت توضیح داده شده است که عبارتند از:

1- تاریخ تاریخ

واقعیت آن است که تاریخ نگاران گذشته و حال، چندان اهمیتی به بیان تاریخ خود نداشته اند و این در حالی است که موشکافی، مرارت و تحمل رنج ها و سختی هایی که در راه روشن کردن حقایق تاریخی بر خود هموار می کنند، بر کسی پوشیده نیست. محقق امروز، نه تنها در دستیابی به زندگی و پیشینه مورخان گذشته با تنگ نا های فراوانی مواجه است بلکه از تاریخ و سرگذشت مورخان معاصر نیز کم اطلاع است. گویا توافقی صورت گرفته که حتی

ص: 51

1- عبد الحسین زرین کوب، تاریخ در ترازو (تهران: امیر کبیر، بی تا)، ص 14.

2- همان

مورخان معاصر هم - که به عرصه نوین تاریخ نگاری توجه دارند و برای مثال ضرورت تاریخ مسکن و پوشاک را یاد آوری می کنند - از تاریخ خود تغافل ورزند. فرو گذاشتن تاریخ یا تاریخ مورخان، در حقیقت چشم پوشی از تعامل و مواجهه افرادی است که در تبیین حقایق گذشته نقش تعیین کننده ای داشته اند. با تدوین تاریخ شفاهی آموزش تاریخ، می توان به بخشی از این مهم دست یافت.

2- تاریخ شفاهی، ابزاری برای برنامه ریزی

دیدگاه های جدید در برنامه ریزی، بر ضرورت مطالعات تاریخی تأکید می کند. اکنون برنامه ریزی در هر یک از حوزه های اجتماعی، سیاسی فرهنگی و اقتصادی بدون مطالعه پیشینه تاریخی آن موضوع، کاری ناتمام و نارس است. به همین جهت برخی از مراکز سیاسی، نظامی و اقتصادی، به ضرورت مطالعات تاریخی پی برده اند و به صور گوناگون این نیاز را هر چند به صورت ناقص به گروه های تاریخ دانشگاه ها و مؤسسات تحقیقاتی منعکس می سازند.

برنامه ها و سرفصل های جدید در دوره های مختلف آموزش تاریخ، از این نیاز مستثنا نیست. به نظر می رسد تدوین تاریخ شفاهی با تکیه بر جمع آوری اطلاعات پیرامون نیاز های برنامه ریزان می تواند در ارائه برنامه ها و سرفصل های مناسب کمک مؤثری کند. گزارش های شفاهی مدرسان و اعضای هیئت علمی تاریخ و پیشکسوتان، منبع بسیار مناسبی جهت اتخاذ تصمیم مناسب در مورد عناوین درسی در سطوح مختلف رشته تاریخ است.

3- تاریخ شفاهی و شناخت چهره های علمی

شناخت بیش تر چهره های علمی در رشته تاریخ از طریق بیان و گفتار، می تواند مسیر علمی دانشجویان فعلی را در پیمودن راه صعب و دشوار تحلیل تاریخ هموار تر سازد. چگونگی آشنایی با حوزه تاریخ، سال های تحصیل برای اخذ مدارج عالی، سال های طولانی تدریس، رخداد های گوناگونی که طی سنوات خدمت با آن ها روبرو بوده اند و بیان خاطرات از استادانی که اکنون در قید حیات نیستند، کم ترین دستاوردی است که در این کار می توان

انتظار داشت، این گفته ها، برای دانشجویان جوان جذاب است و به تقویت انگیزه آنان و شناخت راه های موفقیت شان کمک می کند. (1) در برهه اخیر حیات تاریخ، این کار امری ضروری است.

4- تاریخ شفاهی به عنوان شاخه ای جدید از تاریخ

تاریخ نو، زمینه ها و شاخه های مختلفی برای علم تاریخ تعریف می کند که تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، جامعه شناسی تاریخی، جغرافیای تاریخی و اقتصاد تاریخی از جمله آن هاست. تاریخ شفاهی نیز بسرعت در میان گروه های آموزشی تاریخ رواج یافته و صدها انجمن و طرح مطالعات تاریخ شفاهی در دانشگاه های معتبر جهان در حال انجام است. قدمت برخی از انجمن های تاریخ شفاهی، به حیات رشته تاریخ در دانشگاه های کشور می رسد. انجمن های تاریخ - که اغلب وابسته به گروه های تاریخ هستند - اولویت های نخستین خود را به تاریخ شفاهی آموزش اختصاص داده اند. تداول این امر در دیگر مراکز علمی، ضرورت پرداختن به آن را در برابر ما قرار می دهد.

5- تاریخ شفاهی، بخشی از تاریخ آموزش عالی در ایران

آموزش عالی در ایران، بتدریج به مرز صد سالگی می رسد. جهت برنامه ریزی تدوین تاریخ این حوزه از فعالیت های انسانی، همانند دیگر حوزه ها باید اقدام کرد. نگارش این تاریخ بدون تاریخ شفاهی آموزش عالی، امری ناقص و ناتمام است.

6- چالش های تاریخ و مورخان

ویژگی این ضرورت، از آن جاست که رشته تاریخ و مورخان نسبت به دیگر رشته های دانشگاهی با چالش های سیاسی بیش تری مواجه بوده اند. شاید بتوان گفت این چالش ها نیز خاص تاریخ است. جریان های سیاسی قبل و بعد از انقلاب هیچ یک از رشته های دانشگاهی را از نظر دور نداشت. آشنایی با تاریخ شفاهی، آن چه را بر تاریخ و مورخان گذشته آشکار می کند و آگاهی های لازم را در برابر چالش های پیش رو در اختیار می نهد.

ص : 53

1- دانشجویان، همواره علاقه خود را نسبت به اطلاع از زندگی و کوشش های علمی استادان شان ابراز می دارند. به طور نمونه، در اغلب نشریات علمی دانشجویی سال های اخیر، می توان این علاقه را مشاهده کرد.

آگاهی از تجارب گذشته نظیر همراهی تاریخ و جغرافیا در دهه های سی و چهل شمسی، منبع ارزشمندی است که اهل تاریخ را در برابر موضوعات اخیر مانند رشته های میان رشته ای و روز آمد کردن برنامه ها مطابق نیازها کمک می کند. آموزش تاریخ و جغرافی و آن چه پیرامون آن رخ داده، از زبان ناظران و دست اندر کاران شنیدنی و سخت مورد نیاز است.

7- تاریخ شفاهی و تألیف کتاب و منابع درسی

آموزش تاریخ بدون معرفی منبع و کتاب درسی، مشکل است. اما در معرفی این منابع میان مدرسان عنوان های درسی توافق زیادی وجود ندارد. شناخت ضرورت و چگونگی این مهم و اجرا شدن آن، بخشی دیگر از دستاورد های تاریخ شفاهی است که می توان از زبان مؤلفان شنید و آن را مورد توجه قرار داد.

بدین ترتیب، می توان گفت تدوین تاریخ شفاهی آموزش تاریخ به رغم مشکلات احتمالی آن، می تواند آغازی بر روز آمد سازی برنامه های درسی و ایجاد شاخه تاریخ شفاهی در دانشگاه های کشور باشد. (1)

پی نوشت ها

1- پیتر برک، ضرورت هم گرایی نظریه اجتماعی و تاریخ: رابطه جامعه شناسی و تاریخ، فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری، ترجمه حسین علی نوذری (تهران: طرح نو، 1379)، ص 432.

2- مایکل استنفورد، در آمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه مسعود صادقی (تهران: انتشارات سمت، 1384)، ص 266.

3- همان، صص 267-268.

4- همان، ص 266. استنفورد به تفاوت های جزئی گفتار اشاره می کند که در سند کتبی وجود ندارد.

5- عبد الحسین زرین کوب، تاریخ در ترازو (تهران: امیر کبیر، بی تا)، ص 14.

6- همان.

7- دانشجویان، همواره علاقه خود را نسبت به اطلاع از زندگی و کوشش های علمی استادان شان ابراز می دارند. به طور نمونه، در اغلب نشریات علمی دانشجویی سال های اخیر، می توان این علاقه را مشاهده کرد.

ص: 54

1- هم چنین، از آثار زیر در نگارش این نوشته استفاده شده است: - پیتر برک، تاریخ و نظریه اجتماعی، ترجمه غلام رضا جمشیدی ها (تهران: دانشگاه تهران، 1381). - بولارد، سیدنی، اندیشه ترقی و جامعه، ترجمه حسین اسد پور (تهران: امیر کبیر، 1354). - استیوارت، هیوز، آگاهی و جامعه، ترجمه عزت الله فولادوند (تهران: آموزش انقلاب اسلامی، 1369).

نگارنده در کنگره بین‌المللی «اصفهان در پهنه تاریخ و تمدن اسلامی»، شاهد گفتاری درس آموز درباره یکی از پیش‌کسوتان گروه آموزشی آن دانشگاه بود.

8- هم چنین، از آثار زیر در نگارش این نوشته استفاده شده است:

- پیتر برک، تاریخ و نظریه اجتماعی، ترجمه غلام رضا جمشیدی ها (تهران: دانشگاه تهران، 1381).

- بولارد، سیدنی، اندیشه ترقی و جامعه، ترجمه حسین اسد پور (تهران: امیر کبیر، 1354).

- استیوارت، هیوز، آگاهی و جامعه، ترجمه عزت‌الله فولادوند (تهران: آموزش انقلاب اسلامی، 1369).

ص: 55

کاربرد تاریخ شفاهی در حوزه تدوین انقلاب اسلامی، موضوعی است که تقریباً در یک دهه اخیر مورد توجه ویژه قرار گرفته است. حال آن که پیش از آن، با پیروزی انقلاب و دست یابی نیروهای انقلاب به اسناد و مدارک مراکز امنیتی، منابع عمده تدوین تاریخ انقلاب را اسناد ساواک تشکیل می داد. مرکز اسناد انقلاب اسلامی نیز - که در پی فرمان امام، متولی تدوین تاریخ انقلاب گردید- در راستای همین رویکرد، اسناد ساواک را در آرشیو خود قرار داد. اما بعد ها شاخه های علمی دیگر برای تبیین علمی انقلاب مورد توجه قرار گرفت و حوزه کاری مرکز به مواردی نظیر چاپ علمی اسناد، تدوین خاطرات، نگارش تاریخ منطقه ای و هم چنین پژوهش در حوزه های حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و اندیشه انقلاب گسترش یافت. تاریخ شفاهی انقلاب، یکی از بخش های پر کار و فعال مرکز اسناد انقلاب اسلامی می باشد. شناسایی افراد مؤثر در نهضت، دعوت برای مصاحبه، برگزاری جلسات متعدد مصاحبه، ضبط صوتی و تصویری گفت گوها، پیاده کردن متن مصاحبه ها، واگذاری متن پیاده شده به محققان برای تدوین خاطرات و بالاخره نظارت بر کار محقق جهت اعمال شیوه های علمی و مرسوم اعم از فصل بندی و عنوان گذاری

موضوعات، نگارش پا ورقی برای رفع ابهام از وقایع، معرفی شخصیت های نام برده در متن پا ورقی، حذف موارد تکراری و نکات خارج از چار چوب مورد نظر مرکز اسناد و مواردی از این قبیل، مراحل

عمده تبدیل مصاحبه به کتاب را شامل می شود که بخش تاریخ شفاهی در هم کاری با سایر بخش ها، نقش اصلی را در تحقق آن ایفا می کند.

در یک بررسی کلی از مجموعه آثار تاریخ شفاهی چاپ شده در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، می توان به یک تقسیم بندی محتوایی از متن این خاطرات رسید؛ نخست؛ بخشی از خاطرات به مسائل شخصی اعم از خانواده، تولد، تحصیلات، شغل و به تعبیر دیگر، زندگی خصوصی افراد می پردازد. در حالی که بخش دوم، مبارزات سیاسی فرد را شامل می شود. از این دو قسمت، بخش اخیر را می توان غالباً با پرونده اسناد انفرادی آن شخص - که در ساواک و یا سایر نهاد های امنیتی تهیه شده است - تکمیل و به اصطلاح مستند کرد. از این رو، در پایان برخی از خاطرات تدوین کرده مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسنادی از پرونده انفرادی آن فرد در ساواک ضمیمه کتاب، چاپ شده است.

یک نکته حائز اهمیت در این بخش، تعداد اندک اسناد دوره تبعید نیرو های مبارز می باشد. به تعبیر روشن تر، اسناد دوران مبارزات فردی در تهران، قم و یا یکی از شهر های بزرگ در فاصله یک ساله ممکن است بیش از صد ها گزارش باشد. در حالی که شمار اسناد دوران تبعید یک ساله همان فرد از چند برگ انگشت شمار و آن هم غالباً مربوط به ابلاغ حکم صادره، تبعید گاه، ملاقات با تبعیدی و مواردی از این قبیل تجاوز نمی کند. این جاست که تاریخ شفاهی به عنوان مکمل اسناد به کمک محقق می آید و روایت یک ساله فعالیت های تبعیدی در قالب بازگویی خاطرات دوران مبارزه در تبعیدگاه ها، خلاصه حاصل از کمبود اسناد آن دوره را پر می کند.

طرح مسئله

نگارنده این سطور در خلال انجام یک پژوهش تحت عنوان «رسانه ها و پیام رسانی در انقلاب اسلامی»، بیش از پیش به اهمیت تاریخ شفاهی برای تبیین زوایای مغفول تاریخ انقلاب واقف گشت. برای انجام این طرح، در آغاز نقش نیرو های مبارز و پیام رسان و هم چنین پایگاه های نهضت اعم از نیرو های بومی مبارز و مساجد در شهر های بزرگ و حتی متوسط از پرونده های انفرادی ساواک و شهربانی آنان شناسایی و معرفی گردید. اما هنگامی که نوبت به

شهر های کوچک و غالباً محروم کشور رسید، در اسناد و مدارک موجود از دستگاه های امنیتی بندرت گزارشی از حضور و نقش عوامل پیام رسان نهضت و یا فعالیت عناصر بومی به چشم می خورد. لذا انتظار می رفت که نفوذ آموزه های انقلاب در آن مناطق کم رنگ بوده باشد؛ اما واقعیت غیر از این بود. در آن شهر ها نیز بسان شهر های بزرگ، در ماه های منتهی به پیروزی انقلاب، تظاهرات وسیعی به وقوع پیوست که بعضاً با درگیری های خونین همراه بود.

به این ترتیب، برای نگارنده این سؤال پیش آمد که چگونه آموزه های انقلاب به این مناطق محروم راه یافت و گسترش پیدا کرد؟ تا این که در خلال بررسی خاطرات روحانیون تبعیدی به شهر های محروم و دور افتاده کشور، پاسخ این پرسش به دست آمد. از این رو بسیاری از این خاطرات که در قالب تاریخ شفاهی و به صورت مصاحبه در مراکز اسنادی و پژوهشی و یا نشریات چاپ و منتشر شده بود، تهیه گردید و ابعاد مغفولی از تاریخ انقلاب مورد باز کاوی قرار گرفت.

چهار موج تبعیدی

اشاره

از بررسی تاریخ شفاهی تبعیدی ها، چهار موج تبعیدی در طول یک دهه و نیم دوران نهضت درخور شناسایی می باشد. هر موج تبعیدی در پی وقوع یک یا چند رویداد هم زمان و عمده مربوط به نهضت انجام می گرفت که در خلال آن برای جمعی از نیرو های مبارز، حکم صادر گردید. البته در فواصل زمان قبل و بعد از هر موج تبعیدی نیز غالباً عناصر دیگری از نیرو های انقلابی در زمینه برنامه های مبارزاتی دستگیر و تبعید می شدند که از این افراد به عنوان تبعیدی های انفرادی مرتبط با هر یک از موج های چهار گانه نام برده می شود. چهار موج عمده تبعیدی ها به شرح زیر می باشد. یاد کرد این نکته ضروری است که به علت حجم محدود مقاله، در این نوشتار فقط سه موج اول، دوم و سوم تبعید ها مورد بررسی قرار می گیرد.

1- موج اول تبعید ها: در پی افزایش اعتراضات به تبعید امام و تداوم نهضت (1343 - 1345)؛

2- موج دوم تبعید ها: در پی ارسال اولین اعلامیه امام از نجف و اعلام مرجعیت ایشان بعد از رحلت آیت الله العظمی حکیم (1346 - 1350)؛

3- موج سوم تبعیدها: در پی قتل و خلع سلاح پاسبانی در قم به دست گروه ابوذری و تبعید گسترده روحانیون مبارز (1351) - (1354)؛

4- موج چهارم تبعیدها: قیام نوزدهم دی ماه قم و سلسله اربعین های بزرگ داشت شهدا در شهر های مختلف (1355) - (1357).

موج اول تبعیدها: بررسی نهضت روحانیت از جریان اعتراض به لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی در نیمه دوم سال 1341 تا تبعید امام خمینی از ایران در آبان 1343، نشان می دهد که دستگاه امنیتی کشور برای مقابله با نیرو های مبارز، از راه کار های مختلفی نظیر عقب نشینی در قبال افزایش اعتراضات عمومی (لایحه انجمن ها)، دستگیری و بازداشت افراد، ممنوع کردن منبر واعظان، حمله به پایگاه های نهضت و ضرب و شتم افراد (مدرسه فیضیه)، صدور اعلامیه های جعلی، دست زدن به خشونت و کشتار مردم (قیام پانزدهم خرداد) و بالاخره تبعید امام از ایران، استفاده کرد. اما بعد از تبعید امام، باز هم طرفداران نهضت در پوشش برگزاری مراسم مذهبی، سعی در تداوم نهضت و زنده کردن یاد و نام امام کردند. این مراسم، در قم در قالب برپایی دعای توسل، در مسجد بالا سر حضرت معصومه (سلام الله علیها) و جشن میلاد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مسجد اعظم برگزار گردید. در مراسم مشابه دیگری به مناسبت جشن مذکور، در تعدادی از مساجد تهران، واعظانی از قبیل فضل الله محلاتی، صدر روحانی، سید هاشم شجاعی و سید محمد گازی سخنرانی و به تبعید امام اعتراض کردند که مدتی بعد دستگیر

شدند. اما هم چنان سخنرانی هایی از این نوع تداوم یافت و ساواک در یک مرحله دیگر، اقدام به دستگیری و بازداشت 36 تن دیگر از واعظان کرد. (1)

با این احوال، وعاظ به مبارزه خود ادامه دادند و سعی می کردند از مناسبت های مذهبی برای برنامه های مبارزاتی شان بهره برداری کنند. چنان چه در ماه رمضان 1343 ش. طبق برنامه ای منظم، مسجد جامع تهران را برای ایراد سخنرانی به صورت نوبتی انتخاب کردند که ساواک، ناچار شد ابتدا مسجد را قفل کند؛ اما چون با بازتاب منفی آن در افکار عمومی مواجه شد، اقدام به جمع آوری بلندگوها و فرش های مسجد کرد. (2) بالاخره مراسم دیگری که باز هم با نقش آفرینی وعاظ منجر به درگیری و سپس دستگیری آنان گردید، دومین سالگرد فاجعه مدرسه فیضیه قم بود. این مراسم در مدرسه مذکور بر پا گردید و روحانیونی از قبیل

ص: 59

-
- 1- خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، به کوشش سید حمید روحانی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1376)، صص 67-70.
 - 2- دوران مبارزه (خاطرات هاشمی رفسنجانی)، زیر نظر محسن هاشمی (تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، 1376)، صص 199-200.

ربانی شیرازی، انصاری شیرازی، صادق خلخالی و هاشمی رفسنجانی، دستگیر و بازداشت شدند. (1)

از این رو بتدریج برای ساواک این امر مسجل شد که راه کار دستگیری و بازداشت وعاظ و سپس آزادی آن ها، کار آمدی ندارد و باید چاره ای اساسی برای مقابله با روحانیون بیندیشد. در یکی از گزارش های ساواک در خصوص علل ناکامی در اتخاذ راه کار مذکور، چنین آمده است: «هرگاه، هر یک از روحانیون افراطی بازداشت می شوند، آن فرد از نظر افکار عمومی مورد توجه قرار گرفته و بعد از آزادی، از سوی مجالس عزا داری و هیئت های مذهبی، بیش از گذشته دعوت می شود. وانگهی در دوره بازداشت نیز، هزینه های زندگی خانواده او از طرف دوستانش تأمین می گردد.» در ادامه این گزارش، در خصوص روحانیون موافق نظام اضافه گردیده، که متقابلاً آنان بتدریج موقعیت خود را در افکار عمومی از دست داده و از آن ها برای مجالس وعظ دعوت به عمل نمی آید. (2)

چنین به نظر می رسد که ساواک در پی این ناکامی ها، رویکرد امنیتی خود را تغییر داده بود و طی بیش از یک دهه بعد، به دنبال هر سخنرانی تحریک آمیز و غالباً به بهانه های واهی دیگر، وعاظ را دستگیر و به مناطق دور افتاده و محروم کشور تبعید می کرد.

به این ترتیب، ساواک نخستین بار از این راه کار در پی ایراد سخنرانی های تند در جریان برگزاری مراسم جشن نیمه شعبان برابر با هجدهم آذر 1344 در مسجد اعظم قم استفاده کرد. در پی برپایی این مراسم - که سخنرانان آن بار دیگر از لزوم بازگشت امام به ایران سخن راندند - مأموران به مسجد هجوم بردند و بعد از شناسایی عاملان آن، تعداد 20 تن را دستگیر کردند که بلافاصله کمیسیون امنیت اجتماعی قم تشکیل جلسه داد و شش نفر از بازداشت شدگان را به نام های سید عبد الله هاشمی، مرتضی حجازی، فلاح یزدی، هادی پیشوایی و قربان علی طایف نجف آبادی، به اقامت اجباری (تبعید) چهار ماهه در سمنان و محمد رضا مؤیدی را به همین مدت در دامغان محکوم کرد. (3) گفتنی است که هادوی، رئیس وقت دادگستری قم و از اعضای کمیسیون مذکور، از تأیید این حکم خود داری ورزید که به همین دلیل مدتی بعد ناچار به انتقال اداری از قم به تهران گردید. (4)

ص: 60

- 1- همان، صص 205 - 203 .
- 2- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره باز یابی پرونده 677، صص 54-55.
- 3- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره باز یابی پرونده 678، صص 9-18.
- 4- خاطرات 15 خرداد (دفتر پنجم)، به کوشش علی باقری (تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، 1376)، ص 326، سخن مهدی هادوی.

مدتی بعد، وقایع دیگری رخ داد که بار دیگر ساواک اقدام به دستگیری و صدور حکم تبعید جمعی از وعاظ کرد. یکی از این وقایع، از این قرار بود که جمعی از نیروهای انقلابی، در آستانه حلول سال نو (1345) در حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) اقدام به پخش اعلامیه کردند. اما ساواک آن‌ها را شناسایی و مدتی بعد دستگیر کرد. از جمع دستگیر شدگان، شش نفر به نام‌های سید احمد کلانتر و محمد جعفری گیلانی، هر یک به مدت چهار ماه به فردوس، مهدی کروی، محمد رضا یاسین و محمد علی گرامی همین مدت به گنبد کاووس (1) و بالاخره شهاب الدین اشراقی - داماد امام خمینی - به مدت یک سال به همدان تبعید شدند. گفتنی است که اشراقی، وکیل امام متهم به پرداخت کمک‌های مالی به نیروهای مبارز بود. (2)

بدین ترتیب در موج اول، 12 تن از روحانیون محکوم به تبعید شدند. خوشبختانه از این تعداد، آیت الله محمد علی گرامی، اقدام به مصاحبه و بازگفت خاطرات خود در قالب تاریخ شفاهی کرده است. در این کتاب، قریب ده صفحه درباره دوران تبعید ایشان در گنبد می‌باشد. (3) بر خلاف سایر قسمت‌های مبارزات سیاسی ایشان - که غالباً در فعالیت‌های گروهی در سایر منابع نیز به آن‌ها اشاره شده - این بخش از خاطرات ایشان در هیچ منبعی ذکر نشده و از این رو اهمیتی مضاعف می‌یابد. براساس این خاطرات، عمده مبارزات ایشان در دوران تبعید، فعالیت علیه بهائیان گنبد کاووس بوده که موفقیت‌های زیادی همراه داشته است؛ به طوری که مورد تقدیر مؤمنان آن‌جا قرار گرفت.

موج دوم تبعیدها: پیام‌رسانی امام از نجف و اعلام مرجعیت ایشان بعد از رحلت آیت الله العظمی حکیم (1346 - 1350): تبعیدی‌های این دوره از نظر زمانی در نیمه دوم دهه چهل قرار می‌گیرند. در آغاز این مرحله، امام دو سال بعد از تبعید به عراق، نخستین اعلامیه خود را در اعتراض به جشن‌های تاج‌گذاری در آبان ماه 1346 صادر کرد و تکالیف جدیدی برای نیروهای مبارز تعیین کرد. اعلامیه امام خطاب به «حضرات فضلا و محصلین حوزه مبارکه قم، تهران و سایر حوزه‌های علمیه کشور»، در 27 فروردین همان سال صادر شد. (4) این اعلامیه و اعلامیه دیگری را از ایشان خطاب به امیرعباس هویدا - نخست وزیر وقت - روحانیون انقلابی چاپ، تکثیر و توزیع کردند. حجج اسلام سید حمید روحانی (5) و علی اکبر ناطق نوری، (6) در خاطرات‌شان بتفصیل از نقش خود در این فعالیت‌ها سخن گفته‌اند.

ص: 61

- 1- شرح مبارزات حضرت آیت الله محمد مهدی ربانی املشی، به روایت اسناد ساواک (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1380)، ص: 102.
- 2- خاطرات آیت الله علی اکبر مسعودی خمینی، به کوشش جواد امامی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1381)، ص: 308؛ هم‌چنین: مدرسه فیضیه به روایت اسناد ساواک (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1380)، صص: 201 - 202.
- 3- خاطرات آیت الله محمد علی گرامی، به کوشش محمد رضا احمدی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1381)، صص: 303 - 313.
- 4- صحیفه امام، جلد 2 (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1378)، ص: 129.
- 5- سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، ج 2 (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، صص: 340 - 344.
- 6- خاطرات حجت الاسلام علی اکبر ناطق نوری، به کوشش مرتضی میردار (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382)، صص: 81 -

ساواک بعد از اطلاع از ارسال پیام امام، بر نظارت خود شدت بخشید و در آغاز، جمعی از دست اندر کاران کتاب‌خانه ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امام را در قم از جمله آیات عظام منتظری، ربانی شیرازی و هم چنین وکلای ایشان را به نام‌های محفوظی، صانعی و اسلامی، دستگیر و بازداشت کرد. این عمل، موجی از اعتراضات را برانگیخت. روحانیون، تلگراف‌هایی خطاب به آیات عظام؛ محسن حکیم و احمد خوانساری در جهت اقدام برای آزادی دستگیر شدگان مخابره کردند. ولی ساواک، با تشکیل بی‌دادگاه، حکم یک سال و نیم زندان برای منتظری و دو سال برای ربانی شیرازی صادر کرد که بعداً حکم آیت الله منتظری به تبعید تغییر یافت. تبعید گاه وی مسجد سلیمان بود. ایشان در خاطرات خود از نظارت شدید امنیتی بر آن شهر به دلیل هم مرز بودن با عراق و داشتن صنایع نفتی و هم چنین نقش کارگری و نظامی آن سخن به میان آورده است. (1)

ولی بعد از اتمام دوران تبعید و مراجعت به قم، بار دیگر ایشان را به اتهام کمک مالی به خانواده‌های روحانیون زندانی و تبعیدی، به نجف آباد تبعید کردند. منتظری به علت نفوذ و موقعیتی که در زاد شهر خود داشت، برنامه‌های مبارزاتی اش را در قالب برگزاری کلاس‌های تدریس تفسیر، اصول فقه، آموزش ادبیات عرب (مخصوص خانم‌ها)، اقامه نماز جمعه در مسجد جامع و پرداخت شهریه به طلاب قم، به نمایندگی از امام تداوم بخشید. (2)

مرحله دوم مبارزات روحانیون در این مقطع، در سال 1349 رقم خورد. در خرداد ماه همین سال آیت الله العظمی حکیم، مرجع تقلید شیعیان رخت از جهان فرو بست. روحانیون طرفدار نهضت - که مرجعیت امام را برای پذیرش رهبری سیاسی لازم می‌دانستند - برای تبلیغ مرجعیت ایشان به فعالیت پرداختند. ابتدا آیات عظام منتظری و ربانی، اعلامیه‌ای در تأیید مرجعیت امام صادر کردند. (3) این اقدام، مورد استقبال بسیاری از مدرسان و فضلاء حوزه قم و شهرستان‌ها قرار گرفت. از آن جمله ده تن از مدرسان حوزه قم به طور انفرادی اعلامیه‌هایی در خصوص مرجعیت امام صادر کردند. این علما عبارت بودند از: آیات و حجج اسلام محمد موحدی فاضل (فاضل لنکرانی)، حسین نوری، نعمت الله صالحی، احمد جنتی، ابو القاسم خزعلی، یحیی انصاری، علی مشکینی، غلام رضا صلواتی، ابراهیم امینی و محمد شاه آبادی. (4)

ص: 62

1- بخشی از خاطرات آیت الله منتظری، (قم: بی‌نا، بهار 1379)، صص 271 - 275. این منبع، از این پس با عنوان کوتاه شده خاطرات آیت الله منتظری می‌آید.

2- همان، صص 284-292.

3- متن اعلامیه آقایان حاج شیخ حسین علی منتظری و حاج شیخ عبد الرحیم ربانی شیرازی، درباره اعلی‌ت امام، اسناد انقلاب اسلامی، ج 2، به کوشش سید حمید روحانی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1374)، صص 177-179.

4- نهضت امام خمینی، ج 2، پیشین، صص 772 - 788.

اقدام دیگر در این راستا، برگزاری مجلس ختم آیت الله حکیم در مسجد جامع بازار تهران از سوی وعاظ مبارز و سخن رانی شیخ علی اصغر مروارید درباره مرجعیت امام بود. (1) بعد از این مراسم، بسیاری از واعظان و اهل منبر در شهرستان ها جرئت یافتند و در مجالس مذهبی به معرفی و اعلام مرجعیت امام پرداختند و بعضاً از رساله ایشان، احکام شرعی را بیان کردند. (2)

آیات منتظری و ربانی شیرازی در یک اقدام هماهنگ دیگر، نامه ای به امضای 50 تن از مدرسان و فضیلاي حوزه قم تهیه و خطاب به امام ارسال کردند که در آن، بر رهبری ایشان تأکید شده بود. (3) آیات فاضل لنکرانی (4) و حسین نوری (5) از صادر کنندگان اعلامیه انفرادی و هم چنین از امضا کنندگان نامه مذکور، در مصاحبه هایی بر نقش مهم این اقدامات در رویکرد توده های مؤمن به مرجعیت امام تأکید کرده اند.

ساواک، بسرعت عاملان این برنامه ها را شناسایی و آنان را نه تنها در این مرحله بلکه بعد ها نیز به همین اتهام محاکمه کرد. از میان این اشخاص، دو تن از افراد پیشگام یعنی آیت الله منتظری را در تبعیدگاه خود (نجف آباد) ابقا کرد و آیت الله ربانی شیرازی را باز داشت ولی با وساطت آیت الله شریعت مداری آزاد کرد. (6) هم چنین سه تن دیگر از دست اندر کاران معرفی مرجعیت امام یعنی خز علی، مروارید و صلواتی را، به سه سال تبعید در زابل محکوم کرد. در همین راستا، برخی از روحانیون مبارز شهرستان ها نیز از تعقیب ساواک در امان نماندند. شیخ عباس ایزدی را از علمای نجف آباد - که در مجلس ترحیم آیت الله حکیم درباره مرجعیت امام و دست داشتن ساواک در به شهادت رساندن آیت الله سعیدی سخنرانی کرده بود - دستگیر و به دو سال تبعید در زابل محکوم کرد. پیش از آن شیخ احمد کلاتر نامی نیز - که در مجلس ترحیم آیت الله سعیدی در مدرسه فیضیه و محل دفن آن شهید (وادی السلام قم) سخنرانی اعتراض آمیزی کرده بود - دستگیر و به تبعید سه ساله در زابل محکوم کرده بود. (7) مجموعه این تبعیدی ها در آغاز ورود به زابل، به مدت سه ماه در منزل یکی از روحانیون مبارز بومی به نام سید محمد تقی حسینی اقامت گزیدند. خوشبختانه از میان این پنج تن، آیت الله خز علی خاطرات خود را در قالب تاریخ شفاهی باز گو کرده که چاپ و منتشر شده است. هم چنین آیت الله ایزدی در گفت گویی جمعی با شرکت تعدادی از تبعیدی های

ص: 63

-
- 1- خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، پیشین، ص 77.
 - 2- خاطرات حجت الاسلام حسینی همدانی، به کوشش رحیم نیکبخت (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382)، ص 113، هم چنین خاطرات آیت الله محمد علی گرامی، پیشین ص 359.
 - 3- اسناد انقلاب اسلامی، ج 3، پیشین، ص 222؛ هم چنین: روایت پایداری، آیت الله عبد الرحیم ربانی شیرازی به روایت ساواک (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1379)، ص 198.
 - 4- دو هفته نامه پیام انقلاب، ترجمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شماره 90، مورخ 1362/5/15، مصاحبه با آیت الله فاضل لنکرانی، صص 27 و 30.
 - 5- روایت پایداری: آیت الله عبد الرحیم ربانی شیرازی به روایت اسناد ساواک، پیشین، صص 201-221.
 - 6- روایت پایداری: آیت الله عبد الرحیم ربانی شیرازی به روایت اسناد ساواک، پیشین، صص 201-221.
 - 7- نهضت امام خمینی، ج 2، پیشین، صص 799-846 و 723-726.

انقلاب به کوشش بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، مطالبی درباره این دوره از تبعید خود بیان کرده است که از خلال این خاطرات، می توان نقش و فعالیت های تبعیدی های موج دوم را مورد بررسی قرار داد.

خز علی در خاطراتش نقل کرده است: در هوای گرم زابل - که گاه به 52 درجه می رسید- کاری که انجام آن میسر بود، حفظ کردن قرآن بود. وی اضافه کرده، هم چنین با سایر تبعیدی ها جلسات مباحثه درسی ترتیب دادند و بتدریج با علما و اهالی آن جا ارتباط برقرار کردند؛ ولی به دلیل جو فرهنگی، امکان برگزاری جلسات سخنرانی وجود نداشت. نکته در خور توجه از یاد مانده های خز علی، نقش «خیران و برادران مبارز در قم» جهت تأمین هزینه ها و مخارج زندگی تبعیدی ها می باشد. (1) چنین به نظر می رسد که برخی از وکلای امام از جمله منتظری (2) و محلاتی، (3) از مدت ها پیش چنین کمک هایی را در دستور کار خود قرار داده بودند.

اما ایزدی نیز در خاطراتش به موضوع تأمین هزینه های مالی زندگی تبعیدی ها اشاره کرده و خاطرنشان ساخته که: در این دوره نیرو های مبارز از اقصی نقاط کشور و بخصوص برخی از تجار تهران به دیدار تبعیدی ها می شتافتند و امکانات رفاهی آن ها را فراهم می کردند. نام برده درباره اوضاع فرهنگی زابل نیز افزوده است: برخی از موانع موجود در آن جا، مانع فعالیت های سیاسی و تبلیغی تبعیدی ها می شد؛ از جمله برخی روحانیون بومی طرفدار عقاید انجمن حجیه بودند و اصولاً هر گونه فعالیت سیاسی را تخطئه می کردند. مانع دیگر، فقر فرهنگی منطقه بود و این عامل، هر گونه فعالیت را از افراد سلب می کرد. ایشان در پایان اضافه کرده که: با همه این موانع، عناصر مبارز طی دوره های مختلف تبعید و یا سفر های تبلیغی، توانستند زمینه های رشد فکری برخی جوانان منطقه را فراهم سازند. از جمله این افراد می توان آیت الله ابو القاسم خز علی را نام برد که بتدریج موفق شد برای جوانان جلسات درس و سخنرانی برگزار کند و در پیام رسانی آموزه های انقلاب نقش مهمی ایفا کند. (4)

موج سوم تبعید ها: که در پی قتل و خلع سلاح پاسبانی در قم به دست گروه ابوذر صورت گرفت. یک تشکل مبارزاتی در حوزه شریعت و امر به معروف و نهی از منکر، در نهادند فعالیت می کرد که برای توسعه برنامه های خود، درصدد دستیابی به سلاح برآمدند.

ص: 64

- 1- خاطرات آیت الله ابو القاسم خز علی، به کوشش حمید کرمی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382)، صص 124-125.
- 2- خاطرات آیت الله منتظری، پیشین، صص 342 - 343.
- 3- خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، پیشین، صص 86.
- 4- فصل نامه یاد، ارگان بنیاد انقلاب اسلامی ایران، سال یازدهم، شماره های 41 - 42، بهار و تابستان 1375، خاطرات مرحوم آیت الله شیخ عباس ایزدی، صص 40-44.

برای این منظور، چند تن از اعضای گروه به قم عزیمت کردند تا در آن جا، هم از مجتهد ها مجوز شرعی برای مبارزه مسلحانه دریافت کنند و هم با خلع سلاح پاسبانی، اسلحه به دست آورند. اما با ناکامی در این طرح، بهانه لازم برای ساواک فراهم شد تا اقدام به دستگیری و تبعید گسترده ده ها نفر از عناصر مبارز کند. تعداد تبعیدی های این موج 25 نفر بود که با اضافه کردن تبعیدی های انفرادی این مقطع، به 50 تن می رسید. مدت تبعید غالب آنان سه ساله بود و تبعید گاه اولیه بسیاری نیز شهر های دور افتاده و سستی نشین انتخاب شد. با عنایت به تغییر تبعید گاه برخی از این تبعیدی ها از شهری به شهر دیگر به اضافه تبعیدی های انفرادی، می توان ادعا کرد که قریب 60 شهر از مناطق محروم کشور در معرض تبلیغات و پیام رسانی آنان قرار گرفت. زمان طولانی تبعید، فرصت لازم را به تبعیدی های این دوره داد تا با برنامه ریزی منسجم و هماهنگ، فعالیت های تبلیغی و فرهنگی خود را متمرکز کنند. از سوی دیگر، تدارکات و پشتیبانی مادی و معنوی تبعیدی ها و خانواده های آنان نیز با نظم بیش تری در دستور کار عناصر مبارز قرار گرفت و آنان توانستند یک حلقه ارتباطی میان پایگاه های نهضت در قم و

تهران با تبعید گاه ها ایجاد کنند و به تبادل اخبار و گزارش های نهضت پردازند. و سر انجام تاریخ شفاهی گسترده از یاد مانده های دوران تبعید تبعیدی های این دوره است که در قالب چاپ و انتشار خاطرات و هم چنین انجام گفت گو و مصاحبه های مفصل با نشریات، اهمیت این موج تبعید را در مقایسه با دو موج قبلی مضاعف می سازد.

رویداد های تعیین کننده

1- جشن های 2500 ساله شاهنشاهی در سال 1350: این مراسم از همان آغاز با مخالفت امام و روحانیون مبارز مواجه شد. امام در نجف سخنرانی اعتراض آمیزی ایراد کرد که بعد ها متن آن در قالب اعلامیه و نوار سخنرانی، به دست طرفداران نهضت تکثیر و توزیع گردید. پخش سخنرانی امام از «رادیو نهضت روحانیت ایران» - که از رادیو بغداد پخش می شد - در تاریخ 14 تیر 1350، باعث شد که جمع زیادی از عناصر انقلابی در صدد ضبط و بعد پیاده کردن آن بر روی کاغذ و بالاخره تکثیر و توزیع آن بر آیند. از این رو دامنه فعالیت پیام رسانی نیرو های انقلابی در اقصی نقاط کشور گسترش یافت و بر همین اساس، اقدامات

باز دارنده ساواک نیز گسترده شد و ده ها تن از روحانیون مبارز در شهر های مختلف دستگیر و محکوم به تبعید شدند.

2- انتصاب پرویز ثابتی به ریاست امنیت داخلی: ثابتی که طی هفت سال پیش از آن در بخش های مدیریتی اداره کل سوم ساواک (امنیت داخلی) فعالیت می کرد، در این سال به جای تیمسار مقدم، به ریاست مهم ترین واحد ساواک نایل آمد. او با درایت، از ناکار آمدی ساواک طی سال های متمادی در مقابله با مبارزات روحانیون آگاهی یافت. از این رو با اتخاذ تدابیر و برنامه هایی، درصدد حل این معضل بر آمد. فر دوست در خاطراتش از ثابتی در این سال به عنوان «معروف ترین چهره ساواک» نام برده و او را، که در آن سال ها با افشا و کشف گروه های مسلحانه چریکی نظیر سازمان مجاهدین خلق، چریک های فدایی خلق و مانند این ها شهرتی به هم رسانده بود، با نام «مقام امنیتی» به افکار عمومی معرفی کرده است. (1) یک بررسی مقایسه ای از قبل و بعد از انتصاب وی به مقام مذکور، نشان می دهد که میزان بازداشت ها در دوره او چند برابر افزایش پیدا کرد. او نقش اصلی را در تبعید روحانیون داشت. در یک دستور العمل امنیتی به تاریخ 31 شهریور 1352،

برای کنترل تبعیدی ها در تبعید گاه ها از طریق شرکت های مسافر بری و جلوگیری از ترک موقتی تبعید گاه، اشاره شده است. (2)

3- ماجرای گروه ابوذر: از بررسی کتاب «تاریخ شفاهی ابوذر»، (3) چنین بر می آید که در پی برگزاری جلسات مذهبی از سوی جمعی از مؤمنان نهادند در قالب تشکلی با عنوان «انجمن حجتیه» برای جلوگیری از پیوستن جوانان به بهائیت، تعداد انگشت شماری از دانش آموزان شرکت کننده در این جلسات از خط مشی انجمن مبنی بر عدم دخالت در سیاست، روگردان شده و طی رایزنی هایی تصمیم گرفتند برای حل معضلات اجتماعی و سیاسی به مبارزه پردازند. از جمله، در یک اقدام متهورانه، سینما تاج نهادند را که در آن فیلم های مبتذل نمایش داده می شد به آتش کشیدند. آنان برای انجام این عملیات، از حجت الاسلام ری شهری، که برای سفر تبلیغی به نهادند رفته بود استخاره خواستند. (4) از 22 نفر اعضا، 9 نفر عضو اصلی بودند و جلسات خود را در پوشش تجمعات دوستانه برگزار می کردند. این 9 نفر، به سه گروه سه نفره با مسئولیت بهمن منشط، عباد الله خدا رحمی و ما شاء الله سیف تقسیم شدند و بعد از چند عملیات ناقص، از تابستان سال 52

تصمیم به مبارزه

ص: 66

1- حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج اول: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، اطلاعات، 1369)، صص 473 - 476.

2- آیت الله محمد مهدی ربانی املشی به روایت اسناد ساواک (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1380)، صص 102-159.

3- تاریخ شفاهی گروه ابوذر، به کوشش رزا ناظم (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382).

4- خاطره ها، محمد محمدی ری شهری (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383)، ص 67.

مسلحانه گرفتند. برای این منظور، با برخی علمای مبارز وقت از جمله آیت الله ربانی شیرازی و حجت الاسلام فاکر مذاکراتی به عمل آوردند و در نهایت، سه نفر از اعضا به قم عزیمت کردند. عملیات خلع سلاح پاسبان مستقر در بازار قم، در ساعت 12 شب 25 تیر ماه 1352 بود که در پی فریاد های پاسبان، بناچار چند ضربه کارد به او زدند و با برداشتن اسلحه او گریختند. اما هم کاران پاسبان، با شنیدن سر و صدا به محل حادثه شتافتند و بعد از درگیری مختصری موفق به دستگیری آن سه تن شدند. بلافاصله سایر اعضا شناسایی و طی محاکمه ای، شش تن اعدام و بقیه به زندان محکوم شدند. اعتراف برخی به ارتباط با روحانیون مبارز، بهانه مورد نیاز ساواک را برای دستگیری و تبعید گسترده آنان فراهم کرد.

ربانی شیرازی، اولین فردی بود که ساواک به سراغ او رفت. او در مصاحبه ای نقل کرده که در ساعت نخست بازداشت، بشدت با شلاق، سیگار و باتوم برقی شکنجه شد. (1) درز خبر شکنجه های ربانی، باعث اعتراضات روحانیون مبارز و درخواست کمک آن ها از مراجع تقلید شد. با تداوم اعتراضات، ثابتی 25 نفر از عاملان آن را که غالباً طی یک دهه مبارزه شناسایی شده و دارای پرونده امنیتی بودند، دستگیر و طی محاکمه ای تبعید کرد. در حکم صادره این افراد، خاطر نشان گردیده که «ماجرا جویی و اخلال گری آنان محرز گردیده بود.» (2)

به هر حال، اسامی تبعیدی های مذکور همراه با تبعید گاه ها و توضیحات لازم، به شرح زیر و جدولی که در انتهای مطلب آمده ارائه می گردد.

مروری بر فعالیت های تبعیدی های موج سوم در تبعید گاه های خود

از بررسی مصاحبه ها و خاطرات تبعیدی های این دوره در قالب تاریخ شفاهی، می توان ابعاد و زوایای گسترده نقش آنان را در پیام رسانی آموزه های نهضت مورد باز کاوی قرار داد. این ابعاد، به شرح زیر در خور بررسی است:

1- استقرار در تبعید گاه و زمینه سازی برای تبلیغ: اهالی تبعید گاه در بدو ورود هر تبعیدی، معمولاً با دید مجرم به او نگاه می کردند. (3) از این رو، غالب تبعیدی ها در آغاز سراغ روحانی بومی آن جا می رفتند و از این طریق، هم اعتماد عمومی را جلب می کردند و هم

ص: 67

1- ماه نامه پاسدار اسلام، شماره 27، اسفند 1362، صص 52 - 54.

2- آیت الله محمد مهدی ربانی املشی به روایت اسناد ساواک، پیشین، ص 153.

3- خاطرات حجت الاسلام علی غیوری، فصل نامه یاد، شماره 41 - 42، سال 11، بهار و تابستان 1375، ص 74.

زمینه حضور در مساجد و محافل مذهبی و ایراد سخنرانی را می یافتند. به عنوان نمونه، منتظری با کمک رئیس مدرسه دینی طبس، در مدرسه دینی آن جا مستقر شد و هزینه لوله کشی آب مدرسه را تقبل کرد. (1) ربانی املشی، در منزل سید محمد حسن آل طیب، از مجتهدان شوستر اقامت گزید. (2) یزدی، که حتی منزلی برای اجاره در «کنگان» پیدا نکرد - بناچار به قم مراجعت کرد. اما مجدداً دستگیر شد و این بار با اعمال نفوذ ژاندار مری، منزلی موقت اجاره کرد که البته در آن جا هم دوام نیاورد و تبعید گاهش به بوشهر تغییر یافت. در آن شهر با تبعیدی دیگر یعنی خلخالی منزلی اجاره کرد و با کمک شیخ ابو تراب (عاشوری)، از روحانیون بومی - به فعالیت های مبارزاتی روی آورد. (3)

خلخالی نیز که پیش از آن به انارک یزد تبعید شده بود، با اعمال نفوذ ژاندار مری آن جا منزلی اجاره کرد و به فعالیت پرداخت. او سی صفحه از خاطراتش را از این دوره، به بررسی اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی این شهر اختصاص داده است. (4)

خوشبختانه چهار تن از تبعیدی های این موج، یاد مانده های خود را در جلسه ای مشترک با کوشش بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، در قالب تاریخ شفاهی نقل کرده اند. آنان عبارتند از: حجج اسلام احمد منتظری قمی، عباس محفوظی، علی حجتی کرمانی و علی غیوری. منتظری نقل کرده که اهالی تبعید گاهش (شاه پسند) از او استقبال کردند و به حدی فعالیت های تبلیغی او گسترش یافت که ساواک، بناچار محل تبعیدش را به بندر شاه تغییر داد؛ اما در این شهر با مشکل منزل مواجه شد و بدتر از آن، روحانی نما ها بودند که به مقابله با او برخاستند. (5) آیت الله محفوظی نقل کرده که در بدو ورود به رفسنجان، با تهدیدات رئیس شهر بانی مبنی بر این که حق هیچ گونه فعالیت ندارد، مواجه شد. اما علمای مبارز آن جا از وی استقبال کردند و زمینه فعالیت های سیاسی و مذهبی را برای او فراهم کردند. حجت الاسلام علی حجتی کرمانی نیز به علت فضای شدید امنیتی ایلام، نتوانست فعالیت بکند. اما حجت الاسلام علی غیوری در سیرجان با حمایت یکی از روحانیون بومی، موفق شد به فعالیت های مذهبی و سیاسی پردازد. (6)

ص: 68

1- خاطرات آیت الله منتظری، پیشین، صص 298 - 295.

2- آیت الله محمد مهدی ربانی املشی به روایت اسناد ساواک، پیشین، ص 159.

3- آیت الله محمد یزدی، [تدوین]: مرکز اسناد انقلاب اسلامی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380)، صص 390 - 363.

4- صادق خلخالی، خاطرات در تبعید یا نقش استعمار در کشور های جهان سوم (تهران: راه امام، 1359)، صص 8 - 40.

5- خاطرات حجت الاسلام احمد منتظری قمی، فصل نامه یاد، شماره 41 - 42، صص 28 - 35.

6- همان، صص 22 - 75.

خز علی در تبعید گاه دومش یعنی دامغان، به بر پایی جلسات دینی و تفسیر قرآن همت گماشت. پیش از آن نیز در تبعید گاه نخست خود یعنی بندر گناوه، مسائل شرعی و بعضاً سیاسی را برای اهالی باز گو می کرد. (1)

2- فعالیت های مذهبی و سیاسی: لباس روحانیت، نماد دین است و از صاحب این لباس در نگاه اول، رویکردی مذهبی انتظار می رود. همین امر، تبعیدی ها را برای نفوذ کلمه در میان اهالی و جذب مخاطب کمک می کرد. از این رو غالب آنان بعد از مدتی به اقامه نماز جماعت، سخنرانی در مجالس مذهبی، بیان احکام شرعی و مواردی از این قبیل می پرداختند. به عنوان نمونه، آیت الله منتظری در تبعید گاهش شهر طبس، به جای امام جماعت مسجد جامع، نماز صبح را اقامه می کرد. در خلال همین برنامه، از فضیلت نماز به مسائل روز گریز می زد. منتظری هم چنین در آن شهر به تدریس خارج فقه پرداخت و به طلاب شهریه داد. (2) مدتی نگذشت که جمعی از اقصی نقاط کشور برای شرکت در کلاس های ایشان به طبس آمدند. (3) او در تبعید گاه دومش خلخال نیز، موفق به بر پایی نماز جمعه شد. اما چون اهالی تبعید گاه سومش - شهر سقز - اهل تسنن بودند، فقط برای جمع اندکی از مهاجران شیعه کلاس تفسیر قرآن برگزار و نماز جماعت اقامه کرد. (4) اما چنین شرایطی برای ربانی املشی در شوشتر هرگز فراهم نشد. با دستور العمل ها و کنترل ساواک، چنان عرصه را بر او تنگ کردند که فقط با سه نفر تماس داشت. (5) در حالی که در تبعید گاه دومش فردوس، کلاس تفسیر قرآن در مسجد جامع شهر برگزار کرد. (6) خلخالی در انارک زمانی به احیای نماز عید فطر اهتمام ورزید. (7) یزدی در بوشهر کتاب «فقه القرآن» را تألیف کرد و ادامه آن را در رودبار به پایان رساند. چنان چه خلخالی نیز در همین تبعید گاه بر عروة الوثقی حاشیه زد. (8) شیخ احمد منتظری قمی نیز از همان بدو ورود به تبعید گاهش - آزاد شهر - به محافل دینی راه یافت و مدعو همیشگی جلسات مذهبی شد. لذا محل تبعید او را به بندر شاه تغییر دادند. در آن جا با یک روحانی ثنا گوی شاه در افتاد، و ساواک به توصیه روحانی مذکور، مانع وی شد. (9) اوقات علی حجتی کرمانی در تبعید گاهش غالباً به مطالعه و تحقیق می گذشت. حال آن که شیخ عباس محفوظی، تبعیدی به رفسنجان، به علت ممنوع بودن منبرش، بعد از اقامه نماز

ص: 69

- 1- خاطرات آیت الله ابو القاسم خزعلی، پیشین، صص 125 - 126.
- 2- خاطرات آیت الله منتظری، پیشین، ص 296.
- 3- ماه نامه پاسدار اسلام، شماره 35، آبان 1363، ص 51.
- 4- خاطرات آیت الله منتظری، پیشین، صص 297-319.
- 5- دو هفته نامه پیام انقلاب، شماره 87، مورخ 1361/11/30، ص 27.
- 6- آیت الله منتظری، پیشین، صص 297 - 319.
- 7- محمد صادق صادقی گیوی، خاطرات آیت الله خلخالی (تهران: نشر سایه، 1379)، صص 191-212.
- 8- خاطرات آیت الله یزدی، پیشین، صص 371-378 و 407.
- 9- فصل نامه یاد، شماره 41 - 42، پیشین، صص 28-38.

به صورت نشسته برای نماز گزاران سخنرانی می کرد. سید علی غیوری در سیرجان، به نمایندگی از امام به جمع آوری وجوه شرعی، اعزام مبلغان به روستاهای اطراف، احداث حمام، بنای مسجد و نگارش تفسیر نمونه همت گماشت. (1)

نتیجه گیری

در یک بررسی کلی از خلال خاطرات تبعیدی ها و یا به تعبیر دیگر، تاریخ شفاهی تبعیدی ها می توان نتایج زیر را به دست آورد:

1- به نقش پیام رسانی تبعیدی ها در تبعید گاه ها به عنوان کسانی که غالباً بذر انقلاب را در شهر های محروم و دور افتاده کاشتند و آموزه های نهضت را به آن مناطق انتقال دادند، باید پی برد.

2- در خلال خاطرات تبعیدی ها، غالباً اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تبعید گاه ها مورد بررسی قرار گرفته است.

3- علمای بومی و به تبع آن ها مساجد و محافل دینی تبعید گاه ها، نقش مهمی در تداوم مبارزات تبعیدی ها ایفا می کردند؛ به طوری که بعضاً در صورت فقدان رویکرد آن ها به فعالیت سیاسی و یا استقلال از تبعیدی، غالباً تبعیدی ها منزوی می شدند.

4- به علت رفت و آمد مستمر نیرو های انقلابی به تبعید گاه ها جهت دیدار و ملاقات با تبعیدی ها، یک مسیر ارتباطی با شهر های دور افتاده ایجاد شد و اخبار و گزارش های نهضت و بعضاً اعلامیه ها در آن شهر ها توزیع می گردید.

5- غالباً تبعیدی ها با عنایت به شرایط زمانی و مکانی تبعید گاه ها موفق می شدند جمعی از عناصر مستعد بومی را جذب نهضت کنند و همان نیرو ها، هدایت مبارزه را در آن مناطق به عهده می گرفتند.

6- تبعیدی ها با شناختی که از عناصر و نیرو های مبارز تبعید گاه ها به دست آوردند، بعد از پیروزی انقلاب با انتصاب آنان در سمت های کلیدی آن شهر ها، نقش مهمی در تثبیت اوضاع در خلال بحران های سال های نخست انقلاب ایفا کردند.

ص: 70

ردیف	نام و نام خانوادگی	محل دستگیری	محل اولیه تبعید	مدت تبعید	محل دوم یا سوم تبعید	مدت تبعید	توضیحات
۱	حسینعلی منتظری	نجف آباد	طبرس	۱ سال	خلخال	۴ ماه و ۱۰ روز	محل سوم تبعید وی - که ۷ ماه طول کشید - در سفر بوده و سپس در پی اتهامی دیگر، به ده سال زندان محکوم شد.
۲	عبدالرحیم ربانی شیرازی	قم	چابهار		خلخال		پس از فرار از تبعیدگاه، به سه سال بازداشت در زندان قصر محکوم شد.
۳	محمدصادق کراسچی نهرانی	قم	نرماشیر (کرمان)	۲ سال	فومن		وی به سه سال تبعید محکوم شد ولی بعد از گذراندن دو سال مورد عفو واقع گردید.
۴	صادق خلخالی	قم	اتارک یزد	۱۰ ماه	رودبار	۲۶ ماه	تبعیدگاههای بعدی: رفسنجان: ۴ ماه، لار: ۲ ماه، پاته: ۳ ماه، بندر لنگه: ۳ ماه.
۵	احمد آذری قمی		بزازجان		نائین		
۶	محمدعلی گرامی		بم کرمان		شهر بابک		
۷	علی مشکینی	قم	ماهان		گلپایگان		در منابع، از مرند و کاشمر هم به عنوان تبعیدگاه وی یاد شده است.
۸	یحیی انصاری شیرازی		نائین		کهنکلیو به		در برخی منابع، از کوهدشت و خرم آباد لرستان هم به عنوان تبعیدگاه وی یاد شده است.
۹	محمد عبایی		بندر دیلم	۱۰ ماه	نائین	۳۶ ماه	
۱۰	محمد یزدی	قم	کنگان - یوشهر	۳ - ۵ ماه تبعید	رودبار	۲ سال	در منابع و اسناد ساواک از بندر لنگه، کنگان و بندر گناوه هم به عنوان تبعیدگاههای وی یاد شده است.
۱۱	احمد جنتی		اسد آباد		فردوس		
۱۲	نعمت‌الله صالحی	نجف آباد	نویسرکان		مهاباد		در منابع، از ابهر زنجان هم به عنوان تبعیدگاه وی یاد شده است.
۱۳	علی اصغر احمدی خمینی		کیوتر آهنگ همدان	۱۰ ماه	نویسرکان	۲۶ ماه	
۱۴	محمد دانش زاده (مؤمن)	قم	شهداد	۱۰ ماه	نویسرکان	۲۶ ماه	
۱۵	محمد مهدی ربانی انلیشی	قم	شوشتر	۱۱ ماه	فردوس	۲۵ ماه	
۱۶	ابوالقاسم خزعلی	قم	بندر گناوه	۶ ماه	دامغان	۲ سال و ۶ ماه	در اسناد ساواک، از مشکین شهر هم به عنوان تبعیدگاه دوم وی یاد شده است.
۱۷	عبدالحمید مولانا	قم	نفت یزد		فومن - نائین		وی به همراه شیخ علی اصغر مروارید، صاحب مطبوعاتی دارالفکر قم بود.
۱۸	محمد فاضل موحدی (فاضل لنگرانی)	قم	بندر لنگه		یزد		در اسناد ساواک، از فومن هم به عنوان تبعیدگاه وی یاد شده است.
۱۹	عبدالمجید معادیخواه		گنبد	۶ ماه	بافت		بعد از مدتی، به سه سال بازداشت در زندان قصر محکوم شد.
۲۰	محسن عبدالیپ همدانی		شهر بابک				
۲۱	محمد جعفری گیلانی		تبریز		کاشمر		بعدها محکوم به بازداشت در زندان قصر شد.
۲۲	عباس محفوظی		رفسنجان		گلپایگان		
۲۳	حسن صناعی		مشکین شهر		مرند		
۲۴	احمد منتظری		شاهپسند (آزاد شهر)		بندر شاه (بندر ترکمن)		مدت تبعید وی فقط دو سال بود.
۲۵	فتح الله امید نجف آبادی		بافت		بندر شاه		

- 1 - خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، به کوشش سید حمید روحانی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1376)، صص 67-70.
- 2 - دوران مبارزه (خاطرات هاشمی رفسنجانی)، زیر نظر محسن هاشمی (تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، 1376)، صص 199 - 200.
- 3 - همان، صص 205 - 203 .
- 4 - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره باز یابی پرونده 677، صص 54-55.
- 5 - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره باز یابی پرونده 678، صص 9-18.
- 6 - خاطرات 15 خرداد (دفتر پنجم)، به کوشش علی باقری (تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، 1376)، ص 326، سخن مهدی هادوی.
- 7 - شرح مبارزات حضرت آیت الله محمد مهدی ربانی املشی، به روایت اسناد ساواک (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1380)، ص 102.
- 8 - خاطرات آیت الله علی اکبر مسعودی خمینی، به کوشش جواد امامی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1381)، ص 308؛ هم چنین: مدرسه فیضیه به روایت اسناد ساواک (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1380)، صص 201 - 202.
- 9 - خاطرات آیت الله محمد علی گرامی، به کوشش محمد رضا احمدی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1381)، صص 303-313.
- 10 - صحیفه امام، جلد 2 (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1378)، ص 129.
- 11 - سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، ج 2 (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، صص 340-344.
- 12 - خاطرات حجت الاسلام علی اکبر ناطق نوری، به کوشش مرتضی میردار (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382)، صص 81 - 74.
- 13 - بخشی از خاطرات آیت الله منتظری، (قم: بی نا، بهار 1379)، صص 271 - 275. این منبع، از این پس با عنوان کوتاه شده خاطرات آیت الله منتظری می آید.
- 14 - همان، صص 284-292.

- 15 - متن اعلامیه آقایان حاج شیخ حسین علی منتظری و حاج شیخ عبد الرحیم ربانی شیرازی، دربارهٔ اعلامیت امام، اسناد انقلاب اسلامی، ج 2، به کوشش سید حمید روحانی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1374)، صص 177-179.
- 16 - نهضت امام خمینی، ج 2، پیشین، صص 772 - 788.
- 17 - خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، پیشین، ص 77.
- 18 - خاطرات حجت الاسلام حسینی همدانی، به کوشش رحیم نیکبخت (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382)، ص 113، هم چنین خاطرات آیت الله محمد علی گرامی، پیشین ص 359.
- 19 - اسناد انقلاب اسلامی، ج 3، پیشین، ص 222؛ هم چنین: روایت پایداری، آیت الله عبد الرحیم ربانی شیرازی به روایت ساواک (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1379)، ص 198.
- 20 - دو هفته نامهٔ پیام انقلاب، ترجمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شماره 90، مورخ 1362/5/15، مصاحبه با آیت الله فاضل لنکرانی، صص 27 و 30.
- 21 - ماه نامهٔ حوزه، صاحب امتیاز دفتر تبلیغات حوزهٔ علمیه قم، شماره 28، مهر و آبان 1367، مصاحبه با آیت الله حسین نوری، صص 32 - 33.
- 22 - روایت پایداری: آیت الله عبد الرحیم ربانی شیرازی به روایت اسناد ساواک، پیشین، صص 221-201.
- 23 - نهضت امام خمینی، ج 2، پیشین، صص 799-846 و 723-726.
- 24 - خاطرات آیت الله ابو القاسم خز علی، به کوشش حمید کرمی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382)، صص 124-125.
- 25 - خاطرات آیت الله منتظری، پیشین، صص 342 - 343.
- 26 - خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، پیشین، ص 86.
- 27 - فصل نامهٔ یاد، ارگان بنیاد انقلاب اسلامی ایران، سال یازدهم، شماره های 41 - 42، بهار و تابستان 1375، خاطرات مرحوم آیت الله شیخ عباس ایزدی، صص 40-44.
- 28 - حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج اول: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست (تهران: مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش های سیاسی، اطلاعات، 1369)، صص 473 - 476.
- 29 - آیت الله محمد مهدی ربانی املشی به روایت اسناد ساواک (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1380)، صص 159-102.

- 30 - تاریخ شفاهی گروه ابوذری، به کوشش رزا ناظم (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382).
- 31 - خاطره ها، محمد محمدی ری شهری (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383)، ص 67.
- 32 - ماه نامه پاسدار اسلام، شماره 27، اسفند 1362، صص 52 - 54.
- 33 - آیت الله محمد مهدی ربانی املشی به روایت اسناد ساواک، پیشین، ص 153.
- 34 - خاطرات حجت الاسلام علی غیوری، فصل نامه یاد، شماره 41 - 42، سال 11، بهار و تابستان 1375، ص 74.
- 35 - خاطرات آیت الله منتظری، پیشین، صص 298 - 295.
- 36 - آیت الله محمد مهدی ربانی املشی به روایت اسناد ساواک، پیشین، ص 159.
- 37 - آیت الله محمد یزدی، [تدوین]: مرکز اسناد انقلاب اسلامی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380)، صص 390 - 363.
- 38 - صادق خلخالی، خاطرات در تبعید یا نقش استعمار در کشور های جهان سوم (تهران: راه امام، 1359)، صص 8 - 40.
- 39 - خاطرات حجت الاسلام احمد منتظری قمی، فصل نامه یاد، شماره 41 - 42، صص 28 - 35.
- 40 - همان، صص 22 - 75.
- 41 - خاطرات آیت الله ابو القاسم خزعلی، پیشین، صص 125 - 126.
- 42 - خاطرات آیت الله منتظری، پیشین، ص 296.
- 43 - ماه نامه پاسدار اسلام، شماره 35، آبان 1363، ص 51.
- 44 - خاطرات آیت الله منتظری، پیشین، صص 319 - 297.
- 45 - دو هفته نامه پیام انقلاب، شماره 87، مورخ 1361/11/30، ص 27.
- 46 - آیت الله منتظری، پیشین، صص 319 - 297.
- 47 - محمد صادق صادقی گیوی، خاطرات آیت الله خلخالی (تهران: نشر سایه، 1379)، صص 191 - 212.
- 48 - خاطرات آیت الله یزدی، پیشین، صص 371 - 378 و 407.
- 49 - فصل نامه یاد، شماره 41 - 42، پیشین، صص 38 - 28.
- 50 - همان، صص 23، 64 - 65 و 75 - 76.

تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دکتر محسن خلیلی

*تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دکتر محسن خلیلی (1)

«تاریخ»، به عنوان تأملی نظری بر رویداد های گذشته و نیز نگاه عبرت گیرانه و پند پذیرانه از رخداد هایی که در زمان های پیشین پدیدار می شده، به شیوه ای بنیادین بر دو پایه استوار است. از یک سو، بدون گواه و شاهد، نمی توان به طرزی مستند در باب آن چه رخ داده است، سخن گفت؛ ولی از دیگر سو، شواهد تاریخی را سخت می توان به شیوه ای ناب فهمید، شناخت و بیان کرد. زیرا گواهی های تاریخی، نیازمند شاهدانی است که این شاهدان نمی توانند فارغ از ارزش داوری ها، معیار های پیشینی قضاوت و بر کنار از تأثیر و تأثر عینیت ها و ذهنیت ها باشند. بنابراین راویان و ناقلان رخداد های تاریخی افزون بر شواهد، نیازمند تفسیر نیز هستند. زیرا دست کم آن است که باید نشان دهند بر حسب کدام معیار، برخی شواهد را در جایگاه مهتر نشانده، برخی را فرو تر پنداشته و برخی را بی اهمیت جلوه داده اند؟ اگر مهارت اصلی مورخ، توانایی برای کشف آن چه بوده از روی آن چه هست، (2) تلقی بدرستی گردد، دقیقاً باید پذیرفت که او حتی از همان بدایت کار - که نقل رویداد ها باشد - به طور قطع با تکیه بر یک

سنجۀ ویژه، به گزینش رویداد های مناسب و طرد رخداد های نامناسب دست می یازد. «تاریخ»،

ص: 77

1- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

2- مایکل استفورد، در آمدی بر فلسفۀ تاریخ، ترجمۀ احمد گل محمدی (تهران: نی، 1382)، ص 112.

به عنوان یک «نظم درسی کلاسیک»، تلاشی برای بازسازی تصویری منسجم از گذشته با تکه های یک جور چین است که بسیاری از عناصر آن در دست نیست. (1)

در بازسازی مغفول های پیشینی، به عنوان رویداد نادیده انگاشته شده و یا عمدتاً سهواً فراموش شده، هر تاریخ دانی نیاز مند پژوهش است و هر پژوهشی از تعیین مسئله شروع می شود، به ساختن فرضیه می رسد و سپس نیاز مند طرح پژوهشی، اندازه گیری، جمع آوری، تعمیم و تحلیل داده ها می گردد. در فرایند پژوهش، هر پژوهش گری هم نیاز مند نظریه هاست، هم گام های تحقیق را می باید حول محور نظریه مقبول بر دارد و هم در نهایت، کمک به نظریه سازی جدید، ضرورت کار وی تلقی می گردد. فرایند پژوهش، ماهیتی چرخه ای دارد؛ معمولاً با یک مسئله شروع می شود و با تعمیمی تجربی و غیر قطعی به پایان می رسد. تعمیم، پایان یک چرخه و شروع چرخه بعدی است. فرایند چرخه پژوهش به صورت نامحدود ادامه می یابد. (2)

پژوهش تاریخی نیز از این قاعده مستثنا نیست. زیرا صرفاً نمی توان به نقل رخداد ها بسنده کرد بلکه می باید پیام رویداد ها را نیز استنباط کرد، متن و زمینه پیام تاریخی را بدرستی شناخت، دلیل و یا دلایل وقوع هر پدیده خاص را فهمید، دلیل و دلایل وقوع نیافتن پدیده ای را که مورد انتظار همگان بوده است، دریافت و به چستی، چگونگی و چرایی یا توصیف، تشریح، تبیین رویداد تاریخی دست یازید. هنگامی که از ماهیت یک پدیده تاریخی مانند «تدوین قانون اساسی برای یک نظام سیاسی نو بنیاد» سخن می گوئیم، در همان آغاز، گرچه خود را نیاز مند برهان می یابیم، ولی عمده مشغولیت ذهنی ما، پی بردن به ماهیت آن پدیده تاریخی است که اصلاً قانون اساسی چیست و تدوین آن به چه معناست؟ ولی اگر از چگونگی تدوین قانون اساسی سخن به میان آوریم، می باید تاریخ وار به سلسله ای از رویداد های به هم پیوسته اشاره کنیم که نشان دهنده ماهیت روز شمارانه یک رویداد تاریخی است.

گرچه در گزینش داده ها، هر کس به فراخور حال - که ترجمانی عامیانه از کیفیت تأثیر و تأثر ذهن و عین است، رویدادی را در سلسله رویداد ها بر صدر می نشاند و رخدادی دیگر را مغفول عنه، رها می کند، ولی باز هم از دلیل سخن به میان نمی آوریم. اما هنگامی که

ص: 78

1- ژان فرانسوا دورتیه، علوم انسانی: گستره شناخت ها، ترجمه مرتضی کتبی؛ جلال الدین رفیع فر و ناصر فکوهی (تهران: نی، 1382)، ص 343.

2- چاوا فرانکفورد؛ دیوید نچمیاس، روش های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی (تهران: سروش، 1381)، ص 32.

از تبیین می‌گوییم، در حقیقت می‌خواهیم بدانیم دلیل تدوین قانون اساسی چیست و چرا به شیوه‌ای ویژه، این کار صورت پذیرفته است؟ در پاسخ به چرایی‌ها، بی‌گمان نیاز مند دلیل هستیم. اما در برهان آوردن، هر کس با عطف توجه به صبغه‌ی علاقه و سائقه‌ی نظر، مخالفانه یا موافقانه سخن سرایی می‌کند.

در حقیقت بدرستی می‌توان پذیرفت که تاریخ یک چیز نیست بلکه چندین چیز است. تاریخ، هم عبارت است از چیزی که اتفاق می‌افتد و هم تصویری که از آن چیز در ذهن می‌سازیم. تاریخ نخست، همان چیزی است که ما می‌خواهیم باور کنیم؛ مجموعه‌ای از رویدادها یا موقعیت‌های عینی یا وجود‌های در خور شناسایی و قابل تشخیص واقع شده در زمان و مکان معین. تاریخ دوم، ذخیره، یاد آوری، باز آفرینی و باز فهم آن رویدادهاست و بالاخره تأثیر آن‌ها بر شیوه‌ی برخورد ما با رویدادها و موقعیت‌های کنونی. (1)

تاریخ شفاهی، در قلمرو تاریخ دوم قرار می‌گیرد. آیا نمی‌توان از همین آغاز باور کرد که باز آفرینی، باز نمایی و باز زنده سازی رویداد تاریخی و بهره‌گیری از آن چه در موقعیت‌های پیشین رخ می‌داده، مهم‌تر از اصل و بنیان واقعه است؟

گفتار یکم - معنا و کار ویژه تاریخ شفاهی

درک و شناخت آن چه علوم انسانی نامیده شده، بسیار مشکل است؛ زیرا ماهیت چندگانه علوم انسانی، سبب شده که گستره‌ای وسیع از شناخت‌های در عین حال غنی، متنوع و نامنظم پدیدار گردد که نتوان تصویر شفاف، علمی، یک دست و جمع و جوری از پدیده‌های در حال تحقیق و بررسی به دست آورد. ماهیتی که سبب شده است اصطلاح‌هایی هم چون «کهنکشان رشته‌ها، رشد گیاه‌واره‌ای، جنگل‌وارگی دانش‌ها و زرادخانه‌ای از روش‌ها» (2) پدیدار گردد و هر محقق‌ی را در انبوهی از داده‌ها، الگوها، فرضیه‌ها، مفروضه‌ها و نظریه‌ها غرق کند. در رشته‌ی درسی تاریخ، اگر بخواهیم داده‌های به دست آمده، منظم و با معنا باشند، می‌باید سه موضوع را به طور کلی در نظر آوریم: چه چیزی باید مورد مشاهده قرار گیرد؟ کجا و چه وقت باید مشاهده کرد و چگونه می‌باید ثبت کرد؟ تا چه حد به استنباط نیاز داریم؟ مطلوب آن است که «آب را از سر چشمه بیاید گرفت»؛ به این معنا که در پژوهش تاریخی، به طرز

ص: 79

1- استنفورد، همان، ص 421.

2- دورتیه، همان، صص 21 - 24.

دقیق می باید این نکته را مد نظر آورد که حتی اگر تمامی منابع مکتوب لازم مورد بررسی قرار گیرند، نمی توان فراموش کرد که هر میراث مکتوبی در مرتبه نخست، به کمک حافظه و زبان، گفته و روایت شده و سپس به ثبت و نگارش درآمده است؛ زیرا حقیقتاً زبان گفتار بر زبان نوشتار مقدم بوده است. در این معنا، «روایت شفاهی»، مجموعه پیام ها و اطلاعاتی است که از نسلی به نسل دیگر، سینه به سینه منتقل می شود و هدف آن تأیید وقوع حادثه ای و یا شهادت به حضور پدیداری در عرصه زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. (1)

منابع مکتوب همواره به کمک زبان گفتاری، مقدمتاً نقل می شده و آن گاه به کتابت در می آمده است و این نکته پذیرفتنی است که احتمال بروز خطا در روایات متعدد و نا نوشته ای که راویان گوناگون به تواتر ذکر می کرده اند، کم تر از منابع مکتوب است؛ زیرا مکتوبات اصولاً در پرده ای از احتمال های خطا و تحریف قرار می گیرند، ولی نقل های شفاهی دست کم آن است که اعتبار و قدرت تکمیل کنندگی بیش تر و کاهش افزون تر اشتباه ها را در نطفه می پروراند. اگر مد نظر ما، «تاریخ قابل درک» باشد و نه تکیه زدن بر افسون گری ها و افسانه سازی ها، و اگر منظور نظرم، بازسازی دنیای ذهنی باشد که در آن «رویداد ها به صورتی که اتفاق افتاده و بازیگرانش احساس کرده اند، باز سازی شود»، (2) به نظر می آید هیچ روشی مانند کار بست روش ها و فنون تاریخ شفاهی نمی تواند بر آورنده مقصود باشد. زیرا اسناد زنده، حیات مغتنم دارند. آفتاب لب بام، ما را بر آن می دارد که تجربه های زنده را تشویق به سخن کنیم. گذشته خویش را بیاییم و به یافتن خویش در گذشته، دست یازیم و مردم را به صحنه تاریخ بیاوریم. (3)

تعریف دانشورانه از تاریخ شفاهی، چنین است: تاریخ شفاهی، نوعی شیوه جمع آوری و آماده سازی اطلاعات تاریخی است، از طریق ضبط مصاحبه با شرکت کنندگان در رویداد های تاریخی. (4)

جست جو گر تاریخ شفاهی، با پرسش گری های فراوان خود، به طریزی هم زمان به چند کار دست می زند: احیای مجدد خاطرات شاهد از رخداد های گذشته، باز شنوی تجربه های شخصی فرد و باز سازی آن برای آیندگان، نگاه به رویداد های تاریخی از زوایای دیگر. در حین گفت گو، پرسش و پاسخ هایی رد و بدل می گردد که در هیچ منبع مکتوبی یافت نمی شود؛

ص: 80

1- روح الله بهرامی، «نقش نقل و روایت شفاهی در تکوین تاریخ نگاری اسلامی»، در کتاب: حسن حضرتی [گرد آورنده] دانش تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی (قم: بوستان کتاب، 1382)، ص 67.

2- دورتیه، همان، ص 348.

3- نورایی، مرتضی (1382) «مقدمه ای بر فلسفه تاریخ شفاهی» گنجینه اسناد. سال 13، دفتر اول و دوم، پیاپی 49 و 50، بهار و تابستان 1382، صص 66-69.

4- نیک نفس، شفیقه (1383) «درباره تاریخ شفاهی» گنجینه اسناد. سال 14، دفتر سوم، پیاپی 55، پاییز 1383، ص 4.

اطلاعاتی استخراج می‌گردد که در هیچ منبع مکتوبی درج نشده است و احساسات و عواطف گرداگرد رویداد تاریخی مورد بحث، یافته و بازسازی می‌شوند. تاریخ شفاهی، حول محور «مصاحبه» دور می‌زند و تنها از طریق پرسش‌های رو در رو، به زبانی می‌رسد. ولی از هر زاویه که نگاه کنیم، مشخص است که بر نحوه انجام مصاحبه، ابزارها و فنون انجام مصاحبه، فضای اخلاقی حاکم بر گفت‌گو و شیوه‌های نگهداری فرایند‌های استنتاجی پرس و جو، به یقین، معیارهایی حاکم است که کمابیش تبدیل به نوعی استاندارد‌های جهانی و بین‌المللی گشته‌اند: تشخیص مبانی، قوانین، معیارهای فنی، تعهد در قبال عموم، نگهداری مواد اصیل، مفید و قابل اعتماد، تعهد نسبت به مصاحبه‌شونده، حرفه و تعهدات دو طرفه بین سازمان‌های مسئول و مصاحبه‌گران، (1) امروزه به منزله برنامه راهنمای یک دست و استاندارد جهانی تاریخ شفاهی در آمده که شامل «تعهد در قبال مصاحبه‌شوندگان»، «مسئولیت در قبال عموم مردم»، «خطوط کلی اخلاقی در مصاحبه‌ها بین پرسش‌کنندگان و پاسخ‌دهندگان»، «راهنمایی

شیوه انجام مصاحبه» و «تکنیک‌های پیاده‌سازی نوارها و نگه‌داری آرشیوگفت‌گوها» (2) می‌شود. آن‌چه مصاحبه‌را به عنوان قطب تاریخ شفاهی در آورده، ویژگی‌های رفتاری انسان‌هاست؛ زیرا به طور کلی انسان‌ها با بهره‌گیری از سه روش به تبادل فکر می‌پردازند: صوت یا آواهای گوناگون، حرکت یا جنبش، و زبان. (3)

جنبه بالفعل و ملفوظ زبان، گفتار نامیده می‌شود که صورت فیزیکی و عینی زبان است. ولی خود زبان، یک پدیده کلی و ذهنی و یا یک نظام ذهنی و انتزاعی است. در این میان، «مصاحبه»، به معنای تبدیل زبان به گفتار است. (4) به تعبیر دیگر، مصاحبه، نمود صوتی یا ملفوظ زبان به عنوان یک پدیده ذهنی واحد است. از سخن، آگاهی به دست می‌آید و این اطلاع، نیت صریح گوینده را معین می‌کند. ولی در مصاحبه، بویژه هنگام ضبط صوت و تصویر، نیت ضمنی پاسخ‌گو، از طریق لحن بیان، طنین صدا و جنبش‌های فیزیکی بدن، به شنونده، چه خود بخواهد چه نخواهد، آگاهی‌هایی درباره سن، جنسیت، وضع مزاجی، طبقه اجتماعی، میزان تحصیلات و حالات روانی ارائه خواهد کرد. (5)

بنابراین پرس و جو کردن، وسیله جمع‌آوری شناخت و اطلاعات است و در آن، محقق طی برنامه‌ای معین، با سؤالات مشخص، در پی سنجش هدف‌هایی کم و بیش مشخص (6)

ص: 81

- 1- «معیارهای جهانی تاریخ شفاهی» گنجینه اسناد. ترجمه و تدوین ابو الفضل حسن آبادی، سال 14، دفتر سوم، پیاپی 55، پاییز 1383، ص 9.
- 2- حسن آبادی، همان، صص 9-15.
- 3- شناختی از دانش شناسی، به کوشش هوشنگ ابرامی؛ رحمت‌الله فتاحی، چاپ دوم (تهران: کتاب‌دار، 1378)، صص 28-30.
- 4- مهری باقری، مقدمات زبان شناسی، چاپ چهارم (تهران: قطره، 1380)، صص 31-32.
- 5- ابو الحسن نجفی، مبانی زبان شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، چاپ ششم (تهران: نیلوفر، 1378)، صص 39 و 41.
- 6- فرا مرز رفیع پور، کند و کاو‌ها و پنداشته‌ها: مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، چاپ دوم (تهران: شرکت سهامی انتشار، 1367)، صص 296 - 297.

بر می آید. تاریخ شفاهی، حول محور مصاحبه می چرخد و از طریق گفت گوهای صحیح متکی بر شیوه های درست، قادر می شود نا دانسته ها و نا دیده های ما را از رخداد های تاریخی کاهش دهد و به افزون سازی آگاهی های ما از پیشینه تاریخی مان (با تکیه بر گسترش خاطره، روایت و حکایت) (1) بپردازد.

گفتار دوم - گوناگونی سخن ها در خبرگان قانون اساسی

بدون درنگ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله ای که از ماه های پایانی فروپاشی نظام شاهنشاهی با تأکید مورد توجه انواع گروه های سیاسی قرار گرفت که آیا قانون اساسی مشروطیت می تواند با اندک تغییر هایی هم چنان اجرا گردد و یا می باید به طور کلی قانون اساسی جدیدی تدوین شود؟ تدوین قانون اساسی، شش گام داشت که عبارت بود از: ارائه پیش نویس قانون اساسی به افکار عمومی، تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی، بحث و بررسی پیش نویس قانون اساسی در گروه های هفت گانه و کمیسیون های سیزده گانه مجلس خبرگان طی شصت و هفت جلسه، مرحله رسیدگی نهایی چهار روزه در مجلس خبرگان، تصویب نهایی متن قانون اساسی در مجلس خبرگان به تاریخ 1358/8/24، همه پرسوی درباره قانون اساسی جمهوری اسلامی در تاریخ های 11 و 12 آذر ماه پنجاه و هشت و تأیید نهایی ملی آن. (2)

برای هر کدام از گام های شش گانه، هم می باید و هم می توان گفت گوهای گوناگون فراهم آورد تا بتوان به طرز دقیق «تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی» را استخراج کرد. اما قدر مقدور آن است که سه مسئله خاطره، روایت و حکایت را، تنها در زمینه «خبرگان تدوین گر قانون اساسی»، پیگیری کنیم و با گفت گوهای دقیق و معتبر، آن چه را عبارت از در و نمایه های ذهنی آنان در باب تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی است، مکتوب نماییم. به عنوان نمونه، موارد بسیاری را می توان مطرح کرد که نشان دهنده پرسش ها و ابهام های فراوان است و تنها با انجام گفت گوهای دقیق، ماهرانه و دانش ورانه، می توان پاسخ های مکفی و مستدل فراهم آورد. نگاهی به اسامی خبرگان قانون اساسی (3) و انواع فعالیت های آنان در صحن علنی مجلس خبرگان (4) و هم چنین شیوه کار خبرگان، جلسه ها، گروه ها، کمیسیون ها

ص: 82

- 1- محسن خلیلی، بررسی تأثیر تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی بازنگری آن - پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی (تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، 1372)، ص 86.
- 2- راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همراه با معرفی مجلس و اعضای خبرگان (تهران: مجلس شورای اسلامی، اداره تبلیغات و انتشارات، 1368)، صص 334 - 405.
- 3- همان، صص 411-457.
- 4- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (تهران: مجلس شورای اسلامی - اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، 1364)، ص 927.

و صبح و عصر بودن نشست ها، (1) همگی نشان می دهد که از یک سو، اکنون بجز فوت شدگان پانزده نفری خبرگان - که متأسفانه ما را از انواع خاطره های خود محروم کردند- جوان ترین آنان، اکنون سنی بالای شصت سال دارد و در معرض انواع فراموشی ها قرار گرفته است.

از دیگر سو، بقیه خبرگان نیز در همین سیاق و سبکند یا در معرض فراموشی قرار گرفته و یا خود، بسیاری از خاطره ها را فراموش کرده اند. سید منیر الدین حسینی شیرازی، از جلسات غیر رسمی خبرگان، در منزل حاجی طرخانی، ساده دلی علما و اکتفای صرف به قرآن به عنوان قانون اساسی (2) سخن گفته است. حق داریم پرسیم در آن جلسات چه می گذشته و دلیل ساده دلی علما چه بوده است؟ حسین علی منتظری، روایتی از ساده زیستی خبرگان قانون اساسی می گوید و خاطره ای از صباغیان می آورد که وی پیش از تشکیل مجلس خبرگان، معتقد بوده است که رئیس و نایب رئیس خبرگان، می باید محمود طالقانی و ابو الحسن بنی صدر باشند. (3)

صحت این خاطره گویی ها، چگونه سنجیده می شود و هدف طرح طالقانی و بنی صدر، مبتنی بر حدسی از قدرت گیری منتظری و بهشتی در آینده بوده است یا خیر؟ اکبر هاشمی روایت می کند که پیشنهاد مجلس خبرگان به جای یک مجلس مؤسسان عریض و طویل، کار سید محمود طالقانی بوده است. (4)

آیا این روایت درست است و آیا نشان از اعتماد امام خمینی به ایشان محسوب نمی شود؟ عزت الله سبحانی، از نفوذ برخی روحانیون متنفذ پیرامون امام خمینی (5) نوشته است. آیا نقل این خاطره، به این معناست که از همان آغاز، تدوین قانون اساسی شکل و شمایل خاصی می یافته است؟ وی نقل شگفت آوری از هاشمی رفسنجانی می آورد که به برخی از رجال سیاسی متنفذ توصیه می کرده است که دست از اصرار بر تشکیل مجلس مؤسسان بر دارند و با همان پیش نویس قانون اساسی مستقیماً موافقت کنند. (6) عضو دیگر خبرگان قانون اساسی، نیز این حکایت را به طرزی دیگر مورد تأیید قرار داده است: در جلسه ای در شورای انقلاب، از آن طرف [یعنی از طرف طرف داران همه پرسى] آقای رفسنجانی گفت: «هی می گوئید مجلس مؤسسان، مؤسسان، خیال می کنید چه کسانی می آیند؟ بگذارید آقا! این قانون اساسی که به این پاکیزگی تهیه شده، تصویب بشود». (7)

ص: 83

- 1- سید منیر الدین حسینی شیرازی، خاطرات حجت الاسلام والمسلمین مرحوم سید منیر الدین حسینی شیرازی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383)، صص 260-261.
- 2- بخشی از خاطرات آیت الله حسین علی منتظری، 1379، ص 452. www.montazeri.com
- 3- اکبر هاشمی رفسنجانی، کار نامه و خاطرات سال های 1357 و 1358: انقلاب و پیروزی، به کوشش عباس بشیری (تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، 1383)، صص 294 - 295.
- 4- عزت الله سبحانی، نا گفته های انقلاب و مباحث بنیادی ملی (تهران: گام نو، 1383)، ص 230.
- 5- اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی در گفت گو با عزت الله سبحانی، محسن نور بخش، حسین عادل، مسعود روغنی زنجانی، مسعود نیلی و محمد علی نجفی، به کوشش بهمن احمدی امویی (تهران: گام نو، 1382)، صص 45-46.
- 6- www.banisadr.com.fr
- 7- جلال الدین فارسی، زوایای تاریک (تهران: حدیث، 1373)، صص 515 - 517.

چرا برخی روحانیون در مجلس خبرگان با بنی صدر خصومت داشتند؟ رقابت فارسی و بنی صدر، چه تأثیری در این خاطره گویی ها داشته است؟ ابو الحسن بنی صدر در این زمینه چه می گوید؟ چرا برخی معتقد بودند که متن پیش نویس قانون اساسی «وا و اوایلا» دارد و از بن فاسد است؟ (1)

متنی که انجمن حجّیه برای قانون اساسی پیشنهاد داده بود، چه ویژگی هایی داشت و اکنون کجاست؟ چرا حوزه علمیه در زمینه تدوین قانون اساسی کم کار بوده است؟ (2) در حالی که محمد یزدی نوشته است: آیت الله مشکینی جلسه ای فوق العاده برای بررسی متن پیش نویس قانون اساسی با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم داشته اند که در آن، طی مدت یک هفته از صبح علی الطلوع مشغول به آن بوده اند. (3)

همو آورده است: راجع به پیش نویس قانون اساسی، از امام خمینی پرسشی کرده و پاسخی شنیده اند. (4) کدام پرسش و کدام پاسخ؟ حسین علی منتظری نوشته است: امام خمینی هیچ دخالتی در کار خبرگان نداشتند؛ (5) ولی محمد یزدی در خاطره گویی اش به طرزی وانمود می کند که امام خمینی حتی از نخستین گام ها، فعالانه دخیل بوده اند: در خصوص اعضای خبرگان قانون اساسی، اسامی تک تک افراد را برای امام خواندیم و وضعیت آن ها را به امام گزارش کردیم. در مورد برخی از افراد لیست هفتاد و چند نفری، امام انگشت گذاشتند و گفتند، بهتر است در مورد این افراد تحقیق بیش تری شود. گاه می فرمودند اگر فلان شخص به جای فلانی قرار گیرد، بهتر است. سر انجام با جمع بندی نظرات، تصمیم نهایی گرفته شد و حاصل تصمیمات اعلام گردید و در نهایت هم انتخابات برگزار شد. (6)

ابو القاسم خز علی نیز، در خاطره گویی اش، اعلام می کند که امام خمینی برخی از دیدگاه های خودش را از طریق بهشتی اعمال می کرده است. (7) این همه، نشان می دهد که برخی نخبگان انقلابی پیروز، از همان آغاز، به نوعی برنامه ریزی تشکیلاتی برای دستیابی به قدرت سیاسی می پرداخته اند. فارسی هم از استخاره کردن شیخ علی تهرانی برای اعلام یا عدم اعلام نامزدی مجلس خبرگان خبر می دهد و به زعم او، تهرانی اعتقاد داشت که: همین بهشتی تفرقه می اندازد، نمی گذارد کار بکنیم و یک قانون اساسی خوبی تصویب بکنیم. (8)

ص: 84

1- همان، صص 247 - 249.

2- خاطرات آیت الله محمد یزدی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380)، ص 523.

3- همان، ص 524.

4- منتظری، همان، ص 459.

5- یزدی، همان، ص 525.

6- هاشمی رفسنجانی، همان، 1382، ص 30.

7- فارسی، همان، صص 512 - 513.

8- همان

آیا شخصیت تهرانی به قول برادر همسرش، نمود یک دیوانه به تمام معنی (1) بوده؛ و یا واقعاً شخصیت بهشتی به اندازه کافی ایجاد بیم می کرده است؟ هنگامی که جلسه ها و نشست های رسمی و غیر رسمی خبرگان تشکیل می شده، انبوهی از داده های خام ناشی از پیوند میان افراد، پدید می آمده است که تنها در گفت گو با خبرگان، حل و فصل شدنی به نظر می رسند. حسینی شیرازی، از انقلاب روحی ناشی از حضور در مجلس خبرگان داد سخن می دهد و می گوید چگونه یکی از خبرگان، تنها با تکیه بر دعا، عقیده دیگران را تغییر می داده و قانون اساسی را دینی می کرده است. (2)

کدام دو خاطره را می توان پذیرفت؟ به چه دلیل در مجلس خبرگان جلسه های صبح و عصر تشکیل می شده است؟ جلال الدین فارسی نوشته است: در جلسه های غیر رسمی، بحث و بررسی می کردیم و هنگامی که از حصول اکثریت آرا مطمئن می شدیم، آن را به صحن علنی برای تصویب نهایی می آوردیم. (3) ولی بجز پیشرفت سریع کار، معلوم است که خبرگان در خبرگان یا هسته نخبگان قوی تر، پدید آمده بوده؛ حال این کار به هر دلیل (من باب نمونه آشنا نبودن بسیاری از روحانیون با قانون اساسی به معنای اعم کلمه، فن قانون اساسی نویسی و گمان اشتباهی که فکر می کردند با وجود کتاب و سنت، دیگر قانون اساسی نوشتن نوعی بدعت و دخالت در کار پروردگار است)، می توانسته پدیدار شود. ماجرای پیشنهاد انحلال مجلس خبرگان، به چه دلیل در اثنای کار مطرح شد و هدف طراح و یا طراحان آن، چه بود و چگونه شکست خورد؟ (4)

مسئله حاکمیت ملی و ملت به عنوان منشأ قوا، چگونه این توان بالقوه را در خود فراهم آورده بود که موجبات اختلاف افکنی شود. این ها در مسئله تدوین قانون اساسی دارند از سادگی روحانیت استفاده می کنند و می خواهند سمت و سوی آرا را به جهات دیگر منحرف و منصرف کنند. در همان حال دست راستم را روی دوش چپ ایشان [محمد حسین بهشتی] گذاشتم و گفتم، به مادرت زهرا قسم، به من مهلت بده و این موضوع را به جلسه عصر امروز نبر تا من فرصت داشته باشم به این جماعت منشأ قوا را تفهیم کنم. (5)

تأسف آور است که هم حسینی شیرازی و هم حسینی بهشتی در گذشته اند و ما را از کنه و بن این خاطره بس مهم محروم ساخته اند. بر سر اعلام یا عدم اعلام واژه «حقه» برای مذهب

ص: 85

1- منتظری، همان، ص 460.

2- فارسی، همان، ص 515.

3- عباس امیر انتظام، آن سوی اتهام: خاطرات شهریور 57 تا خرداد 60، ج اول، چاپ چهارم (تهران: نی، 1381)، صص 48 - 49.

4- حسینی شیرازی، همان، صص 257 - 258.

5- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، ص 192.

شیعه دوازده امامی و نیز ملاک مذهب برای رئیس جمهور - که اختلاف بسیار در میان خبرگان و بعضاً اقوام ایرانی پدید آورد - (1) حسین علی منتظری از یک سو، از طرفه، دفع الوقت و اسکات (2) سخن می گوید، ولی کنه سخن او را نمی فهمیم؛ از دیگر سو، از دعوت از مفتی زاده برای شرکت در یک نشست غیر رسمی خبرگان خبر می دهد. (3) ولی هیچ آگاهی ناقص یا کاملی از محتوای سخنان او نمی دهد؛ و نیز از قهر حائری و تشکر آیت الله گلپایگانی (4) بدون توصیف جزئیات ماجرا سخن می گوید. در حالی که ارتحال هر دو عالم، ما را از خاطره و حکایتی سخت مجادله انگیز محروم کرده است.

روایتی دیگر نیز در دست است که از بخت بد، مثلث گویند گانش اکنون در میان ما نیست: آقای حسینی، دیگر روی این موضوع [افزودن واژه حقه به مذهب شیعه] پافشاری نکنید و با نمایندگان در این باره صحبت نکنید... من به ایشان گفتم: آقا مگر اتفاقی افتاده...؛ گفت خون ریزی می شود! خون ریزی می شود! گفتم: خب بشود! گفت: نه نه! شرعاً جایز نیست. آقای سید محمد بهشتی می گوید: اطراف ما سنی ها هستند و در تمام مرزها مستقرند. (5) بدون شرح رها می کنیم، زیرا خود به خود نشان می دهد که تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی، چقدر اهتمام نیاز دارد.

مسئله اقتصاد نیز از کلیدی ترین نکته های قانون اساسی بوده و برخی، از ویژگی چپ روانه آن، داد سخن داده اند. حکایت محسن نور بخش از جمع شدن برخی از دوستان در دبیرخانه مجلس خبرگان برای بحث درباره مبانی اقتصاد اسلامی (6) تا ملاقات عبد الکریم موسوی اردبیلی با حسینی شیرازی و گفتار اردبیلی به شیرازی، که نظام اقتصادی تجربه نشده و نظریه اقتصادی نمی خواهیم و اشاره به نظام اقتصادی چین، ژاپن، روسیه و انگلستان از باب تقلید کردن است؛ (7) همگی بدون وصف و شرح کامل رها شده اند.

اختلاف ها، مشاجره ها و نا همانندی ها، هنگامی اوج گرفت که خبرگان قانون اساسی با بی ارزش دانستن متن پیش نویس، که در آن اصل ولایت فقیه قید نشده بود، نظام جمهوری اسلامی را مبتنی بر ولایت فقیه (8) طراحی کردند و اختیارات زیادی برای آن قائل شدند؛ تا جایی که برخی خبرگان، از جایگاه فرا وطنانه آن سخن به میان آوردند. (9)

ص: 86

-
- 1- منتظری، همان، ص 1330.
 - 2- همان، ص 454.
 - 3- همان، صص 452 - 453.
 - 4- حسینی شیرازی، همان، صص 263-264.
 - 5- احمدی امویی، همان، ص 71.
 - 6- حسینی شیرازی، همان، ص 250.
 - 7- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، صص 301، 579 و 1434.
 - 8- همان، ص 1095.
 - 9- سحابی، همان، ص 231.

نخستین بار، حسین علی منتظری در یک سخن رانی خارج از مجلس خبرگان قانون اساسی، این پرسش را طرح کرد که حقوق تاریخی روحانیت برای حکومت گری در پیش نویس قانون اساسی، چرا طرح نشده است؟ (1) همو نوشته است: کتاب چه ای در قم نوشتم و توزیع کردم و در زمینه ورود اصل ولایت فقیه به درون متن قانون اساسی مبدع بودم و دیگران بعداً با من هماهنگ شدند. (2) بویژه آن که به زعم وی، دیگر عضو مجلس خبرگان قانون اساسی، یعنی ابو الحسن بنی صدر، در مخالفت با ولایت فقیه گفته بود: اجتهاد 160 علم دارد که مجتهدان آن زمان به تعبیر وی نداشته اند و تنها خود او داشته است. (3)

حسینی شیرازی نیز از مخالفت حجتی کرمانی و سید محمود طالقانی با ولایت فقیه سخن می گوید، (4) ولی نوع مخالفت آن ها را متفاوت می پندارد. به عنوان نمونه، تعبیر ابو الحسن بنی صدر از «تعمیم امامت»، و مردود شمردن انحصار امامت را در 12 تن، از یک سو، سبب ساز مخالفت وی با ولایت فقیه و از دیگر سو، از موجبات کفر و ارتداد وی (5) تلقی می کند. در یک گفت گوی منضبط، دقیق و روش مند، ابو الحسن بنی صدر می تواند سخنی بگوید که هم نشان از موضع وی داشته باشد و هم از دیدگاه ها و خاطراتش با خاطره گوی اصلی حکایت کند. در تداوم این بحث، عزت الله سبحانی به عنوان عضوی از مجلس خبرگان قانون اساسی، ورود اصل ولایت فقیه را به متن قانون اساسی در تحلیلی شگفت آور، مطمح نظر آمریکایی ها در ضدیت با روشن فکران ملی - مذهبی، و توسط مظفر بقایی و حسن آیت (عضو دیگر مجلس خبرگان که شهادتش ما را از بسیاری از خاطره ها محروم کرد بویژه آن که نقشی تاریخی در سال های ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی بازی کرد و نیز آن که عضو برجسته و تأثیر گذار هیئت سه نفره ریاست مجلس خبرگان قانون اساسی بود)، می داند. (6)

دو قول دیگر وی، مربعی را شکل می دهد که تحلیل آن بدون گفت گو های صریح، براستی دچار کاستی است. اصل چهارم قانون، ولایت فقیه بود که در آن جا دیگر کسی جرئت مخالفت نداشت. بنده هم فی الجمله صحبتی کردم. در حالی که آقای شیخ جعفر سبحانی کنار من نشسته بود و من را راهنمایی می کرد که چه بگویم و چه نگویم، اما خودش مخالفت نمی کرد. یا آقای انگجی مخالف بود اما مخالفت خود را مطرح نمی کرد... من راجع به ولایت فقیه صحبت کردم و گفتم که مصلحت نیست؛ چرا که کشور را دو قطبی می کند و

ص: 87

1- منتظری، همان، ص 455.

2- همان، صص 455-457.

3- حسینی شیرازی، همان، صص 261-263.

4- همان، صص 254 - 255.

5- احمدی امویی، همان، صص 54 - 55.

6- همان، صص 47 و 49.

تعارض ایجاد می شود... فردا که به مجلس خبرگان رفتیم، دیدم جو بسیار بدی است... مرحوم بهشتی هم در کریدور ایستاده بود... دست در گردن من انداخت و من را بوسید و گفت بهتر است این درد دل ها را فعلاً در سینه نگه دارید. هیچ کس شاهد نبود بجز خدا، که مرحوم بهشتی عین این جمله را به من گفتند. (1)

تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی مشحون از پرسش هاست. گفت گوهای دقیق و بی طرفانه می تواند به رفع خصومت ها از راه شکافتن متعهدانه صحت و سقم خاطره ها، روایت ها و حکایت ها کمک کند. در عین حال می تواند بر تصحیح مسیر آینده، تأثیر گذار باشد و به اصلاح روند هایی کمک کند که بیش تر زاینده مشکل ها بوده اند تا از بین برنده آن ها. این کار البته یک بار در جریان بازنگری قانون اساسی به سال 1368 ش. در شکلی ناقص رخ داد.

دست آورد

تاریخ شفاهی، پیوند دهنده گذشته و حال است و به طرفین گفت گو و نیز به خوانندگان محتوای برآمده از پرسش و پاسخ، این فرصت و امکان را می دهد که گذشته را به زبان حال ترجمان کنند و زمان حال را در گذشته شناور، هم درد، هم دل و هم سخن سازند. جوان ایرانی متولد دهه 1360 ش. اگر بخواهد با بخشی از جورچین تاریخ معاصر کشور خود، یعنی تاریخ چه تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آشنا گردد، منابع مکتوب خشنود کننده، موجه و مجاب کننده نیست؛ زیرا پرسش های متعدد وی کم تر جوابی در خور می یابد. وی روحیه ای انقلابی مانند یک کار گزار فعال سال های دهه 1350 ش. ندارد که سوگیرانه و علاقه مندانه، راغب به پذیرفتن باور ها و رخداد ها باشد، بلکه بی طرف و قدری منتقد است، تهی از باور های عقیدتی است و تمامیت رخداد ها را با سنجه های امروزی توزین می کند. گفت گوهای دقیق، روش مند، عالمانه، بی طرفانه و منتظم با «دست اندر کاران تدوین قانون اساسی»، می تواند آگاهی های فحیم و مغتنم فراوانی فراهم آورد تا ذهن جست جوگر، کشف و منتقد رویداد های تاریخی، از کفایت داده ها، تحلیل های منصفانه به دست آورد.

یک سو، عبارت از گفت گو با نخبگانی است که مستقیماً در گیر و دار فرایند تدوین قانون اساسی بوده اند؛ ولی سوی دیگر، عامه مردمانی است که علاقه مندانه در روند های منجر

ص: 88

1- مارشال، کاترین؛ راس من، گرچن ب، روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارساییان و سید محمد اعرابی (تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، 1377)، صص 9-10.

به تدوین قانون اساسی دخیل بوده اند. کسی که نامهٔ اعتراض آمیز به خبرگان قانون اساسی نوشته، کسی که پیشنهادی ارائه کرده، کس یا کسانی که متن مذاکرات را تند نویسی می کرده اند، کس یا کسانی که مشکلات قانون اساسی را در عمل متذکر می شده اند، کس یا کسانی که مراحل قانونی انتخابات و همه پرسی ها را منسجم می گردانیده اند و کس یا کسانی که به هر نحو، علاقه مندانه و وطن دوستانه، سرگرم پژوهش های شخصی خود بوده اند. داستان عوام و خواص از «تدوین قانون اساسی»، می باید گفته و نوشته شود؛ ولی داستان خواص، اکنون از اولویت بر خوردار است.

افزودنی ها

1- پژوهش ها از حیث ضرورت های آغازین و بایستگی های تداوم و انجام، به سه مقوله تقسیم می شوند. یک: تحقیق باید انجام شود: می باید با استدلال ثابت کنیم که تحقیق (و در زمینهٔ کاری ما به عنوان نمونه، تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) بر پایهٔ نظریه صورت می گیرد، که از اهمیت زیادی بر خوردار است و در عین حال، می باید در باب علت و ضرورت تحقیق، سخن گفت و آن را مستدل گردانید. دو: تحقیق می تواند انجام شود: می باید به امکان سنجی، عملی و قابل اجرا بودن مکانی، مالی و زمانی پژوهش پرداخت و از رعایت اصول اخلاقی و میزان مهارت، آگاهی و دانش پژوهش گر به نحو اثر بخش، اطمینان حاصل کرد. سه: تحقیق انجام خواهد شد: در تدوین طرح پژوهش، باید به درست ترین شیوه استدلال کرد که پژوهش مورد نظر را باید و می توان، انجام داد و اثبات کرد که پژوهش گر برای انجام آن از توانایی، مهارت، دانش، علاقه و مدیریت کافی بر خوردار است. (1)

در پژوهش «تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، بویژه از دو نوع پژوهش می توان بهره گرفت: پژوهش عملی مشارکتی: مجلس خبرگان قانون اساسی را می توان به مثابهٔ یک «سازمان» تلقی کرد که فی الواقع چیزی فراتر از مجموعهٔ افراد، ساختارها، سیاست و فعالیت های کاری است. در چنین پژوهشی، پژوهش گر می باید این توان و شایستگی را داشته باشد که هم پرسش گر و هم پرسش شونده را، در نقش یک «فعال ناظر

ص: 89

1- وایت، ویلیام فوت [گرد آورنده]، پژوهش عملی مشارکتی، ترجمهٔ محمد علی حمید رفیعی (تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، 1378)، صص 26 - 27، 54 - 55.

مشارکت جو) در آورد و فضای اجتماعی زمانه روایت، خاطره و حکایت را به زمانه وقوع عملی رویداد پیوند زند. در پژوهش عملی مشارکتی، افراد سازمان یا مجموعه تحت مطالعه، در فرایند تحقیق از طراحی اولیه تا ارائه نهایی نتایج و بحث کاربرد اجرایی آن ها، با محققان حرفه ای به طور فعال هم کاری می کنند. بویژه آن که در روند انجام مصاحبه، فقط تحت پرسش های مکرر و بی سر انجام به طریقی منفعلانه قرار نمی گیرند؛ بلکه خود آن ها، می باید با پرسش های معطوف به هدف، به بازسازی تاریخ زمان وقوع کردار ها، فعالانه وا دار شوند. (1)

تحقیق کیفی: در تحقیق کیفی، از یک سو، در آغاز کار یک چار چوب نظری برای پژوهش طراحی می شود که می باید عمیق، خلاصه و دقیق باشد. در گام دوم، برنامه ریزی طرح - که دستگاه مند، در خور اجرا و در عین حال منعطف باشد - صورت می گیرد. در گام سوم، ضروری است به نحوی استدلال و عاطفه، عقل و احساس، شور و شوق و محاسبه گری عقلانی، با هم دیگر آمیخته و طرح شوند که در یک نقل شفاهی، شامل روایت، خاطره و حکایت، مصاحبه شونده چنین درک کند و چنان مجاب شود که در یک پژوهش تاریخی و تاریخ ساز قرار گرفته است و آن پژوهش باید انجام شود، می تواند انجام شود و سر انجام آن که خود به خود، در یک مسیر بازگشت نا پذیر انجام خواهد شد. اسناد مکتوب و غیر مکتوب، به نحوی می باید سامان مند شوند که پژوهش را کاملاً مستند، شدنی و کم تر مبتلا به کاستی و کژی جلوه دهند. (2)

در زمینه اخیر، اسناد را می توان از دو جنبه درونی و برونی، مورد تحلیل قرار داد: در جنبه درونی، محتوای سند شناخته می شود که می باید با تحلیل عقلانی، ذهنی و فارغ از پیش داوری های ارزشی توأم باشد؛ ولی تحلیل برونی را باید حاصل کرد. بهره گیری از شناخت زمانه، متن سند و انعکاس تحول اجتماعی در متن سند کمک می کند تا سند مورد استفاده، قابلیت اندازه گیری هم پیدا کند. (3)

تاریخ شفاهی، دست کم آن است که به زنده سازی سند کمک می کند، آن را باز می تاباند، تحول تاریخی و اجتماعی هم عصر سند را باز نمایی می کند و دست به نوعی تصویر سازی پویا از رویداد های گذشته می زند. استنفورد، به زیبایی نشان می دهد که بر سر موضوع جنگ یا صلح بریتانیا با آلمان هیتلری در سال 1941م، مدت ها بعد، میان مورخان

ص: 90

1- مارشال، همان، ص 9.

2- دو ورزه، موریس، روش های علوم اجتماعی، ترجمه خسرو اسدی، چاپ دوم (تهران: امیر کبیر، 1366)، صص 104 - 107.

3- استنفورد، همان ص 101.

جوان که به صورت عقلانی و عینی با داده های تاریخی برخورد می کردند و مورخان کهن سالی که در هنگامه جنگ مورد بحث زندگی کرده و جنگیده بودند، مشاجره ای سخت در گرفته بود و مورخان جوان، مات و متحیر در برابر کلام کهن سالان مورخ قرار گرفته بودند. زیرا مورخان پیر می گفتند صلح با هیتلر نه تنها امکان نداشت بلکه نمی بایست هم صورت می گرفت. (1)

2- بی گمان تاریخ شفاهی هم برای زدودن کاستی هاست و هم همراه خود کژی هایی می آفریند. منابع مکتوب در مورد تاریخ، بویژه تاریخ معاصر ایران، محدود، ناقص و در پاره ای موارد با تمایل ها و گرایش های یک جانبه نوشته می شوند. نگاه درونی و پرهیز از نگرش صرفاً منتقدانه منتقدان، و دوری از نوعی نگاه مبتنی بر یک «ایده از قبل فیکس شده» (2) می توانند کاستی های عمده ای محسوب شوند که نوع باور های ما را نسبت به رخداد های تاریخی، دچار کژی سازند. برای پرهیز از این کاستی ها، ایده در خور تحسین «نگاه از درون» - که اصولاً به طرزی عمده می تواند تنها بر گفت گو های رو در رو تکیه زند - شاید تنها نگرشی باشد که بتواند یک «وضع تاریخی» را بهتر و راست تر نشان دهد. گر چه خطا هایی نیز در روند پرسش و پاسخ ها، رخ می دهد مانند آن که برخی، خود را قهرمان فرض می کنند و مصون از خطا؛ مشکلات جسمی برقراری ارتباط سالم را کما بیش نا ممکن می گرداند، برخی مصاحبه کننده را در حد خود نمی دانند، برخی عامدانه بعضی از مطالب را نمی گویند و برخی نیز خود را مصون از هر خطا می پندارند؛ (3) همگی این ها سبب می شود، گفت گویی که می خواهد مبنای تاریخ قرار گیرد، دچار سستی و نا راستی گردد. ولی با این همه، باز هم بهترین روش، همان، کار بست ابزار های تاریخ شفاهی است. ولی به طور قطع، پذیرفتنی است که از یک سو، می باید بهترین و کارا ترین روش ها را به کار بست، و از دیگر سو، می باید ساز و کاری خود اصلاح گرانه اندیشیده و آفریده شود تا بتوان به طرزی مدام به اصلاح و بهبود ابزاری و محتوایی راه کار ها دست یازید.

3- مصاحبه شخصی، به طرزی اصولی، یک کار ویژه معین دارد و آن، این است که در بسیاری از موارد می باید عقاید گروهی مورد سنجش قرار گیرد که با پژوهش گر فاصله زمانی زیادی دارند. (4) مصاحبه می تواند به بسیاری از شیوه ها صورت پذیرد: نیمه باز، متمرکز،

ص: 91

1- رسولی پور، مرتضی [گفت گو] (1382) «تاریخ شفاهی؛ زاویه ایرانی» کتاب هفته. شماره 140، 12 مهر 1382، ص 10.

2- نیک نفس، همان، صص 6-7.

3- باقر سارو خانی، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، ج اول، چاپ هشتم (تهران: پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1382)، ص 211.

4- فرانکفورد، همان، ص 301.

برنامه ریزی نشده، بدون راهنما یا نا منظم، منظم و برنامه ریزی شده، و به کار بستن راه کار کند و کاو کردن در گفت گو؛ ولی پرسش ها می باید واقعی، واضح و کامل باشند، اطلاعات خواسته شده معین و معلوم باشد، و بالطبع سطح پاسخ ها هم مشخص باشد. (1)

در یک گفت گوی رو در رو، بویژه در تحقیق ما، به عنوان نمونه، با نخبه ای از میان خبرگان قانون اساسی، و در هنگام ثبت و ضبط محتوای مصاحبه، انواع رفتار ها پدیدار می گردد: غیر کلامی مانند احساسات مشهود در چهره، فضای رفتار که به کنترل افراد بر فضای فیزیکی معاشرت با دیگری منتسب می شود؛ رفتار زبانی که به محتوای گفتار و ویژگی های ساختاری حرف زدن رجعت دارد؛ رفتار فرا زبانی که به جنبه های صوری گفتار، هم چون سرعت و زیر و بمی صدا اشاره دارد که می تواند حاکی از عصبانیت، خوشحالی، رضایت، نا رضایتی، بی تفاوتی و هم دلی باشد. (2)

اگر بخواهیم مصاحبه را تبدیل به «کنش ارتباطی مؤثر یا اثر بخش» کنیم - که در بحث معیار های اخلاقی انجام مصاحبه برای تاریخ شفاهی، آن را پیشاپیش پذیرفته و بر عهده گرفته ایم - می باید از پنج ویژگی به طرز مشتاقانه و متعهدانه بهره گیری کنیم: گشودگی یا شوق و اشتیاق طرفین ارتباط که خود را در برابر هم دیگر بگشایند؛ هم دلی یا توانایی درک احساس دیگری و اقدام به آن؛ حمایت گری یا نبود فضای توأم با هراس و تهدید و یا انتقاد های لجوجانه؛ زیرا طرف گفت گو در لاک دفاعی فرو می رود، می هراسد، اطلاعات گم راه کننده، کم، ناقص و نا درست ارائه می دهد و یا به خود سانسوری مبتلا می شود؛ مثبت گرایی یا قائل شدن احترام مثبت و معین به خود و دیگری، و انتقال این حس که او را دوست داریم و به او احترام می گزاریم و مشتاقانه آماده شنیدن نظرات او هستیم؛ توازن یا تعادل در ارتباط به این معنا که نه شنونده صرف و نه سخن گوی صرف نمی شویم و معیار های تمایز افراطی، مانند وضعیت پیشین و کنونی قدرت و ثروت را، به کار نمی بندیم.

پی نوشت ها

ص: 92

1- جهودا، جرالدا؛ براوناگل، جودیت شیک، مبانی مرجع: فنون پرسش کاوی و پاسخ یابی از منابع کتاب خانه، ترجمه و تألیف محمد حسین دیانی و عبد الحمید معرف زاده (مشهد: آستان قدس رضوی، 1370)، ص 216.

2- ابو الحسن بنی صدر www.banisadr.com.fr/Books/Dars-Tajrobe/Pdf

- 1- مایکل استنفورد، در آمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی (تهران: نی، 1382)، ص 112.
- 2- ژان فرانسوا دورتیه، علوم انسانی: گستره شناخت ها، ترجمه مرتضی کتبی؛ جلال الدین رفیع فر و ناصر فکوهی (تهران: نی، 1382)، ص 343.
- 3- چاوا فرانکفورد؛ دیوید نچمیاس، روش های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی (تهران: سروش، 1381)، ص 32.
- 4- استنفورد، همان، ص 421.
- 5- دورتیه، همان، صص 21 - 24.
- 6- روح الله بهرامی، «نقش نقل و روایت شفاهی در تکوین تاریخ نگاری اسلامی»، در کتاب: حسن حضرتی [گرد آورنده] دانش تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی (قم: بوستان کتاب، 1382)، ص 67.
- 7- دورتیه، همان، ص 348.
- 8- نورایی، مرتضی (1382) «مقدمه ای بر فلسفه تاریخ شفاهی» گنجینه اسناد. سال 13، دفتر اول و دوم، پیاپی 49 و 50، بهار و تابستان 1382، صص 66-69.
- 9- نیک نفس، شفیقه (1383) «درباره تاریخ شفاهی» گنجینه اسناد. سال 14، دفتر سوم، پیاپی 55، پاییز 1383، ص 4.
- 10- «معیار های جهانی تاریخ شفاهی» گنجینه اسناد. ترجمه و تدوین ابو الفضل حسن آبادی، سال 14، دفتر سوم، پیاپی 55، پاییز 1383، ص 9.
- 11- حسن آبادی، همان، صص 9-15.
- 12- شناختی از دانش شناسی، به کوشش هوشنگ ابرامی؛ رحمت الله فتاحی، چاپ دوم (تهران: کتاب دار، 1378)، صص 28-30.
- 13- مهری باقری، مقدمات زبان شناسی، چاپ چهارم (تهران: قطره، 1380)، صص 31-32.
- 14- ابو الحسن نجفی، مبانی زبان شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، چاپ ششم (تهران: نیلوفر، 1378)، صص 39 و 41.
- 15- فرا مرز رفیع پور، کند و کاو ها و پنداشته ها: مقدمه ای بر روش های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، چاپ دوم (تهران: شرکت سهامی انتشار، 1367)، صص 296 - 297.
- 16- محسن خلیلی، بررسی تأثیر تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی باز نگری آن - پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی (تهران: دانش کده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، 1372)، ص 86.

نگارنده مایل است با دقت مفهومی و ابزاری بیش تری، نسبت به آن چه تا کنون گفته و نوشته شده، از سه واژه کما بیش هم پیوند سخن بگوید. در بدایت کار به نظر می رسد میان سه واژه خاطره، روایت و حکایت، نا همانندی وجود نداشته باشد؛ ولی در میانه یک کار پژوهشی مبتنی بر ثبت وقایع تاریخی، آرام آرام برخی تمایزهای معنی دار بروز می کند. در پژوهش پیشنهادی ما - که حول محور ثبت و ضبط داشته های ذهنی خبرگان تدوین گر قانون اساسی جمهوری اسلامی می گردد - می توان چنین استنباط کرد که: خاطره، بیان داشته های ذهنی فردی است که خود مستقیماً عضو مجلس خبرگان قانون اساسی بوده، و اکنون وی را به بازگویی مکنونات ذهنی اش وا داشته ایم که در پیوند با مسئله تدوین قانون اساسی است؛ روایت، بیان داشته های ذهنی فردی است که خود مستقیماً عضو مجلس خبرگان قانون اساسی بوده، ولی اکنون مکنونات ذهنی خود را در ارتباط با فرد، موضوع یا جریانی می گوید که در پیوند مستقیم با موضوع مورد پژوهش نیست؛ حکایت، بیان داشته های ذهنی فرد یا افرادی است که عضو مجلس خبرگان قانون اساسی نبوده اند، ولی گفته های آنان در پیوند با موضوع مورد پژوهش است.

17- راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همراه با معرفی مجلس و اعضای خبرگان (تهران: مجلس شورای اسلامی، اداره تبلیغات و انتشارات، 1368)، صص 334 - 405.

18- همان، صص 411-457.

19- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (تهران: مجلس شورای اسلامی - اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، 1364)، ص 927.

20- سید منیر الدین حسینی شیرازی، خاطرات حجت الاسلام و المسلمین مرحوم سید منیر الدین حسینی شیرازی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383)، صص 260-261.

21- بخشی از خاطرات آیت الله حسین علی منتظری، 1379، ص 452. www.montazeri.com

22- اکبر هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات سال های 1357 و 1358: انقلاب و پیروزی، به کوشش عباس بشیری (تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، 1383)، صص 294 - 295.

23- عزت الله سبحانی، نا گفته های انقلاب و مباحث بنیادی ملی (تهران: گام نو، 1383)، ص 230.

24- اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی در گفت گو با عزت الله سبحانی، محسن نور بخش، حسین عادل، مسعود روغنی زنجانی، مسعود نیلی و محمد علی نجفی، به کوشش بهمن احمدی امویی (تهران: گام نو، 1382)، صص 45-46.

25- www.banisadr.com.fr

26- جلال الدین فارسی، زوایای تاریک (تهران: حدیث، 1373)، صص 515 - 517.

27- همان، صص 247 - 249.

28- خاطرات آیت الله محمد یزدی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380)، صص 523.

29- همان، صص 524.

30- منتظری، همان، صص 459.

31- یزدی، همان، صص 525.

32- هاشمی رفسنجانی، همان، 1382، صص 30.

33- فارسی، همان، صص 512 - 513.

34- همان.

35- منتظری، همان، صص 460.

36- فارسی، همان، صص 515.

37- عباس امیر انتظام، آن سوی اتهام: خاطرات شهریور 57 تا خرداد 60، ج اول، چاپ چهارم (تهران: نی، 1381)، صص 48 - 49.

38- حسینی شیرازی، همان، صص 257 - 258.

39- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، صص 192.

40- منتظری، همان، صص 1330.

41- همان، صص 454.

42- همان، صص 453 - 452.

43- حسینی شیرازی، همان، صص 263-264.

44- احمدی امویی، همان، صص 71.

45- حسینی شیرازی، همان، صص 250.

46- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، صص 301، 579 و 1434.

47- همان، صص 1095.

48- سحابی، همان، ص 231.

49- منتظری، همان، ص 455.

50- همان، صص 455-457.

51- حسینی شیرازی، همان، صص 261-263.

52- همان، صص 254 - 255.

53- احمدی امویی، همان، صص 54 - 55.

ص: 95

54- همان، صص 47 و 49.

55- مارشال، کاترین؛ راس من، گرچن ب، روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسایان و سید محمد اعرابی (تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، 1377)، صص 9-10.

56- وایت، ویلیام فوت [گرد آورنده]، پژوهش عملی مشارکتی، ترجمه محمد علی حمید رفیعی (تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، 1378)، صص 26-27، 54-55.

57- مارشال، همان، ص 9.

58- دو ورژه، موریس، روش های علوم اجتماعی، ترجمه خسرو اسدی، چاپ دوم (تهران: امیر کبیر، 1366)، صص 104-107.

59- استنفورد، همان ص 101.

60- رسولی پور، مرتضی [گفت گو] (1382) «تاریخ شفاهی؛ زاویه ایرانی» کتاب هفته. شماره 140، 12 مهر 1382، ص 10.

61- نیک نفس، همان، صص 6-7.

62- باقر سارو خانی، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، ج اول، چاپ هشتم (تهران: پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1382)، ص 211.

63- فرانکفورد، همان، ص 301.

64- جهودا، جرالدا؛ براوناگل، جودیت شیک، مبانی مرجع: فنون پرسش کاوی و پاسخ یابی از منابع کتاب خانه، ترجمه و تألیف محمد حسین دیانی و عبد الحمید معرف زاده (مشهد: آستان قدس رضوی، 1370)، ص 216.

65- ابو الحسن بنی صدر www.banisadr.com.fr/Books/Dars-Tajrobe/Pdf

- علی اکبر فرهنگی، ارتباطات انسانی، ج اول، چاپ هفتم (تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، 1382).

- مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران، تهیه و تدوین محمد وحید قلفی (تهران: عروج، 1384).

ص: 96

امروزه تاریخ شفاهی را، یکی از روش های پژوهشی نوین می دانند. بویژه در زمینه موضوعاتی که نیازمند پژوهش های میدانی و جمع آوری اطلاعات است، بسیار مفید می باشد که می توان با انجام صحیح و اصولی آن، نیاز های اطلاعاتی را بر آورده ساخت. خاطرات شفاهی نخبگان، صاحب نظران و حتی مردم عادی، این امکان را به گرد آورندگان می دهد تا ضمن انجام پژوهش، گام بلندی در نگهداری، حفظ و انتقال فرهنگ ها، سنت ها، آداب، رسوم و اطلاعات گوناگون بر دارند و منابع شفاهی خام و با ارزش را جهت محققان آماده سازند. در واقع کار تاریخ شفاهی تولید علم است. زیرا اطلاعات خاص آن پس از پالایش و مستند سازی با اسناد دیگر، تبدیل به اسناد با ارزش می گردد؛ چه به عنوان مکمل سند های دیگر و چه به عنوان سند مجزا.

متأسفانه جایگاه تاریخ شفاهی به رغم تمام ظرفیت های آن، امروزه در کشور ما ناشناخته مانده است. استفاده ابزاری از تاریخ شفاهی به یک روش پژوهشی و نه واحد درسی گروه تاریخ، هیچ گاه نمی تواند بیانگر اهمیت این رشته باشد.

نگاهی به وضعیت کتاب های تاریخی، مخصوصاً در حوزه تاریخ معاصر، نشان می دهد که چاپ فراوان کتب خاطرات در مراکز مختلف، رویکردی مثبت به این مقوله است؛ هر چند فاصله زیادی تا پذیرفته شدن تاریخ شفاهی به عنوان روش پژوهشی و استفاده نشدن صرف از خاطرات وجود دارد.

تاریخ شفاهی، یکی از معتبرترین اسناد روایی می باشد که قابلیت های فراوان دارد. استفاده از روایت های شفاهی نه تنها در عرصه تاریخ نگاری و وقایع نویسی بلکه اصولاً در تاریخ هر جامعه به مثابه انتقال بخشی از فرهنگ شفاهی، از سهم معینی برخوردار است. تاریخ شفاهی به دلیل بیان بسیاری از واقعیت های نا نوشته و یا آن چه را گوینده نتوانسته بنویسد و یا حتی فرصتی برای نوشتن آن پیدا نکرده است، دارای اهمیت زیادی است. هم چنین به علت بیان روایات و واقعیت های تاریخی به شکلی ساده و روان، دارای اسلوب خاص نوشتاری نیست و جذابیت خاص خود را دارد.

از میان انواع مطالب تاریخ شفاهی، مطالبی دارای اهمیت است که افراد شخصاً در آن وقایع حضور داشته اند و شاهد ماجرا ها و واقعیت ها بوده اند. این گونه مطالب ارزش فراوانی دارد. در برخی از تاریخ های شفاهی به استناد گفته دیگران مطالبی بیان شده و مسائلی - که در حقیقت خود ندیده اند - ثبت شده است که این مطالب از لحاظ ارزش در مرحله بعدی قرار دارد. تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی، یکی از انواع مختلف تاریخ شفاهی می باشد که دارای ارزش و اعتبار خاصی است و بنا به دلایلی که در صفحات بعدی ذکر خواهد شد، اهمیت فوق العاده دارد.

پیشینه تاریخ شفاهی و اهمیت تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی

اصولاً شیوه تحقیقات تاریخی همانند خود تاریخ، پدیده ای است در حال حرکت و بر این اساس، تاریخ شفاهی در این روند یکی از پدیده های جدید برای دستیابی به راه کار های تازه در مطالعات تاریخی است.

نخستین فعالیت در این عرصه با موضوع تاریخ سیاسی و به طور مشخص با ضبط خاطرات سیاسی روی نوار شروع شد. در واقع، این فعالیت با اختراع ضبط صوت و با استفاده از این فن، جنبه عملی پیدا کرد و عمدتاً در طول سه دهه اخیر بسط و توسعه یافت و افق های تازه ای برای پژوهش گران و از جمله تاریخ نگاران گشود.

اصولاً ضبط صوت، انقلابی در کار تحقیق میدانی و از جمله در زمینه مطالعات میدانی تاریخ به وجود آورد و از دهه 1970 م. به بعد تحت عنوان «جنبش تاریخ شفاهی» از آن یاد می کنند.

نخستین ابتکار را در زمینه تاریخ شفاهی در سال 1948 م.، پروفیسور «آلن نونیز» انجام داد. او در جریان مطالعه اسناد تاریخی مورد نظرش، به فکر استفاده از ضبط صوت برای

گرد آوری خاطرات افتاد. او نخستین طرح را در زمینه تاریخ شفاهی، به ضبط و گرد آوری خاطرات سیاسی گروهی از شخصیت های سیاسی اختصاص داد و در حقیقت، اصطلاح «تاریخ شفاهی» از این زمان به بعد شهرت یافت.

از اواسط سال های 1960 م. تحقیق با روش تاریخ شفاهی، از عرصه مطالعات تاریخ سیاسی به عرصه های دیگر چون تاریخ اجتماعی، جامعه شناسی، قوم شناسی، آداب و رسوم و شاخه های متعددی از علوم اجتماعی و انسانی و مانند این ها کشیده شد و گسترش پیدا کرد.

در حقیقت دهه 1970، نمایشگر دوره تاسیس و رشد مراکز و مؤسسات مطالعاتی با عنوان تاریخ «شفاهی» به عنوان یک رشته مستقل در چندین دانشگاه اروپا و آمریکا شد.

طی دو دهه اخیر، تحقیق به روش تاریخ شفاهی، ابعاد نوین و گسترده ای پیدا کرد و حاصل آن، انتشار هزاران مجموعه از طرح های تاریخ شفاهی بود. در روند فعالیت های گسترده در این زمینه در طول دو دهه اخیر، نسل جدیدی از تاریخ دانان شفاهی ظهور کردند که موجب تحولات بزرگی در این رشته شدند.

تاریخ شفاهی در ایران قدمت زیادی ندارد. تا قبل از سال 1357 تعداد مصاحبه های تاریخ شفاهی اندک و انگشت شمار بود و به این موضوع اهمیت داده نمی شد. ولی پس از انقلاب مقوله تاریخ شفاهی در تمامی ابعاد آن رشد فراوانی کرد، خصوصاً بیش ترین حجم تاریخ شفاهی ها مربوط به مسائل سیاسی و چهره های شاخص نظام پیشین بوده است.

اهمیت تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی

تاریخ شفاهی جنگ، یکی از انواع تاریخ شفاهی می باشد که دارای اهمیت فراوانی است. اگر بخواهیم دلایل اهمیت آن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم، می توان به صورت خلاصه به موارد زیر اشاره کرد:

1- تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به علت این که هنوز زمان زیادی از پایان جنگ نگذشته است و آثار و علائم جنگ براحتی قابل رؤیت است، اهمیت فراوانی دارد.

2- اکثر نیرو های فعال در جنگ تحمیلی در قید حیات هستند، خصوصاً افرادی که حتی هشت سال دفاع را در جبهه ها بودند و دارای اطلاعات خوبی هستند.

3- برخی از مناطق که صحنه نبرد جنگ تحمیلی بوده، در حال حاضر به صورت دست نخورده محافظت شده و باقی مانده است و در حقیقت نگاه به این مناطق، خاطرات

رزمندگان دفاع مقدس را زنده می کند و حتی می تواند با قرار گرفتن در این مناطق، خاطرات را دقیق تر و مستند تر بیان کنند.

4- به علت طولانی بودن جنگ تحمیلی در طول هشت سال دفاع مقدس و تعداد زیاد شهدا و بحث ایثارگری های شهدا، ذکر خاطرات جبهه و جنگ جذابیت خاص خود را خواهد داشت.

5- از آن جا که در جنگ هشت ساله تحمیل شده بر ایران، علاوه بر تعداد زیاد شهیدان، هزاران جانباز و آزاده دوران دفاع مقدس را هم داریم، گفت گو با این نیروها و باز نمود اوضاع جبهه ها و یا حتی اردوگاه های اسیران ایرانی و شنیدن خاطرات شفاهی این ایثارگران، جذابیت خاصی خواهد داشت.

6- ذکر خاطرات خانواده شهیدان از دفاع مقدس و بیان ویژگی های ممتاز آن ها، می تواند نقش مهمی در ترویج فرهنگ شهادت و ایثارگری داشته باشد.

7- به علت این که نزدیک به دو دهه از پایان جنگ گذشته است، بسیاری از خاطرات و ناگفتنی های دوران جنگ که آن زمان امکان بیان آن ها به لحاظ گوناگون نبوده است، براحتی قابل بیان است.

8- مطالعه تاریخ شفاهی جنگ و اهمیت و جذابیت مهم آن، بدین دلیل است که شاید در هیچ جنگی در طول تاریخ ایران، مردم این گونه داوطلبانه حضور نداشته و حتی حضور و شهادت عزیزان خود را ارزش نمی شمرده اند و از آن با افتخار یاد نکرده اند. لذا دارای اهمیت خاصی است.

منابع تاریخ شفاهی جنگ

به نظر می رسد منابع تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی، متنوع و زیاد باشد و هم چنین به علت طولانی بودن هشت سال جنگ، اطلاعات فراوانی از جبهه ها و خصوصاً عملیات می توان به دست آورد.

مهم ترین این منابع را به شرح زیر می توان بیان کرد:

1- آزادگان جنگ تحمیلی، اسیران ایرانی هستند که سالیان متمادی در اردوگاه ها و زندان های رژیم عراق در بند بوده اند؛ شکنجه و صدمات فراوانی از سربازان عراقی دیده اند.

اظهار خاطرات اردوگاه ها - که مسائل زیادی را در بر می گیرد - خود حاوی مطالب فراوانی است که در قسمت های بعد به جزئیات آن و نوع پرسش ها اشاره خواهد شد.

آزادگان، اطلاعات خوبی دارند که در سینه مانده و با سؤالات تخصصی و متنوع، می توان خاطرات آنان را ثبت و ضبط کرد.

2- جانبازان جنگ تحمیلی، افرادی هستند که در جبهه ها حضور داشته و ایثارگری های زیادی از خود نشان داده اند و در لحظات سخت مقاومت، مجروح گردیده و به جانبازی مفتخر شده اند. این ایثارگران، خاطرات خوبی از جبهه ها تا قبل از مجروح شدن و زمان آن و حتی اقدامات پزشکی در جبهه ها دارند.

3- رزمندگان جنگ تحمیلی به تناسب مدت جبهه خود، خصوصاً افرادی که مدت طولانی در جبهه ها حضور داشته و حتی در عملیات مختلف شرکت کرده اند، دارای مطالب خوبی از جبهه ها و عملیات می باشند. با شناسایی این قبیل ایثارگران، می توان بخشی از تاریخ شفاهی جنگ را رقم زد.

4- خانواده شهدا، یکی دیگر از محورهای تاریخ شفاهی جنگ می باشند؛ شهیدانی که در جبهه ها تا آخرین لحظات مقاومت و ایستادگی کردند و به درجه رفیع شهادت رسیدند. اکثر این شهیدان، دارای فضایل و خصوصیات اخلاقی و اجتماعی خاصی بودند. مطالعه زندگی این شهیدان، درس استقامت و پایداری را در نسل کنونی و آینده تقویت می کند.

خانواده شهدا، بهترین منبع برای ذکر خاطرات و خصوصیات خاص شهیدان هستند. چون خود ناظر و شاهد بر اعمال و رفتار آنان بوده اند و مطمئن ترین منبع برای تاریخ شفاهی می باشند.

5- فرماندهان جنگ تحمیلی در سطوح مختلف خصوصاً فرماندهانی که مدت طولانی در جبهه ها حضور داشته و اغلب عملیات را شاهد بوده اند، از مطالب مهم و حساس جنگ مطلعند. در آن زمان بستر و فرصت مناسب برای بیان این مطالب فراهم نبود. ولی اکنون که چندین سال از پایان جنگ سپری شده است، می توان از خاطرات این قبیل فرماندهان استفاده کرد. از فرماندهان جنگ در تمامی سطوح چه در ارتش چه در سپاه و چه دیگر نیروهای نظامی، باید بهره جست.

6- ایثارگران هلال احمر که کار امداد رسانی به مجروحان جنگ را عهده دار بودند و در عملیات و خطوط مهم دفاعی حاضر بودند و انجام وظیفه می کردند، اطلاعات فراوانی

دارند و با مراحل مختلف معالجه مجروحان در جبهه ها آگاه هستند. پس می توانند منبع خوبی برای تاریخ شفاهی جنگ باشند.

7- نیروهای فعال جهادگر جهاد سازندگی، نقش مهمی در ارائه خدمات پشتیبانی خصوصاً سنگر سازی و جاده سازی در جبهه های مختلف داشته اند. ایثارگری ها و مقاومت های این جهادگران در جبهه ها بر هیچ کس پوشیده نیست، تا آن جا که به سنگر سازان بی سنگر معروف شده بودند. بنابراین بخشی دیگر از تاریخ شفاهی جنگ را، در باز نمودن خاطرات و فداکاری های این جهادگران باید جست جو کرد.

8- روحانیون و طلاب حوزه های علمیه، در مسائل تبلیغی و امور فوق برنامه در جبهه های جنگ، نقشی مؤثر داشتند؛ برگزاری نماز های جماعت، پاسخ به سؤالات دینی، امور تبلیغی، ادعیه و ...، از عمده ترین امور روحانیت در جبهه ها بوده؛ هر چند که برخی از روحانیون در امور رزمی هم فعالیت هایی داشته اند. بنابراین یکی از منابع مهم تاریخ شفاهی جنگ می باشند.

9- یکی دیگر از منابع که شاید زوایای دیگری را از این جنگ روشن می سازد و در حقیقت بیانگر چگونگی وضعیت نیروهای مقابل می باشد، اسیران عراقی است که اطلاعات مفیدی درباره جنگ داشتند.

البته در حال حاضر و بعد از سقوط صدام، دیگر اسیر عراقی نداریم؛ ولی در گذشته مصاحبه های فراوانی با این اسیران انجام گرفته و بر آن پایه، کتب متعددی هم چاپ شده است. این مصاحبه ها و مطالب، می تواند علاوه بر روشن ساختن مطالب فراوانی از جنگ، مسائلی از جمله نحوه برخورد ایرانی ها، روحیات، مسائل اردوگاه های ایران، وضعیت نیروهای عراقی، چگونگی اسارت و مانند این ها را روشن سازد.

10- بسیجیانی که در دوران دفاع مقدس در جبهه ها حضور داشتند و اطلاعات مفیدی از جبهه ها دارند.

11- خبرنگاران دوران دفاع مقدس نیز، اطلاعات مفیدی دارا می باشند.

نقش مصاحبه گر در بیان سؤالات مختلف از ایثارگران

بدون شک نقش مصاحبه گر یا همان فردی که به عنوان طراح سؤال از ایثارگران جنگ تحمیلی مطرح است، خیلی مهم می باشد. مصاحبه گر با بیان سؤالات مختلف و تخصصی،

می تواند نقش مهمی در گرفتن جواب ها داشته باشد. به نظر می رسد مصاحبه گری که این کار را عهده دار است، باید مطالعات جنبی پیرامون جنگ، وضعیت جبهه ها و عملیات داشته باشد. اگر اطلاعاتی درباره وضعیت جبهه ها و حتی مناطق گوناگون جنگی دارا باشد، می تواند با طرح سؤالات متنوع، به جواب های لازم برسد. طرح سؤالات درباره تاریخ شفاهی جنگ، به علت وسعت و گستردگی کار، گاهی برای فرد مشکل است تا اطلاعات جامع درباره ایثارگران (آزادگان، جانبازان، رزمندگان و خانواده شهدا) پیدا کند. ولی با مطالعه منابع متعدد و بررسی فیلم های مختلف جبهه ها، می تواند به این اطلاعات دست یابد.

مصاحبه گر باید در هنگام مصاحبه با ایثارگران، با روحیه این افراد آشنایی داشته باشد و حتی الامکان روحیات آنان را درک کند. سعی نکند با سؤالات متناقض و بی ربط، مصاحبه شونده را مأیوس و یا بدون جواب بگذارد و حتی باید در برخی موارد، ابراز هم دردی و هم کاری با این ایثارگران داشته باشد و احساسات آنان را درک کند. این مورد در حقیقت از سختی های کار مصاحبه تاریخ شفاهی جنگ می باشد؛ مثلاً هنگام مصاحبه با جانبازان در صد بالا، باید به مشکلات روحی و جسمی آنان توجه داشت؛ یا هنگام مصاحبه با خانواده شهید که گاهی یاد آوری زندگی شهید برای خانواده و افراد درجه اول وی سخت است و گاه با تأملات روحی آنان همراه است، صبر، حوصله و آگاهی مصاحبه گر، دارای اهمیت و چاره ساز است.

بالاخره می توان گفت، اگر اطلاعات عمومی مربوط به جنگ نزد مصاحبه گر باشد، می تواند نگاه ریشه ای به مسائل جنگ داشته باشد و حتی می تواند مصاحبه شونده را در بیان مطالب کمک کند و مسیر جواب ها را آسان تر سازد. گاهی ذکر برخی از مسائل و مطالب ملال آور است و ممکن است تأثیر عمیقی در مصاحبه شونده ایجاد نماید که این موارد از مهم ترین مشکلات مصاحبه شوندگان تاریخ شفاهی جنگ می باشد. مجری مصاحبه تاریخ شفاهی جنگ، اگر خود ایثارگر باشد بهتر است و راحت تر می تواند سؤالات را مطرح کند و در متن سؤالات قرار گیرد؛ چون خود در فضای جبهه ها حضور داشته و واقعیت ها را درک کرده است.

کاربرد مطالب تاریخ شفاهی جنگ

بدون شک از مطالب تاریخ شفاهی جنگ، استفاده های گوناگون می شود و در مصاحبه ها کاربرد های خاص خود را دارد. امروزه با توجه به وسعت این موضوع و تنوع

مطالب، کاربرد های مختلفی می توان از موضوعات داشت. تنوع موضوعات امروز مانند مسائل سیاسی، زندگی نامه ها، مسائل دینی، مسائل جنگ، انقلاب، مبارزات و ...، سبب شده که آرشیو های گوناگونی در زمینه تاریخ های شفاهی ایجاد شود. در حقیقت می توان گفت با گسترش این موضوعات، کار، تخصصی گردیده است. از مطالب تاریخ شفاهی، استفاده های فراوان می شود که از آن میان می توان به موارد زیر اشاره کرد.

چاپ مطالب تاریخ شفاهی به صورت کتاب جهت مطالعه عموم، چاپ جزوات و دفترک ها (بروشور ها) در مورد مصاحبه ها، ضبط تاریخ شفاهی در نوار های ویدئویی، CD و یا نوار کاست از آن رو که جنبه استنادی بیش تری دارد و دارای جذابیت خاص می باشد، بیش تر مورد توجه قرار می گیرد.

البته در تاریخ شفاهی باید به این مطالب توجه داشت که برخی از مطالب حالت سندی دارد و برخی محرمانه است. شاید مصاحبه شونده به لحاظ این که هنوز فضای مناسب برای چاپ و انتشار مطالب وی وجود ندارد، در ارائه اطلاعات تردید کند. لذا باید به صورت سند برای نسل های بعد باقی بماند. در انتشار مطالب تاریخ شفاهی چه به صورت کتاب، جزوه و یا وسایل صوتی و تصویری، باید به فرد مصاحبه شونده اختیار کامل داد و مانعی وجود نداشته باشد. چون گاهی انتشار مطالب مهم و سیاسی و یا محرمانه - که در گذشته نزدیک اتفاق افتاده - ممکن است مشکلاتی ایجاد کند که رعایت آن ضروری به نظر می رسد.

مطالب تاریخ شفاهی جنگ با توجه به دسته بندی انجام شده - که قبلاً ذکر شد - مورد استفاده محققان و پژوهش گرانی که در مورد جنگ، تاریخ چه و هم چنین مسائل مربوط به آن تحقیق می کنند، می تواند با توجه به اصالت موضوع، منبع خوبی باشد.

در مصاحبه های تاریخ شفاهی، باید توجه داشت که برخی از مطالب صحت ندارد؛ یعنی ممکن است مصاحبه شونده بر اساس دیدگاه و نظر خود و حتی گاهی بر پایه خصومت و بد بینی یک طرفه قضاوت کند. در این گونه موارد بعد از چندین بار مصاحبه، می باید نتیجه گیری و قضاوت کرد. مثلاً در مورد تاریخ شفاهی جنگ، ممکن است برخی از افراد به علت انگیزه خاصی به جبهه نرفته اند با دید منفی به مسائل می نگرند نمی توان به مطالب وی استناد کرد. در عین حال تشخیص واقعیات از مطالب تاریخ شفاهی جنگ، کاری دشوار است و قضاوت درباره این مطالب باید با دقت خاص انجام گیرد.

علاوه بر مطالبی که ذکر شد، می توان گفت که ذکر خاطرات و ایثار گری ها یک طرف قضیه است. مهم تر از آن تحلیل وضعیت جنگ، وضعیت امکانات جنگی دو طرف، تبعات جنگ، آثار جنگ، فرهنگ جنگ، نقاط ضعف و نقاط قوت در جنگ، تصمیم گیری و برنامه ریزی برای وضعیت دفاعی در آینده، با توجه به تجربه جنگ هشت ساله است.

نمونه سؤالاتی که از ایثار گران جنگ تحمیلی می توان پرسید:

(در قسمت مصاحبه با آزادگان، می توان سؤالات زیر را مطرح کرد:)

1- زمان، مکان و نحوه اسارت؛

2- آخرین واکنش ها و مقاومت های پیش از اسارت؛

3- لحظات اولیه اسارت و چگونگی برخورد عراقی ها در آن لحظات؛

4- چگونگی انتقال به پشت خط؛

5- مراحل بازجویی و مدت آن؛

6- چگونگی برخورد عراقی ها در مراحل بازجویی، اقدامات درمانی و مسائل تغذیه ؛

7- نام اردوگاه و موقعیت آن؛

8- چگونگی ورود به اردوگاه و لوازم دریافتی در هنگام ورود به اردوگاه؛

9- برخورد اولیه عراقی ها در اردوگاه؛

10- چگونگی برخورد دیگر آزادگان با شما؛

11- وضعیت امکانات بهداشتی و درمانی و چگونگی برخورد عراقی ها با بیماران و مجروحان؛

12- وضعیت خورد و خوراک و نوع غذاها؛

13- چگونگی حضور صلیب سرخ؛

14- تأثیرات قطع نامه 598 و رحلت امام (رحمة الله) بر آزادگان؛

15- چگونگی اعزام به عتبات عالیات (در صورت اعزام) در دوره اسارت؛

16- اوقات بی کاری و خلاقیت های آزادگان؛

17- چگونگی برخورد با خبر چین ها در اردوگاه؛

18- چگونگی اطلاع یافتن از اخبار ایران؛

19- رهبری اردوگاه و نقش آن؛

ص: 105

20- چگونگی اجرای مراسم عبادی مثل نماز، دعا ها و ...؛

21- چگونگی برخورد عراقی ها و حتی نوع شکنجه های آن ها و این که بیش تر به چه نیرو هایی حساسیت داشتند؛

22- گزارش یک روز زندگی در اردوگاه؛

23- چگونگی و نحوه آزادی؛

24- اولین برخورد ها با خانواده، در لحظات نخستین آزادی از اسارت؛

25- اوضاع فرهنگی اردوگاه؛

26- تبعات اسارت و ...

نمونه سؤالات از جانبازان

1- چگونگی اعزام به جبهه و نحوه اعزام؛

2- منطقه محل مأموریت و مسئولیت؛

3- زمان، مکان و چگونگی مجروحیت؛

4- لحظات اولیه مجروحیت و قسمت های مجروح بدن؛

5- چگونگی انتقال به پشت خط و اقدامات اولیه درمانی؛

6- چگونگی انتقال و اقدامات درمانی پشت خط تا اولین بیمارستان در شهر؛

7- اقدامات درمانی در اولین بیمارستان؛

8- چگونگی اعزام به شهر اصلی و نحوه ادامه درمان؛

9- درصد جانبازی و اوقات فراغت؛

10- تأثیر جانبازی بر خانواده و نوع نگرش خانواده به جانباز؛

11- وضعیت اشتغال و ادامه تحصیل؛

12- چگونگی برخورد همسر و فرزندان با شما به عنوان فردی جانباز؛

13- چگونگی برخورد افراد جامعه با شما به عنوان فردی جانباز.

نمونه سؤالات از رزمندگان

1- علت و انگیزه اعزام به جبهه؛

2- نحوه و چگونگی اعزام به جبهه؛

ص: 106

3- تعداد نوبت های اعزامی به مناطق جنگی، وضعیت طبیعی و جغرافیایی منطقه؛

4- روحیه نیروها؛

5- وضعیت غذایی و امکانات دیگر؛

6- وضعیت تجهیزات و تدارکات؛

7- عملیاتی که در آن ها شرکت کرده اید (اطلاعات کلی)؛

8- خاطراتی از عملیات؛

9- وضعیت فرهنگی جبهه ها؛

10- نماز و نقش آن در جبهه ها؛

11- ایثارگری ها و شیرین کاری های رزمندگان.

سؤالاتی که مطرح شد، مهم ترین سؤالات در مورد جنگ تحمیلی می باشد. مطالب فراوان است و بسیاری از سؤالات، در هنگام مصاحبه با توجه به صحبت های مصاحبه شونده شکل می گیرد.

همان طور که قبلاً هم یادآوری شد، نقش مصاحبه گر یا مجری در تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی، فوق العاده مهم است. باید فضا را طوری مهیا کرد که ایثارگر جنگ تحمیلی، رغبت و علاقه فراوانی برای پاسخ داشته باشد. بعلاوه باید مصاحبه گر روحیات فرد مقابل خود را درک کند.

مثلاً اگر جانباز شیمیایی و یا اعصاب و روان می باشد، طبیعی است که این فرد ممکن است نتواند به طور مداوم صحبت کند و مشکلاتی در حین مصاحبه وجود داشته باشد که با اتخاذ تدابیر خاص و لازم، بتواند در انجام کار خود موفق شود. به همین علت می توان گفت، کار مصاحبه گر تاریخ شفاهی، کاری تخصصی است که فرد علاوه بر صبر و حوصله، می باید اطلاعات و بینش گسترده ای درباره ایثارگران و جنگ داشته باشد.

تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی در ایران با تاریخ شفاهی جنگ در دیگر کشورها تفاوت فراوانی دارد، هم به لحاظ کیفیت و نوع سؤالات و هم از نظر مصاحبه شونده و دیگر موارد. در تاریخ شفاهی جنگ دیگر کشورها بحث ارزش ها، قداست، ایثارگری، تعاون، نوع دوستی، ایمان، اخلاص و مانند این ها مطرح نیست. به همین علت، شاید کار برای آن ها متفاوت تر باشد. ولی در تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی ما، کار به گونه ای دیگر است.

مثلاً فرد جانبازی که پایش قطع شده، از این حادثه کم‌ترین ناراحتی را دارد. ایمان و تقوای او آن قدر قوی است که به این وضعیت افتخار می‌کند و هم‌چنان با روحیه بالایی مشغول فعالیت است. این موارد، در معلولان جنگی دیگر کشورها وجود ندارد و آنان این روحیه بالا را ندارند؛ یا اگر از یک خانواده شهید سؤالاتی پرسیده شود، آن خانواده با روحیه بالا و با افتخار به سؤالات جواب می‌دهد؛ چون شهادت را ارزش می‌شمارد. در حالی که در دیگر جنگ‌ها این‌گونه نیست! و موارد فراوان دیگر.

به هر حال، می‌توان گفت، تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی، شکلی انحصاری دارد که فقط مربوط به کشور ما و هم‌عقیده‌های ماست. البته از آخرین اطلاعات و دستاوردهای روز دنیا هم باید استفاده شود. از طرفی، منابع مکتوب و غیر مکتوب فراوانی در مورد جنگ تحمیلی وجود دارد که براحتمی در خور بهره‌برداری است؛ خصوصاً روحیه بالای ایثارگران جنگ که توصیف‌بردار نیست.

به هر حال، تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی، کاری نو و جذاب در عرصه تاریخ‌نگاری و ثبت وقایع دوران دفاع مقدس می‌باشد.

دوران هشت سال دفاع مقدس، سراسر خاطرات تلخ و شیرین جبهه‌ها و ایثارگران است که از طریق تاریخ شفاهی و مصاحبه با ایثارگران، گردآوری آن امکان‌پذیر است. اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها همراه با تصاویر، فیلم‌ها و نوارهای کاست، می‌تواند اطلاعات سودمندی برای نسل حاضر و نسل آینده باشد و نتیجه آن می‌تواند به صورت کتاب، جزوه، تصاویر و یا حتی ساخت فیلم‌های سینمایی مرتبط با جنگ، در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

تاریخ شفاهی رویکردی نو به تاریخ حوزه در مشهد نور الدین حسین سنا بادی عزیز

*تاریخ شفاهی رویکردی نو به تاریخ حوزه در مشهد نور الدین حسین سنا بادی عزیز (1)

خراسان و خصوصاً شهر مقدس مشهد به علت وجود مرقد مطهر امام رضا (علیه السلام)، همواره کانون توجه عاشقان آن حضرت بوده است. این توجه، خود زمینه ساز رشد و گسترش معارف دینی از جمله مدارس مذهبی، خصوصاً از دوره صفویه به بعد شده است و این هر دو، همواره نقش مهمی در حیات اجتماعی و فرهنگی مردم این خطه داشته است. بررسی اثرات این حوزه و مطالعه شاخصه های آن، از مباحثی است که از دیر زمان مورد توجه محققان و پژوهش گران بوده و هنوز نیز پژوهش های بیش تری را می طلبد. خصوصاً در قرن یازدهم که وضع حوزه علمیه تفاوت زیادی با قبل داشته، علما و مدرسان معروف در آن به تدریس مشغول شده اند و در حقیقت قرن یازدهم را می توان مبدأ اهمیت و عظمت حوزه علمیه مشهد دانست. در این قرن میان سال های 1057 و 1091ق. هفت مدرسه علمیه تأسیس و سه مدرسه تعمیر گردید. از اوضاع این حوزه ها در قرن های 12 و 13ق. گزارش مستندی در دست نیست. به نظر می رسد پس از کمال یابی آن ها در قرن یازدهم، نتوانسته اند به همان نسبت به رشد و تکامل خود ادامه دهند. این وضع تا اوایل قرن چهاردهم ادامه داشته است. (2)

ص: 109

1- کارشناس مصاحبه

2- سید علی خامنه ای، گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا (مشهد: 1365)، صص

15 - 16.

تا این که فعالیت حوزوی روحانیت خراسان در دوره قاجار آغاز و بسرعت توسعه یافت؛ به گونه ای که در اواخر نیمه اول قرن چهاردهم حوزه مشهد، حوزه ای کامل بوده است. اغلب مدارس، آباد بوده و سبب مهاجرت طلاب علوم دینی شده است. کرسی تدریس ادبیات مخصوص ادیب نیشابوری (1344ق.) بود. با وجود سه مدرس یعنی ملا محمد علی معروف به حاجی فاضل، میرزای عسکری شهیدی معروف به آقا بزرگ و بالاخره شیخ اسد الله یزدی، حوزه علمیه مشهد، مهد حکمت الهی و مرکز تدریس فلسفه به شمار می رفت. شاید سال 1335ق. بود که درس خارج فقه و اصول مانند دیگر حوزه های معتبر و طراز اول شیعه در حوزه مشهد معمول شد. مدرسانی که به تدریس خارج اشتغال داشتند، آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی، آیت الله حاج میرزا محمد کفایی خراسانی معروف به آقا زاده و آیت الله شیخ مرتضی خراسانی بودند. (1)

در سال های 1354ق. / 1314ش. به دنبال مبارزات روحانیون مشهد با حکومت مرکزی، این حوزه نیز مانند دیگر حوزه های علمیه مورد تهاجم قرار گرفت. مدیران علمی حوزه، آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی و آیت الله آقا زاده کفایی از مشهد تبعید شدند و جمعی از علمای هم رزم آن ها دست گیر و به زندان ها روانه گشتند.

بر اثر این حوادث و نیز سخت گیری عمومی دولت درباره ملبسان به لباس روحانی، حوزه علمیه مشهد به رکود و سردی گرایید و بعد از واقعه مسجد گوهر شاد، بکلی تعطیل گردید. (2)

پس از شهریور 1320ش. با تغییرات عمده در نظام حاکم و برداشتن فشار از مظاهر دینی، زعامت حوزه را آیت الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی و آیت الله آقا میرزا مهدی اصفهانی به دست گرفتند و به باز سازی بنیاد های روحانی در مشهد پرداختند. دیری نپایید که این هر دو، زندگی را بدرود گفتند (1365ق.). با از دست رفتن این دو مدرس بزرگ، درس خارج در این حوزه مجدداً دست خوش رکود شد. البته در این خلال درس های سطح حوزه برقرار بود. آیت الله حاج شیخ محمد هاشم مدرس قزوینی (در گذشته 1381ق.) استاد بی نظیر، سطوح عالی را در مدرسه نواب درس می داد. این دوران فترت، با آمدن آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی بسرعت سپری شد و حوزه مشهد رونق تازه ای یافت و در شمار حوزه های رایج شیعه درآمد. (3)

ص: 110

1- همان، صص، 25 - 26.

2- همان، ص 14

3- همان، ص 15

بیان وقایع و خاطرات گذشته، همواره به عنوان یکی از ابزار های انتقال اطلاعات مطرح بوده است. استفاده از این شیوه خصوصاً در اسلام و در بحث حدیث و راویان، در خور توجه می باشد. اما در زمینه تاریخ معاصر، این شیوه اکنون با نام تاریخ شفاهی به عنوان یکی از ابزار های مهم جمع آوری، حفظ و نگه داری اطلاعات و منابع، از ذهن کسانی که در وقایع مشارکت داشته اند، از راه مصاحبه های صوتی و تصویری، مورد استفاده و نتایج حاصله از آن، از منابع مهم اطلاعاتی در حوزه تاریخ معاصر است. هر چند فواید تاریخ شفاهی تا حدودی در حوزه علمیه نا آشنا می باشد، اما نگارش آثار تحقیقی اخیر، در حوزه تاریخ معاصر، بر مبنای مصاحبه ها و آرشیو شفاهی، اهمیت این منبع اطلاعاتی را آشکار کرده و مراکز متعدد اسنادی و فرهنگی هم همت خود را در معرفی موضوعات مختلف بر این شیوه جمع آوری و مستند سازی اطلاعات گمارده اند. از جمله موضوعات مورد توجه این مراکز، حیطة تاریخ شفاهی حوزه های علمیه و مصاحبه با علمای بزرگ خصوصاً در شهر های مشهد و قم بوده است.

مهم ترین مباحث این مصاحبه ها عبارت است از:

1- خاطره نگاری و زندگی نامه گویی؛

2- خاطرات درسی و استادان؛

3- مبارزات سیاسی و اجتماعی؛

4- مباحث دینی و مذهبی.

تمامی اطلاعات ذکر شده در ذیل بسیاری از مصاحبه ها تا کنون به صورت پراکنده به چاپ رسیده است. از کند و کاو در این مصاحبه ها، موارد زیر آشکار می شود:

1- هیچ کدام از مصاحبه ها از اسلوب و شیوه خاص پیروی نکرده و بیش تر گفت و شنود های شخصی بوده و بر اساس سلیقه مصاحبه گران یا مراکز مسئول شکل گرفته است.

2- مصاحبه ها بیش تر از آن که با هدف کسب اطلاعات صورت پذیرد، صرفاً به منظور در اختیار داشتن گفت و شنود از طریق مصاحبه بوده است.

3- اغلب مصاحبه‌ها، انفرادی با موضوعات متنوع است که به دلیل ناتوانی حافظه و رویکرد های خاص مصاحبه‌گران، ایراداتی بر آن وارد است.

4- کار مصاحبه‌های مبتنی بر طرح‌های خاص با هدف جمع‌آوری اطلاعات در حوزه‌های مختلف، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

5- مصاحبه‌ها، بیش‌تر با افراد برجسته حوزه انجام گرفته و شامل ضبط خاطرات آنان در زمینه‌های گوناگون می‌باشد.

6- زمینه‌هایی مانند تاریخ مدارس حوزه، معیشت طلاب در دوره‌های مختلف، نقش سیاسی - اجتماعی حوزه، نمود حوزه در جامعه و کنش‌های متقابل، حوزه و باورهای دینی، حوزه و خرافات مذهبی، حوزه و فناوری، و... که می‌توان با انجام طرح‌های شفاهی به آن‌ها پرداخت، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

آرشیو تاریخ شفاهی مدیریت امور اسناد و مطبوعات سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، طرح تاریخ شفاهی حوزه علمی مشهد را، به منظور روشن ساختن زوایای تاریک حوزه در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تاریخ معاصر مشهد، از سال 1383 در دستور کار خود قرار داده است. مداخل تهیه شده در این حوزه، در چهار بخش کلی تدوین شده است:

بخش اول: علمای برجسته مشهد (نخودکی، اردبیلی، کفایی، فقیه سبزواری، میلانی، حاج شیخ هاشم قزوینی و...).

بخش دوم: تاریخ سیاسی؛ موضع‌گیری‌های حوزه در حوادث سیاسی مانند مسجد گوهر شاد، حادثه حمله به یهودیان، وقایع ملی شدن صنعت نفت، انجمن‌های ایالتی و ولایتی، احزاب سیاسی و روحانیون، انقلاب اسلامی و...

بخش سوم: تاریخ اجتماعی حوزه؛ تأثیر حوزه در زندگی مردم، جایگاه روحانیون در میان مردم، وضعیت معیشتی استادان و طلاب، روحانیون و ظاهر جدید زندگی.

بخش چهارم: استادان، مدرسان و مدارس حوزه، مشارب فکری و فلسفی در حوزه و اختلاف آرا و عقاید.

گفتنی است که این آرشیو، تا کنون بالغ بر 907 ساعت مصاحبه را در این زمینه ثبت کرده است. هدف از ارائه این نوشته، معرفی کوتاه مداخل و افراد یا موضوعاتی است که می تواند مورد توجه کسانی باشد که علاقه مند به کار در این زمینه هستند. بدیهی است که این مداخل و افراد، همه موارد ممکن نیست، بلکه مداخل و افراد دیگری نیز می تواند به این فهرست افزوده شود.

بخش اول: علمای برجسته مشهد

1- خانواده آخوند خراسانی

الف - آیت الله میرزا محمد آقا زاده (1294 - 1356 ق.) از علمای نام دار و مجاهد ایران در قرن چهاردهم قمری و فرزند دوم آخوند خراسانی بود. درس را در محضر پدرش به پایان رسانید و در سال 1325 ق. به درجه اجتهاد رسید. به امر والد بزرگوارش به مشهد آمد و در مسجد گوهرشاد به تدریس پرداخت. در جریان مشروطیت، مانند پدرش به دفاع از مشروطیت و انتقاد از استبداد پرداخت. خانه اش در مشهد محل مراجعه مردم و آمد و شد بزرگان بود. مقام علمی و نفوذ سیاسی او، باعث شد تا عملاً اداره امور خراسان، در دست او قرار گیرد و دولتیان نیز امنیت خراسان را از او می خواستند. در سال 1304 نماینده مردم سبزوار در مجلس مؤسسان شد. در جریان کشف حجاب، به یزد تبعید گردید. پس از چهار ماه به مشهد برگردانده شد و بعد از چند روز بازداشت، به تهران انتقال یافت. آقا زاده در دادگاه نظامی بدوی، به اعدام محکوم شد ولی به علت فشار سیاسی علمای عتبات، حکم صادره لغو شد و به اقامت اجباری در تهران تخفیف یافت. او تا پایان عمر در خانه اش تحت نظر و دیدار ممنوع بود. نام برده، به دنبال بیماری و بر اثر تزریق شدن نوعی آمپول مشکوک در گذشت. تلگراف او در سال 1328 ق. به مجلس و دولت، در

اعتراض به استقراض خارجی معروف است. (1)

ب- آیت الله حاج میرزا احمد کفایی (1300 - 1391 ق.): مسئول امور حوزه و مدارس علمیه، تشکیل هیئت های مذهبی و مبارزه با کمونیسم، وقایع 28 مرداد و ارتباط با دربار، نگرش نسبت به شخصیت سیاسی و اجتماعی ایشان. وی سیاست مداری باهوش و دارای فهم و درک

ص: 113

1- محمد حسن رجیبی، علمای مجاهد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران: 1382)، ص 17.

سیاسی بود و مدت 45 سال در مسجد گوهرشاد و منزل خود به تدریس فقه و اصول پرداخت. (1)

2- حاج حسن علی اصفهانی نخودکی (1279-1361ق.):

در سال 1303 ش. وارد مشهد شد و در صحن عتیق سکنا گزید. بار دوم در سال 1311 به مشهد آمد و تا سال 1314 در مشهد ماند. وی سوم بار در سال 1329 به مشهد رفت و در اراضی نخودک در حومه مشهد سکنا گزید و تا پایان عمر در آن جا ماند. به تمامی علوم احاطه داشت. (2) باور عامه و نخبگان درباره وی، کراماتش در مشهد، نظراتش در زمینه علوم (فلسفه، ریاضیات و غریبه)، وضعیت معیشتی او، ارتباط با بزرگان و سیاست مداران، علت ماندگاری وی.

3- آیت الله شیخ محمد رضا محامی (1310-1377 ش.):

سال ها از محضر درس آیت الله العظمی میلانی استفاده کرد. در ضمن از درس فلسفه آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی نیز بهره گرفت. تدریس سطوح مختلف را از مدرسه نواب شروع کرد. ایشان از مردان انقلابی و از هم زمان شهید آیت الله سعیدی و شهید اندرزگو بود و از خرداد 1342 با امام خمینی رابطه داشت و مورد توجه و وکیل وی در مشهد بود. مشکلات مالی طلاب و هزینه فعالیت های انقلاب را تأمین می کرد. از فدائیان اسلام حمایت همه جانبه کرد. بعد از انقلاب عازم قم شد و در مدارس فیضیه و خان به تدریس مشغول شد و امام جماعت مسجد دفتر تبلیغات اسلامی بود. مبلغان اعزامی را به داخل و خارج کشور آزمون و تعیین می کرد. (3)

4- آیت الله میرزا مهدی اصفهانی (1303 - 1365ق.):

در سن 35 سالگی اجازه اجتهاد دریافت کرد. سال 1340 به مشهد آمد و مدرس سطوح عالی و خارج فقه و اصول گردید. (4) از ویژگی های وی می توان به این موارد اشاره کرد: تسلط بر مبانی میرزای نائینی، تشکیل حوزه درس معارف، مخالف فلسفه و طرفدار آرای کلامی در

ص: 114

1- ابراهیم زنگنه، مشاهیر مدفون در حرم رضوی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ج اول، چاپ اول (مشهد: 1382)، ص 250.

2- همان، ص 65

3- همان، ص 272

4- محمد رضا حکیمی، کیهان فرهنگی، سال نهم، اسفند 71، ص 28.

مشهد، محل تدریس وی در مشهد، زمان تدریس، شاگردان مطرح وی عبارتند از: آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی، آیت الله حسن علی مروارید و آیت الله عبد الله یزدی و...

5- آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی (1313-1395ق.):

در اوج گیری نهضت نفت در سال 1332ش. وارد مشهد شد و با درخواست علما و مردم در مشهد ماند و از زمان اقامت تا آخرین سال حیات پر بار خود، به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بود و صد ها چهره برجسته نزد ایشان تلمذ کردند. با کانون نشر حقایق اسلامی مرتبط بود. در سال 1339 مدرسه منتظریه (حقانی) را تأسیس کرد و فتوای قتل منصور را صادر کرد. به مشرب آیت الله حاج محمد حسین کمپانی اصفهانی گرایش داشت. کمک زیادی به طلاب می کرد و آن ها را برای وعظ به نواحی مختلف مشهد می فرستاد و شهید بهشتی را در هامبورگ تقویت می کرد. (1) مبارزات ایشان بر ضد لوایح شش گانه انقلاب سفید، تعطیلی بازار مشهد در سال 1341، صدور اعلامیه تند 28 اسفند 1341 علیه جنایات شاه، اعلام عزای عمومی نوروز سال 1342، حمایت از امام در پانزدهم خرداد 1342، اعلامیه چهاردهم مهر 1342 و راه اندازی اعتصاب عمومی، انتشار اعلامیه 1346 درباره جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل را می توان از مهم ترین اقدامات وی برشمرد، نحوه تدریس ایشان، برخورد با سایر مشارب فکری و ارتباط با سیاست مداران و حکومت وقت بود. (2)

6- آیت الله میرزا حسین فقیه سبزواری (1309-1386ق.):

خوش مشرب، بذله گو و اهل طریقت و عرفان بود و 120 منزل در نخریسی و 25 منزل در خواجه ربیع و 2500 قطعه زمین به طلاب داد. با سران نظام ارتباط داشت. باغ رضوان را ساخت و در مانگه رازی را تکمیل کرد. (3)

7- آیت الله حاج شیخ محمد هاشم مدرس قزوینی (1270-1339ق.):

فلسفه اشراق و مشا را نزد آیت الله سید موسی زر آبادی فرا گرفت و فقه و اصول را نزد آیت الله العظمی حاج حسن قمی و آیت الله حاج میرزا مهدی اصفهانی آموخت. به استاد خود، آیت الله حاج میرزا مهدی اصفهانی، به خاطر تفکرات بلند و آفاق اندیشش علاقه زیادی

ص: 115

1- حوزه، ضمیمه مجله حوزه (2) (مشهد: 1374)، ص 6.

2- ابراهیم زنگنه، همان، ص 323.

3- همان، ص 167.

داشت. رسائل، مکاسب و کفایه را با تسلط بی نظیری در مدارس نواب و فاضل خان تدریس می کرد. اخلاق و سعۀ صدر وی کم نظیر و ستودنی بود. بی تردید مهم ترین نقش ایشان، نه تدریس بلکه تعلیم بود. (1)

روشن فکری دینی، روشن بینی و بی زاری از عوام فریبی و انحطاط پراکنی و ارتجاع گرایی، زهد و بی اعتنایی به دنیا از ویژگی های اخلاقی وی بود.

8- آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی (1318-1386ق):

از نظر فلسفی، طرفدار آیت الله سید موسی زر آبادی بود و از مخالفان فلسفه به شمار می آمد. در سال 1341ق. به مشهد آمد و از معارف بزرگان بهره جست و مدت 40 سال در حوزه علمیه مشهد به تدریس پرداخت. معارف قرآن، خارج فقه و اصول و متون فلسفی را برای خواص تدریس می کرد. از آمیختن فلسفه و عرفان می پرهیخت. به فلسفه مشا گرایش داشت و فلسفه ملا صدرا و منظومه حاج ملا هادی سبزواری را قبول نداشت. در دوره هفدهم به عنوان نماینده انتخاب شد و از امام نیز در جریان انقلاب اسلامی حمایت کرد. (2)

9- آیت الله حاج میرزا محمد رضا کلباسی (1295-1383ق):

در فقه و اصول و مکتب رجال، درایه و علوم ریاضی صاحب نظر بود. به تجدید حیات حوزه های علمیه علاقه مند بود و به ارتباط با دیگر فرهنگ ها علاقه داشت. در موضع گیری سیاسی، به حمایت از مصدق و آیت الله کاشانی معروف است. او پیشنهاد تشکیل دانشگاه عالی روحانیون را داد. (3)

10- آیت الله حاج میرزا علی اکبر نوقانی (1300-1370ق):

انسانی شوخ طبع، مهربان، مؤمن متعهد، اهل تهجد و خوش قریحه بود. ساده زندگی می کرد و هرگز از سهم امام استفاده نکرد و از موقوفه ای که داشت، امورات خود را می گذراند. با آیت الله میرزا مهدی اصفهانی رابطه نزدیکی داشت. خطیبی توانا بود و در تکیه فتاح خان پشت قبرستان سراب به منبر می رفت. از معدود افرادی بود که بعد از حادثه مسجد گوهرشاد حق لباس پوشیدن داشت. مقررات خاصی برای منبر رفتن طلبه ها داشت. دارای افکار آزاد اندیش و با مظاهر جدید تمدن موافق بود و شعر نیز می سرود. چهل سال از

ص: 116

1- محمد رضا حکیمی، همان، ص 254.

2- همان، ص 33.

3- ابراهیم زنگنه، همان، ص 254.

سن خود را در راه تدریس و خدمات معنوی به مردم خراسان و اعتلای فرهنگ این سرزمین صرف کرد. میرزا، خط خوشی داشت و با ارباب ادب آن روز خراسان معاشرت داشت. (1)

11- آیت الله حاج سید محمد رضا بختیاری (م: 1339 ش.):

از بختیار توابع اصفهان بود. در عراق به همراه شصت هزار مجاهد به جنگ با کفار برخاست و بعد از جنگ به مشهد آمد. پس از کشتار مسجد گوهرشاد، چند سالی در تربت حیدریه تبعید بود. بعد از شهریور 1320 به مشهد آمد و مدت چهل سال در مشهد ماند. در دوم فروردین 1339 ش. در گذشت. (2)

12- آیت الله حاج شیخ غلام حسین تبریزی (1260-1359 ق.):

از طرفداران شهید نواب صفوی بود و شاخه ای از فدائیان اسلام را در مشهد تشکیل داد و نشریه ای به نام خدا پرستی به زبان ساده منتشر می کرد. وی، بعداً نشریه تذکرات دیانتی را نوشت. او از سال 1328 نماز جماعت برگزار می کرد. ایشان قبل و بعد از انقلاب امام جمعه مشهد بود. از روحانیون روشن فکر به شمار می آمد و به فلسفه و علوم جدید توجه داشت. حتی الامکان از وجوهات استفاده نمی کرد. به شیخ العلما معروف بود و بیمه پزشکی محصلان را درست کرد. (3)

13- آیت الله حاج سید یونس اردبیلی (1296-1377 ق.):

در سال 1353 ق. به مشهد آمد و به تدریس و اداره امور دینی شهر پرداخت. منزل وی در جریان مسجد گوهرشاد، مکان تجمع علمای مخالف بود. بعد از حادثه مسجد، تبعید شد و در سال 1321 ش. به مشهد برگشت. در جریان 28 مرداد هم فکر با کاشانی و مخالف با کمونیسم بود و در سال 1377 ق. در گذشت. (4)

14- آیت الله العظمی حاج سید عبد الله موسوی شیرازی (1271-1363 ش.):

در جریان کشف حجاب، با آیات عظام در منزل آیت الله سید یونس اردبیلی مشارکت داشت. پس از واقعه مسجد گوهرشاد بازداشت و به تهران اعزام شد و سال 1351 وارد نجف گردید. در جریان نهضت ملی از کاشانی حمایت کرد و در جریان لوایح شش گانه بسیار فعال

ص: 117

1- همان، ص 337

2- همان، ص 77

3- همان، ص 92

4- همان، ص 61

بود؛ تا آن که با اعمال فشار حزب بعث، عراق را ترک کرد و در سال 1354 به مشهد آمد و به تأسیس مدارس علمی همت گماشت و مدرسه علمیّه امیر المؤمنین (علیه السلام) را تأسیس کرد. در جریان انقلاب اسلامی امور خراسان را بر عهده داشت. هرگز لباسی برتر از لباس طلاب متوسط الحال نپوشید و اتاق سکونتش هیچ گاه با قالی مفروش نشد. غذای ساده می خورد و کار هایش را خودش انجام می داد. از حضور افراد در کنار خود هنگام تردد جلوگیری می کرد و اهل تهجد بود. (1)

15- آیت الله حاج شیخ علی اکبر نهایندی (1278-1369ق.):

علامه محدث، به سال 1287ش. به مشهد آمد و مدت 12 سال امام جماعت مسجد گوهرشاد بود. نماز ایشان بعد از واقعه مسجد نیز برگزار می شد و در طول حاکمیت رضاخان، به طور مجاز کسوت روحانیت را بر تن کرد. چهل سال تمام ریاست دینی خراسان را بر عهده داشت و جز خودش احدی را در هیچ یک از کارهای مربوط به خود، دخالت نمی داد. در واقعه حادثه یهودیان مشهد، نقش میانجی را بازی کرد. (2)

16- آیت الله سید احمد مدرس (1306-1391ق.):

از مدرسان بلند پایه و پارسای حوزه مشهد بود که صد ها فاضل در پای درس او شرکت می کردند و از محضر پر فیضش بهره می بردند و در میان علما از مقبولیت بر خوردار بود. (3) در مسجد ملا هاشم ضمن تدریس، اقامه جماعت می کرد و زندگی خود را از محل درآمد مزرعه ای که همسرش در اختیار داشت، می گذراند و هرگز از وجوه شرعی استفاده نکرد.

17- محمد علی علمی اردبیلی (1288-1366ق.):

مدت زیادی در نجف و قم تحصیل کرد. در سال 1333ق. به مشهد آمد و به توصیه آیت الله العظمی میلانی برای تدریس اصول، باقی ماند و در مدرسه میرزا جعفر درس اصول می گفت. (4) پس از چند سال به دلیل تعمیر مدرسه، درس را به منزل خود انتقال داد. اعتنایی به سلیقه ها و تقلید های سنتی عرف نداشت و حق استاد را محترم می شمرد.

ص: 118

1- همان، ص 187

2- همان، ص 343

3- همان، ص 282

4- همان، ص 271

شیخ حسن معروف به ادیب خاوری، از مشایخ معرفت و سالکان طریقت و نایلان به حقیقت و انسانی خوش مشرب، بذله گو، شیرین زبان و خنده رو بود. در علوم رمل و اعداد و جفر و طلسمات و تسخیرات و اودیه، استادی بی نظیر بود. 115 سال عمر کرد و در باغ رضوان دفن گردید. (1)

19- آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (1282-1368 ش.):

در سال 1314 به مشهد آمد و مدت چهار سال به تدریس و مدت چهار سال به تدریس فقه و فلسفه پرداخت. در اخلاق و تواضع، نمونه ای بود که او را از دیگران ممتاز می ساخت. در اوج زهد، تارک دنیا نبود. مفسری بزرگ بود، در سال 1344 ش. در مشهد در مانگه خیریه بینویان را به اتفاق بعضی خیران، به وجود آورد. در مبارزه با رژیم پهلوی نقش فعال داشت و از رهبران انقلاب مشهد شمرده می شد و مورد اعتماد قاطبه مردم و علما بود. در جبهه های جنگ تحمیلی، به درخواست بسیجیان پیش نماز بود. فقه و فقاها را برای مریدی و مرادی نمی خواست. در فقه، نظرات نو و عمیقی داشت. کار های شخصی خود را به دیگران نمی سپرد و در خانه اش به روی مردم باز بود تا گرهی از کار مردم بگشاید. خود را هم سطح مردم می دانست و برای خودش موقعیتی قائل نمی شد. وقتی به حرم مشرف می شد، در گوشه ای خلوت، مشغول راز و نیاز می شد. (2)

20- آیت الله حاج حسن علی مروارید (1329-1425ق.):

پدرش مرحوم حجت الاسلام حاج شیخ محمد رضا، با شیخ حسن علی اصفهانی نخودکی رابطه مودت و عقد اخوت داشت. شهرت «مروارید» در خاندان ایشان، با یکی از مشهور ترین رجال ادب و هنر خوش نویسی، خواجه شهاب الدین عبد الله مروارید کرمانی (865-955 ق.) آغاز شد. طبق وصیت پدر، در 9 سالگی و پس از فوت پدر تحت نظارت شیخ حسن علی نخودکی قرار گرفت. در 13 سالگی وارد حوزه علمیه مشهد شد و از آیت الله حاج شیخ محمد هاشم مدرس قزوینی کسب علم کرد و از محضر آیت الله میرزا مهدی اصفهانی (1303-1365 ق.) استفاده کرد. هم بحث و درس آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی بود. پس از اتمام

ص: 119

1- همان، ص 54

2- همان، ص 461

تحصیل، در مشهد شروع به تدریس کرد. مؤسس دو مدرسه علمیة بعثت و سعادت بود. در مدرسه میرزا جعفر و مسجد حاج ملا هاشم و مسجد حاج ملا حیدر نماز جماعت اقامه می کرد. (1)

21- شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری (1315-1396ق.):

شاگرد شیخ عبد الجواد ادیب نیشابوری و مشهور به ادیب دوم و در حوزه ادبیات از معروفیت زیادی برخوردار بود. دروس حوزه، مغنی، شرح مطول، حاشیه، سیوطی و... را با روش مخصوص تدریس می کرد. در مدرسه فاضل خان تدریس می کرد و از شاگردان پول دریافت می کرد. سمت مدرس آستانه را در زمان سید جلال الدین تهرانی به دست آورد. در مدارس خیرات خان و میرزا جعفر، مساجد ترک ها و گوهرشاد تدریس می کرد. در اواخر عمر به علت زمین خوردگی در منزل بود. لباس ساده به تن می کرد و مناعت طبع داشت. انسانی آزاده و عارف مسلک بود. (2)

22- سید ابراهیم علم الهدی (1296 - 1378ق.):

علم الهدی، فرزند سید محمد حسینی علم الهدی در سبزوار به دنیا آمد. از شاگردان حاج ملا هادی سبزواری بود. در کربلا از محضر آیت الله العظمی میلانی استفاده کرد و همراه با ایشان در سال 1333 به مشهد آمد. وکیل تام الاختیار آیت الله العظمی میلانی بود. در حل مسائل بغرنج قضایی به قضات کمک می کرد و در طرح مسائل علمی و گشودن گره از معمای آن ها، از نبوغ خاصی برخوردار بود و هیچ گاه سعی نمی کرد شاگردان خود را مقلد بار بیاورد. (3)

23- محمد تقی میرزا عسکری (م: 1315ش.):

میرزا عسکری معروف به آقا بزرگ، حکیم فیلسوف معروف و استاد فلسفه بود. در حدود سال 1292ش. به مشهد بازگشت و متجاوز از 23 سال در منزل خود حکمت درس می داد و شاگردان بسیار زیاد و برجسته ای تربیت کرد. با این که در نهایت سختی می زیست، طبعی منیع داشت. آقا بزرگ، به صراحت لهجه و آزاد منشی و وارستگی شهره بود. تا پایان عمر

ص: 120

1- محمد الهی خراسانی مروارید علم و عمل (مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، 1384).

2- ابراهیم زنگنه، همان، ص 57.

3- همان، ص 213.

هرگز کرامت انسانی را با چیزی معامله نکرد. (1) در فلسفه بیش تر به سبک شیخ الرئیس متمایل بود و با این حال آثار ملا صدرا را می ستود. (2) با ایرج میرزا دوستی داشت و ایرج میرزا به او عشق می ورزید. در میان آنان مطایباتی رد و بدل می شد. آقا بزرگ به ملا عباس تربتی علاقه تام داشت و او را می ستود. (3)

24- حاجی فاضل (م: 1342ق.):

آخوند ملا محمد علی معروف به حاجی فاضل، شاگرد میرزای شیرازی، فقه و اصول و فلسفه را با استادی تدریس می کرد. آیت الله میرزا محمد آقا زاده و آیت الله العظمی حاج حسین آقامی در معقول از ایشان بهره می بردند. به دوزبان فارسی و عربی شعر می گفت. نیک محضر، مهربان، خندان و بسیار شجاع بود. در سیاست دخالت داشت و با علمایی که قوانین مشروطه را به تمام معنی اسلامی می دانستند، موافق نبود و به دست مشروطه گر ها ترور شد. در زمان آصف الدوله شاهسون، به کلات و درگز تبعید شد. در مشهد، ریاست علمی حوزه و مسند قضاوت شرعی داشت. (4)

25- آیت الله شیخ اسد الله یزدی (م: 1345ق.):

مشهور به هراتی، استاد آقا بزرگ حکیم و میرزا مهدی حکیم الهی قمشه ای بود. (5) تا آخر عمر مجرد زندگی کرد و در مدرسه فاضل خان و پریزاد کلام، منطق و فلسفه تدریس می کرد.

26- آیت الله حاج شیخ کاظم مهدوی دامغانی (1316-1401ق.):

از سال 1336ق. سطوح عالی (رسائل، مکاسب و کفایه) را تدریس می کرد و از سال 1356ق. پس از واقعه مسجد گوهرشاد در منزل خود منزوی گردید. در حوزه، به فضل اشتهار داشت. حوزه درس وی چندان پر جمعیت نبود. پس از شهریور 1320 در باز سازی حوزه مشهد جزو فعالان بود. سجایای اخلاقی و صراحت لهجه و اجتناب از هر گونه تظاهر، از برجستگی های روحی ایشان بود. (6)

ص: 121

1- همان، ص 459.

2- نگاه حوزه، ضمیمه مجله حوزه (3)، ص 11.

3- همان، ص 13.

4- ابراهیم زنگنه، همان، ص 228.

5- سنگ نوشته استاد در کوه سنگی.

6- ابراهیم زنگنه، همان، ص 136.

1- مدرسه سلیمان خان (سلیمانیه): به دست سلیمان خان از امیران قاجار (1200-1243 ق.) در انتهای بازار بزرگ مقابل مسجد شاه احداث و با 22 حجره، دارای استادان و طلاب فاضل بود. در گذشته (حدود سال 1323) اداره آن با میرزا جلال فرزند حاج میرزا احمد مدرس یزدی و تولیت آن با آیت الله حاج میرزا احمد کفایی بود که سال ها در این مدرسه به فعالیت های دینی و مذهبی مشغول بودند. پس از سال ها سکوت و اختناق در حکومت پهلوی، اولین مجلس عمومی عزا داری سید الشهداء و نخستین هیئت سینه زنی خراسان، به سعی ایشان در مدرسه تشکیل شد. پس از فوت مرحوم کفایی، سید زین العابدین سبزواری (امام جماعت وقت مسجد گوهرشاد) تصدی مدرسه را بر عهده گرفت.

این مدرسه، سال ها یکی از موفق ترین مدارس حوزه علمیة مشهد بود و فعالیت در خور توجهی داشت و سال ها حلقه های درس برترین استادان حوزه مانند آقا بزرگ حکیم و ملا محمد کاظم خراسانی در آن برگزار می شد. سر انجام این مدرسه علمیة پس از دو قرن فعالیت، در سال 1378 تخریب شد و در مکان دیگری و با امکانات لازم در حال احداث می باشد. (1)

2- مدرسه ابدال خان: پایین خیابان (نواب صفوی)، داخل کوچه شور، جنب مقبره پیر پالاندوز بوده است. بنیان گذار این مدرسه تاریخی، یکی از خان های عبدال آباد تربت جام به نام ابدال خان تکلو است که آن را برای تحصیل طلاب علوم دینی بنا کرد. تاریخ بنای مدرسه، بین سال های 1090-1100 ق. بوده است. تاریخ وقف نامه مدرسه، سال 1093 ق. می باشد (2) ولی در سال 1297 آن را تعمیر کرده اند. این مدرسه، در دو طبقه و به مساحت 700 متر مربع بوده و کتاب خانه ای با 200 جلد کتاب داشته که فاقد نسخ خطی فراوان بوده است. (3)

3- مدرسه عباس قلی خان: این مدرسه، اکنون در حاشیه خیابان نواب صفوی قرار دارد که بانی آن عباس قلی، بیگلربیگی خراسان و دارای 104 حجره بوده و در دو طبقه بنا شده است. حیاط مدرسه با آب نمای کوچکی در وسط، حدود یک متر از سطح خیابان پایین تر قرار دارد. (4) کتاب خانه این مدرسه را در سال 1334 ش. حجت الاسلام سید حسن محدث تأسیس و اولین کتاب ها را سید علی بهشتی وقف آن کرد. اکنون قریب 1500 جلد کتاب اسلامی در زبان های مختلف دارد که در حدود 30 جلد آن خطی است. آقای امیر شیبانی، مدیر کل وقت

ص: 122

1- محمود پسندیده، حوزه علمیة خراسان، ج اول (مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، 1385)، ص 251.

2- عبد الرضا امیر شیبانی، سیمای وقف در خراسان (مشهد: سگال، 1380)، ص 29.

3- محمود پسندیده، همان، ص 268.

4- همان، ص 181.

اوقاف خراسان، در زمان تقشیش نسخ کتاب خانه، گفته است: 5000 نسخه خطی و چاپی داشته که 78 جلد آن خطی است. (1) تولیت مدرسه، در اختیار عباس قلی خان بوده و پس از مسائل متعدد، سر پرستی آن در اختیار سید محمد ذاکری قرار گرفته است.

4- مدرسه خیرات خان: در مجموعه اماکن و بیوتات آستان قدس رضوی واقع شده است. اما زمانی که طرح آن ریخته می شد، در حاشیه بست پایین خیابان قرار داشت. این مدرسه قدیمی و زیبا را، در سال 1057ق. هم زمان با حکومت شاه عباس دوم (1052-1072ق.) یکی از اشراف آن روزگار به نام خیرات خان احداث کرد که در زمره معروف ترین و معتبر ترین مدارس علمیه آن زمان به شمار می رفت. ولی پس از حکومت صفویه از رونق و شور علمی افتاد. (2)

5- مدرسه میرزا جعفر: در ضلع شمالی صحن کهنه (عتیق)، دارای صحن وسیع مربع و مستطیل و 85 اتاق بوده است. در سال 1059ق. به دست دو برادر به نام های میرزا محمد طاهر مشهور به وزیر خان و میرزا محمد جعفر مشهور به سروقد، از فرزندان میرزا تقی مشهدی ساخته شد و در اختیار خاندان سروقدی می باشد. از آن جا که میرزا جعفر تصدی ساخت آن را بر عهده داشته و رقباتی هم وقف مدرسه کرده، به نام او مشهور شده است. طلاب از عواید موقوفه ظهیر الدوله مواجب می گرفتند. موقوفات آن 6 باب دکان بوده است. آیت الله حسن علی مروارید در آن نماز می خواند و آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی خارج فقه درس می داد و اکنون تبدیل به دانشگاه علوم اسلامی رضوی شده است. (3)

6- مدرسه جعفریه: در انتهای بازار بزرگ داخل کوچه میر علم خان است و واقف آن آیت الله حاج شیخ غلام حسین تبریزی است که آن را در سال 1380ق. ایشان و جمعی از نیکو کاران مشهدی، برای سکونت طلاب به سبکی نسبتاً جدید ساختند. از شرایط طلاب مدرسه، نخواندن ادبیات، اصول و فلسفه و خواندن فقه، حدیث، کلام و تفسیر بوده است. (4)

7- مدرسه بهزادیه (حاج حسن): در حاشیه شمالی بالا خیابان، نزدیک مدرسه نواب بود. دارای صحن کوچک مستطیل و عمارت دو طبقه و 25 اتاق بود و در سال 1354ش. از بین رفت. این مدرسه در دوره صفویه حدود سال های 1085 تا 1090ق. بنا شد. علت شهرت مدرسه بهزادیه به حاج حسن، نامعلوم است. (5)

ص: 123

1- عبد الرضا امیر شیبانی، همان، ص 14.

2- محمود پسندیده، همان، ص 139.

3- همان، ص 150.

4- همان، ص 291.

5- همان، ص 202.

8- مدرسه رضوان: مدرسه ای در محله عید گاه بوده که پنج طلبه در آن سکونت داشته و گویا در وقف نامه گفته شده، از پنج نفر بیش تر نشوند. تولیت در اختیار نوادگان واقف به نام بانو زینت است. این مدرسه را در سال 1096ق.، رضوان از اشراف دوره صفویه احداث کرده است. (1)

9- مدرسه نواب (صالحیه): از مدارس قدیمی مشهد است که بانی آن میرزا ابوصالح نقیب رضوی، به سال 1086ق. می باشد و در ابتدای بالا خیابان ساخته شده است. حوزه درس سطوح عالی در این مدرسه تشکیل می شده است، مانند حوزه درس ادبیات ادیب نیشابوری و سطوح عالی آیت الله حاج شیخ محمد هاشم مدرس قزوینی. از شرایط ثبت نام در مدرسه، می توان مجرد بودن، اهل مشهد نبودن، از عهده امتحان بر آمدن و اشتغال نداشتن به کار های غیر روحانی را نام برد. اکنون این بنا با تغییرات چشم گیری باز سازی شده است. (2)

10- مدرسه بالا سر: مدرسه بالا سر - که از کهن ترین مدارس علمیه مشهد به شمار می رود - در حاشیه شرقی بازار بزرگ و نزدیک مدرسه پریراد واقع شده و دارای صحن کوچک و دو ایوان بوده است. مدرسه را میرزا محمد وزیر کل خراسان در سال 1091ق. تعمیر کرده است. تولیت مدرسه در اختیار سید علی علم الهدی بوده است. از شرایط مدرسه، پذیرفتن طلاب قند هاری، قوچانی، تبریزی، قفقازی، بغدادی، بحرینی و نیشابوری می باشد. امروزه تبدیل به رواق دار الولاية گردیده است. تاریخ بنای نخستین واقف و بانی آن بروشنی معلوم نیست؛ تنها عبد الحمید مولوی معتقد است، شاهرخ میرزا بانی آن بوده است. (3)

11- مدرسه پریراد: مدرسه پریراد در ضلع شرقی بازار بزرگ، روبروی مدرسه دو در و جنب رواق دار الولاية واقع شده است، در حالی که در حاشیه بازار زنجیر قرار داشته است. در زمان حکومت شاهرخ میرزا (807-850 ق.) به سفارش پریراد خانم، ندیمه مخصوص گوهر شاد آغا همسر شاهرخ میرزا احداث شد و دارای کتاب خانه نیز بوده است. در سال 1354 ش. در جریان توسعه اطراف حرم مطهر، این مدرسه تخریب شد و در سال 1368 ش. به همت آستان قدس رضوی با همان الگو و طرح سنتی باز سازی گردید. (4)

12- مدرسه دو در: در ضلع غربی بازار بزرگ «زنجیر» سابق و در مجموعه اماکن و بیوتات متبرکه، مقابل مدرسه پریراد واقع است. در سال 843ق. به دست یکی از فرماندهان

ص: 124

1- همان، ص 248.

2- همان، ص 208.

3- همان، ص 88.

4- همان، ص 103.

شاهرخ میرزا به نام امیر یوسف خواجه بهادر ملقب به غیاث الدین بنا شد. ابتدا به نام مدرسه یوسف خواجه و بعد ها به علت داشتن دو در ورودی، به مدرسه دو در مشهور شد. در سال 1353 ش. به علت تعمیر و مرمت، مدرسه تعطیل شد. پس از انقلاب، آستان قدس رضوی، آن را با حفظ الگو و طرح قدیمی، باز سازی کرد. اکنون زیر نظر حوزه علمیة مشهد فعالیت می کند. در گذشته، تولید مدرسه با آقای کفایی بود که آقای کاهانی را به نمایندگی خود انتخاب کرده بود. (1)

سؤالات مورد نظر در قسمت مدارس

- 1- نحوه اداره کردن مدارس (اوقاف - متولی).
- 2- شروط احتمالی واقف و سکونت در مدرسه.
- 3- چگونگی تأمین هزینه های مدرسه.
- 4- وضعیت طلبه ها، تعداد، ملیت، قومیت.
- 5- امکانات جانبی مدارس، امکانات رفاهی.
- 6- استادان مدارس، نحوه تدریس آن ها، ساعت رفت و آمد و تدریس، سطوح مورد تدریس.
- 7- مقررات، پذیرش و اقامت طلاب.
- 8- برنامه های درسی و امتحانات.
- 9- برنامه های روزانه مدارس.
- 10- میزان تأثیر رئیسان مدارس در طلاب و نظارت آن ها.
- 11- نوشتن، نویسندگی طلاب و چگونگی فراگیری طلاب.
- 12- وضعیت مدارس قبل از حادثه مسجد گوهرشاد و بعد از آن.

حوزه و جامعه

- 1- رابطه حوزه با مردم و نحوه برقراری آن.
- 2- زندگی اجتماعی روحانیون و طلاب.

ص: 125

3- مؤلفه های تأثیر روحانیون بر مردم (منبر، تعزیه و مراسم مختلف).

4- منبری های معروف مشهد (شیخ مرتضی عید گاهی و مهدی واعظ خراسانی).

5- وضع معیشتی روحانیون و طلاب، نحوه تأمین و نگرش مردم به روحانیونی که خود تأمین معاش می کردند و یا با مقامات مرتبط بودند (عده ای برای امرار معاش، اقدام به کارهایی از قبیل نامه نویسی و قرآن خوانی می کردند که در اصطلاح مشهدی ها، آنان را حافظی می نامیدند).

تأمین معیشت طلاب

1- از راه کمک پدر و مادر.

2- از راه دریافت کمک هزینه (شهریه) از مدرسان و آیات عظام.

مقدار شهریه های پرداختی به طلاب در مشهد از طریق آیات عظام (1)

- آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی: (نجف) 150 ریال.

- آیت الله العظمی سید حسن قمی: مجرد ها 160 ریال نان، متأهل ها 200 ریال نان.

- آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی: 150 ریال برای عموم.

شهریه های خصوصی (2)

- آیت الله العظمی قمی: محصلان حوزه درس خود 200 ریال.

- آیت الله العظمی میلانی: برای محصلان حوزه خود 250 تا 1000 ریال.

- آیت الله حاج میرزا احمد کفایی: ماهانه 100 ریال.

برخی از آیات عظام مانند قمی و میلانی، هر یک جدا گانه مبلغی به محصلان با سابقه خود می دادند.

رابطه حوزه با بازار

1- کمک های مردمی به حوزه و روحانیت.

ص: 126

1- سید علی خامنه ای، همان، ص 113.

2- همان، صص 111-112.

2- حوزه و واکنش آن نسبت به مدارس نوین، سینماها، روزنامه، حمام.

3- مرجعیت در میان مردم، میزان تأثیر مراجع.

4- حوزه و روشن فکری.

5- حوزه و مساجد (پیش نمازهای معروف مسجدها).

حوزه و سیاست

1- حادثه گوهرشاد و نقش روحانیون بر جسته مانند آیت الله سید یونس اردبیلی، آیت الله العظمی حاج حسین آقا قمی و... و ورود نیروهای روسی به مشهد.

2- حادثه حمله به محله یهودیان و نقش روحانیون (آیت الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی و آیت الله حسین فقیه سبزواری).

3- حزب توده و روحانیون: موضع گیری روحانیون در مورد کمونیسم (آیت الله حاج میرزا احمد کفایی و تشکیل هیئت های مذهبی).

4- روحانیون و ملی شدن صنعت نفت (جناح های مخالف آیت الله حاج میرزا احمد کفایی و هیئت های مذهبی و شیخ محمد الهی، جناح های موافق آیت الله محمد رضا کلباسی، جناح ممتنع در حوزه و در مجموع سیاست کلی حوزه در این مورد، فدائیان اسلام و طرفداران آن ها در حوزه).

5- روحانیون و احزاب: حزب مردم، حزب ایران نوین، حزب رستاخیز، حزب نوین و برخورد کلی حوزه در این مورد.

6- حوزه و لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی، اصلاحات ارضی و وضعیت موقوفات مدارس.

7- حوزه و قیام پانزده خرداد، عکس العمل روحانیون در مشهد و موضع گیری ها.

حوزه و انقلاب اسلامی

1- حادثه مسجد فیل و سخنرانی شهید هاشمی نژاد در سال 1342.

2- بازتاب تبعید امام خمینی (رحمة الله) به عراق در مشهد.

3- تبعید آیت الله العظمی حاج حسن قمی به خاش زاهدان در سال 1344.

4- دست گیری مقام معظم رهبری به دست ساواک مشهد در سال 1342.

5- وضعیت حوزه علمی خراسان و مشهد پس از حادثه خرداد 1342.

6- روحانیت وابسته و حامی شاه.

7- سخنرانی مقام معظم رهبری در مساجد کرامت و امام حسن (علیه السلام) مشهد.

8- ورود آیت الله العظمی سید عبد الله شیرازی به مشهد در سال 1354.

9- برخورد حوزه با افکار دکتر شریعتی و گروه هایی مانند کانون نشر حقایق اسلامی.

10- بازتاب در گذشت دکتر علی شریعتی در حوزه.

11- بازتاب در گذشت حاج آقا مصطفی خمینی در حوزه.

12- جرقه بازتاب انتشار مقاله توهین آمیز به امام خمینی (رحمة الله) در مشهد (دی ماه 1356).

13- تحصن علمای مشهد همراه با مردم در بیت آیت الله العظمی سید عبد الله شیرازی (اردیبهشت 1357).

14- بازتاب فوت حجت الاسلام حاج شیخ احمد کافی.

15- نقش تربیت یافتگان مرحوم عابد زاده در «انجمن پیروان قرآن» در انقلاب اسلامی.

سؤالات در زمینه حوزه بسیار زیاد و گسترده می باشد. با تناسب موضوع و زمینه کاری، می توان سؤالات متفاوتی مطرح کرد که چند نمونه آن در این جا ذکر می گردد.

برخی سؤالات راجع به حوزه علمیه

الف- سؤالات عمومی:

سال تولد، محل تولد، پدر و مادر، محل زندگی، تحصیلات اولیه قبل از ورود به حوزه، علت ورود به حوزه.

ب- سؤالات تخصصی:

1- در کدام مدرسه تحصیل می کردید؟ در زمان شما مهم ترین مدرسه علمی کدام یک بود؟ چرا این شهرت را داشت؟ در زمان شما مشهد چه تعداد طلبه داشت؟ بهترین طلبه ها از کدام منطقه بودند؟ ضعیف ترین طلبه ها از کدام منطقه می آمدند؟ ضوابط ورود به حوزه؟

- 2- در مورد وضعیت معیشت طلبه ها: بیشترین مساعدت ها را چه منبعی می کرد؟ کدام مرجع؟ کمک های مردمی چگونه بود؟ پول دارترین طلبه ها از کجا می آمدند؟
- 3- در مورد وضعیت رفاهی حوزه ها، گرمایش، سرمایش، فرش و نوع حجره؟
- 4- تخصیص حجره به طلبه ها بر چه اساسی بود: شایسته سالاری، رابطه ای، حسب سنوات و سطح تحصیلات؟
- 5- مدت آموزشی در زمان شما چند سال بود، یعنی بعد از چند سال طلبه ها به سطحی قابل قبول می رسیدند و برای وظایف محوله، آیا آمادگی داشتند؟
- 6- تعداد طلبه های با اخلاص و جدی چه میزان بود؟
- 7- طلبه هایی که تا آخر عمر در مدرسه ها می ماندند، چه تعداد بودند و علت چه بود؟
- 8- میزان نظارت بر تحصیل و زندگی طلاب در چه حد بود و از چه طریق صورت می گرفت؟ آیا استادان به این امور هم می پرداختند؟
- 9- نقش رئیس حوزه علمیه در زمان شما چه بود؟ چه حمایت هایی می توانست از طلبه ها داشته باشد؟ چه کسی بود؟ چگونه انتخاب می شد؟ دولتی بود یا منتخب مراجع بود؟
- 10- مسئله بیوت مراجع و اثر گذاری بیت آنان.
- 11- چه عوامل اساسی در قدرت مراجع، در طول سال های گذشته تأثیر گذار بوده است؟ علم و دانش مرجع، دستگاه تبلیغاتی وابسته به بیوت مراجع و سایر عوامل؟
- 12- باهوش ترین عالمی که در دوران زندگی با ایشان مواجه شده اید، با ذکر دلیل نام ببرید؟
- 13- روشن فکر ترین عالم و مرجعی که در خراسان در سال های سده 14 بوده است، با ذکر دلیل نام ببرید؟
- 14- این که نام افرادی مانند مرحوم حاج شیخ حسن علی نخودکی یا مرحوم آیت الله میرزا مهدی غروی بیش تر در ذهن ها مانده است، چیست؟
- 15- از فیلسوفان بزرگی که در مشهد بوده اند، صحبت بفرمایید؟
- 16- در مورد مرحوم آیت الله حاج میرزا احمد کفایی حرف های متفاوتی زده می شود. شما ایشان را چگونه می دانید؟

- 17- از مرحوم آیت الله کلباسی که در دوره نهضت ملی در مشهد تلاش هایی می کرده است، چه می دانید؟
- 18- اصولاً علمایی که در سیاست وارد شده اند، چه کسانی بودند؟ چقدر تأثیر گذار بودند؟ چقدر موفق بودند؟ چقدر وجاهت ملی پیدا کردند؟
- 19- مرحوم حلبی هم از کسانی بود که حرف های متفاوتی درباره اش گفته شده است. شما ایشان را چگونه یافتید؟
- 20- نزاع مدرسه نواب چه بوده است؟ از فعالان آن برخورد ها چه کسی را می شناسید؟ حق را به کدام جناح می دهید؟
- 21- در مورد مرحوم آیت الله حاج میرزا مهدی اصفهانی بفرمایید. زمان ایشان با عصر رضا شاه همراه بوده است. سایر شخصیت های مهم هم عصر ایشان چه کسانی بودند؟ ایشان در تربیت شاگردان خود ظاهراً خیلی موفق بوده اند؟
- 22- آیا بی رغبتی به فلسفه در خراسان، معلول حضور مرحوم میرزا در مشهد بوده است؟
- 23- هم عصران مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد هاشم مدرس قزوینی در مشهد چه کسانی بوده اند؟ از فقها، از فلاسفه یا از ادبا؟
- 24- برخورد منفی با ابداعات روز را - که به روحانیت این قرن استناد می دهند - آیا تأیید می کنید؟ عامل اصلی را در این نوع مقابله چه می دانید؟ سطحی بودن برخورد ها و تأثیر جو و زمان؟ از علمای موافق و یا مخالف ابداعات جدید صحبت بفرمایید.
- 25- راجع به مرحوم راشد چه می دانید؟
- 26- از روحانیت دوره نهضت دکتر مصدق در مشهد چه کسانی بودند، چه کسانی نبودند؟ افصح المتکلمین اراکی که بوده؟ آقای مصباح الهدی (غلام حسین مهدی خانی) که سخنرانی می کرده، در چه سطحی بوده است؟
- 27- از مجتهدان بزرگی که در دوره زندگی با آن ها مواجه شده اید، آن ها که در مشهد اقامت کرده اند، لطفاً یاد کنید.
- 28- اصولاً مشهد را جای پر جاذبه ای برای حفظ علما و مراجع تصور می کنید؟ از قدیم چنین بوده و یا جنبه های منفی داشته است؟

29- از ویژگی های استادان معتبر آیت الله اردبیلی، آیت الله سبزواری بزرگ، آیت الله آقا میرزا حسین، آیت الله باد کوبه ای محامی، آیت الله حاج شیخ عبد النبی کجوری، آیت الله کد کنی و آیت الله ایسی بگویند.

30- از آشتیانی هایی که در مشهد به شهرت رسیده اند.

31- آیا در زمان رضا شاه هم عالم و یا مرجع بزرگی در مشهد بوده است؟ بجز آیت الله العظمی قمی و آیت الله آقای میرزا محمد آقا زاده، چه کسان دیگری بوده اند؟ پ

32- در مورد مرحوم آیت الله حاج شیخ علی اکبر نوقانی متولی مدرسه نواب، چه خاطراتی دارید؟ چه ویژگی هایی داشته اند؟

33- از خانواده شهیدی ها، فرد معروفی یادتان هست؟

34- از مشکلات روزمره طلاب آن عصر صحبت بفرمایید.

35- از پیش نماز های معروف مشهد بگویند.

36- از آقای مدرس و فرزند بزرگ شان مرحوم حاج آقا جلال چه می دانید یا شنیده اید؟

37- بجز ادبیات، منطق، فقه، اصول و فلسفه، دروس دیگری که در حوزه مرسوم بوده است، چه بود؟

38- نوشتن، نویسندگی، شیوه تهیه کتاب، مقاله و حتی خوش نویسی را چگونه آموزش می داده اند و طلاب از این جهات چه وضعی داشته اند؟

39- واقعه مسجد گوهرشاد، حضور روس ها و وضعیت اجتماعی آن موقع؟

40- نقش روحانیون در موقع هجوم مردم به یهودی ها؟

41- مرحوم عابد زاده (انجمن پیروان قرآن) و استاد محمد تقی شریعتی (کانون نشر حقایق اسلامی)؟

42- نواب صفوی و فدائیان اسلام؟

حوزه و کتاب خانه

مهم ترین کتاب خانه های حوزه علمیه مشهد بعد از کتاب خانه معظم آستان قدس رضوی، عبارت بودند از:

- 1- کتاب خانه مدرسه نواب، شامل 3626 جلد کتاب که 813 جلد آن خطی و 1992 جلد چاپی بوده است. (1) امروز، دارای 23720 جلد است که 720 نسخه آن خطی و 23000 جلد چاپی می باشد. اختلاف در تعداد نسخ خطی، احتمالاً به علت تخریب و نوسازی مدرسه و در حین نقل و انتقال بوده است. علی ای حال، نظر خوانندگان عزیز را به گزارش مبسوط استاد کاظم مدیر شانه چی در نامه آستان قدس، دوره هفتم، شماره اول، سال 1346، صفحه 108 درباره این مدرسه (مدرسه قدیمه نواب) معطوف می سازد.
- 2- کتاب خانه مدرسه میرزا جعفر: در سال 1346 تقریباً 3000 جلد کتاب داشته که 300 نسخه آن خطی بوده است. (2) در حدود سال 1377 کتاب ها به 15000 جلد افزایش یافته است. (3)
- 3- کتاب خانه مدرسه خیرات خان: حدود 400 نسخه خطی و چاپی داشته است. به گفته دکتر فاضل مطلق، تعداد نسخ خطی 109 جلد می باشد. (4)
- 4- کتاب خانه مدرسه عباس قلی خان: بالغ بر 1500 جلد کتاب چاپی داشته است. امروز دارای 5000 جلد کتاب است که تعداد 78 نسخه آن خطی می باشد. (5)
- 5- کتاب خانه مدرسه پرزاد: بیگلر بیگی قند هار، در زمان شاه سلیمان صفوی، علاوه بر تعمیر مدرسه، کتاب های فراوانی نیز وقف کتاب خانه این مدرسه کرد که از اسامی و آمار کتاب های موجود در آن، اطلاعی بر جای نمانده است. (6)
- 6- کتاب خانه مدرسه سلیمانیه: بالغ بر 600 جلد کتاب داشته که در حدود 200 نسخه آن خطی بوده است. (7)

پی نوشت ها

- 1 - سید علی خامنه ای، گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا (مشهد: 1365)، صص 16 - 15.
 - 2- همان، صص، 25 - 26.
 - 3- همان، ص 14.
 - 4- همان، ص 15.
- ص: 132
-
- 1- همان، ص 57.
 - 2- همان، ص 58.
 - 3- دکتر محمود فاضل مطلق، مدارس قدیم مشهد، مجله وحید.
 - 4- همان، ص 286.

5- عبد الرضا امیر شیبانی، همان، ص 14.

6- همایون فرخ رکن الدین، کتاب و کتاب خانه های شاهنشاهی ایران از صدر اسلامی تا کنونی (تهران: انتشارات وزارت فرهنگ، 1347)، ص 42.

7- جغرافیای تاریخی مشهد، پایان نامه کارشناسی (مدرسه سلیمانیه).

- 5- محمد حسن رجیبی، علمای مجاهد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران: 1382، ص 17.
- 6- ابراهیم زنگنه، مشاهیر مدفون در حرم رضوی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ج اول، چاپ اول (مشهد: 1382)، ص 250.
- 7- همان، ص 65.
- 8- همان، ص 272.
- 9- محمد رضا حکیمی، کیهان فرهنگی، سال نهم، اسفند 71، ص 28.
- 10- حوزه، ضمیمه مجله حوزه (2) (مشهد: 1374)، ص 6.
- 11- ابراهیم زنگنه، همان، ص 323.
- 12- همان، ص 167.
- 13- محمد رضا حکیمی، همان، ص 254.
- 14- همان، ص 33.
- 15- ابراهیم زنگنه، همان، ص 254.
- 16- همان، ص 337.
- 17- همان، ص 77.
- 18- همان، ص 92.
- 19- همان، ص 61.
- 20- همان، ص 187.
- 21- همان، ص 343.
- 22- همان، ص 282.
- 23- همان، ص 217.
- 24- همان، ص 54.
- 25- همان، ص 461.

26- محمد الهی خراسانیف مروارید علم و عمل (مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، 1384).

27- ابراهیم زنگنه، همان، ص 57.

28- همان، ص 213.

29- همان، ص 459.

30- نگاه حوزه، ضمیمه مجله حوزه (3)، ص 11.

31- همان، ص 13.

ص: 133

- 32- ابراهیم زنگنه، همان، ص 228.
- 33- سنگ نوشته استاد در کوه سنگی.
- 34- ابراهیم زنگنه، همان، ص 136.
- 35- محمود پسندیده، حوزه علمیه خراسان، ج اول (مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، 1385)، ص 251.
- 36- عبد الرضا امیر شیبانی، سیمای وقف در خراسان (مشهد: سگال، 1380)، ص 29.
- 37- محمود پسندیده، همان، ص 268.
- 38- همان، ص 181.
- 39- عبد الرضا امیر شیبانی، همان، ص 14.
- 40- محمود پسندیده، همان، ص 139.
- 41- همان، ص 150.
- 42- همان، ص 291.
- 43- همان، ص 202.
- 44- همان، ص 248.
- 45- همان، ص 208.
- 46- همان، ص 88.
- 47- همان، ص 103.
- 48- همان، ص 116.
- 49- سید علی خامنه ای، همان، ص 113.
- 50- همان، صص 111-112.
- 51- همان، ص 57.
- 52- همان، ص 58.

53- دکتر محمود فاضل مطلق، مدارس قدیم مشهد، مجله وحید.

54- همان، ص 286.

55- عبد الرضا امیر شیبانی، همان، ص 14.

56- همایون فرخ رکن الدین، کتاب و کتاب خانه های شاهنشاهی ایران از صدر اسلامی تا کنونی (تهران: انتشارات وزارت فرهنگ، 1347)، ص 42.

57- جغرافیای تاریخی مشهد، پایان نامه کارشناسی (مدرسه سلیمانیه).

ص: 134

امروزه اهمیت صنعت خودرو سازی در پیشرفت اقتصادی کشور ها، بر هیچ کس پوشیده نیست. نگاهی کوتاه به روند صنعتی شدن اغلب کشور های جهان، نشان می دهد که صنایع خودرو سازی این کشور ها در بطن فرایند توسعه صنعتی آن ها قرار داشته است. زیرا این بخش از صنعت، تحرکی در دیگر صنایع، فناوری و جذب سرمایه ایجاد می کند که می تواند نیروی آغازین و ادامه دهنده رشد صنعتی پویا باشد. چنین می نماید که صنعت خودرو سازی در پایان یک سده سراسر تحول و شگفتی، در آستانه دورانی قرار دارد که گویی با تمام تجارب گذشته متفاوت است. این صنعت، هم اکنون با تولید سالانه بیش تر از پنجاه میلیون خودرو، عمده ترین فعالیت تولیدی - صنعتی جهان به شمار می رود و قادر است این میزان تولید انبوه را آن چنان متنوع سازد که هر مصرف کننده ای با هر سلیقه بتواند خودرو مورد علاقه خود را سفارش دهد. بی جهت نیست که بعضی صاحب نظران لقب «صنعت صنعت ها» را به آن اطلاق کرده اند. چرا که صنعت خودرو سازی حداقل تا دهه های نخستین قرن بیست و یکم، هم چنان نقش پیشتاز خود را به عنوان موتور محرکه بخش صنعت و بازرگانی و خدمات بین المللی و نیز پیشرو در نوآوری و گسترش فناوری جهان حفظ خواهد کرد.

این صنعت به سبب ماهیت گسترده آن، عمده دستاورد های صنعتی بشر را در خود متجلی ساخته است. اهمیت ویژه این صنعت در حوزه اشتغال زایی، قطعه سازی این است که طیف وسیعی از صنایع مختلف را از قبیل شیشه سازی، آهن گری، ریخته گری، ذوب آهن و فلزات، لاستیک سازی، پارچه بافی و ابزار آلات دقیق و الکترونیک در بر گرفته و دامنه آن تا بدان حد است که کشوری در جهان نمی توان یافت که به لحاظ صنعتی پیشرفته باشد ولی صنعت خودرو سازی در آن غیر فعال و فاقد رشد در خور توجه باشد. بنابراین در جهان امروز، صنعت خودرو سازی نقش بسیار عمده ای در توسعه صنعتی و اقتصادی کشور ها ایفا می کند.

تاریخ صنعت خودرو در جهان، نشان می دهد که این صنعت به رغم فراز و نشیب های بسیار، دوره های متفاوت اما مشخصی را در سیر تحولات خود طی کرده است. تجربه تاریخی کشور های صاحب این صنعت، نشان می دهد که پیشرفت صنعت خودرو و تثبیت موقعیت آن، تابع راه برد مشخصی در این کشور ها بوده است که بنا بر واقعیت های اجتماعی و اقتصادی این کشور ها تدوین و به اجرا گذاشته شده است. این راه برد ها- که عمدتاً پشتیبانی سیاست گذاران و برنامه ریزان کشور ها را به همراه داشت - پس از دوره های معین زمانی، جایگاه صنعت خودرو را در میان سایر صنایع مستحکم کرد. اصل رویکرد به راه برد توسعه صنعتی و بویژه صنعت خودرو، امری کاملاً بدیهی و مسلم است. به طوری که کشور های صنعتی جدید از جمله کره جنوبی، مالزی، تایوان و ... نیز با توجه به این اصل مسلم، توانستند گام های ارزنده ای در این جهت بردارند تا این که به کشور های صاحب صنعت و فناوری در جهان تبدیل شوند.

اهمیت نقش صنعت در اقتصاد

اهمیت بخش صنعت به عنوان یکی از بخش های اصلی اقتصاد و هم چنین تأثیر مضاعف آن بر سایر بخش های اقتصادی و حوزه های کلان ملی، شناخته شده است و در سیاست گذاری و برنامه ریزی کلان اقتصادی کشور ها، اهمیت راه بردی آن درک شده است.

کشور ها از طریق اتخاذ سیاست های صنعتی و فناورانه، در راستای ایجاد رقابت پذیری صنعتی و افزایش سطح آن تلاش می کنند. این فعالیت ملی، در سطوح کلان از طریق قوانین و مقررات باثبات، ایجاد محیط رقابتی و فضای کسب و کار مساعد انجام می شود. با توجه به پیچیدگی فضای فعالیت های صنعتی، افزایش اثر بخشی تصمیمات، برنامه ریزی ها و سیاست گذاری کلان به عنوان دغدغه های صنعتی، افزایش اثر بخشی تصمیمات، برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های کلان به عنوان دغدغه های مهم ارکان تصمیم گیری به شمار می آید. در این راستا، ضروری است تا این گونه تصمیمات در فضای تعاملی بین صنایع و سطوح سیاست گذاری اتخاذ و اعمال گردد. در کشور های توسعه یافته صنعتی، نهاد های تصمیم گیر و نهاد های پشتیبان تصمیم گیری، به موازات هم و به شکلی متعامل، توسعه پیدا کرده اند.

بدین ترتیب تصمیمات و سیاست های کلان، به طور معمول از طریق بدنه های تخصصی و صنفی مرتبط شامل مراکز و نهاد های تخصصی - علمی، انجمن ها و نهاد های صنفی، اتحادیه ها و شورا های صنفی و ... پشتیبانی می شوند و شکل می گیرند. چنین تعاملی، علاوه بر تضمین همه جانبه و اثر بخش سیاست ها، قوانین و مقررات، برنامه ها و تصمیمات اجرایی، اثر بخشی اجرایی را نیز با توجه به تکامل فرایند تصمیم گیری در پی خواهد داشت.

این، در حالی است که این فرایند تصمیم گیری در کشور هایی هم چون ایران، دست خوش نارسایی های ساختاری است. برخی از این نارسایی ها، عبارت است از: (1)

1- توسعه نیافتگی نهاد ها و ساختار های تخصصی و صنفی و شکل گیری این نهادها براساس علایق زود گذر صنفی.

2- فقدان نهاد های علمی پشتیبان و هسته های باثبات سیاست گذاری و تصمیم گیری.

3- نهادینه نبودن ارتباط میان تصمیم گیران و نهاد های تصمیم ساز.

4- نیازمند بودن ساختار های صنعتی به اصلاح.

در چنین فضایی، گفتمان سه جانبه تصمیم گیران و کار گزاران حکومت، کار آفرینان صنعتی و محققان دانشگاهی و پژوهش گران مستقل، می تواند به عنوان ابزاری کار آمد جهت پشتیبانی از تصمیم گیری و باز نگری در سیاست ها، برنامه ها و مقررات و دستور العمل ها ایفای نقش کند. هم چنین استمرار و تکامل این حرکت، می تواند سنگ پایه نهادینگی تعامل

ص: 137

1- مجموعه مقالات تهدید ها و فرصت های صنعت ملی، مرکز تحقیقات استراتژیک.

سازنده را در میان سطوح کلان تصمیم‌گیری و نهاد‌های اجرایی دولت با بخش صنعت، با تقویت لایه تخصصی واسطه‌ای فراهم آورد.

نقش تاریخ‌های شفاهی در تحلیل‌های تاریخی اقتصاد ایران

اگر چه بیش‌تر روایت‌ها در طرح‌های تاریخ شفاهی با صاحب‌منصبان سیاسی، روحانیون و روشن‌فکران و فعالان سیاسی بوده است، اما از آن‌جا که برخی این مسئله را مطرح می‌کنند که مطالعه تاریخ اقتصادی تعریف خاصی ندارد و بین تاریخ حوادث اجتماعی و سیاسی و اقتصادی تقسیم شده است، بخوبی می‌توان از این‌گونه جمع‌آوری اطلاعات برای تحقیقات تاریخی اقتصادی استفاده کرد. بعلاوه، به‌طور خاص برخی از این روایت‌ها حاوی نکات جالبی است و در شرایط کمبود مدارک و اسناد، نکات کوری را در تاریخ ما روشن کرده اند. (1)

از سوی دیگر، نقش تاریخ شفاهی را در راهبرد‌های کلان صنعتی، نمی‌توان در نظر نگرفت. به‌عنوان مثال، در مباحث توسعه صنعتی - که برنامه‌های کلان را مورد توجه قرار می‌دهد - بدون امعان نظر به پیشینه‌های قبلی و از سر اتفاق حاصل نمی‌شود. بنابراین شناخت رویه‌های گذشته و وضعیت حال و هم‌چنین درک توانمندی‌ها و ضعف‌ها، عناصر بسیار مهمی در برنامه‌ریزی‌های صنعتی شمرده می‌شوند. با توجه به عمر کوتاه فعالیت‌های بزرگ صنعتی در ایران و فراوانی برنامه‌های تنظیم‌کرده تصمیم‌گیران (عمدتاً وزیران صنایع)، ضرورت تدوین تجربه‌های نا نوشته در حوزه صنعت - که عمدتاً مربوط به مدیران مجرب دوره‌های میانی این صنایع می‌شود - می‌تواند راه‌کاری جدی در عرصه برنامه‌ریزی‌های صنعتی به‌شمار آید.

بعد از انقلاب، بسیاری از سرمایه‌داران اصلی عصر پهلوی مانند حبیب ثابت، صاحب کارخانه‌های شیشه‌سازی و یکی از قدیمی‌ترین کارآفرین‌ها - که بخشی از فعالیت‌هایش مربوط به دوره جنگ جهانی و حضور نیروهای متفقین در ایران بود - سعید هدایت (صاحب کارخانه نقش جهان)، علی اکبر خیامی (مؤسس کارخانه ایران خودرو)، جعفر اخوان (مؤسس کارخانه جیپ‌سازی، پارس خودرو فعلی)، ابو نصر عضد (صاحب نیشکر اهواز)، طاهر ضیایی (صاحب سیمان خوزستان و فارس و چندین دوره رئیس اتاق بازرگانی و صنایع

ص: 138

و معادن ایران)، محمود رضایی (صاحب مس سر چشمه)، احمد خیامی (صاحب فروشگاه های کورش و بیمه آسیا و یکی از سهام داران ایران خودرو)، نمازی (صاحب کارخانه آجر سازی و نساجی)، رشیدیان (صاحب عمده بانک تعاون و توسعه)، علی کاشان چی از قند شاه زند، حسین قاسمیه از گروه صنعتی پارس، حاج محمد تقی بر خوردار از پارس الکتریک، سلیمان و هابزاده، محسن لک از جنرال تایر و شریک در ساختمان ثابت پاسال با پناهی، محمد فاتح از جهان چیت و حسین علاقند (صادر کننده عمده پنبه و معروف به سلطان پنبه) در گذشته اند که چیزی از آن ها ثبت نشده و بسیاری دیگر هم اکنون در سنین کهن سالی هستند.

به نظر می رسد با توجه به اهمیت و نقش تاریخ شفاهی در تاریخ نگاری مستند با استفاده از خاطرات دست اندر کاران حوزه صنعتی، تصویر بسیار روشن تری از آن چه وجود داشته است، از مواردی نظیر مداخلات دولت در امور اقتصادی، توفیق نیافتن برخی از طرح ها و پروژه های اقتصادی و مانند این ها می توان ترسیم کرد.

فعالیت های صورت گرفته

فعالیت جدی در حوزه ثبت تجربه مدیران صنعتی، عملاً با حمایت های گروه خودرو سازی سایپا و به صورت مداوم از سال 1380 شروع شد. همان گونه که اشاره شد، رشد صنعت خودرو، مربوط به اوایل دهه 70 است. در این دوران با توجه به سیاست های حمایتی، صنعت قطعه سازی رشد بسیار بالایی تجربه کرد و پس از آن با افزایش تولید خودرو، بخش خدمات پس از فروش نیز توسعه یافت. اگر صنعت خودرو سازی را به زنجیر تشبیه کنیم، می توان گفت: کار خانجات تولید کننده خودرو، حلقه میانی را تشکیل می دهند و قطعه سازان، حلقه قبلی و خدمات پس از فروش نیز حلقه پایانی این زنجیره را تشکیل می دهند.

در خصوص شیوه کار نیز، مصاحبه ها را در این سه حلقه متمرکز ساختیم و سعی کردیم با ضبط تجارب افراد دخیل در هر سه بخش، به ارائه دیدگاه های مطروحه پردازیم. این رویه، چندین حسن داشت:

1- اول آن که مسائل مطروحه در گفت گو ها، قابل ردیابی بود. به عنوان مثال، اگر مبحث کیفیت خودرو مطرح می شد، گاهی نمایندگی قطعات پس از فروش، اشکال را در قطعه ساز

می دید و وقتی که سراغ قطعه ساز می رفتیم، اشکال را در نوع نصب قطعه در کارخانه تولید کننده بیان می کرد. هر چند اعضای گروه در پی تجسس نبودند، ولی تحلیل همین موارد، می رساند که گاهی متولیان این صنعت به صورت جزیره های جدا از هم کار می کنند.

2- این کار، باعث می شد که در امور تحلیلی، نگاه ما و خوانندگان به کلیت صنعت معطوف شود و نه تنها به یک بخش از آن.

پس از ایجاد امکانات مختصر، کارگفتگوها آغاز شد؛ به گونه ای که تا کنون بیش از 60 قطعه ساز و نمایندگی پس از فروش و ده ها مدیر صنعتی، مورد مصاحبه قرار گرفته اند.

محدودیت ها

اصولاً ضبط تجربه ها و خاطرات این گروه، با مشکلات خاصی روبرو است. بر خلاف سیاست مداران، روشن فکران، هنرمندان و حتی روحانیون که خاطرات خود را مکتوب کرده اند و یا حاضر به مصاحبه می شوند، فراوانی خاطرات فعالان اقتصادی و سرمایه دارانی که خاطرات خود را نوشته باشند، شاید از انگشتان یک دست هم تجاوز نکنند. به همین سبب، کار این طرح به مراتب از طرح های دیگر مشکل تر است. از دیگر محدودیت های این طرح، می توان به گذشت عمر کم این صنعت اشاره کرد.

پی نوشت ها

1- مجموعه مقالات تهدیدها و فرصت های صنعت ملی، مرکز تحقیقات استراتژیک.

2- اقتصاد و جامعه، دکتر علی اصغر سعیدی، www.aa-saeidi.com

ص: 140

تاریخ شفاهی و مطالعات شهری (اهمیت تاریخ شفاهی و تبیین آن در مطالعات شهری در راستای تولید دور نمایی از دگرگونی فضایی زندگی اجتماعی در خلال تحولات شهری عصر نوین) رضا مسعودی نژاد

*تاریخ شفاهی و مطالعات شهری (اهمیت تاریخ شفاهی و تبیین آن در مطالعات شهری در راستای تولید دور نمایی از دگرگونی فضایی زندگی اجتماعی در خلال تحولات شهری عصر نوین) رضا مسعودی نژاد (1)

مقدمه

مقاله حاضر، به طور عمومی معطوف به اهمیت و تبیین کاربرد تاریخ شفاهی در مطالعات شهری است. به طور مشخص این مطالعه تلاش دارد تا عوامل دخیل در تولید دور نمایی از دگرگونی فضایی زندگی اجتماعی را در شهرهای ایران، به کمک تاریخ شفاهی به طور روش مند تبیین کند. مطلب حاضر، با توجه به اهمیت روش مند کردن شیوه ها در مطالعات چند دانشی (2) و میان دانشی (3) - که بخصوص در سال های اخیر بیش از پیش اهمیت یافته اند- شکل گرفته است. زیرا در حالی که منابع روش های مطالعه میدانی و تاریخ شفاهی بی شمار می نماید، اما اهمیت محلی کردن، و تبیین روش ها برای استفاده در حوزه های میان دانشی جدید به شکل روش مند بیش از پیش نمایان است. در واقع، این مقاله می تواند به عنوان گزارش روش شناسانه از کار میدانی تلقی شود که لزوماً به محتوای کار میدانی و اطلاعات جمع آوری شده مربوط نمی شود، بلکه تلاش دارد تا لایه های دیگری از کار میدانی را در مطالعات شهری دارای پشتوانه تاریخ شفاهی تشریح کند.

ص: 141

PhD candidate at Bartlett School of Built Environment, UCL, University of London. Email: - 1

r.masoudi@ucl.ac.uk Website: <http://www.ucl.ac.uk/~ucftrma>

.Multi disciplinary: involving different subjects of study in one activity -2

.Interdisciplinary: involving two or more different subjects or areas of knowledge -3

مطالعه اصلی در حال انجام، معطوف است به تحول فضایی زندگی اجتماعی و به طور خاص مراسم محرم در فضا های شهری در طی آن چه که ما آن را دگرگونی شهری (1) دوران نوین در طی دهه های اولیه قرن حاضر هجری شمسی می نامیم. کار میدانی در طی دو دوره در ایران انجام شده، اما این مقاله عمدتاً بر اساس تحلیل کار میدانی اولیه می باشد که به منظور بهبود و محلی کردن فنون میدانی، روش های مصاحبه و بیش از همه تبیین روش های معمول تاریخ شفاهی در حوزه مطالعات شهری در ایران انجام شده بود. کار میدانی اولیه در طی پاییز سال 84 و سپس کار میدانی نهایی در زمستان 84 تا بهار 85 انجام شده است. کار میدانی اولیه فقط در دزفول به عنوان شهر اصلی مورد مطالعه و کار میدانی نهایی در همان شهر و پنج شهر دیگر به عنوان موارد مطالعه مکمل انجام شده است. شهر های مکمل شامل: اردبیل، همدان، کاشان، بوشهر و بیرجند بوده است.

در ابتدا لازم است اشاره شود که همان طور که در اغلب منابع اصلی (2) اشاره شده، تاریخ شفاهی در این پژوهش به آن بخش از اطلاعات شفاهی اشاره دارد که تحولات تاریخی را در نگاه مردم عادی مرور می کند و به جای حقایق دقیق تاریخی، به وجوه کیفی حوادث و تحولات تاریخی و تلقی مردم از آن تحولات می پردازد.

مطلب پیش رو در دو بخش اصلی سازمان یافته، بخش اول به این موضوع می پردازد که اساساً چرا و در چه هنگامی پژوهش های کیفی در مطالعات شهری معنی پیدا می کند. به زبان دیگر، چه نوع مسائلی در مطالعات شهری می تواند بر اساس این رویه مطالعاتی پیگیری شود. همین بخش در ادامه، به مسئله تاریخ و اطلاعات شفاهی و چالش های آن می پردازد که نه تنها حوزه عملکرد آن ها را در معرض می گذارد بلکه نشان می دهد که چه مفهوم و یا مفاهیمی باید در استفاده از منابع شفاهی در حوزه مطالعه شهری تبیین گردد. بخش دوم تلاش می کند عوامل دخیل در روش مند کردن مطالعه میدانی را بر پایه اطلاعات شفاهی به عنوان میان دانشی تشریح کند.

ص: 142

1- مطالعات شهری و پژوهش های کیفی (1)

همان طور که اشاره شد، این بخش به چرایی استفاده از شیوه های کیفی در مطالعات شهری می پردازد که به نوعی شامل مرور بسیار کوتاهی در مسائل روش شناختی است تا نشان دهد اصولاً چرا مطالعات کیفی و میان دانشی در این حوزه معنا یافته، و در چه مواردی قابلیت انشا دارد. سپس موضوع به تشریح و جوهی می پردازد که می توان از طریق تاریخ شفاهی بدان ها دست یافت. هم چنین بحث درباره یکی از مهم ترین چالش های پیش روی اطلاعات شفاهی است که حدود استفاده از این نوع اطلاعات را تعیین می کند و در عین حال این موضوع و پاسخ های داده شده بدان چالش، ما را به نوعی به چگونگی تبیین روش های شفاهی در مطالعات شهری برای تولید دور نمایی از فضای زندگی اجتماعی هدایت می کند.

در ابتدا، لازم است بدون غلتیدن در بحث های محض روش شناختی که موضوع مقاله حاضر نیست، به نکته ای اشاره شود تا ما را به موضوع بحث هدایت کند. مطالعه هر پدیده از نگاه شناخت شناسی (2)، ممکن است به دو گونه انجام شود: پژوهش ممکن است برای رسیدن به اصل قطعی یا فهم نسبی آن پدیده انجام گیرد. به طور عمومی در یکی، ما به دنبال علت و معلول پدیده و در دیگری، به دنبال فهم تلقی انسان از پدیده، یا فهم رفتار انسانی پدیده هستیم. شاید به زبان ساده، تفاوت را بتوان بدین گونه توضیح داد که، پژوهش ممکن است با هدف «تشریح» (3) یا «تفسیر» (4) پدیده انجام شود. در نتیجه از نظر روش شناختی، لازم است هر پژوهش با تبیین نگاه معرفت شناسی خود مشخص کند که آیا در پی «تشریح» یا «تفسیر و فهم» پدیده است. همان طور که رابین ها (1995) (5) اشاره کرده، پژوهش های قطعی نگر، به دنبال تبیین اصولی هستند که پدیده ها را به گونه ای ماندگار و تعمیم پذیر تشریح کند، در حالی که پژوهش های تفسیر گرا، به دنبال آن هستند تا در یابند که در شرایط مشخص، چگونه و چرا پدیده ای شکل می پذیرد بی آن که تلاش کنند تا یافته ها را جهان شمول بدانند. پیش از این همان طور که تامسون (1998) (6) در این باره بحث کرده، این گونه مطالعه، پدیده ها را در بستر خود و از نگاه و فهم انسانی - که بر پایه تجربه فردی یا جمعی است - بررسی می کند، آن هم بر اساس پیش فرض وجود واقعیت چند گانه ای که برگرفته از تعدد معنا های فهم شده از محیطی است که انسان در آن حضور دارد یا پدیده هایی که با آن ها مواجه است.

ص: 143

Qualitative researches -1

Epistemology -2

Explaining -3

Interpretation -4

(Rubin and Rubin (1995 -5

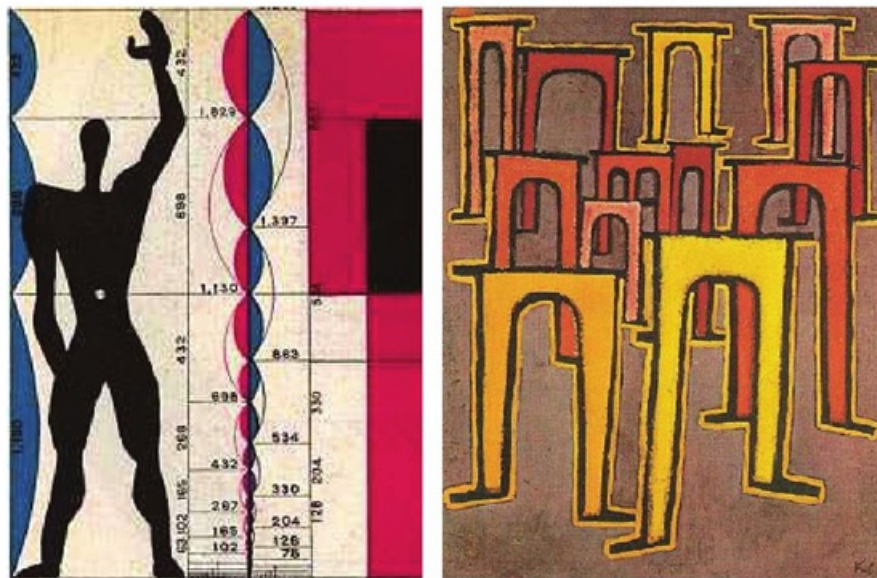
(Thompson et al (1998 -6

با توجه به این بحث کوتاه، «شهر» می تواند به عنوان یک «چیز» (1) یا واقعیت بیرونی مورد مطالعه قرار گیرد. در این رویه، شهر یک نظام کالبدی است که می تواند با روش های دقیق سنجیده شود. این سنجش، ممکن است به کمک واحد های اندازه گیری و یا شاخص هایی انجام گیرد. به طور مثال کاربری زمین، هندسه بافت شهری و یا مطالعه آماری ترافیک، برخی از این سنجش هاست. از سوی دیگر، شهر ممکن است به عنوان یک نظام اجتماعی - فضایی (2) فهمیده شود که در آن محیط ساخته شده (3)، زندگی روزمره و اجتماعی، تجارب فردی و جمعی و رفتار آنان که در آن منسجم (4) شده است و بررسی آن ها باید به عنوان کلیت مد نظر باشد و کاهیدن شهر به هر کدام از آن ها، باعث بد فهمی شهر خواهد بود. بسیاری از نظریه های «فضا» هم چون نظریه «ساخت فضای لفوغ» (5)، به عنوان یکی از تأثیر گذار ترین الگو های فضایی - شهری در مطالعات شهری معاصر، بر اساس الگوی فضایی - اجتماعی و بر پایه همین تلقی از شهر و فضا ارائه شده است. این نوع تلقی از شهر و فضا، اساساً نشان می دهد که فهمیدن و مطالعه شهر به عنوان

یک نظام فضایی - اجتماعی، باید بر اساس مطالعه کیفی و میان داندشی انجام گیرد. چرا که شهر باید به عنوان کلیت و بدون محدود کردن آن به یکی از وجوهش فهمیده شود.

عکس

با توجه به این بحث کوتاه، «شهر» می‌تواند به عنوان یک «چیز»^{۱۱} یا واقعیت بیرونی مورد مطالعه قرار گیرد. در این رویه، شهر یک نظام کالبدی است که می‌تواند با روشهای دقیق سنجیده شود. این سنجش، ممکن است به کمک واحدهای اندازه‌گیری و یا شاخصهایی انجام گیرد. به طور مثال کاربری زمین، هندسه بافت شهری و یا مطالعه آماری ترافیک، برخی از این سنجش‌هاست. از سوی دیگر، شهر ممکن است به عنوان یک نظام اجتماعی- فضایی^{۱۲} فهمیده شود که در آن محیط ساخته شده^{۱۳}، زندگی روزمره و اجتماعی، تجارب فردی و جمعی و رفتار آنان که در آن منسجم^{۱۴} شده است و بررسی آنها باید به عنوان کلیت مد نظر باشد و کاهیدن شهر به هر کدام از آنها، باعث بد فهمی شهر خواهد بود. بسیاری از نظریه‌های «فضا» همچون نظریه «ساخت فضای لفوغ»^{۱۵}، به عنوان یکی از تأثیرگذارترین الگوهای فضایی- شهری در مطالعات شهری معاصر، بر اساس الگوی فضایی- اجتماعی و بر پایه همین تلقی از شهر و فضا ارائه شده است. این نوع تلقی از شهر و فضا، اساساً نشان می‌دهد که فهمیدن و مطالعه شهر به عنوان یک نظام فضایی- اجتماعی، باید براساس مطالعه کیفی و میان‌دانشی انجام گیرد. چرا که شهر باید به عنوان کلیت و بدون محدود کردن آن به یکی از وجوهش فهمیده شود.



تصویر ۱: انسان به عنوان یک موجود درخور سنجش در مقابل شهر به عنوان یک مفهوم چندگانه
The Modular by Le Corbusier (left); Paul Klee: Viaducts Break Ranks (right)

تصویر ۱: انسان به عنوان یک موجود در خور سنجش در مقابل شهر به عنوان یک مفهوم چند گانه.

(The Modular by Le Corbusier (left); Paul Klee: Viaducts Break Ranks (right)

Object -1

Socio-spatial -2

Built environment -3

Integrate -4

Lefebvre, H (1974) The Production of Space -5

بدیهی است که مطالعه شهر بر اساس هر یک از تلقی های یاد شده، به معنی نفی شیوه مطالعه دیگری نیست؛ بلکه بدان معنی است که پرسش، ممکن است معطوف به یکی از این دو تلقی از شهر باشد و یا حتی به تلقی دیگری از شهر. مطالعه چگونگی اثر متقابل جامعه شهری با کالبد شهری در فرایند دگرگونی شهر در دوران نوین، یکی از حوزه های عمومی است که به وضوح به تلقی فضایی - اجتماعی شهر معطوف می گردد و نیاز به مطالعه کیفی را به معرض نمایش می گذارد. به طور مثال، در همین بستر عمومی - که پژوهش جاری در آن قرار می گیرد- اگر چه ما از یک سو با دگرگونی و تحول کالبد شهر در طی مداخلات کنونی مواجه هستیم - که یک واقعیت بیرونی و عینی است - اما در عین حال موضوع مورد پرسش، چگونگی واکنش زندگی اجتماعی و مناسب مذهبی به عنوان پدیده هایی اجتماعی، در مقابل این دگرگونی عینی است.

تلقی فضایی - اجتماعی شهر که پژوهش ها را برای فهمیدن پدیده هایی هم چون دگرگونی کنونی شهر ها به سمت مطالعات کیفی سوق می دهد، از آن جهت اهمیت یافته که شهر سازی نوین به طور عام و بسیاری از طرح های نو سازی و احیای شهری نه تنها در ایران بلکه در سراسر دنیا، به طور خاص، در سطحی گسترده با شکست مواجه شده است. این امر، به طور مستقیم حاصل نگاه کمی و اندیشه نوین به شهر بوده است. پیشروان اندیشه های نوین شهری هم چون لوکوربوزیه، (1) معتقد بودند که معماران، چوپان جامعه هستند. چرا که می توانند با طراحی محیط، جامعه را به سوی دل خواه خود راه بری کنند. در حالی که بسیاری چون لفوگ (1974)، معتقدند که معماران و برنامه ریزان هرگز نمی توانند شکل گیری فضا را برنامه ریزی و به طور دقیق مهار کنند. تاریخ نیز نشان از شکست اندیشه های نوین در شهر سازی دارد. این امر باعث توجه جدی به روش های متفاوت برای فهم شهر، به عنوان یکی از پیچیده ترین و عظیم ترین ساخته های بشر گردیده است. مطالعات میان رشته ای و مبتنی بر نگاه کیفی، به عنوان یک بدل مهم در سال های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. در واقع این شیوه مطالعه به عنوان نیازی اساسی در تبیین دانش پایه برای هر نوع مداخله شهری از توسعه تا احیای شهری تلقی می شود.

ص: 145

جمع آوری اطلاعات کیفی، بخش اساسی در پژوهش های کیفی است و مصاحبه یکی از مهم ترین روش ها برای این هدف، در انواع پژوهش های کیفی است (دیلی، 2004) (1). مصاحبه کیفی، راهی است برای دریافت احساس و ادراک مردم از دنیای خود، و روشی است برای فهمیدن تجارب و بازسازی حوادثی که پژوهش گر در آن حضور نداشته است (رابین و رابین، 1995) (2). پیش از این همان طور «که ویل» (3) اشاره کرده، مصاحبه کیفی «تلاشی است برای فهمیدن دنیا از نگاه موضوع» (1: 1996). سیدمن (1996) (4) نیز افزوده است که، مصاحبه دسترسی به بستر رفتار مردم را ممکن می سازد و به محقق امکان می دهد تا آن رفتار ها را در بستر شان قرار دهد و در همان بستر فهم کند. نکته مشترک در پژوهش های متفاوت کیفی، همان طور که تامسون (5) اشاره کرده، آن است که در این نوع پژوهش ها، مردم و مصاحبه شوندگان فقط موضوع تحقیق نیستند بلکه در آن شرکت دارند. در واقع، آن ها نوعی شریک جست جو و تأیید اطلاعات در تحقیق محسوب می شوند. به زبان دیگر، آن ها نه فقط موضوع بلکه شرکای تحقیق هستند. تمام این اظهارات در واقع بر این موضوع

تأکید دارد که مصاحبه کیفی می تواند روشی مهم در مطالعات کیفی شهری برای جمع آوری اطلاعات شفاهی شمرده شود که بدون پیش فرض به تحقیق کمک می کند تا تلقی و تصور مردم را از محیط و شیوه ای که در آن حضور می یابند، به دست آورد. شیوه های مصاحبه بر اساس نوع پژوهش، ممکن است شامل مصاحبه غیر رسمی، بدون سازمان، نیمه سازماندهی شده، و سازمان دهی شده (6) باشد. (7) تفاوت بنیادینی که این نوع مصاحبه را از هم تفکیک می کند، این است که تا چه میزان مصاحبه شونده یا مصاحبه گر مهار و هدایت مصاحبه را در اختیار دارد. بر اساس نوع پژوهش و سؤال آن، یک یا چند روش مصاحبه ممکن است مورد استفاده قرار گیرد؛ ولی معمولاً مصاحبه های غیر رسمی به عنوان روش اصلی برای به دست آوردن اطلاعات پیش زمینه ای و محلی محسوب می شوند.

اگر چه اطلاعات شفاهی به عنوان یکی از منابع اطلاعات کیفی، اخیراً در حوزه های مختلف پژوهشی اهمیت یافته است، اما این اهمیت اصولاً ناشی از تأثیر جدی (8) تاریخ شفاهی بر حوزه مطالعات تاریخی در دوران اخیر است (پرک، 1998). (9) در واقع مطالعات تاریخ

ص: 146

Dilley 2004 -1

(Rubin and Rubin 1995 -2)

Kvale -3

(Seidman 1998 -4)

(Thompson et al 1998 -5)

informal, unstructured, semi-structured, and structured interview -6

7- برای مرور مفصل درباره انواع روش های مصاحبه، بنگرید به: Bernard (1994)

Impact -8

(Perk 1998 -9)

شفاهی، این اثر مهم را داشته است که اطلاعات شفاهی از نظر علمی، پذیرفتنی و در خور اتکا قلمداد شود. اطلاعات شفاهی به عنوان یک منبع مطالعاتی، با چالش های زیادی مواجه شده و به طور طبیعی، عمده آن چالش ها، معطوف به صحت و در خور اتکا بودن اطلاعات شفاهی بوده است.

بدیهی است که چالش های پیش روی اطلاعات شفاهی، دارای تنوع و تعدد بسیاری بوده است، اما در این جا ما به یکی از چالش های کلاسیک که به بحث ما کمک می کند، اشاره می کنیم. یکی از اصلی ترین نقد های ارائه کرده تاریخ دانان برای هم کاران خود در حوزه تاریخ شفاهی، این است که گروه مصاحبه شوندهگان در شیوه تاریخ شفاهی، معمولاً نماینده آماری یا نمونه آماری از کل جمعیت مورد مطالعه نیستند (کاتلر، 1972). (1) در نتیجه، این گروه نمی تواند نماینده کل جامعه مورد مطالعه باشد و یافته ها را نباید به کل آن گروه تعمیم داد. گرل (1998) (2) در پاسخ به این نقد، می گوید که آن ها (مطرح کنندگان این نقد) در واقع با مطرح کردن یک موضوع غلط، باعث به فراموشی سپرده شدن یک مسئله بسیار عمیق شده اند. مصاحبه شوندهگان انتخاب می شوند نه بدان جهت که آن ها تا درجه ای، خلاصه و معدل آماری باشند، بلکه بدان جهت که آن ها می توانند روند تاریخی را بنمایانند. (3) (گرل، 1998: 41). پیش از این لومیس (1998) (4) اشاره می کند که موثق بودن اطلاعات شفاهی برای مطالعات شفاهی، منوط به این نکته است که تا چه درجه ای تجارب اشخاص حائز و در بر گیرنده ویژگی های زمان و مکان شان است. به زبان دیگر، مصاحبه شوندهگان باید به گونه ای انتخاب شوند تا به نمایانند (5) موضوع مطالعه در بستر زمان و مکانش کمک کنند.

در واقع ریشه بسیاری از چالش های مطرح شده از جمله چالش یاد شده، در برابر تاریخ شفاهی، و اطلاعات شفاهی در آن است که فرض مطرح کنندگان آن است که اطلاعات شفاهی دارای همان کار کرد های اطلاعات مکتوب است. در حالی که در بسیاری از موارد، پژوهش ها اطلاعات شفاهی را به عنوان جانشین اطلاعات مکتوب فرض نمی کنند و اصولاً نوع اطلاعاتی که مطالعات کیفی در میان منابع شفاهی به دنبال آن است، از نوع کیفی است نه از نوع اطلاعاتی که از آن ها برای تعیین حقایق عینی استفاده می شود. به زبان دیگر، در تاریخ شفاهی نه تنها نوع اطلاعات جمع آوری شده کمی نیست بلکه کار کرد اطلاعات با اطلاعات

ص: 147

1- (Cutler 1972)

2- (Grele 1998)

3- Typify

4- (Lummis 1998)

5- Typifying

کمی نیز متفاوت است. به طور مثال ریچی (2004) (1) نوشته است که منابع شفاهی ممکن است نتوانند به ما بگویند که واقعاً استالین چه کرد، اما قطعاً می‌تواند معلوم کند که مردم چه تلقی‌ای از کارهای وی داشته‌اند. یا در مطالعات تاریخی در زمینه تحولات نوین در شهرهای ایران، بسیار بعید است که ما در بررسی‌های خود به دنبال یافتن اطلاعاتی درباره هزینه و یا زمان دقیق ساخت اولین خیابان در یک شهر از طریق اطلاعات شفاهی باشیم. در عوض به طور مثال مطالعه مبتنی بر منابع شفاهی، از مؤثرترین روش‌ها در فهم منطق اجتماعی - فضایی تحول زندگی اجتماعی در شهرهاست.

اهمیت «نمایاندن» (2) در عوض «نمونه‌گیری» در مطالعات مبتنی بر تاریخ شفاهی، نه تنها پاسخ به چالش مطرح شده است بلکه نکته‌ای اساسی را در بر می‌گیرد که باید برای انجام کار میدانی در هر مطالعه کیفی به درستی درک شود، و آن این است که مصاحبه‌شوندگان باید به گونه‌ای انتخاب شوند که بتوانند نمایاننده موضوع و دوره مطالعه باشند. به طور مثال در مطالعه‌ای که در دست انجام است، مصاحبه‌شوندگان به شکلی انتخاب نشده‌اند که گروه‌شان به عنوان نمونه آماری از کل جامعه شهری محسوب بشود. چرا که اولاً انجام مصاحبه کیفی با تعدادی که نمونه آماری جامعه شهری باشند، تقریباً ممکن نیست، ثانیاً این افراد حتی بر فرض تشکیل یک نمونه آماری، لزوماً از نظر کیفی نمی‌توانند نماینده دوره تاریخی مورد مطالعه باشند. در عوض افراد باید از بخش‌های مختلف شهر به گونه‌ای انتخاب شوند که بتوانند پویایی فضایی - اجتماعی زندگی اجتماعی را در طی دگرگونی نوین بنمایانند؛ در حالی که این گروه ممکن است هیچ‌وقت به عنوان نمونه آماری قلمداد نشوند. اما سؤال اساسی این است که منطق انتخاب گروه تا بتواند به «نمایاندن» آن دوره کمک کند، به طور مشخص چیست؟

2- نمایاندن زندگی اجتماعی در شهرهای تاریخی

همان‌طور که قبلاً بدان پرداخته شد، در مطالعات کیفی مسئله اساسی، نمایاندن پدیده در عوض بررسی نمونه آماری است. به طور مثال در همین مطالعه، هدف از کار میدانی و مصاحبه‌ها، تولید تصویری از زندگی اجتماعی و فهم آن در فضا‌های شهری قبل و بعد از

ص: 148

(Ritchie (2004 -1

Typifying -2

تحولات نوین بوده است. در واقع این تصویر را می توان به مثابه جور چینی تصور کرد که هر قطعه آن را یک یا چند نفر توصیف و تولید می کنند. اما در عین حال جمع اجزای گرد آوری شده از میان مردم، باید به شکلی باشد که نمایاننده موضوع باشد. همان طور که اثر معماری از انباشت مصالح شکل نمی گیرد بلکه سازماندهی اندیشمندانه آن هاست که انبوه مصالح را بدل به اثر معماری می کند. به طور بدیهی، تاریخ شفاهی نیز صرفاً به مجموعه ای از اطلاعات شفاهی گرد آوری شده قلمداد نمی شود بلکه از گرد آوری، طبقه بندی و تحلیل اطلاعات به شکل روش مند است که تولید می شود. توجه به «نمایاندن» به عنوان یکی از اصول گرد آوری روش مند اطلاعات، حائز اهمیت است.

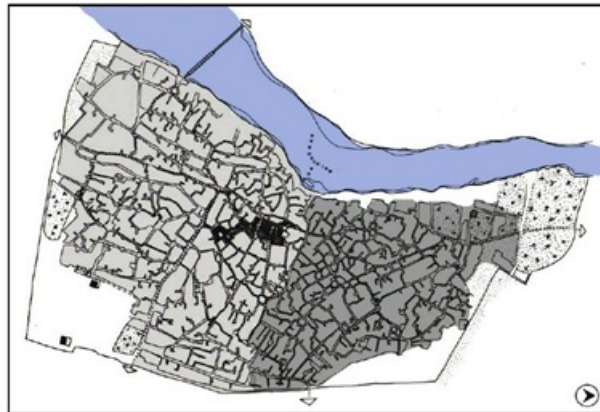
بدیهی است که با توجه به مطالب مرور شده، تبیین روش انتخاب افراد در جهت نمایاندن موضوع، عمیقاً به موضوع و بستر مطالعه وابسته است. در نتیجه فهم دقیق سازمان و ویژگی های بستر موضوع و پدیده مورد مطالعه، ارتباط اساسی با آن دارد. نتیجتاً در این مطالعه، کار میدانی اولیه به منظور شناخت ماهیت موضوع مطالعه یعنی «زندگی اجتماعی در فضا های شهری» انجام شد تا تبیین عوامل دخیل در نمایاندن زندگی اجتماعی میسر شود. پیش از این مطالعه میدانی به پژوهش کمک می کرد تا روش ها و فنون مصاحبه در بستر مطالعه آزمایش و چگونگی واکنش مردم بدان ها فهمیده شود. در واقع مطالعه میدانی اولیه، علاوه بر فهم زمینه موضوع - که مسئله اساسی می نمود - به محلی کردن روش ها هم کمک می کرد. اما در این جا ما فقط به مسائل مرتبط با «نمایاندن» زندگی شهری خواهیم پرداخت، که بر اساس بررسی و تحلیل مصاحبه های انجام شده به دست آمده است.

بررسی مصاحبه های انجام شده، نشان می داد که پیش از تحولات عصر کنونی، به طور طبیعی زندگی اجتماعی به طور وسیعی تحت تأثیر مفهوم و سازمان محله قرار داشته است. پیش از این، محلات شهر به دو گروه حیدری و نعمتی تقسیم می شده اند. این تقسیم دو گانه محلات، یکی از معمول ترین ویژگی سازمان اجتماعی شهر ایرانی بوده است؛ هر چند که بسادگی نمی توان آن را به عنوان سازمان اجتماعی کاملاً عمومی فرض کرد. این تقسیم اجتماعی، لزوماً در تمام شهر ها به همین نام خوانده نمی شده؛ مثلاً در دزفول این دو گروه محلات به نام حیدر خانه و صحرا بدر شناخته می شده اند. هر بخش حیدری یا نعمتی، می تواند

به عنوان یک گروه مستقل اجتماع شهری فرض شود. این تفکیک اجتماعی، به طور طبیعی می توانسته شدت کم و بیشی داشته باشد. اما در مجموع شرایط دریافت شده از میان مصاحبه ها، نشان می دهد که جامعه شهری به عنوان یک جامعه یک پارچه و منسجم، بسختی قابل دریافت است. در عوض در اثر این تفکیک، به نظر می رسد فهم جامعه شهری - که در این مقوله درک خصیصه محلی حائز اهمیت خاص است - با وجود خصیصه های کلان در شهر، به اندازه ویژگی های محلی آن در سازمان شهر مؤثر نبوده است. اما تحول عصر کنونی، این نظام محلی را جایگزین جامعه شهری یک پارچه تر کرده که خصوصیات محلی آن، بشدت اهمیت خود را از دست داده است. با کم رنگ شدن مرز تفکیک محلات حیدری و نعمتی، جامعه شهری به مثابه یک نظام اجتماعی یک پارچه و منسجم، آرام آرام قابل دریافت می شود.

عکس

به عنوان یک گروه مستقل اجتماع شهری فرض شود. این تفکیک اجتماعی، به طور طبیعی می‌توانسته شدت کم و بیشی داشته باشد. اما در مجموع شرایط دریافت شده از میان مصاحبه‌ها، نشان می‌دهد که جامعه شهری به عنوان یک جامعه یکپارچه و منسجم، بسختی قابل دریافت است. در عوض در اثر این تفکیک، به نظر می‌رسد فهم جامعه شهری - که در این مقوله درک خصیصه محلی حائز اهمیت خاص است - با وجود خصیصه‌های کلان در شهر، به اندازه ویژگیهای محلی آن در سازمان شهر مؤثر نبوده است. اما تحول عصر کنونی، این نظام محلی را جایگزین جامعه شهری یکپارچه تر کرده که خصوصیات محلی آن، بشدت اهمیت خود را از دست داده است. با کمرنگ شدن مرز تفکیک محلات حیدری و نعمتی، جامعه شهری به مثابه یک نظام اجتماعی یکپارچه و منسجم، آرام آرام قابل دریافت می‌شود.



تصویر ۲: دزفول در اواخر دوره قاجار: محدوده محلات حیدری در حدود شمالی و نعمتی (صحرا بدر) در بخش جنوبی شهر

در اینجا لازم است تأثیرات این نظام محلی و تغییر در آن را در شهر یادآور شویم. مراسم محرم به عنوان یکی از مهم‌ترین وجوه زندگی اجتماعی، یکی از وجوه زندگی شهری است که بخوبی این تأثیر را به نمایش می‌گذارد. اولاً هر محله با هیئت عزاداری آن هویت می‌یافته و مراسم محرم، مهم‌ترین فرصت برای به نمایش گذاردن آن به شکل نمادین بوده است. از سوی دیگر در هنگام برگزاری مراسم محرم، درگیری میان محلات حیدری و نعمتی بشدت بالا می‌گرفته است و در هر شهر شما می‌توانید سراغ چنین درگیریهایی را - که بعضاً به

تصویر 2: دزفول در اواخر دوره قاجار: محدوده محلات حیدری در حدود شمالی و نعمتی (صحرا بدر) در بخش جنوبی شهر

در این جا لازم است تأثیرات این نظام محلی و تغییر در آن را در شهر یاد آور شویم. مراسم محرم به عنوان یکی از مهم‌ترین وجوه زندگی اجتماعی، یکی از وجوه زندگی شهری است که بخوبی این تأثیر را به نمایش می‌گذارد. اولاً هر محله با هیئت عزاداری آن هویت می‌

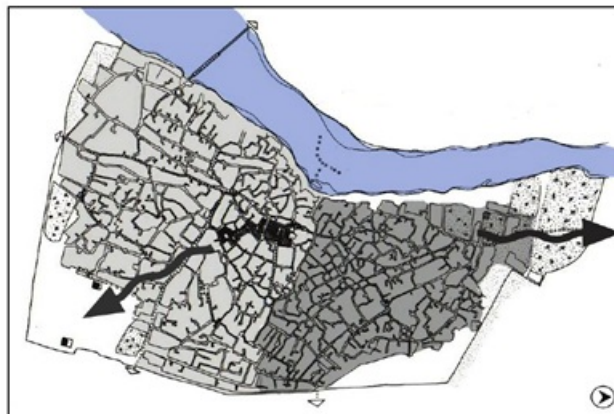
یافته و مراسم محرم، مهم ترین فرصت برای به نمایش گذاردن آن به شکل نمادین بوده است. از سوی دیگر در هنگام برگزاری مراسم محرم، درگیری میان محلات حیدری و نعمتی بشدت بالا می گرفته است و در هر شهر شما می توانید سراغ چنین درگیری ها را - که بعضاً به

ص: 150

اسطوره نیز بدل می شده است - بگریید. در گیری میان محلات شنبیدی و دهدشتی در بوشهر، از همین درگیری ها بوده است. اهمیت نمادین اجتماعی و حساسیت آن به عنوان هویت اجتماعی برای این محلات باعث می شده تا عزا داری هر نیمه حیدری و نعمتی به طور مستقل از نیمه دیگر اجتماعی برگزار شود. اما این ویژگی محلی در مراسم، با محو شدن تفکیک اجتماعی در جامعه شهری و شکل یافتن جامعه ای یک پارچه تر، تغییر شکل داد و از پی این تحول، مراسم نیز از حالت محلی خارج شد و شیوه برگزاری مراسم، به طور نمادین، شکل گیری جامعه منسجم تری را به نمایش گذاشت.

عکس

اسطوره نیز بدل می‌شده است - بگیریید. درگیری میان محلات شنبدی و دهدشتی در بوشهر، از همین درگیریها بوده است. اهمیت نمادین اجتماعی و حساسیت آن به عنوان هویت اجتماعی برای این محلات باعث می‌شده تا عزاداری هر نیمه حیدری و نعمتی به طور مستقل از نیمه دیگر اجتماعی برگزار شود. اما این ویژگی محلی در مراسم، با محو شدن تفکیک اجتماعی در جامعه شهری و شکل یافتن جامعه ای یکپارچه تر، تغییر شکل داد و از پی این تحول، مراسم نیز از حالت محلی خارج شد و شیوه برگزاری مراسم، به طور نمادین، شکل گیری جامعه منسجم تری را به نمایش گذاشت.



تصویر ۳: نمودار مراسم عزاداری محرم در دزفول قبل از دگرگونیهای شهری

در مثالی دیگر، در دزفول در گذشته تعلق افراد به بخشهای مختلف شهر با توجه به لهجه ای که با آن سخن می‌گفته‌اند، بسادگی شناسایی می‌شده است. پدیده تفاوت لهجه آن هم در میان شهری متوسط، بخوبی نشان از سازمان محلی شهر بوده است. اما در طی تحولات دوران نوین، این تفاوت لهجه آرام آرام از میان شهر محو شده است^{۳۳}. در واقع بر اثر دگرگونیهای شهری ناشی از تحول در نظام اقتصادی- اجتماعی شهری، اهمیت ویژگیهای محلی به طور ملموس در شهر ایرانی کاسته شده است.

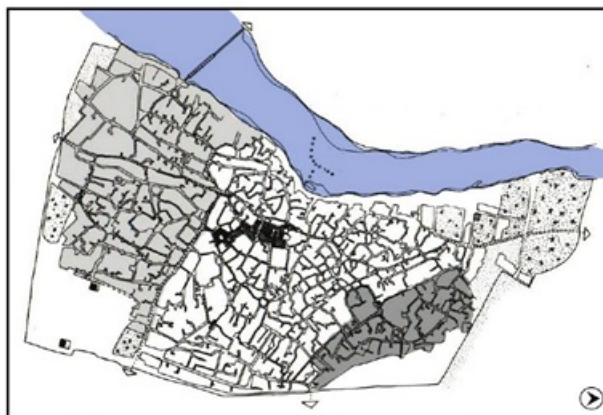
تصویر 3: نمودار مراسم عزاداری محرم در دزفول قبل از دگرگونی های شهری

در مثالی دیگر، در دزفول در گذشته تعلق افراد به بخش های مختلف شهر با توجه به لهجه ای که با آن سخن می‌گفته‌اند، بسادگی شناسایی می‌شده است. پدیده تفاوت لهجه آن هم در میان شهری متوسط، بخوبی نشان از سازمان محلی شهر بوده است. اما در طی

تحولات دوران نوین، این تفاوت لهجه آرام آرام از میان شهر محو شده است. (1) در واقع بر اثر دگرگونی های شهری ناشی از تحول در نظام اقتصادی - اجتماعی شهری، اهمیت ویژگی های محلی به طور ملموس در شهر ایرانی کاسته شده است.

ص: 151

1- برای دنبال کردن دلایل ظهور لهجه های مختلف، بنگرید به: (1998) William Downes.



تصویر ۴: نمودار حدود حوزه لهجه‌های سه گانه شهر دزفول پیش از دگرگونیهای نوین

تلقی و نقش ذهنی^{۳۴} مردم از شهر، وجه دیگری است که ما را برای تبیین روش نمایاندن آن کمک می‌کند. بررسی مصاحبه‌های انجام شده در هر دو کار میدانی، به وضوح نشان می‌دهد که نه تنها سازمان فضایی - اجتماعی بلکه تلقی ذهنی افراد از شهر در گذشته، محلی و در عوض به مرور کلی تر شده است. بافت و محدوده فضایی زندگی روزمره و اجتماعی نیز همین ویژگی را نشان می‌دهد. بدین معنی که بسیاری از فعالیتهای روزمره مثل تحصیل و خرید، به طور وسیعی در خود محله سازماندهی می‌شده است. نقش ذهنی شهر - که متأثر از شیوه حضور در شهر شکل می‌گرفته است - بسیار محلی بوده و این نقش هرچه از محله مصاحبه شونده دور تر می‌شده، محوتر می‌شده است. اگر چه این موضوع طبیعی به نظر می‌رسد، اما میزان و محدوده شهر - که در ذهن افراد دارای وضوح بوده - به طور چشمگیری محدود و محلی بوده است. به طور مثال وقتی از افراد درباره نام محلات پرسیده می‌شد، اغلب آنان محلات مجاور را بدقت نام می‌بردند، اما در ورای آن محلات، حتی نام محلات عموماً به اشتباه شناسایی می‌شد و نیمه دیگر شهر، عموماً فقط با نام کلی محله حیدری یا نعمتی معرفی می‌شد و مصاحبه شونده عموماً ایده ای درباره نیمه دیگر شهر نداشت. این تلقی محلی ذهنی با تحول سازمان کالبدی شهر به طور واضح دگرگون شده و بخصوص خیابانهای جدید - که سرتاسر شهر را در می‌نوردید - باعث تولید تصویری کلی تر از شهر گشته و بیش از این خیابان به محلی بدل می‌شود که خاطره مشترک مردم شهر، فارغ از نیمه‌های حیدری و نعمتی در آن شکل می‌گیرد.

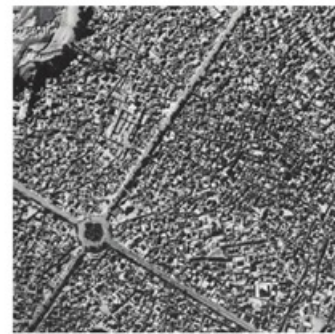
تصویر ۴: نمودار حدود حوزه لهجه‌های سه گانه شهر دزفول پیش از دگرگونیهای نوین

تلقی و نقش ذهنی (۱) مردم از شهر، وجه دیگری است که ما را برای تبیین روش نمایاندن آن کمک می‌کند. بررسی مصاحبه‌های انجام

شده در هر دو کار میدانی، به وضوح نشان می دهد که نه تنها سازمان فضایی - اجتماعی بلکه تلقی ذهنی افراد از شهر در گذشته، محلی و در عوض به مرور کلی تر شده است. بافت و محدوده فضایی زندگی روزمره و اجتماعی نیز همین ویژگی را نشان می دهد. بدین معنی که بسیاری از فعالیت های روزمره مثل تحصیل و خرید، به طور وسیعی در خود محله سازماندهی می شده است. نقش ذهنی شهر - که متأثر از شیوه حضور در شهر شکل می گرفته است - بسیار محلی بوده و این نقش هر چه از محله مصاحبه شونده دور تر می شده، محو تر می شده است. اگر چه این موضوع طبیعی به نظر می رسد، اما میزان و محدوده شهر - که در ذهن افراد دارای وضوح بوده - به طور چشم گیری محدود و محلی بوده است. به طور مثال وقتی از افراد درباره نام محلات پرسیده می شد، اغلب آنان محلات مجاور را بدقت نام می بردند، اما در ورای آن محلات، حتی نام محلات عموماً به اشتباه شناسایی می شد و نیمه دیگر شهر، عموماً فقط با نام کلی محله حیدری یا نعمتی معرفی می شد و مصاحبه شونده عموماً ایده ای

درباره نیمه دیگر شهر نداشت. این تلقی محلی ذهنی با تحول سازمان کالبدی شهر به طور واضح دگرگون شده و بخصوص خیابان های جدید - که سرتاسر شهر را در می نوردید - باعث تولید تصویری کلی تر از شهر گشته و بیش از این خیابان به محلی بدل می شود که خاطره مشترک مردم شهر، فارغ از نیمه های حیدری و نعمتی در آن شکل می گیرد.

ص: 152



تصویر ۵: تصاویر هوایی از شهر کهن دزفول (راست)، خیابانهای جدید در دل شهر کهن (چپ)

از آنجا که تجربه طبقات مختلف اجتماعی از شهر به واسطه نوع فعالیت‌هایی که در آن شرکت می‌یافته‌اند، متفاوت بوده است؛ در نتیجه حضور متفاوت طبقات مختلف اجتماعی در فضاها شهری، نوع اطلاعات ارائه کرده آنها دارای تفاوت‌هایی است. تجربه و تلقی ذهنی از شهر در طبقات پایین‌تر در مقایسه با طبقات میانی و بالایی محلی‌تر بوده است و عموماً تجربه و توضیحات طبقات کارگر، بسختی فراتر از محله آنها می‌رفته است، اما به طور طبیعی حاوی اطلاعات متفاوتی بوده است. به طور مثال تشریح مراسم محرم از زبان طبقات پایین‌تر همراه با جزئیات و دقایق دراماتیک مراسم بود، ولی در عوض خالی از اطلاعات کلی. علاوه بر این، طبقات میانی، مرفه و افراد دارای تحصیلات، تصویر و اطلاعات منسجم‌تر و واضح‌تری نسبت به طبقات کارگر و کم‌سواد و یا بیسواد ارائه می‌دادند. به طور خلاصه نه تنها تجربه زندگی شهری در طبقات مختلف متفاوت است بلکه شیوه تشریح آن نیز در میان گروه‌های مختلف متفاوت است.

اگر چه ممکن است بسیاری از محققان مایل باشند که مصاحبه‌ها را با افراد متنفذ و یا مطلع انجام دهند، اما همان‌طور که اشاره شد، واقعیت امر آن است که هر گروه اجتماعی حامل اطلاعاتی است که لزوماً گروه‌های دیگر اجتماعی حاملان آن نیستند. یادآوری مجدد این نکته در این جا بیهوده نیست که هدف از کار میدانی به کمک روش‌های کیفی و بر اساس اطلاعات شفاهی، فقط به دست آوردن اطلاعات صحیح و دقیق نیست و در بسیاری از موارد حتی اطلاعات اشتباه، حائز ارزش‌های کیفی است که اطلاعات صحیح لزوماً آنها را به دست نمی‌دهد.

تصویر ۵: تصاویر هوایی از شهر کهن دزفول (راست)، خیابان‌های جدید در دل شهر کهن (چپ)

از آن جا که تجربه طبقات مختلف اجتماعی از شهر به واسطه نوع فعالیت‌هایی که در آن شرکت می‌یافته‌اند، متفاوت بوده است؛ در

نتیجه حضور متفاوت طبقات مختلف اجتماعی در فضا های شهری، نوع اطلاعات ارائه کرده آن ها دارای تفاوت هایی است. تجربه و تلقی ذهنی از شهر در طبقات پایین تر در مقایسه با طبقات میانی و بالایی محلی تر بوده است و عموماً تجربه و توضیحات طبقات کارگر، بسختی فراتر از محله آن ها می رفته است، اما به طور طبیعی حاوی اطلاعات متفاوتی بوده است. به طور مثال تشریح مراسم محرم از زبان طبقات پایین تر همراه با جزئیات و دقایق دراماتیک مراسم بود، ولی در عوض خالی از اطلاعات کلی. علاوه بر این، طبقات میانی، مرفه و افراد دارای تحصیلات، تصویر و اطلاعات منسجم تر و واضح تری نسبت به طبقات کارگر و کم سواد و یا بی سواد ارائه می دادند. به طور خلاصه نه تنها تجربه زندگی شهری در طبقات مختلف متفاوت است بلکه شیوه تشریح آن نیز در میان گروه های مختلف متفاوت است.

اگر چه ممکن است بسیاری از محققان مایل باشند که مصاحبه ها را با افراد متنفذ و یا مطلع انجام دهند، اما همان طور که اشاره شد، واقعیت امر آن است که هر گروه اجتماعی حامل اطلاعاتی است که لزوماً گروه های دیگر اجتماعی حاملان آن نیستند. یاد آوری مجدد این نکته در این جا بی راه نیست که هدف از کار میدانی به کمک روش های کیفی و بر اساس اطلاعات شفاهی، فقط به دست آوردن اطلاعات صحیح و دقیق نیست و در بسیاری از موارد حتی اطلاعات اشتباه، حائز ارزش های کیفی است که اطلاعات صحیح لزوماً آن ها را به دست نمی دهد.

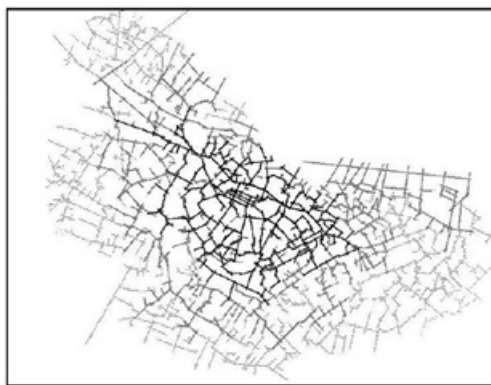
مثالی در این جا می تواند به توضیح بهتر مطلب کمک کند. در یکی از مصاحبه ها - که در محل کار فردی از محلات حیدری در دست انجام بود - وی داشت درباره مسیر مراسم محرم در گذشته توضیح می داد که یکی از دوستان حاضر در جلسه از محلات نعمتی، در جهت تصحیح حرف وی گفت: در قدیم تمام مردم شهر در روز عاشورا در فلان مسیر سینه می زدند. مسیری که او معرفی می کرد، مسیر عزاداری محلات نعمتی بود و متفاوت با نیمه حیدری شهر. نکته در این جا بود که اگر چه این اطلاعات به عنوان معرفی مسیر عزاداری راجع به کل شهر غلط بود، اما در درون خود حامل این نکته بود که وی محدوده محلات نعمتی را کل شهر فرض می کرد و یا این که مطلقاً از تفاوت مسیر عزاداری در محلات حیدری در گذشته خبر نداشت.

حال، اجازه بدهید پس از مسئله محلیت و تفاوت در برداشت ها و شیوه تشریح آن، به نکته ای که تا حدودی جنبه ریخت شناسی دارد، پردازیم. از نظر ریخت شناسی در شهر های تاریخی به طور عمومی سازمان کالبدی شهر، تحت تأثیر رشد ارگانیک، دارای انسجام و تمرکز بیش تری در مرکز تاریخی و ساختاری اش است. این مفهوم، بدون وارد شدن مفاهیم مفصل ریخت شناسی شهری، می تواند به این شکل ساده نیز توصیف شود که اگر بسادگی به بافت شهر نگاه کنید، در محدوده مرکزی شهر، به طور عمومی فشردگی بیش تری نسبت به حدود بیرونی آن دیده می شود. این فشردگی، هم جنبه کالبدی دارد و هم در سازمان اجتماعی شهر قابل دریافت است.

عکس

مثالی در اینجا می‌تواند به توضیح بهتر مطلب کمک کند. در یکی از مصاحبه‌ها - که در محل کار فردی از محلات حیدری در دست انجام بود - وی داشت دربارهٔ مسیر مراسم محرم در گذشته توضیح می‌داد که یکی از دوستان حاضر در جلسه از محلات نعمتی، در جهت تصحیح حرف وی گفت: در قدیم تمام مردم شهر در روز عاشورا در فلان مسیر سینه می‌زدند. مسیری که او معرفی می‌کرد، مسیر عزاداری محلات نعمتی بود و متفاوت با مسیر نیمه حیدری شهر. نکته در اینجا بود که اگر چه این اطلاعات به عنوان معرفی مسیر عزاداری راجع به کل شهر غلط بود، اما در درون خود حامل این نکته بود که وی محدودهٔ محلات نعمتی را کل شهر فرض می‌کرد و یا اینکه مطلقاً از تفاوت مسیر عزاداری در محلات حیدری در گذشته خبر نداشت.

حال، اجازه بدهید پس از مسئلهٔ محلیت و تفاوت در برداشتها و شیوهٔ تشریح آن، به نکته‌ای که تا حدودی جنبهٔ ریخت شناسی دارد، پردازیم. از نظر ریخت شناسی در شهرهای تاریخی به طور عمومی سازمان کالبدی شهر، تحت تأثیر رشد ارگانیک، دارای انسجام و تمرکز بیش‌تری در مرکز تاریخی و ساختاری اش است. این مفهوم، بدون وارد شدن مفاهیم مفصل ریخت شناسی شهری، می‌تواند به این شکل ساده نیز توصیف شود که اگر بسادگی به بافت شهر نگاه کنید، در محدودهٔ مرکزی شهر، به طور عمومی فشردگی بیش‌تری نسبت به حدود بیرونی آن دیده می‌شود. این فشردگی، هم جنبهٔ کالبدی دارد و هم در سازمان اجتماعی شهر قابل دریافت است.



تصویر ۶: نمودار نظام ساختار فضایی شهر کهن دزفول (اواخر قرن نوزدهم)

تصویر ۶: نمودار نظام ساختار فضایی شهر کهن دزفول (اواخر قرن نوزدهم)

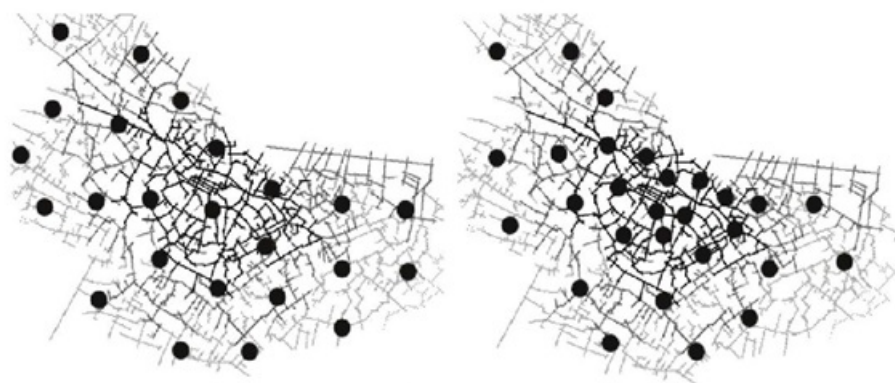
حال اگر خصوصیت محلّیت از نظر تلقی شهر، بافت زندگی روزمره و اجتماعی و نیز تفاوت تجربه طبقات مختلف را، در کنار خصیصه ریخت شناسانه یاد شده قرار دهیم، در خواهیم یافت که برای یافتن تصویر کاملی از زندگی اجتماعی، انجام مصاحبه ها در خلال کار میدانی باید به گونه ای باشد که کل این نظام اجتماعی - فضایی را پوشش دهد. از سوی دیگر، شهر و زندگی اجتماعی در آن و تجربه افراد از آن به طور چشم گیری بر اثر تحولات دوران نوین دچار دگرگونی شده است که در شیوه شناخت شهر اثر مستقیم دارد. به طور مثال در گذشته اگر چه تجربه و تلقی فرد از شهر و زندگی اجتماعی به طور واضح متأثر از محله وی و یا نیمه حیدری و نعمتی بوده است، به طور طبیعی تجربه فرد در بخش حیدری می توانسته با فردی در بخش نعمتی کاملاً متفاوت باشد. در حالی که این تفاوت به طور جدی در شهر کنونی تعدیل شده است. با توجه به تفاوت های یاد شده در سازمان فضایی - اجتماعی در شهر کهن و شهر متأثر از تحولات دوران نوین، به طور طبیعی روش انتخاب افراد برای مصاحبه به گونه ای که بتوان زندگی اجتماعی را نمایاند، دارای تفاوت هایی می باشد. شاید این تفاوت را بتوان بدین گونه توضیح داد که، تصویر کیفی ای که کل شهر کهن را تشریح می کند، دارای قطعات بیش تری نسبت به شهر نوین است؛ در حالی که شهر نوین از نظر فیزیکی به طور طبیعی بزرگ تر از شهر کهن است.

با توجه به ویژگی های اجتماعی، فضایی شهر کهن - که از آن یاد شد - توزیع افراد مصاحبه شونده، باید به شکلی باشد که بتواند تصویر نمایاننده ای از شهر و زندگی اجتماعی آن به دست دهد. در نتیجه و با توضیحاتی که قبلاً شرح آن رفت، انتخاب افراد از میان شهر نباید به شکل یک نواخت از نظر جغرافیایی باشد. چرا که شهر چه از نظر سازمان محلات و چه از نظر ریخت شناسی، دارای یک بافت همگن نبوده است. در نتیجه به طور طبیعی توزیع افراد مصاحبه شونده از نظر جغرافیایی در میان شهر یک نواخت نخواهد بود. از سوی دیگر تفاوت تجربه طبقات مختلف از زندگی اجتماعی، باعث می شود که توزیع افراد مصاحبه شونده نه تنها متأثر از نظام محلات باشد بلکه مصاحبه ها، طبقات مختلف را در بر بگیرد. نتیجتاً افراد مصاحبه شونده به جای توزیع یک نواخت جغرافیایی در میان شهر،

باید به شکلی انتخاب شده باشند که کل سازمان فضایی - اجتماعی شهر را در بر بگیرد تا بتوان تصویر کاملی از شهر به دست آورد.

۱۵۶ / مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران

باید به شکلی انتخاب شده باشند که کل سازمان فضایی - اجتماعی شهر را در بر بگیرد تا بتوان تصویر کاملی از شهر به دست آورد.



تصویر ۷: نمودار فرضی برای توزیع مصاحبه‌ها در میان شهر

مسئله بعدی، به طیف سنی افراد مصاحبه شونده بر می‌گردد. از آنجا که دوره تاریخی مطالعه در حال انجام تقریباً سه دهه اول قرن را در بر می‌گیرد، پیش فرض اولیه آن بود که افراد مصاحبه شونده، بهتر است از میان افراد مسن تر انتخاب شوند. بررسی مصاحبه‌های انجام شده در دزفول در کار میدانی اولیه، نشان داد که فرض اولیه لزوماً درست نمی‌باشد. بررسی مصاحبه‌ها، نشان داد در حالی که افراد در حدود سنی ۷۰-۸۰ و یا مسن تر می‌توانند نکات و دقایقی از زندگی شهر را قبل از تحولات تشریح کنند، در عوض مصاحبه افراد در حدود سنی ۶۰-۷۰ نکات مفصل تری از دوران گذار ارائه می‌دهد که ممکن است در مصاحبه با افراد گروه اول به دست نیاید. این، نشان می‌داد که برای بررسی یک دوره زمانی نسبتاً طولانی، لازم است افراد از میان یک طیف سنی انتخاب شوند. این بررسی در کل مصاحبه‌ها به طور عمومی نشان می‌دهد که تجربه افراد در دوره سنی ۱۵-۲۰ اثر عمیقی در بیان خاطره آنها داشته یا دارد. در واقع می‌توان گفت که تجربه این دوره به واسطه اثر عمیق تر در خاطره افراد دارای جزئیات بیش تری است و آنان، آن دوره را با دقت و عمق بیش تری تشریح می‌کنند. بدیهی است که این امر درباره این دوره و نسل صادق است و بدین معنی نیست که در نسلهای بعدی یا بسترهای اجتماعی دیگر نیز صحت داشته باشد. اما در هر صورت نشان

تصویر ۷: نمودار فرضی برای توزیع مصاحبه‌ها در میان شهر

مسئله بعدی، به طیف سنی افراد مصاحبه شونده بر می گردد. از آن جا که دوره تاریخی مطالعه در حال انجام تقریباً سه دهه اول قرن را در بر می گیرد، پیش فرض اولیه آن بود که افراد مصاحبه شونده، بهتر است از میان افراد مسن تر انتخاب شوند. بررسی مصاحبه های انجام شده در دزفول در کار میدانی اولیه، نشان داد که فرض اولیه لزوماً درست نمی باشد. بررسی مصاحبه ها، نشان داد در حالی که افراد در حدود سنی 70-80 و یا مسن تر می توانند نکات و دقایقی از زندگی شهر را قبل از تحولات تشریح کنند، در عوض مصاحبه افراد در حدود سنی 60-70 نکات مفصل تری از دوران گذار ارائه می دهد که ممکن است در مصاحبه با افراد گروه اول به دست نیاید. این، نشان می داد که برای بررسی یک دوره زمانی نسبتاً طولانی، لازم است افراد از میان یک طیف سنی انتخاب شوند. این بررسی در کل مصاحبه ها به طور عمومی نشان می دهد که تجربه افراد در دوره سنی 15-20 اثر عمیقی در بیان خاطره آن ها داشته یا دارد. در واقع می توان گفت که تجربه این دوره به واسطه اثر عمیق تر در خاطره افراد دارای جزئیات بیش تری است و آنان، آن دوره را با دقت و عمق بیش تری تشریح می کنند. بدیهی است که این امر درباره این

دوره و نسل صادق است و بدین معنی نیست که در نسل های بعدی یا بستر های اجتماعی دیگر نیز صحت داشته باشد. اما در هر صورت نشان

می دهد که برای بررسی یک دوره تاریخی، به جای تمرکز بر گروه های مسن تر، مصاحبه ها می باید یک دوره سنی را در بر بگیرد.

جمع بندی

این مقاله، تلاش داشت تا اهمیت بررسی های کیفی را در مطالعات شهری با توجه به پارادایم فضایی - اجتماعی از شهر نشان دهد. زیرا تجارب به دست آمده از فعالیت های توسعه شهری، نشان می دهد که نیاز به فهم عمیق تری از تحولات شهری وجود دارد. در واقع، مطالعات میان دانشی در این بین یکی از روش های ممکن برای فهم بهتر این تحولات است. اما به کار گیری هم زمان روش های مختلف از میان حوزه های مختلف پژوهشی، به معنی یک فعالیت میان دانشی نیست، بلکه باید روش ها و نظریه ها به شکل روش مند با هم در آمیزند. مطلب حاضر، تلاش داشت تا اهمیت مطالعه اولیه و تحلیل آن را برای یافتن شیوه صحیح نمایاندن موضوع و انجام موفق کار میدانی نهایی در مطالعه شهری نشان دهد. این مطالعه، تلاش داشت تا نشان دهد که «نمایاندن» به عنوان یکی از هدف های اصلی مطالعات کیفی مبتنی اطلاعات شفاهی در بررسی تحولات زندگی اجتماعی، به طور جدی به سه عامل اصلی وابسته است: اول آن که انتخاب افراد برای مصاحبه باید به جای توزیع یک نواخت جغرافیایی آن ها، با توجه به سازمان اجتماعی - فضایی شهر انجام شود. بدیهی است که نظام قبل و بعد از دوران نوین به طور چشم گیری تغییر کرده است. با توجه به

تفاوت تجربه گروه های مختلف اجتماعی، توجه به گروه های مطلع و نخبگان برای دریافت کیفی زندگی اجتماعی در شهر کافی نیست و لازم است مصاحبه ها طیف طبقات مختلف را در بر بگیرد. و در نهایت، برای مطالعه هر دوره تاریخی، لازم است مصاحبه ها به جای تمرکز بر گروه سنی سال خورده تر، یک طیف سنی را از مطلعان در بر بگیرد.

اگر چه این نتایج بر اساس انجام بررسی در تعداد محدودی از شهر ها انجام شده و قابلیت تعمیم بر تمام شهر ها را به طور مستقیم ندارد، اما در عین حال خاطر نشان می سازد که روش های مطالعه، می باید مطابق بستر مطالعه مورد بازبینی قرار گیرد و روش های معمول نمی تواند فارغ از محلی شدن ما را به هدف های مطالعه کیفی نایل کند.

- Bernard, H.R. (1994). *Research Method in Anthropology; Qualitative and Quantitative Approaches*. London, New Delhi: Sage publications
- Cutler, W.W.(1972) 'Accuracy in Oral Interviewing', pp. 6-7, L. Eaton, 'Book review, two Chicago architects and their clients', *Historical Methods Newsletter*, 1972, vol. 5, no. 4, p. 169
- Dilley, P. (2004). *Interviews and the Philosophy of Qualitative Research*. *The Journal of Higher Education*, .75(No 1, January-February), 127-132
- .Downes, W.(1998) *Language and Society*. Cambridge: Cambridge University Press
- Grele, R.J. (1994). *Movement without aim: methodological and theoretical problems in oral history*. In R. Perk A. Thomson (Eds.), *The oral History Reader* (pp. 38-52). London, New York: Routledge
- .Kvale, S. (1996). *InterViews: an introduction to qualitative research interviewing*. London: Sage
- .Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space*. Oxford: Blackwell
- Lummis, T. (1994). *Structure and Validity in Oral Evidence*. In R. Perk A. Thomson (Eds.), *The Oral History Reader* (pp. 273-283). London, New York: Routledge
- Perks, R. Thomson, A. (1998). *Introduction*. In R .Perk A. Thomson (Eds.), *The Oral History Reader* (pp. IX-XIII). London, New York: Routledge
- .Ritchie, Donald A. (2003) *Doing Oral History; a Practical Guide*. New York: Oxford University Press
- .Rubin, H. Rubin, I. (1995). *Qualitative Interviewing: The Art of Hearing Data*. Thousand Oaks, CA: Sage
- Seidman, I. (1998). *Interviewing as Qualitative Research: A Guide for Researchers in Education and Social Sciences*. New York: Teachers Collage Press
- Thompson, C. Walker, B. (1998). *Basic research (part 12): Qualitative Research*. *Air Medical Journal*, .17:2, 65-70

- .Multi disciplinary: involving different subjects of study in one activity -1
- .Interdisciplinary: involving two or more different subjects or areas of knowledge -2
- .Urban transformation -3
- .Text books -4
- .Qualitative researches -5
- .Epistemology -6
- .Explaining -7
- .Interpretation -8
- .(Rubin and Rubin (1995 -9
- .(Thompson et al (1998 -10
- .Object -11
- .Socio-spatial -12
- .Built environment -13
- .Integrate -14
- .Lefebvre, H (1974) The Production of Space -15
- .Le Corbusier -16
- .Dilley 2004 -17
- .(Rubin and Rubin (1995 -18
- .Kvale -19
- .(Seidman (1998 -20

.(Thompson et al (1998 -21

.informal, unstructured, semi-structured, and structured interview -22

23- برای مرور مفصل درباره انواع روش های مصاحبه، بنگرید به: Bernard (1994)

.Impact -24

.(Perk (1998 -25

.(Cutler (1972 -26

.(Grele (1998 -27

.Typify -28

.(Lummis (1998 -29

.Typifying -30

.(Ritchie (2004 -31

.Typifying -32

33- برای دنبال کردن دلایل ظهور لهجه های مختلف، بنگرید به: William Downes (1998)

.Cognitive map -34

ص: 159

روش ها و چارچوب های مصاحبه به منظور گرد آوری تاریخ شفاهی حمیده غفوری

*روش ها و چارچوب های مصاحبه به منظور گرد آوری تاریخ شفاهی حمیده غفوری (1)

مقدمه

در دنیای کنونی کم تر کسی را می توان یافت که در طول عمر خود با کلمه ای به نام مصاحبه برخورد نداشته و یا با او مصاحبه نشده باشد.

انسان های امروزی در شرایط گوناگون و به عناوین مختلف و برای انجام مقاصد متفاوت، از همان آغاز جوانی مورد مصاحبه قرار می گیرند. گاهی شرکت در باشگاهی ورزشی، زمانی برای ورود به دانشگاه یا استخدام در مؤسسه خصوصی یا دولتی مجبور به انجام مصاحبه می شوند.

در زمینه مطالب بیان شده، می توان تعریف گروهی از کارشناسان را درباره مصاحبه پذیرفت: «مصاحبه، رابطه ای است چهره به چهره و کلامی که برای گرد آوری اطلاعات و به منظور شناخت ویژگی های افراد صورت می گیرد.»

«مصاحبه، جریان یک رابطه کلامی است که برای تحقق اهداف مشخص و معینی انجام می پذیرد.» و به همین منظور، معتقدند که مصاحبه را باید افراد کار آزموده در این زمینه خاص به انجام برسانند تا نه تنها مصاحبه گر خود در جهت گرد آوری اطلاعات جهد کند، بلکه

ص: 161

بسیاری از رفتار های غیر کلامی و چگونگی پاسخ دهی مصاحبه شونده و بسیاری نکات دیگر را در نظر بگیرد و بر اساس همه آن ها، از مصاحبه نتیجه گیری کند.

هدف از مصاحبه

مسئله ای که باید به آن توجه داشت، این است که هدف گذاری در مصاحبه امری است الزامی؛ مصاحبه در هر شرایط و برای هر مقصودی می باید هدفمند باشد.

چنان چه مصاحبه ای بدون هدف صورت گیرد، نه تنها نتیجه ای از آن حاصل نخواهد شد بلکه حالت آن به گفت گویی دوستانه و غیر حرفه ای تبدیل خواهد شد.

مصاحبه گر و مصاحبه شونده، باید مشترکاً بکوشند تا هدف هایی را که مستقیماً به مسائل مطرح شده بر می گردد، معین کنند.

چگونگی آغاز مصاحبه

گاهی بعضی از مصاحبه شوندهگان خود شروع کننده هستند و حتی به قدری صحبت می کنند که جلوگیری از پر حرفی آن ها نیاز به تخصص و مهارت دارد. گاهی نیز با مصاحبه شوندهگانی بر خورد می شود که معمولاً کم حرف و ساکت هستند و یا اصلاً تمایلی به حرف زدن از خود نشان نمی دهند. در صورت اخیر باید شرایطی برای آن ها فراهم ساخت تا به سخن گفتن پردازند. به نظر می رسد مصاحبه گران و بسیاری کسانی که با مصاحبه سر و کار دارند، باید در آغاز مصاحبه به نکات زیر توجه داشته باشند:

1- مصاحبه گر، قبل از شروع مصاحبه، می باید اطلاعاتی از روحیات، طرز زندگی و خصوصیات اخلاقی و روانی مصاحبه شونده کسب کرده باشد و معرفی نامه ای از مراجع صلاحیت دار به مصاحبه شونده ارائه کند. این مسئله، کار مصاحبه را بسیار آسان می سازد.

2- سؤال ها را باید بتدریج مطرح کند و شتابی در پایان دادن به مصاحبه از خود نشان ندهد. مصاحبه گر با مهارتی خاص باید اعتماد مصاحبه شونده را به خود جلب کند و هدف و منظور مصاحبه را بخوبی برای مصاحبه شونده بیان نماید.

ص: 162

3- مصاحبه گر در طرح سؤال ها، باید دقت داشته باشد تا در تمام مراحل مصاحبه از اظهار نظر شخصی پرهیزد.

4- مصاحبه گر با هدف ثبت پیشنهاد ها و گفته ها، باید بکوشد تمامی مطالب را ثبت و ضبط کند.

5- هرگز نباید با مصاحبه شونده مخالفت کرد؛ زیرا زمینه فرار وی را از هم کاری در مورد سؤال های بعدی فراهم می آورد.

6- مصاحبه گر باید در اولین ملاقات تأثیر مطلوبی بر پاسخ گو بگذارد و از کار دانی و قوه درکی قوی بر خوردار باشد؛ دقیق و قابل اعتماد، درست کار و مقاوم باشد.

7- شرایط مناسبی جهت کاهش اضطراب و نگرانی های اولیه مصاحبه شونده فراهم کند تا بتواند راحت تر باشد و احساس آرامش کند و محیط را تقریباً صمیمی و دوستانه ببیند.

8- مصاحبه گر باید در ابتدا از صحبت کردن زیاد خود داری کند تا مصاحبه شونده فرصت لازم را برای شروع صحبت به دست بیاورد.

9- در ابتدای مصاحبه، باید از هنر گوش دادن به نحو عالی استفاده کرد و فرصت کافی به مصاحبه شونده داد تا بتواند براحتی به ادای مطالب خود پردازد.

10- گاهی دادن فرصت به مصاحبه شونده تا انتخاب موضوع صحبت با او باشد، بازتابی است از درجه اولویت خاص که مصاحبه گر در مغز و باطن خود برای او قائل می شود.

11- تعیین وقت مصاحبه نیز در شروع کار، نشان گر آن است که مصاحبه گر برای مصاحبه شونده احترام قائل است.

طرح سؤالات قبل از مصاحبه

مصاحبه گر بی شک با انبوهی از اطلاعات موجود در حافظه، نمی تواند مصاحبه ای موفق داشته باشد. باید به آن ها نظم بدهد و روال سؤالات را به صورتی منطقی از قبل تعیین کند. در طول مصاحبه نیز نباید فرصت طرح سؤالات جدید را حسب مورد از دست بدهد.

آن چه مسلم است، مصاحبه گر باید بسیار با استعداد، علاقه مند و ساعی باشد تا بتواند بدون استفاده از سؤالات از پیش نوشته ، مصاحبه را با موفقیت به انجام برساند. توصیه کلی،

این است که بکوشد در هر حال، سؤالات اصلی را از قبل تهیه کند و تأکید بیش تر بر سؤالات اصلی است. حال هر چه آرشو مصاحبه گر غنی تر و در نتیجه تسلط او بر موضوع بیش تر باشد، در طول مصاحبه سؤالات فرعی بهتر، دقیق تر و سنجیده تر شکل خواهد گرفت.

سؤالات تنظیم شده را به دو دسته اصلی می توان تقسیم کرد:

1- سؤالات کلی؛

2- سؤالات جزئی.

مصاحبه گر باید توجه داشته باشد که هر یک از این دو دسته سؤال، دارای کار کرد خاصی است.

کار کرد های سؤالات کلی

سؤال کلی، جواب کلی را نیز به دنبال خواهد داشت. در نتیجه، پاسخ کلی سبب طولانی شدن مدت مصاحبه و احتمالاً حجیم شدن بیش تر اطلاعات دریافتی خواهد شد که ممکن است در آن میان اطلاعات مهمی نیز جای گیرد. فرمان و مهار مصاحبه در چنین حالتی بیش تر در دست مصاحبه شونده می افتد تا مصاحبه گر. ولی طرح این گونه سؤالات، احتمالاً محیط مصاحبه را گرم و صمیمانه تر می کند.

کار کرد های سؤالات جزئی

مصاحبه شونده، مجبور می شود مستقیماً با سؤال مواجه شود و جواب او نیز روشن گر جزئیات خواهد بود. مدت مصاحبه به دلیل پاسخ های محدود و پرهیز از حاشیه پردازی، کوتاه می شود.

این ویژگی ها، سبب می شود تا هر یک از این دو دسته سؤال، در مواردی بر دیگری ارجح باشد. بنابراین مصاحبه گر ورزیده باید بتواند بر حسب مورد، مناسب ترین نوع را برگزیند. این موارد گوناگون، به موضوع مصاحبه و شخصیت مصاحبه شونده وابسته است. مصاحبه کردن با مصاحبه شونده کم حرف، بیش تر سؤال از جزئیات را می طلبد. ضمن آن که در مواجهه با مصاحبه شونده پر گو هم می توان با طرح سؤال درباره جزئیات، او را از پر حرفی و حاشیه پردازی دور کرد. هم چنین در مورد مصاحبه شونده ای که نه کم حرف و نه پر گوست، موضوع مصاحبه تعیین کننده نوع سؤال ها خواهد بود.

ص: 164

در بررسی های اجتماعی، مصاحبه، متداول ترین روش جمع آوری اطلاعات است. این روش اگر خوب شناخته شود و طبق اصول و موازین علمی صحیح انجام پذیرد، شکی نیست که می تواند جامع ترین طریقه کسب اطلاعات باشد. بسیاری از محققان با وجود اشکالات عدیده ای چون مخارج سنگین، مدت زمان طولانی تر و امثال آن، علاقه دارند با دیگران رابطه ای شفاهی و زنده داشته باشند و ارتباطات کتبی را از طریق کاغذ بازی کنار بگذارند. بنابراین و با توجه به ویژگی انعطاف پذیر روش مصاحبه، باید گفت که این روش یکی از بنیادی ترین و شاید بهترین روش های جمع آوری اطلاعات باشد. این ارتباط و تماس نزدیک میان مصاحبه گر و مصاحبه شونده، فضایی مناسب و سرشار از هم کاری می تواند ایجاد کند. در چنین شرایطی است که مصاحبه گر اطلاعات حقیقی و واقعی مورد نظر خود را به دست می آورد.

«کنل» و «کان»، برای انجام مصاحبه سه شرط قائل شده اند:

شرط نخست این که، اطلاعات مورد درخواست باید در دسترس پاسخ گو باشد. زیرا چنان چه فردی به اطلاعات مورد نظر واقف نباشد، توان پاسخ گویی به سؤال ها را نیز نخواهد داشت. این امر می تواند در اثر فراموشی، محرمانه بودن اطلاعات و یا فشار اخلاقی ناشی از آن به وجود آید.

شرط دوم این است که مصاحبه شونده، سؤال را فهم و درک کند. در آغاز مصاحبه، مصاحبه شونده نقشی را می پذیرد و طبیعتاً می خواهد بداند که از او در این نقش چه توقعی دارند؛ مثلاً تصمیم بگیرد که چه اطلاعاتی مناسب است، چگونه جواب کامل بدهد و در چه وضعیتی با استفاده از استنتاج، جواب خود را تقویت کند.

سومین شرط مصاحبه موفق، وجود انگیزه لازم برای پاسخ گویی به سؤال هاست. این شرط، تصمیم گیری اولیه پاسخ گور را جهت قبول هم کاری و تصمیمات بعدی وی برای ادامه مصاحبه شامل می شود. افزون بر آن، انگیزه پاسخ درست دادن را نیز در بر می گیرد. زیرا جوابی که به طور جدی تحریف شده باشد، چندان از بی جوابی بهتر نیست.

در نتیجه، مصاحبه گر باید سعی کند تا اثر عوامل کاهنده سطح انگیزه را کاهش و عوامل افزاینده آن را تقویت کند. از جمله این عوامل، بی علاقه بودن به سؤال ها، سرگرم شدن به فعالیت های دیگر، ناراحتی از عوارض ناشی از مصاحبه و بدگمانی به مصاحبه گر را نام برد. در حالی که کنجکاوی و مؤدب بودن مصاحبه گر، احساس وظیفه کردن، علاقه به انجام بررسی و مشابهت ظاهری اش با پاسخ گو، از عوامل افزاینده انگیزه به شمار می رود.

محاسن روش مصاحبه

اگر مصاحبه گر در زمینه مصاحبه مهارت کافی داشته باشد، بسادگی می تواند با فراهم ساختن شرایطی مطمئن و آرام، اطلاعاتی به دست آورد که از هیچ طریق دیگری قابل جمع آوری نیست، حتی مطالب محرمانه را.

سازمان در مصاحبه

در مصاحبه های سازمان یافته - که مصاحبه محدود و منظم نیز خوانده شده است- مصاحبه گر ناگزیر است در چار چوب مشخص و معینی اطلاعات مورد نیاز را درباره مصاحبه شونده گرد آوری کند. تحجر و خشکی خاص و مشهودی در این نوع مصاحبه دیده می شود که مورد ایراد و انتقاد هم قرار می گیرد. ولی گاهی بناچار مصاحبه گران الزام به انجام آن دارند. در این زمینه می توان ادعا کرد که مصاحبه گر گاهی از جمع آوری اطلاعات بسیار نا چیز هم عاجز خواهد بود.

مصاحبه سازمان یافته برای این قبیل موارد اجتناب نا پذیر، پیش بینی های لازم و راه حل مناسب را ارائه نداده است. حتی انجام مصاحبه به صورت محدود و سازمان یافته را، معلول کمبود افراد متخصص می دانند.

بنابراین باید در مصاحبه سازمان یافته ای که افراد با تجربه انجام می دهند، آزادی هایی را مجاز دانست. بدین معنا که موضوع مورد بررسی و سؤالات مربوط را مشخص می کنند، اما مصاحبه شونده را در بیان آن چه به ذهنش می آید، و یا نیاز به بازگویی آن دارد، آزاد می گذارند.

در مصاحبه آزاد بر عکس مصاحبه سازمان یافته، هیچ قید و شرطی وجود ندارد و مصاحبه گر بدون هیچ گونه محدودیتی، به اقتضای شرایط و بنا به میل و سلیقه خود، می تواند مصاحبه شونده را ارزیابی کند. در این نوع مصاحبه، مصاحبه شونده نیز در بیان افکار، عقاید و احساسات خود آزادی کامل دارد و انعطاف پذیری فراوانی در آن دیده می شود. مصاحبه گر نیز می تواند حداکثر کارایی و غنا را به این نوع مصاحبه ببخشد.

معمولاً در مواردی که مصاحبه گر حرفه ای نباشد، از روش مصاحبه سازمان یافته استفاده می شود.

آن چه در خور یادآوری است، این است که در مصاحبه حرفه ای، غالباً از روش مصاحبه آزاد استفاده می گردد.

عوامل مؤثر در مصاحبه

امروزه می توان ادعا کرد که هر چند مصاحبه گر، فردی حرفه ای باشد، عواملی چند می تواند در مصاحبه، تأثیرات مهم بر جای بگذارد. البته بسیاری از این عوامل را می توان مهار کرد و به سود مصاحبه تغییر داد. گاهی مصاحبه گر حرفه ای می تواند از عوامل مختلفی که حتی مصاحبه شونده به وجود می آورد، استفاده های مطلوبی بکند. با این حال، برخی از عوامل مهار نشدنی است و در اختیار مصاحبه گر نیست که باید به آن ها و پیامد آن در مصاحبه آگاهی داشته باشیم:

1- عوامل فنی؛ قطع شدن مصاحبه با عواملی مانند صدای زنگ تلفن، ورود دیگران به اتاق مصاحبه، فضای فیزیکی اتاق مصاحبه .

2- روش مصاحبه گر؛ گرایش و تجربه مصاحبه گر در کم و کیف مصاحبه مؤثر است. انتخاب زمان، انتخاب کلمه تعجب آمیز یا اصوات مشابه آن، در بازده کلامی مصاحبه شونده مؤثر می باشد.

3- زمان مصاحبه؛ سن و جنس مصاحبه شونده نیز در محتوا و فرایند زمانی مصاحبه مؤثر می باشد.

4- مکان؛ محیط آرام برای هر دو طرف مناسب تر از مکانی پر سر و صداست. قطع کردن مصاحبه، نا مطلوب است مگر برای پاسخ دادن به تماس تلفنی.

ترتیب نشستن مناسب نیز، مصاحبه را تسهیل می کند. بلندی صندلی ها باید به یک اندازه باشد؛ به طوری که هیچ یک از دو طرف، مسیر نگاه شان از بالا به پایین نباشد. بهتر است صندلی ها طوری قرار داده شوند که بین مصاحبه شونده و مصاحبه گر اسباب و اثاثیه ای وجود نداشته باشد.

5- یادداشت برداری در هنگام مصاحبه؛ معمولاً برای حفظ سابقه از وضعیت گذشته مصاحبه شونده و هم چنین مطالبی که لازم است یادداشت و ضبط گردد، ضروری است که مصاحبه گر اطلاعات به دست آمده را ثبت نماید.

تهیه گزارش و ثبت مطلب، باید به صورت حرفه ای و بنا به مقتضیات مصاحبه شونده صورت گیرد. گاهی لازم است کلیه مطالب و گاهی نیز فقط مطالب عمده را یادداشت کرد.

6- مصاحبه گر؛ از عوامل مؤثر دیگر در مصاحبه - که می تواند شدت بر نتایج مصاحبه تأثیر بگذارد - شخص مصاحبه گر می باشد که در واقع ابزار اساسی مصاحبه به شمار می آید. هر مصاحبه گری، با زمینه شخصی و حرفه ای متفاوتی به مصاحبه می رود. ساختمان، منش، ارزش ها، و حس اولیه مخاطب، در چگونگی نظر او نسبت به دیگر انسان ها، تأثیر می گذارد. تفاوت در زمینه های اجتماعی، آموزشی، و هوشی مصاحبه گر، ممکن است در پیدایش توافق دخالت داشته باشد.

7- مصاحبه اول؛ آن چه مسلم است، شروع مصاحبه با مصاحبه شونده، دارای اهمیت بسیاری است. اگر چنان چه نوع برخورد با مصاحبه شونده به نحوی باشد که اثر روانی نا مطلوبی بر او بگذارد، طبیعی است که اطلاعات به دست آمده ناقص خواهد بود و حتی ممکن است مصاحبه شونده را از بیخ و بن از ادامه مصاحبه منصرف سازد. اولین دیدار، می تواند اطلاعات مهمی به مصاحبه گر منتقل سازد. مشاهده رفتار مصاحبه شونده در اولین برخورد بسیار ارزنده است.

در این زمینه به واقع باید گفت که گوش دادن، فن یا هنر است. زیرا در گوش دادن به حرف های مصاحبه شونده، می توان به نکته های زیادی توجه کرد که در شنیدن نمی توان به آن رسید. در مصاحبه باید خوب گوش کنی تا خوب بشنوی که چه چیزی را در چه موقعی بیان می کند. اگر به صورت حرفه ای گوش کنیم، به طور کامل آگاه می شویم که منظور از گفته های مصاحبه شونده چیست.

شاید اگر ادعا کنیم که یکی از مهم ترین مسائل در مصاحبه، گوش دادن به صحبت های مصاحبه شونده است، اغراق نکرده باشیم. متأسفانه بعضی از مصاحبه کنندگان کم تر به این امر توجه دارند.

شروع مصاحبه نباید وضعیتی برای مصاحبه شونده پدید آورد که احساس کند مصاحبه گر حالت باز پرسى و یا کنجکاوى به خود گرفته است. زیرا امکان دارد در او حالت مقاومت به وجود آید و اگر با اصرار مصاحبه گر برای شروع مصاحبه روبرو شود، احتمال دارد اصلاً تمایلی به مصاحبه نشان ندهد و یا حتی اگر هم صحبت کند، سعی در پنهان نگه داشتن مطالب اصلی و حقیقی بنماید. در این حالت، بهتر است مصاحبه گر از هر گونه پیش داوری خود داری ورزد و قضاوت خود را تا حد ممکن به تأخیر بیندازد. زیرا اگر داوری مصاحبه گر بر پایه پیش داوری هایش صورت بگیرد، احتمالاً نتیجه، بر عکس آن چه انتظار می رفت، عاید خواهد شد.

مشاهده

مشاهده در مصاحبه، از اصول بسیار مهم و اساسی به شمار می رود. از آغاز بر خورد با مصاحبه شونده - همان طور که لازم است به صورت دقیق به سخنان او گوش داد و گوش دادن را هنر دانست - مشاهده کردن هم هنر است، هنری آمیخته با علم.

مسئله مهم دیگر، این است که بسیاری از مصاحبه شوندهگان وقت شناسند و اهمیت زیادی به آن می دهند. پس بهتر است مصاحبه گر با تنظیم وقت و بموقع حاضر شدن در جلسه،

رابطه ای صحیح با طرف مقابل برقرار کند تا این احساس را در مصاحبه شونده به وجود آورد که برای او اهمیت قائل شده است.

زبان و ارتباط در مصاحبه

روش و زبانی که در مصاحبه به کار می رود، امری است بسیار حساس که می تواند در جلب و یا طرد مصاحبه شونده مؤثر واقع شود. زبان مصاحبه را می توان ارتباط کلامی و غیر کلامی نامید.

ارتباط کلامی: مشکل زبان و چگونگی تکلم باید بین مصاحبه گر و مصاحبه شونده مشترک باشد. مصاحبه گر بکوشد با حوصله و دقت به حرف های مصاحبه شونده گوش دهد و از به کار بردن الفاظ و اصطلاحات پیچیده و دشوار خود داری کند.

ارتباط غیر کلامی: در طول مصاحبه، مصاحبه شونده معمولاً توجه خاصی به رفتار مصاحبه گر و حساسیتی نسبت به حالات و رفتار او دارد. یکی از رفتار هایی که در مصاحبه مفید شناخته شده، این است که گاهی مصاحبه گر با تکان دادن سر، به مصاحبه شونده بفهماند که متوجه گفته های او می باشد. در مصاحبه، چگونگی و نحوه بیان مطالب از زبان مصاحبه شونده، آشکارا در برقراری رابطه صحیح حائز اهمیت می باشد.

جهت دادن به مصاحبه

برای تمرکز بخشی به مصاحبه، باید به سه امر زیر توجه کرد:

1- شناسایی یک موضوع مهم؛

2- سوق دادن موضوع به راه معین هدف دار؛

3- محدود کردن موضوع بحث.

مصاحبه گر باید در محتوای فکر مصاحبه شونده دخالت کند و مانع پراکندگی آن در مصاحبه شود، آن هم با جملاتی شبیه «البته این موضوع جالبی است ولی بهتر است بر گردیم به موضوعی که چند لحظه پیش صحبت می کردیم.»

تأکید؛ هدف اساسی در تأکید، این است که مصاحبه شونده را نسبت به موضوع مهم آگاه می سازد و او را ترغیب به بررسی هدف و علل آن مطلب می نماید.

ص: 170

فضا و جو لازم در مصاحبه: بدون وجود نوعی ارتباط صحیح و حرفه ای، امکان پیشرفت در کار مصاحبه گری وجود ندارد.

فضای لازم و راحت، زمانی حاصل می شود که مصاحبه گر دارای خصوصیات خاصی باشد مانند حساسیت شغلی، واقع بینی، انعطاف پذیری، انسان دوستی، محبت، صبر و حوصله و هم حسی. باید توجه داشت که راهبری در کلیه مراحل مصاحبه با مصاحبه گر است که باید به نحو عالی انجام پذیرد. اگر مصاحبه شونده احساس کند که این رهبری تصنعی و توأم با بی حوصلگی می باشد، هرگز ارتباط صحیح صورت نخواهد گرفت. هرگز نباید با مصاحبه شونده بحث های پیچیده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کرد. مخالفت با عقاید مذهبی وی، به هیچ عنوان ضرورت ندارد، بلکه باید بر اساس احترام به عقاید و افکار و معتقدات با او عمل کرد.

پایان مصاحبه

خاتمه دادن درست و متعادل به مصاحبه، بسیار مهم است. باید به نحوی مصاحبه را خاتمه داد که هیچ گونه احساس بدی به مصاحبه شونده دست ندهد. قبل از ختم جلسه، باید مقدمه ای را شروع کرد. اگر در آخر وقت، مصاحبه شونده مطلبی بیان کرد، مصاحبه گر از او بخواهد که چون مطلب مهم است و نیاز به فرصت کافی دارد، بهتر است به جلسه بعد موکول گردد، و با تعیین کردن وقت بعدی (ساعت و روز)، بدون هیچ گونه عجله ای با او خدا حافظی کند.

کتاب نامه:

1- کار برد مصاحبه و گزارش نویسی، نوشته محمد رضا رنجبر.

2- روش بحث و مذاکره، نوشته ثریا سید مهدی.

3- ده شیوه مصاحبه، ترجمه بیرجندی.

4- تکنیک های مصاحبه، نوشته محمد مهدی فرقانی.

ص: 171

مسائل اساسی در تاریخ شفاهی ایران (با رویکرد به پژوهش های منتشر شده و طرح تاریخ شفاهی شهریور 1320 مشهد) غلام رضا آذری خاکستر

*مسائل اساسی در تاریخ شفاهی ایران (با رویکرد به پژوهش های منتشر شده و طرح تاریخ شفاهی شهریور 1320 مشهد) غلام رضا آذری خاکستر (1)

مقدمه

با گسترش روز افزون علوم در هر یک از رشته ها، انتظار به وجود آمدن رشته های تخصصی نیز وجود دارد. علم تاریخ طی فراز و نشیب هایی که فراوی آن بود، شاهد گسترش شیوه های نوین تاریخ نگاری بود.

با ایجاد مکاتب تاریخ نگاری و شیوه های علمی نگارش، و نیز از سه دهه گذشته با شکل گرفتن تاریخ شفاهی، (2) گامی نوین در مطالعات تاریخی برداشته شد. در این شیوه، پژوهش گر از چارچوب نوشتاری خارج می شود و با روی آوردن به مصاحبه، زوایای مبهم تاریخ معاصر را در تاریخ شفاهی جست جو می کند. در پژوهش های شفاهی، حوزه کار تنها در تاریخ خلاصه نمی شود و حتی فراتر از آن هم می توان به مطالعه و تحقیق پرداخت. به طور مثال، در طرح تدوین تجربیات خبرگان قنات - که شرکت مدیریت منابع آب ایران به انجام رسانده است - بدون رویکرد به تاریخ، پژوهش ارزنده ای درباره سازه قنات صورت گرفته است. (3)

تاریخ شفاهی، مقدمه ای است بر تاریخ مکتوب؛ از آن جهت که مورخ با صحنه سازان جریان تاریخی طرف است؛ با افرادی که در بطن حادثه بوده اند و شاهدان اصلی آن رخداد تاریخی اند. تاریخ شفاهی، شناخته شده ترین برنامه ثبت اطلاعات شمرده می شود (4) و

ص: 173

1- کارشناس مصاحبه و تدوین. نشانی وبگاه: Azari222002@Yahoo.com

2- تاریخ شفاهی، عبارت است از روش نوین برای جمع آوری، حفظ و نگه داری خاطرات، زندگی نامه ها، رسوم، فرهنگ مردم و کلاً اطلاعات ثبت شده متنوع که از طریق مصاحبه با افراد صاحب نظر، اندیش مندان و بعضاً عموم در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صورت می گیرد و بعد از طی مراحل، به صورت کاست یا نوار ویدئو نگهداری می شود. این اطلاعات، بعد از پیاده سازی و حروف نگاری و ویرایش، به صورت یکی از منابع مهم در کنار اسناد کتبی قرار می گیرد. «مقاله نقش تاریخ شفاهی در تعامل فرهنگی، فرهنگ پناهندگان با فرهنگ مهاجر پذیران: ابو الفضل حسن آبادی.» مقاله فوق، منتشر نشده است و در واحد تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی نگهداری می شود.

3- جهت اطلاع بیش تر، بنگرید به: علی اصغر سمسار یزدی، تدوین تجربیات خبرگان قنات (تهران: مهندسین مشاور ستیران، 1383).

4- پدرسون، آن نگه داری اسناد، ترجمه رضا مهاجر (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، 1380)، ص 382.

به طور کلی، راه کاری است برای جمع آوری اطلاعات که در ضمن آن، تجهیزات ضبط صوتی را با هماهنگی مورد استفاده قرار می دهند تا گزارش های دقیقی از عقاید و نظرات شاهدان ماجرا یا دست اندر کاران حادثه فراهم کنند. اهمیت تاریخ شفاهی در تدوین تاریخ نگاری معاصر ایران، از آن جهت است که منابع مکتوب پاسخ گوی نیاز پژوهش گران نیست. (1) در مجموع، اهمیت تاریخ شفاهی به جهات زیر است:

1- به واسطه این که افرادی که در جریان حادثه ای بوده اند، به نقل رویداد ها و خاطرات می پردازند، لذا گفته های افراد، هم سو و تکمیل کننده اسناد می باشد که می توان از آن به عنوان منابع دست اول یاد کرد.

2- تا انتشار اسناد در مسائل مختلف، مدت زمانی خواهد گذشت. از این رو، تاریخ شفاهی این امکان را به وجود می آورد که پژوهش گران قبل از انتشار اسناد، از زبان شاهدان عینی وقایع اطلاعاتی کسب کنند. نکته در خور توجه در تاریخ شفاهی، کسب اطلاعات بکر و جدید از مصاحبه شونده می باشد. در این شیوه، محقق در انتظار آزاد شدن اسناد بایگانی ها (2) نمی ماند. زیرا با روی آوردن به تاریخ شفاهی، اطلاعاتی به دست می آورد که فراتر از نوشته های مکتوب می باشد.

3- در تاریخ شفاهی، جذابیت خاصی وجود دارد. بدین نحو که پژوهش گر این حیطه با مدارک ضبط شده ای که در اختیار دارد، حالات و طرز بیان مصاحبه شونده را نیز - که از لحاظ روان شناختی مهم است - درک می کند. زیرا در طنین صدا ها و لحن گفتار ها معانی گوناگونی از شخصیت افراد، ضعف و غضب، قاطعیت، صلابت، تمنا و التماس، آرامش و اضطراب (3) و برخی دیگر از صفات افراد نهفته است که آن ها را نمی توان در کتاب مکتوب کرد بلکه فقط باید شنید؛ بویژه آن که صدا ها و گفتار و تسلط بر بیان، یکی از راه های باریک روان کاوی شخصیت هاست.

4- ویژگی اصلی تاریخ شفاهی نداشتن قضاوت و داوری است؛ چرا که (4) مخاطب از شیوه های ارشادی خسته شده و می خواهد خودش قضاوت را تحلیل کند و تاریخ شفاهی، این امکان را در اختیار او قرار می دهد.

ص: 174

- 1- مرتضی رسولی پور. تاریخ شفاهی؛ زاویه ایرانی. کتاب هفته، شماره 130، پنج شنبه 12 مهر 1382، ص 10.
- 2- هما سر شار. شعبان جعفری، با ویرایش و مقدمه خسرو معتضد (تهران: البرز، 1381)، ص 29.
- 3- ع. باقی. تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران (تهران: تفکر، 1373)، ص 14.
- 4- مجید فروغی. مقاله تاریخ شفاهی و داوری مخاطب. کتاب هفته (شنبه 19 بهمن 1381)، ص 8.

5- تاریخ شفاهی، به محقق کمک می کند تا تصویری کم و بیش زنده از وقایع تاریخی - که بر تجربه مستقیم و غیر مستقیم فردی مبتنی است - ارائه دهد.

در حین مطالعه تاریخ شاید بسیاری از استدلال ها مبهم و باور نکردنی باشد؛ در حالی که تاریخ شفاهی موشکافانه تر به قضایا می نگرد و از تمام جوانب، موضوع را بررسی می کند. تدوین تاریخ شفاهی، شاید ساده به نظر آید؛ اما در یک تحلیل، واقعیت این است که شیوه تاریخ شفاهی از پیچیدگی و مشکلات خاصی برخوردار است. اولین مسئله در تاریخ شفاهی، عشق و علاقه به تاریخ است. اگر پژوهش گری این خصیصه را نداشته باشد، در برقراری ارتباط با مصاحبه شونده دچار مشکل می شود و نمی تواند مقصود و منظور خود را بیان کند. دوم این که، مصاحبه گر باید پژوهش گری به تمام معنی باشد؛ در حیطه ای که به پژوهش می پردازد، حوزه مطالعاتی وسیعی داشته باشد و تمام زوایای جریان را از میان مکتوبات بررسی کند و دیگر آن که، شناختی نسبی از مصاحبه شونده داشته باشد. در تاریخ شفاهی، ما دو نوع نگرش در آن واحد داریم: اول نگرشی که مصاحبه شونده نسبت به موضوع دارد؛ زیرا در طرح آن موضوع نقش داشته است. دیگر نگرش مصاحبه کننده به موضوع است. بنابراین مصاحبه گر با مطالعه عمیق و بررسی همه جانبه، باید این دو نگرش را به هم نزدیک کند. به نحوی که اگر متوجه شد مصاحبه شونده دارد لاف می زند و

گزافه می گوید و یا موضوعی را کتمان می کند، به او یاد آور شود.

پژوهش

محقق، در تاریخ شفاهی نخست باید شناخت کاملی از منابع داشته باشد و بهترین مرجع برای به دست آوردن منابع مجلات، پایان نامه ها، روزنامه ها و مقالات مندرج در نشریات و نقل قول های دیگران می باشد. منابع مکتوب، این امکان را به مصاحبه گر می دهد تا چار چوب موضوع را مشخص کند و پس از آن با آگاهی به سراغ مصاحبه شونده ها برود. محققان تاریخ شفاهی، در بررسی های خود (1) راه و روش یکسانی در پیش نمی گیرند و عوامل مختلفی را در انتخاب روش منظور می کنند. بر این اساس، بنا بر موضوع پژوهش، شیوه کار هم متفاوت خواهد بود. به عنوان نمونه در تدوین تاریخ شفاهی شهر یور 1320 مشهد، به

ص: 175

1- حبیب لاجوردی. خاطرات عبدالمجید مجیدی، (تهران، گام نو، 1383).

روایت گران این فرصت داده می شد که هر گونه خاطراتی از حضور متفقین در خراسان داشتند، بیان کنند. با توجه به این که 63 سال از موضوع طرح شده می گذشت، بنابراین تمام افشاری که شاهدان عینی آن وقایع بودند، از درجه اعتبار بالایی برخوردار بودند. به قولی، تنها رجال و شخصیت های سیاسی مورد توجه نبودند بلکه در بحث تاریخ شفاهی شهریور 1320، از تمام افشار استفاده می شد، اعم از نظامیان، رجال سیاسی، کارگران (1) و...

نکته اساسی در تاریخ شفاهی، تعیین موضوع پژوهشی می باشد. محقق پس از آن که موضوع پژوهشی را برگزید، مطالعات جامعی درباره آن انجام می دهد. مهم ترین منابع اطلاعاتی در این زمینه، روزنامه ها، اخبار و مدارک آرشیوی می باشند. پس از مطالعه در موضوع، به سراغ مصاحبه شونده ها می رود و بعد از جلب موافقت آنان، به طرح سؤال و نهایتاً با قرار قبلی به مصاحبه می پردازد.

اسناد

یکی از مباحث مهم برای مصاحبه گر ها، بحث چگونگی استفاده از اسناد می باشد. آیا محقق تاریخ شفاهی نیازی به اسناد کتبی دارد یا این که اسناد شفاهی بتنهایی جواب گوی نیاز پژوهشی او خواهد بود؟

اسناد کتبی، بهترین کمک را به جریان مصاحبه می کند. ما که در شهرستان ها فعالیت داریم، نداشتن دسترسی به اسناد بزرگ ترین مشکل ما می باشد. زیرا اگر مصاحبه گر اسناد کتبی مطالعه نکند، مصاحبه شونده آن گونه که دوست دارد خاطراتش را بیان می کند. به عنوان نمونه در طرح تاریخ شفاهی پزشکی مشهد، با فردی که مدیر کل بهداشتی خراسان بود، چندین جلسه مصاحبه داشتیم. در بحث انقلاب بخصوص بعد از انقلاب، ایشان مدتی در دفتر ریاست جمهوری در زمان بنی صدر کار می کرده است. زمانی که به خاطرات کار در دفتر ریاست جمهوری رسید، یاد آور شد که خاطره ای از آن ایام ندارد و در واقع دوست داشت خیلی گذرا از آن مبحث بگذرد. هر چند در جلسات بعد، خاطرات آن زمان را بیان کرد، ولی به خاطر در دسترس نبودن اسناد، خیلی از سؤالات ما بی پاسخ ماند.

ص: 176

1- در طرح تاریخ شفاهی شهریور 1320 مشهد، تا کنون با کسانی چون افسر ارتش، عضو حزب ایران، تلگراف چی باجگیران، بازاری، کارمند استان داری، دستگیر شده به دست روس ها و انتقال یافته به عشق آباد، از نیروهای صولت السلطنه مصاحبه شده است.

تا چه حدی اسناد شفاهی می تواند تکمیل کننده اسناد کتبی باشد؟ رابطه میان اسناد شفاهی و کتبی به چه صورتی است؟ هر چند از لحاظ آسیب شناسی عوامل مختلفی پژوهش های تاریخ شفاهی را تهدید می کند و این تهدید ها، گاهی سبب می شود به نتایج جدیدی دست یابیم.

به عنوان نمونه، تفاوت سند کتبی با شفاهی در این جا عنوان می شود. در جریان جنگ جهانی دوم پس از اشغال خراسان بخصوص اشغال شهر مشهد به دست روس ها، گروهی از آواره های لهستانی از روسیه به ایران منتقل شدند. این گروه، از مرز باجگیران وارد ایران شدند و از آن جا با کامیون به شاهرود فرستاده می شدند تا با قطار به تهران منتقل شوند. مصاحبه شونده، راننده کامیونی بود که در آن زمان برای روس ها از زاهدان به ترکمنستان مهمات حمل می کرد. (1) او در جریان مصاحبه، از سر گذشت آواره های لهستانی صحبت می کرد و از آن رخداد ها به عنوان تلخ ترین خاطره زندگی خود یاد می کرد. این آقای راننده، در آن ایام حدود 23 سال داشته است. بنابراین خاطرات را بخوبی به یاد داشت. در اسناد کتبی آمده است که آواره های لهستانی را مدتی در مشهد نگهداری کردند و حتی با ورود آن ها به شهر مشهد، بیماری تیفوس و تب راجعه شیوع پیدا کرد. اما جالب این جاست که مصاحبه شونده در بیان خاطراتش با قاطعیت بیان می کرد که این گروه را با 10 کامیون - که را در هر کامیون 22 نفر نگهداری می شد - به شاهرود منتقل کردند. مسیر باجگیران - شاهرود را در دوره پیمودند و ابداً در مشهد توقف نداشتند.

فقط در سبزواری توقیفی کوتاه داشتند! طبق نوشته سر کلارمونت اسکراین، (2) سر کنسول انگلیس در مشهد در کتاب جنگ جهانی در ایران، چنین آمده است: عده ای از این گروه را در حدود 700 نفر اعم از کودکان و زنان، در ماه مارس 1942م. وارد مشهد کردند و مدتی در اطراف مشهد اسکان دادند. حال سؤال این جاست که کدام یک معتبر است؟ سندی که 65 سال پیش نوشته شده یا راوی ای که در حال حاضر این موضوع را عنوان می کند؟

مسئله اصلی در تاریخ، صحبت از اسناد و قضاوت های مورخان است که همه آن ها به محقق کمک می کند تا به تدوین تاریخ کتبی پردازد. حال با توجه به این که برخی از اسناد بایگانی ها تا یک قرن دیگر هم آزاد نمی شوند، تاریخ شفاهی مکمل خوبی برای پژوهش های

ص: 177

1- مصاحبه با حبیب الله کامران پور، سر پرست اسبق اداره نقلیه آستان قدس رضوی، به تاریخ 1385/12/8 .

2- اسکراین سر کلارمونت. جنگ جهانی در ایران، ترجمه غلام حسین صالح یار.

محققان خواهد بود. (1) چنانچه مسائلی چون کتمان، دروغ‌گویی و قهرمان‌پروری در میان نباشد، آن‌چه شایسته پژوهش شفاهی است، به دست خواهد آمد. در تاریخ شفاهی، محقق با خود فرد مرتبط است و این، فرد است که همه رفتارها، دیده‌ها و شنیده‌های خود را بازگو می‌کند. بنابراین تاریخ شفاهی زمانی موجودیت اصلی خود را پیدا می‌کند که اسناد بایگانی‌ها در اختیار محققان قرار گیرد؛ آن‌گاه اسناد شفاهی و کتبی، مکمل خوبی برای هم خواهند بود.

رجال

در تاریخ شفاهی ایران، محقق با شخصیت‌ها و تیپ‌های متفاوتی برخورد می‌کند. شخصیت‌ها را در تدوین تاریخ شفاهی ایران می‌توان در چندین گزینه بررسی کرد: نخست شخصیت‌های سیاسی؛ دوم افرادی که در بطن حوادث جامعه بوده‌اند و تنها خاطراتی از گذشته دارند. در تاریخ ایران شخصیت‌هایی که در مسائل سیاسی دست داشته‌اند، قطعاً دارای نقش اساسی در مسیر تحولات تاریخی بوده‌اند؛ به گونه‌ای که تصمیم‌گیری‌های آنان، گاهی تاریخ‌ساز بوده است. دسته دوم را - که شامل عموم مردم جامعه است - می‌توان زیر عنوان شاهدان عینی وقایع یاد کرد. مسئله مهم در بررسی خاطرات این دو گروه، این نکته است که باید این فرصت به مصاحبه‌شونده داده شود تا آن‌گونه که می‌خواهد، شرح زندگانی خود را بنویسد و خاطرات خود را بازگو کند. (2) حداقل نتیجه‌ای که از این شیوه می‌گیریم، این است که مطالبی با در نظر گرفتن شرایط و اصول کار ضبط کرده‌ایم که بتدریج جایگزین (3) خوبی برای بررسی‌های تاریخی خواهد بود. برخی افراد که برای مصاحبه انتخاب می‌شوند، فکر می‌کنند شخصیت آن‌ها در حدی نیست که با آنان مصاحبه کرد و گمان می‌کنند که باید به سراغ افراد مطرح رفت. در تاریخ شفاهی تنها نخبگان نیستند که مورد نظرند، بلکه بر اساس موضوعات، تیپ افراد مورد مصاحبه هم متفاوت خواهد بود. یکی از پژوهش‌هایی که در دانشگاه هاروارد (4) صورت گرفته، خاطرات شعبان جعفری می‌باشد که به جرئت می‌توان گفت که این کتاب رکورد دار شمار (تیراژ) در زمانی کوتاه بود. زمانی که کتاب نام‌برده منتشر شد، بسیاری از منتقدان نشر و کتاب، این مجموعه را نقد و بررسی کردند و برخی هم معتقد بودند که شعبان جعفری، در حد و اندازه این کتاب نیست و با عنوان‌های مختلف،

ص: 178

1- خاطرات، بتهایی نمی‌تواند و نباید پایه شناخت تاریخی قرار گیرد و در این زمینه، اسناد مکتوب، نیز دارای جایگاه خاص خود است. خاطرات، عموماً ملهم از تجربه شخصی و دیدگاه فردی صاحب اثر است و طبعاً باید در مقایسه و مقابله با آثار مشابه بویژه خاطرات افرادی که در جریان همان وقایع، در تعارض با صاحب اثر قرار داشته‌اند و نیز اسناد مکتوب مورد استفاده قرار گیرد. (خاطرات ایرج اسکندری، ص 13)

2- مجید یوسفی. گفت‌گو با حبیب لاجوردی (تاریخ شفاهی ایران: زاویه دید هاروارد)، کتاب هفته، شماره 137، شنبه 22 شهریور 1382، ص 21.

3- ضرورت گردآوری تاریخ شفاهی در جهان امروز، گفت‌گو با دکتر علی اصغر سعیدی، فرهنگ و پژوهش، شماره 125.

4- پروژه تاریخ شفاهی ایران را، دانشگاه هاروارد از سال 1360 آغاز کرده و پس از 6 سال، با بودجه 600 هزار دلار، بیش از 900 ساعت مصاحبه با 150 تن از رجال و شخصیت‌های دوره پهلوی ضبط کرده است. (خاطرات ایرج اسکندری، ص 16).

روایت کننده را مورد نقد قرار دادند. (1) هر چند شعبان جعفری در این کتاب برخی از اتهامات را منکر شده است و برخی از حقایق را سرپوش گذاشته است، ولی پژوهش فوق، این نکته را ثابت می کند که هر یک از افراد جامعه در تاریخ شفاهی حرفی برای گفتن دارند و تاریخ شفاهی، مخصوص رجال و شخصیت ها و نخبگان نیست.

ترس

یکی از عوامل اثر گذار در تدوین تاریخ شفاهی ایران، مسئله ترس می باشد. زیرا رجال و شخصیت هایی که مورد مصاحبه قرار می گیرند، همواره این خطر متوجه آنان است که با گفتن گذشته خویش، آینده خود و بستگان شان را به خطر اندازند. طبق مصاحبه های دانشگاه هاروارد به وسیله آقای لاجوردی، برخی از چهره های مطرح، بر این عقیده بوده اند که آن ها به اندازه کافی دشمن دارند که با این مصاحبه ها (2) به تعداد آنان نیفزایند.

برخی افراد که برای مصاحبه انتخاب می شدند، بیان می کردند که دوست ندارند از گذشته صحبت کنند. زیرا به سبب کهن سالی بسیاری از موارد را به خاطر نمی آورند. بنابراین فقط اجازه می دادند بدون استفاده از ضبط صوت و دیگر مواد مصاحبه، ملاقات انجام شود. (3)

با توجه به طرح هایی که در آرشیو تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی انجام شده، مسئله ترس به عنوان یکی از مسائل اساسی بر پژوهش های شفاهی تأثیر گذار است. مثلاً در طرح تاریخ شفاهی شهریور 20 با 15 نفر از افرادی که حوادث شهریور 1320 را به خاطر داشتند، مصاحبه انجام شد؛ با افسر ارتش، (4) عضو حزب ایران (5)، تلگراف چی باجگیران، (6) بازاری، کارمند آستان داری، (7) دستگیر شده به دست روس ها و انتقال یافته به عشق آباد، از نیرو های صولت السلطنه، (8) راننده حمل مهمات برای روس ها و... در این طرح فقط شمار اندکی به خاطر ترس از گذشته حاضر به مصاحبه نشدند و عده ای هم حواس پرتی را بهانه می کردند و می گفتند به علت پیری بسیاری از خاطرات را فراموش کرده اند.

در طرح تاریخ شفاهی پزشکی مشهد، با حدود 25 نفر از پزشکان قدیمی مشهد بیش از 120 ساعت مصاحبه انجام شد. مصاحبه شوندگان، زمانی که به وقایع انقلاب اسلامی می رسیدند، نا خواسته صحبت نمی کردند و یا این که برخی از حقایق را نمی گفتند. در این

ص: 179

1- مقالات متعددی در نقد کتاب شعبان جعفری نوشته شد؛ مقالاتی چون حاکم خیابان ها. مجید رهبانی (جهان کتاب، سال هفتم شماره نهم و دهم، ص 20) و شعبان و مراد. نصر الله حدادی (کتاب هفته، شماره 76، مرداد 1381، ص 13) و شعبان جعفری و مشکل کتمان. خسرو معتضد (کتاب هفته، شماره 76، مرداد 1381، ص 10) و داستان پشمالویی شاید از غیب. محمد قاند (جهان کتاب، سال هفتم، شماره نهم و دهم، ص 25) و...

2- به کوشش حبیب لاجوردی، خاطرات علی امینی (تهران: گفتار، 1376)، ص 42.

3- در مصاحبه با آقای رشید پسندیده عنوان شد (طرح تاریخ شفاهی شهریور 1320 مشهد، واحد تاریخ شفاهی مدیریت اسناد آستان قدس رضوی). او از نیرو های نظامی است که مقارن شهریور 20 در مشهد به اسارت روس ها در آمده و چند ماهی در زندان های عشق آباد سپری کرده است. آقای پسندیده، اطلاعات بسیار مهمی درباره نحوه حضور روس ها در خراسان و در گیری آن ها با نیرو های دولتی دارد.

4- مصاحبه با غلام حسین بقیعی. شهریور 1383. آقای بقیعی مقارن شهریور 1320 به استخدام ارتش در آمده و در دانشکده افسری

مشغول تعلیمات نظامی بوده است. وی از اعضای فعال حزب توده می باشد که تا کنون بیش از ده کتاب در مسائل سیاسی - اجتماعی نوشته است.

5- مصاحبه با فرهنگ نخعی دی ماه 1383 ، آقای نخعی، در شهریور 20 افسر دانشکده افسری بوده است که بنا به مسائلی از دانشکده افسری استعفا داده و به روزنامه نگاری پرداخته است. وی از روزنامه نگاران موفق دهه 20 و از اعضای فعال حزب ایران می باشد. از وی تا کنون بیش از ده کتاب و مقاله به رشته تحریر در آمده است. بعد از کودتای 28 مرداد، سیاست را کنار گذاشته و به مسائل دینی پرداخته است.

6- اسد الله شمعخانی مطلق باجگیران (متولد 1300)؛ آقای شمعخانی در شهریور 20 از جمله افرادی بوده است که شاهد عینی تهاجم روس ها از باجگیران می باشد. وی در آن زمان کارمند تلگراف خانه بوده است. بنابراین خاطرات جالب توجهی از حضور روس ها در منطقه باجگیران دارد.

7- سید علی میرنیا (متولد 1297)؛ تا کنون از آقای میرنیا بیش از 30 عنوان کتاب در موضوع تاریخ خراسان، فرهنگ و مردم شناسی و ادبیات به چاپ رسیده است. وی در دهه 20 به استخدام استان داری در آمده و پس از طی مراحل اداری، به فرمان داری شهر های خراسان رسیده است و اطلاعات جامعی درباره شهریور 1320 دارد.

8- عباس خان جلایر (1302)؛ پدر و اجداد آقای جلایر، از حکام کلات نادر می باشند. در واقع وی آخرین باز مانده و فرد مهم از خان های کلات می باشد. در شهریور 20 همراه صولت السلطنه هزاره در شورش علیه حکومت شرکت داشته است، و به عنوان سربازی در رکاب صولت بوده است. اطلاعات جامعی درباره علل قیام صولت و خاطراتی از آن حادثه دارد.

طرح، مهم ترین ملاک انتخاب مصاحبه شونده، عبارت بود از: 1- سن (بیش از 80 درصد مصاحبه شوندگان این طرح، سن شان بالای 80 سال بود)؛ 2- دارای تألیف باشند؛ 3- در زمان طبابت، استاد دانشگاه یا از رئیس ها بوده باشند؛ 4- از مؤسسان بیمارستان های خصوصی در مشهد باشند.

در طرح تشکیلات اداری آستان قدس رضوی - که طیف مصاحبه شوندگان بازنشستگان آستان قدس رضوی قبل از انقلاب می باشند - معدود افرادی هستند که بدون ترس شروع به صحبت می کنند و اکثراً با محافظه کاری خاطرات شان را بیان می کنند. این طرح، به بررسی وضعیت اداری آستان قدس رضوی در تاریخ معاصر می پردازد، بخصوص به نحوه گسترش ادارات و تاریخ چه تأسیس آن ها. نکته در خور توجه در این طرح، زمانی است که ضبط خاموش می شود؛ چون مصاحبه شوندگان، شروع به نقد و بررسی ادارات آستان قدس می کنند. مسئله اصلی برای هر یک از مصاحبه شوندگان، آزادی بیان می باشد. زیرا مصاحبه شوندگان از لحاظ حقوقی هیچ گونه تأمینی ندارند و حتی مقررات و اساس نامه هایی که در مراکز تاریخ شفاهی تهیه می شود، بیش تر دیدگاه پژوهشی در آن ها منظور شده است و مطابق با قوانین حاکم بر جامعه نیست.

ترس از بیان حقایق در میان مصاحبه شونده ها، عاملی تأثیر گذار در پژوهش های شفاهی می باشد. بسیاری از نوشته ها و حتی کار های انجام شده، حکایت تلخ ترس از واقعیت را در خود نهفته است.

کتمان حقایق

برخی افراد بنا به مصالح خود از گفتن واقعیت ها خود داری می کنند؛ (1) با این که شاید بیش از نیم قرن از حادثه گذشته باشد، باز هم حقایق را می پوشانند و با بهانه این که سن آنان بالا رفته و احتمال دارد حرف هایی بگویند که به صلاح آنان نباشد، از مصاحبه کردن طفره می روند. عامل دیگری که دست آویز این افراد است، بهانه حواس پرتی می باشد که مصاحبه شونده با توسل به آن، از گفتن حقایق چشم می پوشد. (2)

ص: 180

1- خسرو معتضد، در نقدی که بر کتاب شعبان جعفری نوشته، چنین بیان کرده است: «شعبان، هم سال خورده است و هم مشکل کتمان دارد. به عنوان مثال، در مورد زمانی که اولین بار تحت پیگرد قرار گرفته، مطالب عجیب و غریبی می گوید مبنی بر این که یکی داشته عکس می گرفته، از بالا ناگهان افتاده و مرده و پلیس او را دستگیر می کند.»

2- در طرح تاریخ شفاهی شهر یور 1320، یکی از افرادی که مورد نظر برای مصاحبه بود و اطلاعات جامعی درباره قیام افسران خراسان داشت، عامل حواس پرتی را بهانه خود داری از مصاحبه کرد.

در تاریخ شفاهی، بهترین هنری که مصاحبه کننده دارد در دست گرفتن جریان مصاحبه و تسلط بر موضوع می باشد. برخی از مصاحبه ها بیش تر به قصه می ماند تا مصاحبه علمی. در این گونه مصاحبه ها، روایت کننده، جریان مصاحبه را در دست می گیرد و با بیان خاطرات گذشته، ساعت ها وقت مصاحبه گر را می گیرد. این جور مصاحبه، اصولاً با یک سؤال کلی شروع می شود و پس از آن، مصاحبه شونده در جایگاه خطیب می نشیند و آن چه را دوست دارد، بیان می کند.

توانایی مصاحبه

از دیگر عوامل اثر گذار در تاریخ شفاهی، چگونگی رفتار مصاحبه شونده ها در ارائه مطالب می باشد. چون با توجه به موضوعات متفاوت در تاریخ شفاهی ایران، روایت کنندگان از موضوعات متفاوتی اطلاع دارند، پژوهش گر تاریخ شفاهی، همواره با این مسئله مواجه است که کدام مسئله مورد پژوهش قرار گیرد. برخی از افراد که برای طرح تاریخ شفاهی شهریور 1320 خراسان (1) مورد نظر بودند، در مصاحبه اولیه که با آن ها داشتیم، بیان می کردند که آنان گزینه های خوبی برای مصاحبه نیستند. اما پس از جلب موافقت آنان، مشخص می شد تمامی افرادی که می توانند خاطرات گذشته را بیان کنند، هر چند در جریان مسائل نبوده اند، ولی گفته هایی داشتند که اولین بار بود مورد بحث قرار می گرفت.

مدت زمان مصاحبه

تعیین مدت زمان مصاحبه، نقش ارزنده ای در پیشرفت مصاحبه ها دارد. برآستی چه زمانی برای انجام مصاحبه مطلوب است؟ در تعیین وقت مصاحبه، عواملی دخیل است که فهرست وار به آن ها اشاره می شود: سن، قدرت بیان، قدرت تفکر، وضعیت جسمانی مصاحبه شونده، محل، زمان و تعداد جلسات مصاحبه و...

کسی که 80 سال سن دارد (2) و تمام شرایط مصاحبه برایش فراهم است، در 30 دقیقه نخست مصاحبه، هر آن چه که در ذهن و توان دارد بیان می کند و پس از آن، به علت

ص: 181

1- شیوه پژوهش در طرح تاریخ شفاهی شهریور 1320، بدین صورت بود که ابتدا در زمینه موضوع شهریور 1320 خراسان، به مطالعه در کتاب ها، اسناد، روزنامه ها و ... پرداخته شد. آن گاه به شناسایی افرادی که در این باره اطلاعی داشتند، اقدام شد. البته ابتدا از کسانی که واحد تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی با آن ها مصاحبه کرده بود، شروع شد. شیوه ارتباط با مصاحبه شونده ها، چنین بود که پس از جلب موافقت آن ها، یک جلسه پیش مصاحبه انجام می شد. آن گاه نمونه سؤالات و مدخله ای مورد نظر با مصاحبه شونده در میان گذاشته می شد؛ سپس قرار مصاحبه به میان می آمد و معمولاً جلسه اول مصاحبه ها تصویری بود، ولی دیگر جلسات بنا به تشخیص، صوتی یا تصویری برگزار می شد.

2- در طرح تاریخ شفاهی شهریور 1320 مشهد، این نکته کاملاً تجربه شد. زیرا افرادی که برای مصاحبه گزینش می شدند، 80 سال سن داشتند.

خستگی، پاسخی گذرا به پرسش‌ها می‌دهد. این نکته، در مصاحبه‌هایی که دانشگاه هاروارد فراهم کرده، رعایت نشده است؛ به طوری که گاه روایت کنندگان در یک جلسه حدود 4 ساعت صحبت کرده‌اند. (1)

و یا خاطرات سپهد کیا که طی دو جلسه، در تاریخ‌های 21 و 25 اکتبر 1985 خاطرات وی را ضبط کرده‌اند. (2)

تکسو نگری

یکی از مسائلی که در تاریخ شفاهی ایران نمود پیدا کرده و تا حدی پژوهش‌های تاریخ شفاهی را با مسائل جدیدی مواجه ساخته است، برخی از مصاحبه‌هاست که با نگرشی خاص و در چارچوب مسائلی از پیش تعیین شده، ضبط و ثبت می‌شوند. بخصوص این مسئله پس از انقلاب پررنگ‌تر شده است. خاطره نویسی‌های متعدد، نشر اسناد و شیوه‌های جدید در انتشار خاطرات (3) در قالب تاریخ شفاهی، موجب شده تا برخی از خاطرات فقط عنوان شفاهی داشته باشند. (4) متأسفانه تدوین‌کننده‌های تاریخ شفاهی در ایران، با جا بجا کردن گفته‌های مصاحبه‌شونده‌ها، جذابیتی را که در لحن گفتاری مصاحبه‌شونده وجود دارد، از مصاحبه‌ها می‌گیرند. (5)

مصاحبه شونده

مشکلات خاصی که همواره مصاحبه‌گر با آن مواجه است، تشخیص دادن این است که با چه افرادی مصاحبه شود؛ آیا باید به سراغ شخصیت‌های مطرح در تاریخ رفت یا این که تمام افراد می‌توانند اطلاعات جامعی درباره‌ی مسائل تاریخی ارائه دهند. در تاریخ شفاهی، معمولاً افرادی که رهبری جریان یا حادثه‌ای را در اختیار دارند و یا کارگردانان اصلی وقایع تاریخی - که شاهدان عینی تاریخ می‌باشند - در اولویت قرار دارند. منتها این دلیل قانع‌کننده‌ای نیست که فقط به سراغ افراد مطرح باید رفت. زیرا بر حسب موضوع پژوهش، افرادی که در درجه‌ی دوم قرار دارند، راحت‌تر اطلاعات را در اختیار قرار می‌دهند. در مصاحبه، مصاحبه

ص: 182

1- خاطرات محمود فروغی را در دو جلسه و مجموعاً هشت ساعت، در شهر پالم بیچ (palm beach) ایالت فلوریدای آمریکا، حبیب لاجوردی ضبط کرده است. خاطرات محمود فروغی، به کوشش حبیب لاجوردی (تهران: کتاب نادر، 1383)، ص 2؛ و یا خاطرات آقای دکتر محمد علی مجتهدی طی 9 ساعت در سه جلسه، از 21 تا 14 اردیبهشت 1367/2-4 مه 1988 ضبط گردیده است. خاطرات دکتر محمد علی مجتهدی، به کوشش حبیب لاجوردی (تهران: کتاب نادر 1380)، ص 19؛ هم چنین خاطرات عبدالمجید مجیدی را طی هفت ساعت در سه جلسه، در تاریخ‌های 3 خرداد 1364/29 مهر و 2 آبان 1364 در دفتر کار وی در پاریس، شاد روان ضیا صدقی ضبط کرده است. خاطرات عبدالمجید مجیدی، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه (1351-1356)، با ویرایش حبیب لاجوردی (تهران: گام نو، 1381)، ص 9.

2- خاطرات سپهد حاج علی کیا. به کوشش حبیب لاجوردی (تهران: زیبا، 1381)، ص 11.

3- در خاطره نگاری، سه روش به کار می‌رود: 1- خاطره نگاری بر مبنای یادداشت روزانه؛ 2- خاطره نگاری بر مبنای حافظه؛ 3- روش مصاحبه. جهت اطلاع بیشتر، بنگرید به: خاطرات ایرج اسکندری (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، 1372)، ص 16.

4- پژوهش‌هایی از قبیل تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی به کوشش غلام رضا کرباسچی و تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی به کوشش عبد الوهاب فراتی، نمونه‌هایی است که تدوین‌گرهای آن‌ها، بدون رعایت مسائل تاریخ شفاهی انتشار داده‌اند.

5- جهت اطلاع بیشتر، بنگرید به: خاطرات محمد مهدی عبد خدایی. تدوین سید مهدی حسینی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

شونده به طور کلی می باید از اهداف و شیوه های کاری تاریخ شفاهی آگاه شود و از بهره برداری های پیش بینی شده از طرح های خاصی که در آن مشارکت می کند، آگاه گردد. (1)

طرح تاریخ شفاهی ایران، گرد آورده دانشگاه هاروارد، از بسیاری جهات مهم و منحصر بفرد می باشد. زیرا روایت گران آن، اغلب رجال و شخصیت های درجه اول شمرده می شوند؛ ولی بیش تر این مصاحبه ها را تخصصی کار نکرده اند و مصاحبه گران، بدون توجه به تمامی ابعاد تاریخی، تنها یک جنبه از موضوع را مورد پژوهش قرار داده اند. در این خاطرات، مصاحبه گر در حکم شنونده بوده است. روایت گر از بدو تولد شروع کرده و مصاحبه گر در حکم تأیید کننده جملات او بوده و یا سؤالاتی نه چندان تخصصی از روایت گران کرده است. از آن جا که شخصیت های پژوهش شده اغلب از صاحب منصبان نظام گذشته بوده اند، قطعاً اطلاعات آن ها فراتر از موضوعات روایت شده می باشد (2) و یا در برخی مواقع، مصاحبه گر نتوانسته اطلاعات جامعی در زمینه تخصص روایت گران بگیرد. (3) چنین به نظر می رسد که مجریان طرح تاریخ شفاهی ایران، از فرصت پیش آمده بدرستی استفاده نکرده اند و مسائلی را دنبال کرده اند که روایت گر ها بدون زحمت به آنان پاسخ داده اند و بسیاری از نا گفته های تاریخ شفاهی ایران باز گو نشده است. (4)

مصاحبه کننده

مسئله اساسی دیگر - که تا حدودی اعتبار پژوهش های تاریخ شفاهی را تعیین می کند - مصاحبه گر می باشد. برخی از نکات وجود دارد که اگر مصاحبه گر رعایت کند، نتیجه مطلوبی می گیرد. مطالعه درباره مصاحبه، فن بیان، علاقه به تاریخ، قدرت برقراری ارتباط، وقت شناسی و برنامه ریزی را می توان از عوامل تعیین کننده مصاحبه در نظر گرفت. از میان عوامل فوق، مطالعه و شناخت مصاحبه شونده، بیش ترین تأثیر را در جریان مصاحبه دارد. در این روش، مصاحبه گر باید بکوشد تا با پژوهش کافی درباره دوران تاریخی مربوط به زندگی فردی و شرایط اجتماعی صاحب خاطرات، اشراف کامل پیدا کند؛ اسناد و مدارک را مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار دهد و سپس با طرح پرسش های ضروری، با استقلال کامل در عین هم کاری با صاحب خاطرات، به استخراج دانسته ها و داوری های او پردازد. (5)

ص: 183

- 1- به نقل از مقاله منتشر نشده ابو الفضل حسن آبادی، تحت عنوان استاندارد های جهانی تاریخ شفاهی.
- 2- جهت اطلاع بیش تر، بنگرید به: خاطرات دکتر علی مجتهدی، به کوشش حبیب لاجوردی (تهران: کتاب نادر، 1380).
- 3- در خاطرات سپهبد کیا، درباره شعبه کار تجسس و ساواک سؤال شده است. راوی به سؤال مزبور پاسخ نداده. در این زمینه مصاحبه گر چون مستقیم وارد موضوع حساسی شده است، روایت گر از پاسخ دادن خود داری کرده است. جهت اطلاع بیش تر، بنگرید به: خاطرات سپهبد حاج علی کیا، صص 132-145؛ و یا زمانی که درباره شخصیت های هم کار روایت گر سؤال شده، سؤالاتی معمولی شده که نشان از نا پژوهیدگی دارد. خاطرات حاج علی کیا، ص 145.
- 4- جهت اطلاع بیش تر، بنگرید به: مجموعه خاطرات محمود فروغی، به کوشش حبیب لاجوردی (تهران: کتاب نادر، 1383).
- 5- خاطرات ایرج اسکندری (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، 1372)، ص 16.

شیوه مصاحبه های تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد، بدین صورت است که مصاحبه در دو مرحله انجام شده است: در مرحله اول، روایت کننده نکات مهم زندگی خود را تعریف کرده است. در مرحله دوم، مصاحبه کننده (1) بر اساس مطالب اظهار شده در مرحله اول و نکات و وقایع مهم تاریخی که روایت کننده از آن اطلاع داشته، از روایت کننده سؤال کرده است.

مسائل اساسی

هر چند تاریخ شفاهی از بسیاری جهات مفید و ارزش مند است، ولیکن وجود برخی از مسائل سبب می شود تا پژوهش های تاریخ شفاهی جایگاه حقیقی و واقعی خود را نداشته باشد. برخی از پژوهش های انجام گرفته در تاریخ شفاهی، با جهت گیری خاص تهیه و تدوین شده اند که این عامل، ارزش علمی آن را از بین می برد. کارنامه تاریخ شفاهی ایران چندان روشن نیست. هر یک از مراکز داخلی که به این امر می پردازند، از شیوه های متفاوتی در تدوین مجموعه های منتشر شده استفاده کرده اند. دخل و تصرف در مصاحبه ها، در آثار منتشر شده کاملاً مشخص است و به جرئت می توان گفت که در داخل ایران کار در خور توجهی انجام نشده است؛ و این در حالی است که جامعه ایران قابلیت انجام مصاحبه را در موضوعات متنوع تاریخ شفاهی دارد.

از دیگر مسائل اساسی در تدوین تاریخ شفاهی، جنبه اغراق آمیز بودن پاره ای از گفته های مصاحبه شونده ها می باشد که به عنوان مشکلی، محققان تاریخ شفاهی با آن مواجه هستند.

نتیجه گیری

در نیم نگاهی به کارنامه تاریخ شفاهی در ایران، آن چه مسلم است، برخی از پژوهش های انجام شده، بر اساس علایق و دیدگاه های خاصی گرد آوری شده است. به جرئت می توان گفت: از جمله مسائلی که بر تاریخ شفاهی ایران تأثیر گذار بوده، مشکل امنیت برای روایت کننده است که این مسئله، ریشه در شرایط بسته سیاسی - اجتماعی دارد. به نحوی که

ص: 184

1- خاطرات عبدالمجید مجیدی، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه (1351-1356)، با ویرایش حبیب لاجوردی (تهران: گام نو، 1381)، ص 9.

افراد از طرح کردن سابقه خود، از بیم پیگرد احتمالی خود داری می ورزند. زمانی فرد به بازگویی جریان می پردازد که تمام شرایط مصاحبه مطلوب برای او فراهم باشد.

عواملی چون کتمان، فراموشی، دروغ گویی، بی حوصلگی، کهن سالی، نبود امنیت و... برای مصاحبه شوندهگان، و مواردی چون بی علاقه‌گی (1) و مسلط نبودن به موضوع پژوهشی برای مصاحبه کننده ها، از عوامل اساسی و تأثیر گذار بر تدوین تاریخ شفاهی ایران می باشد.

پی نوشت ها

1- تاریخ شفاهی، عبارت است از روش نوین برای جمع آوری، حفظ و نگه داری خاطرات، زندگی نامه ها، رسوم، فرهنگ مردم و کلاً اطلاعات ثبت شده متنوع که از طریق مصاحبه با افراد صاحب نظر، اندیش مندان و بعضاً عموم در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صورت می گیرد و بعد از طی مراحل، به صورت کاست یا نوار ویدئو نگهداری می شود. این اطلاعات، بعد از پیاده سازی و حروف نگاری و ویرایش، به صورت یکی از منابع مهم در کنار اسناد کتبی قرار می گیرد. «مقاله نقش تاریخ شفاهی در تعامل فرهنگی، فرهنگ پناهندگان با فرهنگ مهاجر پذیران: ابو الفضل حسن آبادی.» مقاله فوق، منتشر نشده است و در واحد تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی نگهداری می شود.

2- جهت اطلاع بیش تر، بنگرید به: علی اصغر سمسار یزدی، تدوین تجربیات خبرگان قنات (تهران: مهندسین مشاور ستیان، 1383).

3- پدرسون، آن نگه داری اسناد، ترجمه رضا مهاجر (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، 1380)، ص 382.

4- مرتضی رسولی پور. تاریخ شفاهی؛ زاویه ایرانی. کتاب هفته، شماره 130، پنج شنبه 12 مهر 1382، ص 10.

5- هما سرشار. شعبان جعفری، با ویرایش و مقدمه خسرو معتضد (تهران: البرز، 1381)، ص 29.

6- ع. باقی. تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران (تهران: تفکر، 1373)، ص 14.

7- مجید فروغی. مقاله تاریخ شفاهی و داوری مخاطب. کتاب هفته (شنبه 19 بهمن 1381)، ص 8.

8- حبیب لاجوردی. خاطرات عبدالمجید مجیدی، (تهران، گام نو، 1383).

9- در طرح تاریخ شفاهی شهریور 1320 مشهد، تا کنون با کسانی چون افسر ارتش، عضو حزب ایران، تلگراف چی باجگیران، بازاری، کارمند استان داری، دستگیر شده به دست روس ها و انتقال یافته به عشق آباد، از نیروهای صولت السلطنه مصاحبه شده است.

ص: 185

1- مصاحبه کننده، باید علاقه خاصی به تاریخ شفاهی داشته باشد و باید چنان به موضوع مسلط باشد که روایت گر، احساس کند با فردی

گفت گو می کند که او هم مانند وی سوابقی در گذشته داشته است.

10- مصاحبه با حبیب‌الله کامران پور، سرپرست اسبق اداره نقلیه آستان قدس رضوی، به تاریخ 1385/12/8.

11- اسکرین سر کلارمونت. جنگ جهانی در ایران، ترجمه غلام حسین صالح یار.

12- خاطرات، بتنهایی نمی‌تواند و نباید پایه شناخت تاریخی قرار گیرد و در این زمینه، اسناد مکتوب، نیز دارای جایگاه خاص خود است. خاطرات، عموماً ملهم از تجربه شخصی و دیدگاه فردی صاحب اثر است و طبعاً باید در مقایسه و مقابله با آثار مشابه بویژه خاطرات افرادی که در جریان همان وقایع، در تعارض با صاحب اثر قرار داشته‌اند و نیز اسناد مکتوب مورد استفاده قرار گیرد. (خاطرات ایرج اسکندری، ص 13)

13- مجید یوسفی. گفت‌گو با حبیب‌لاجوردی (تاریخ شفاهی ایران: زاویه دید هاروارد)، کتاب هفته، شماره 137، شنبه 22 شهریور 1382، ص 21.

14- ضرورت گردآوری تاریخ شفاهی در جهان امروز، گفت‌گو با دکتر علی اصغر سعیدی، فرهنگ و پژوهش، شماره 125.

15- پروژه تاریخ شفاهی ایران را، دانشگاه هاروارد از سال 1360 آغاز کرده و پس از 6 سال، با بودجه 600 هزار دلار، بیش از 900 ساعت مصاحبه با 150 تن از رجال و شخصیت‌های دوره پهلوی ضبط کرده است. (خاطرات ایرج اسکندری، ص 16).

16- مقالات متعددی در نقد کتاب شعبان جعفری نوشته شد؛ مقالاتی چون حاکم خیابان‌ها. مجید رهبانی (جهان کتاب، سال هفتم شماره نهم و دهم، ص 20) و شعبان و مراد. نصرالله حدادی (کتاب هفته، شماره 76، مرداد 1381، ص 13) و شعبان جعفری و مشکل کتمان. خسرو معتضد (کتاب هفته، شماره 76، مرداد 1381، ص 10) و داستان پشمالویی شاید از غیب. محمد قائد (جهان کتاب، سال هفتم، شماره نهم و دهم، ص 25) و...

17- به کوشش حبیب‌لاجوردی، خاطرات علی امینی (تهران: گفتار، 1376)، ص 42.

18- در مصاحبه با آقای رشید پسندیده عنوان شد (طرح تاریخ شفاهی شهریور 1320 مشهد، واحد تاریخ شفاهی مدیریت اسناد آستان قدس رضوی). او از نیروهای نظامی است که مقارن شهریور 20 در مشهد به اسارت روس‌ها در آمده و چند ماهی در زندان‌های عشق‌آباد سپری کرده است. آقای پسندیده، اطلاعات بسیار مهمی درباره نحوه حضور روس‌ها در خراسان و درگیری آن‌ها با نیروهای دولتی دارد.

19- مصاحبه با غلام حسین بقیعی. شهریور 1383. آقای بقیعی مقارن شهریور 1320 به استخدام ارتش در آمده و در دانشکده افسری مشغول تعلیمات نظامی بوده است. وی از اعضای فعال حزب توده می‌باشد که تا کنون بیش از ده کتاب در مسائل سیاسی - اجتماعی نوشته است.

20- مصاحبه با فرهنگ نحعی دی ماه 1383، آقای نحعی، در شهریور 20 افسر دانشکده افسری بوده است که بنا به مسائلی از دانشکده افسری استعفا داده و به روزنامه نگاری پرداخته است. وی از روزنامه نگاران موفق دهه 20 و از اعضای فعال حزب ایران می باشد. از وی تا کنون بیش از ده کتاب و مقاله به رشته تحریر در آمده است. بعد از کودتای 28 مرداد، سیاست را کنار گذاشته و به مسائل دینی پرداخته است.

21- اسد الله شمعخانی مطلق باجگیران (متولد 1300)؛ آقای شمعخانی در شهریور 20 از جمله افرادی بوده است که شاهد عینی تهاجم روس ها از باجگیران می باشد. وی در آن زمان کارمند تلگراف خانه بوده است. بنابراین خاطرات جالب توجهی از حضور روس ها در منطقه باجگیران دارد.

22- سید علی میرنیا (متولد 1297)؛ تا کنون از آقای میرنیا بیش از 30 عنوان کتاب در موضوع تاریخ خراسان، فرهنگ و مردم شناسی و ادبیات به چاپ رسیده است. وی در دهه 20 به استخدام استان داری در آمده و پس از طی مراحل اداری، به فرمان داری شهر های خراسان رسیده است و اطلاعات جامعی درباره شهریور 1320 دارد.

23- عباس خان جلایر (1302)؛ پدر و اجداد آقای جلایر، از حکام کلات نادر می باشند. در واقع وی آخرین باز مانده و فرد مهم از خان های کلات می باشد. در شهریور 20 همراه صولت السلطنه هزاره در شورش علیه حکومت شرکت داشته است، و به عنوان سربازی در رکاب صولت بوده است. اطلاعات جامعی درباره علل قیام صولت و خاطراتی از آن حادثه دارد.

24- خسرو معتضد، در نقدی که بر کتاب شعبان جعفری نوشته، چنین بیان کرده است: «شعبان، هم سال خورده است و هم مشکل کتمان دارد. به عنوان مثال، در مورد زمانی که اولین بار تحت پیگرد قرار گرفته، مطالب عجیب و غریبی می گوید مبنی بر این که یکی داشته عکس می گرفته، از بالا ناگهان افتاده و مرده و پلیس او را دستگیر می کند.»

25- در طرح تاریخ شفاهی شهریور 1320، یکی از افرادی که مورد نظر برای مصاحبه بود و اطلاعات جامعی درباره قیام افسران خراسان داشت، عامل حواس پرتی را بهانه خود داری از مصاحبه کرد.

26- شیوه پژوهش در طرح تاریخ شفاهی شهریور 1320، بدین صورت بود که ابتدا در زمینه موضوع شهریور 1320 خراسان، به مطالعه در کتاب ها، اسناد، روزنامه ها و ... پرداخته شد. آن گاه به شناسایی افرادی که در این باره اطلاعی داشتند، اقدام شد. البته ابتدا از کسانی که واحد تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی با آن ها مصاحبه کرده بود، شروع شد. شیوه ارتباط با مصاحبه شونده ها، چنین بود که پس از جلب موافقت آن ها، یک جلسه پیش مصاحبه انجام می شد. آن گاه نمونه سوالات و مدخله ای مورد نظر با مصاحبه شونده در میان گذاشته

می شد؛ سپس قرار مصاحبه به میان می آمد و معمولاً جلسه اول مصاحبه ها تصویری بود، ولی دیگر جلسات بنا به تشخیص، صوتی یا تصویری برگزار می شد.

27- در طرح تاریخ شفاهی شهریور 1320 مشهد، این نکته کاملاً تجربه شد. زیرا افرادی که برای مصاحبه گزینش می شدند، 80 سال سن داشتند.

28- خاطرات محمود فروغی را در دو جلسه و مجموعاً هشت ساعت، در شهر پالم بیچ (palm beach) ایالت فلوریدای آمریکا، حبیب لاجوردی ضبط کرده است. خاطرات محمود فروغی، به کوشش حبیب لاجوردی (تهران: کتاب نادر، 1383)، ص 2؛ و یا خاطرات آقای دکتر محمد علی مجتهدی طی 9 ساعت در سه جلسه، از 21 تا 14 اردیبهشت 1367/2-4 مه 1988 ضبط گردیده است. خاطرات دکتر محمد علی مجتهدی، به کوشش حبیب لاجوردی (تهران: کتاب نادر 1380)، ص 19؛ هم چنین خاطرات عبدالمجید مجیدی را طی هفت ساعت در سه جلسه، در تاریخ های 3 خرداد 1364/29 مهر و 2 آبان 1364 در دفتر کار وی در پاریس، شاد روان ضیا صدقی ضبط کرده است. خاطرات عبدالمجید مجیدی، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه (1351-1356)، با ویرایش حبیب لاجوردی (تهران: گام نو، 1381)، ص 9.

29- خاطرات سپهد حاج علی کیا. به کوشش حبیب لاجوردی (تهران: زیبا، 1381)، ص 11.

30- در خاطره نگاری، سه روش به کار می رود: 1- خاطره نگاری بر مبنای یادداشت روزانه؛ 2- خاطره نگاری بر مبنای حافظه؛ 3- روش مصاحبه. جهت اطلاع بیش تر، بنگرید به: خاطرات ایرج اسکندری (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، 1372)، ص 16.

31- پژوهش هایی از قبیل تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی به کوشش غلام رضا کرباسچی و تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی به کوشش عبد الوهاب فراتی، نمونه هایی است که تدوین گر های آن ها، بدون رعایت مسائل تاریخ شفاهی انتشار داده اند.

32- جهت اطلاع بیش تر، بنگرید به: خاطرات محمد مهدی عبد خدایی. تدوین سید مهدی حسینی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1379)

33- به نقل از مقاله منتشر نشده ابو الفضل حسن آبادی، تحت عنوان استاندارد های جهانی تاریخ شفاهی.

34- جهت اطلاع بیش تر، بنگرید به: خاطرات دکتر علی مجتهدی، به کوشش حبیب لاجوردی (تهران: کتاب نادر، 1380).

35- در خاطرات سپهبد کیا، دربارهٔ شعبهٔ کار تجسس و ساواک سؤال شده است. راوی به سؤال مزبور پاسخ نداده. در این زمینه مصاحبه گر چون مستقیم وارد موضوع حساسی شده است، روایت گر از پاسخ دادن خود داری کرده است. جهت اطلاع بیش تر، بنگرید به: خاطرات سپهبد حاج علی کیا، صص 132-145؛ و یا زمانی که دربارهٔ شخصیت های هم کار روایت گر سؤال شده، سؤالاتی معمولی شده که نشان از نا پژوهیدگی دارد. خاطرات حاج علی کیا، ص 145.

36- جهت اطلاع بیش تر، بنگرید به: مجموعهٔ خاطرات محمود فروغی، به کوشش حبیب لاجوردی (تهران: کتاب نادر، 1383).

37- خاطرات ایرج اسکندری (تهران: مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش های سیاسی، 1372)، ص 16.

38- خاطرات عبدالمجید مجیدی، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه (1351-1356)، با ویرایش حبیب لاجوردی (تهران: گام نو، 1381)، ص 9.

39- مصاحبه کننده، باید علاقهٔ خاصی به تاریخ شفاهی داشته باشد و باید چنان به موضوع مسلط باشد که روایت گر، احساس کند با فردی گفت گو می کند که او هم مانند وی سوابقی در گذشته داشته است.

ص: 189

و من که تاریخ پیشه گرفته ام، التزام این قدر کرده ام که آن چه نویسم، یا از معاینه من است یا از سماع مردم ثقه. (ابو الفضل بیهقی)

چکیده

دگرگونی در بافت و ماهیت تاریخ نگاری نوین، به مثابه دست آورد دنیای جدید - که تاریخ را در منظومه دانشی ملزم به پای بندی به چهار چوبه های نو اندیشی و تحول گرایی علمی قرار می دهد - افق هایی از ضرورت باز نگری در شیوه های پژوهش و مطالعه را فراروی پژوهندگان این گستره می گشاید. واقعیت آن است که امروزه تاریخ، جامه های مندرس بافته و پرداخته نگره های سنتی کهن را - که از آن تندیسی شکننده همانند شعر، تخیل، افسانه و در بهترین حالت گونه ای وقایع نگاری جزم اندیشانه می تراشید - به دور افکنده است و چهره نوینی یافته که به پشتوانه آن، قادر است گره های کوری را که سده ها از منظومه تاریخ، معمای لاینحلی بر ساخته بود، بگشاید. تاریخ شفاهی گر چه از یک روزنه و با تکیه بر ادبیات شفاهی با ریشه هایی در دل تاریخ باستان از یک سو و خاطره نگاری اوج گرفته در سده های اخیر از دیگر سو، پیشینه ای به بلندای خود تاریخ دارد، اما در واقع در مفهوم راستین خویش، یکی از موالید این نوگرایی در حوزه تاریخ و تاریخ باوری است. در این مقاله، کوشش شده است به اهمیت و ضرورت این گونه پژوهشی، از دریچه های گونه گون پرداخته شود: بررسی تاریخ شفاهی از دریچه روان شناسی

اجتماعی و ارتباط تنگاتنگ باز خورد های اجتماع بر فرد

ص: 191

و بر عکس فرد بر اجتماع در دل آثار بر خاسته از این شیوه پژوهشی با تأثیر غیر مستقیمی که بر روایت تاریخی دارد، ارتباط و خدمت متقابلی که میان تاریخ شفاهی و فرهنگ عامیانه وجود دارد، اهمیت این شیوه از دیدگاه فلسفه تاریخ مبتنی بر انگاره ای که به تأثیر گذاری دو سویه و فرا گیر حال و گذشته در گستره تاریخ باور مند است، و هم چنین لزوم نوگرایی در تاریخ نگاری پوینده ای که می کوشد با پشت سر نهادن فرایندی علمی به کنه فکت های تاریخی دست یابد، از جمله این دریچه هابند.

کلید واژه ها: تاریخ شفاهی، تاریخ سنتی، فرهنگ عامیانه، فلسفه تاریخ.

مقدمه

چندی پیش دکتر حافظ فرمان فرمایان، در مقاله ای فشرده و موجز، به باز شکافی بحران خزانده تاریخ نگاری ایرانی پرداخته بود. (1) وی در این مقاله کوشیده بود توجه مخاطبان را به ضرورت تحول آفرینی و شالوده شکنی در گستره تاریخ نگاری بر انگیزاند. گر چه وی مستقیماً به اهمیت تاریخ شفاهی در این فرایند اشاره ای نکرده بود، اما به نظر می رسد می توان اهمیت تاریخ شفاهی را در باز نمایی تاریخ روایی ایران به عنوان تکمله ای بر این گفتار افزود. بویژه آن جا که نگارنده می کوشد به لزوم تلاش برای نگارش تاریخی بی طرفانه و منزله از باز نگری ها و دست کاری های فکری و عقیدتی بر خاسته از طبقه و گروه و تعلقات فردی مورخان درباری و دولت مدار و اساساً ذی نفع پردازد:

«دیگر نمی توانیم به خود اجازه دهیم که بسهولت از دریچه چشم یک مأمور سیاسی و یا مبلغ فرقه ای، درباره یک ملت داوری کنیم. رسم دیرینه نگرستن به یک گروه و یا جنبه ای از یک قضیه به عنوان حق مطلق و نگرستن به گروه یا جنبه ای دیگر از یک مسئله به عنوان باطل و ناحق محض، می باید بکلی متروک گردد.» (2)

به نظر می رسد، از این ره گذر تاریخ شفاهی عرصه بسیار مناسبی باشد؛ از این لحاظ که اکنون این مورخ و پژوهنده نوگرای تاریخ است که همانند تریبونی بی طرف در برابر مأمور

ص: 192

1- حافظ فرمان فرمایان، نکاتی چند درباره مشکلات تاریخ نویسی در ایران، مجله یاد، سال بیستم، ش 77، پاییز 1384، ص 17.

2- همان، ص 18.

سیاسی، مبلّغ، دولت مدار و... قرار می گیرد تا آن ها به بیان دیده ها، شنیده ها و نقش آفرینی های تاریخی خود در برهه های مختلف اشاره کنند. آن ها دیگر تاریخ نگار یا قاضی جریان های تاریخی نیستند، بلکه تنها راویان حوادثند که گفتار شان تنها مواد خام مورد نیاز پژوهش گر را تشکیل می دهد. در واقع آن چه از این مباحثه بیرون می تراود، گونه ای روایت مستند تاریخی است که می تواند در کنار دیگر اطلاعات مستند، جور چین تاریخ را بویژه در حوزه تاریخ معاصر تا حدی کامل کند. چنین بستری این امکان را به محقق جست جو گر می بخشد که حوادث را تنها از یک روزنه باز کاوی نکند، بلکه آن را به مثابه نوعی تجربه جمعی پویا دریابد و به این ترتیب، از نقش سنتی و منفعل و بی تأثیر خود رها شده و این پتانسیل را پیدا کند که در قضاوت های تاریخی به فکت های بیش تری دسترسی داشته و در اثبات تحلیل های خود چنته پر تری داشته باشد. این تحول در شیوه تاریخ نگاری، ضمن آن که کار استناد را ظریف تر و پاسخ گو تر می کند، باعث می شود قشر تاریخ نگارانی که پیش از این معمولاً از میان طبقات اغلب ذی نفع بر می خاستند و در نتیجه بی طرفی تاریخی در زاویه نگرش و نگارش شان عملاً محلی از اعراب نداشت، تغییری چرخشی کند و در واقع تاریخ را کسانی بنویسند که با موشکافی های علمی و تحقیقی، قادرند سره را از ناسره باز تشخیص دهند. این تحول در واقع پدیده نو ظهوری است که بخشی از آن مرهون اهمیت و گسترش تاریخ شفاهی است. شاید به دلیل همین اهمیت است که گرل رونالد (Grel Ronald)، تاریخ شفاهی را راهی برای دموکراتیک کردن تاریخ می داند. چرا که قضاوت های تاریخی، شکل علمی تر و بی طرفانه تری به خود گرفته و حتی الامکان و نه به گونه ای آرمانی، از جزم اندیشی، جبریت گرایی، فرد محوری و تکسو نگری رهایی یافته اند.

نخستین گام: جست جوی ضرورت و اهمیت تاریخ شفاهی

آن گاه که پروفیسور آلن نوینز (Allen Nevins)، نخستین بار در سال 1948 م. در دانشگاه کلمبیا با استفاده از ضبط صوت، نخستین طرح را در زمینه تاریخ شفاهی با گرد آوری خاطرات سیاسی گروهی از شخصیت های سیاسی انجام داد، هرگز نمی دانست که این شیوه نوین در کوتاه زمانی همانند یک واگیر مثبت در گستره روش تحقیق تاریخی پهنه

می گستراند. واقعیت آن است که بعد از دهه 60 میلادی بود که این شیوه در تاریخ اجتماعی و فرهنگی نیز رخنه کرد و موفق شد تحولی اساسی در زاینده های تاریخی بر جا نهد. این دهه طلایی تاریخ شفاهی، هم زمان است با تأسیس انجمن جهانی تاریخ شفاهی (OHA) که عملاً زمینه را برای شکوفایی جنبشی موسوم به جنبش تاریخ شفاهی (Oral History Movement) هم وار کرد. (1) از این پس به مدد چنین جنبشی، ضروری بود که باز نگری و همه جانبه نگری در تاریخ نگاری رسمیت تام و تمام یابد و به الگویی برای تحول آفرینی های روشی تبدیل شود؛ روندی که به گونه ای بطنی گستردگی یافت. این نهضت، در واقع یکی از مهم ترین شکاف های بر خاسته از تاریخ نگاری سنتی را پر می کرد. واقعیت این است که جستجوی حلقه های مفقوده زنجیره تاریخ، امروز به فرایندی دشوار و پیچیده بدل شده است. بررسی بازمانده های تاریخی بویژه در حوزه آثار مکتوب، پژوهاک دهنده شکاف هایی در پیکره تاریخ است که درستی، شفافیت و همه جانبه نگری آن را زیر سؤال می برد. تاریخ اجتماعی، تاریخ توده ها، آداب و رسوم، نگره های نجات بخشی توده در ادوار مختلف به عنوان برون رفت های تأثیر گذار تاریخی از بحران های تکرار شونده، باور های نمادین، چهره اقلیت ها، گوشه هایی از تاریخ هنری، شالوده خرده فرهنگ ها، تاریخ دقیق عقاید و نحله ها آن طور که واقعاً بوده اند، سیمای شهر ها و روستا ها به عنوان مستندات قابل اتکا، درونی ها و بازتاب های روان شناسی اجتماعی و تحلیل های جامعه شناختی، همه و همه زیر سایه سنگین نگره های صرفاً سیاسی و کلان نگر - یعنی نظر گاهی که تقریباً بر کلیت تاریخ نگاری سنتی و حتی نو گرای معاصر چیرگی دارد - بی رمق و مفقود است. در واقع آن چه بر شمردیم، از جمله همان شکاف هایی قلمداد می شود که از تاریخ، جور چین نا تمامی به دست می دهد. باز کاوی گذشته و پیدا کردن این حلقه های گم شده برای پژوهنده امروزی نا شدنی نیست، اما تنها در حد فرضیه سازی ها و نظریه پردازی های نه چندان متقن و صد در صدی در جا می زند.

چنین رویکردی، در حوزه تاریخ معاصر بافت دیگر گونی پیدا می کند؛ در حوزه تاریخ معاصر و روندی که به مدد تاریخ شفاهی می کوشد لایه های پنهان مانده تاریخ را در سال های گذشته از زبان چهره های درگیر در معادلات خرد و کلان، به رشته تحریر در آورد، قادر است به روند پوینده پیش گیری از بروز چنین شکاف هایی در تاریخ نزدیک به اکنون شتاب ببخشد. به

ص: 194

1- مقاله تاریخ شفاهی (Oral history)، گاه نامه آرشیو تاریخ شفاهی، سازمان کتاب خانه ها، موزه ها و مرکز اسناد.

پشتوانه این دگر اندیشی مثبت تاریخ نگارانه، گوشه هایی از تاریخ اجتماعی شهرها و روستاها در حوزه های مختلف از جمله ساختارهای معماری، پزشکی، مناسک، آموزش و پرورش، ثبت محلات قدیمی در شرف نابودی و فراموشی، زندگی نامه نگاری چهره های فرهنگی و تاریخی - حتی آن ها که کم تر شناخته شده اند - سیر حیات فکری توده ها و بویژه تاریخ های محلی به حافظه بلند مدت تاریخ سپرده می شود و به این ترتیب است که تاریخ شفاهی عملاً مردم را وارد گردونه تاریخی می کند که تا سال ها و سده ها از تپش گام های آن ها تهی بود. این خدمت فرهنگی ارزنده تاریخ شفاهی، تاریخ اجتماعی را به شکل برجسته ای تغذیه می کند و آن را از پیکره ای عقیم و فراموش شده، به چهره ای زاینده و شکوفا بدل می سازد.

در این میان، آرشیوها قادرند با اتخاذ روش های امنیتی، به پاسداری از یافته های این کوشش و کاوش یاری رسانند. به این ترتیب، تاریخ از مطالعه ای صرفاً متکی به منابع کتاب خانه ای رها می شود و شکل زنده تری به خود می گیرد. ضرورت توجه به مطالعات میدانی و مردم نگاری در این بستر است که شکوفا می گردد. در واقع تاریخ شفاهی، روند نگارش امروز به مثابه تاریخ در آینده است؛ رویکردی که پیشینیان ما بر اهمیت و حتی موجودیت آن آگاه نبودند، و درست به همین دلیل است که «امروزه تاریخ شفاهی را یکی از روش های پژوهشی پیش رو دانسته اند، خصوصاً در زمینه موضوعاتی که نیاز به پژوهش های میدانی و جمع آوری اطلاعات دارد.» (1) چنین ضرورتی در همه جنبه های فرهنگ مردمی مشهود است؛ محمد جعفر محبوب - که از جمله پیش تازان مطالعه فرهنگ و ادبیات شفاهی و عامیانه است - این ضرورت و اهمیت را این گونه توصیف می کند:

«در هر حال، ضرورتی اجتماعی وجود داشته که تا امروز فرهنگ عوام توانسته است با وجود پیشرفت فوق العاده فرهنگ رسمی دوام بیاورد و ممکن است فردا این ضرورت اجتماعی وجود نداشته یا کم تر وجود داشته باشد و در نتیجه، بعضی از رشته های این فرهنگ به زوال و نابودی محکوم شود و از این جا لزوم و ضرورت فوری گرد آوری و ثبت و ضبط نمود های فرهنگ عوام احساس می شود...» (2) و (3)

چنین نگره ای را، درباره تاریخ نیز می توان تسری داد. اگر برخی از وقایع به شکل سینه به سینه به نسل های بعدی منتقل شده است، تنها شکلی کوتاه مدت و بدون تضمین داشته

ص: 195

1- همان

2- محمد جعفر محبوب، ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه ها و آداب و رسوم مردم ایران)، به کوشش دکتر حسن ذوالفقاری، چاپ اول (تهران: نشر چشمه، زمستان 1382)، ج 1، صص 41 - 42.

3- به یاد دارم که در دوره کارشناسی و برای درس تاریخ محلی، یکی از دانشجو ها، مردم نگاری زبان بازاریان تجریش و خاطرات آن ها را - که گویای زوایای پنهانی از حیات فرهنگی مردم شمیران بود - برگزید. استاد مراجعه به یکی از کهن سال ترین بازاریان تجریش را پیشنهاد و تأکید کرد که باید هر چه زود تر دست به کار شد که این فرد تنها بازمانده نسلی است که می تواند به کمک این تحقیق بشتابد و دیگران حافظه او را دارند و نه زبان و بیان شیرین و گیرایش را. تنها چند روز گذشت و دانشجو با مراجعه به بازار تجریش، از کسبه شنید که فرد مزبور در گذشته است و عملاً موضوع تحقیق او بدون ارجاع اصلی به سر انجام جالبی نرسید.

است و چه بسا در آینده ای نزدیک، اهمیت خود را از دست داده و به بونه فراموشی سپرده شود؛ در چنین شرایطی تاریخ شفاهی با همه ملزوماتش، اهمیتی دو چندان می یابد.

گام دوم: تاریخ شفاهی. روزنه ای به سوی روان شناسی اجتماعی

سال هاست آن ها که بند و بستی با تاریخ دارند، آن را دانشی در پیوند با دیگر علوم اجتماعی می انگارند و برای اثبات این نگره، فراوان می کوشند و استدلال می کنند. از جمله، مهم ترین آن ها مایکل استنفورد، استاد برجسته تاریخ است که در منظومه فلسفه تاریخ خود، بخشی را هم به این موضوع اختصاص داده است. او در موشکافی خویش، روزنه های مشترکی میان این دو یافته است که نشان می دهد تاریخ و علوم اجتماعی، در کنش و واکنشی دو سویه، یک دیگر را تغذیه و حمایت می کنند و از دیگر سو، کوشیده است با بیان این انگاره که تاریخ منظومه ای فراگیر و کل نگر و علم به طور اعم و علوم اجتماعی به طور اخص جزء نگرند، کفه ترازو را به سود تاریخ سنگین کند. چنین رویکردی، گویای آن است که تاریخ، در آرمانی ترین شکل خود باید به علوم اجتماعی به مثابه ابزار های کار آمدی بنگرد که قادرند آن را از خشک مغزی و تک سو نگری نجات بخشند و به ورطه جامعه و ادراک امروزی سوق دهند.

«... علوم اجتماعی، به صورت های مختلف برای تاریخ سود مند بوده است: دانش بستر ها و ساختار های اجتماعی را که کنش های تاریخی در چار چوب آن ها شکل می گیرد، به ارمغان آورده است؛ دانشی را عرضه کرده است که شکاف های موجود را در شواهد و داده های تاریخی پر می کند؛ طرز فکر و روش های مورخان را درباره جوامع گذشته پالایش کرده و بهبود بخشیده است و فایده بسیار مهم و چشم گیرش آن که گزارش ها و توضیح هایی مبتنی بر عناصر بزرگ و نیرو های غیر شخصی از جریان تاریخ داده است که دیدگاه سنتی را نسبت به تاریخ چونان داستان کنش و هیجان های مردان و زنانی خاص به چالش می خواند.» (1) و (2)

تاریخ شفاهی به جهت ویژگی های منحصر بفردی که دارد، در این نگره جایگاه برجسته تر و ممتاز تری پیدا می کند؛ در واقع تاریخ شفاهی بهترین مدخل برای پیوند دادن علوم اجتماعی با تاریخ به مثابه رویداد نگاری صرف است و در این میان روان شناسی اجتماعی،

ص: 196

1- مایکل استنفورد، در آمدی بر فلسفه تاریخ (هستی شناسی و شناخت شناسی، روش شناسی)، ترجمه احمد گل محمدی، چاپ اول (تهران: نشر نی، 1382)، صص 65 - 66.

2- در واقع تلاش متولیان تاریخ شفاهی برای مردم نگاری و یا نقل دیده ها و شنیده های توده های عوام، در همین راستاست.

جاذبه و گیرایی بیش تری دارد. اگر با هدایت الله ستوده هم داستان شویم و روان شناسی اجتماعی را علمی بدانیم در جست جوی «شناخت و ماهیت رفتار های فردی در وضعیت های اجتماعی»، (1) بیش تر به نزدیکی این دو حوزه پی می بریم و بر آن صحنه می نهیم ؛ تاریخ شفاهی نیز می کوشد ترسیم درونی ها و ناگفته های فرد در وضعیت های اجتماعی گونه گونی باشد که در آن قرار گرفته است و آن ها را تجربه کرده است.

از دیگر سو، نباید از تأثیر جامعه بر فرد و کنش های او در این مطالعه غفلت ورزید. تاریخ شفاهی از این حیث که می کوشد تأثیر جامعه و افراد آن را در تصمیم گیری ها و خط مشی های کنش گر مورد مصاحبه در یابد و به ارزیابی آن بنشیند، با روان شناسی اجتماعی به مثابه «مطالعه علمی فعالیت های فردی که از افراد دیگر متأثر است»، (2) گره می خورد. در واقع، همه آن چه در روان شناسی اجتماعی به عنوان محرک های محیطی مطرح است، در باز تعریف تاریخ از نگاه مصاحبه شونده دخیل در تاریخ شفاهی نیز باز تاب پیدا می کند؛ این عوامل عبارتند از: «1- رفتار و منش دیگران: آن چه دیگران می گویند و یا در ظاهر انجام می دهند و زمینه های نژادی و قومی آن ها؛ 2- شناخت اجتماعی: اندیشه ها، باور ها، خاطره ها و استدلال های فرد درباره دیگران؛ 3- متغیر های محیطی؛ 4- عوامل فرهنگی و اجتماعی: عضویت در گروه ها؛ 5- عوامل زیست شناختی.» (3)

بر همین اساس است که در جریان مطالعه تاریخی - که هدف اصلی تاریخ شفاهی است - پژوهنده می کوشد همانند یک روان شناس اجتماعی به تأثیر و تأثر دو عامل بر فرد توجه کند: «1- تأثیر فرهنگ و تمدن جامعه بر فرد؛ 2- تأثیری که افراد بر اثر زندگی جمعی، خود به خود بر یک دیگر می گذارند.» (4) گر چه پژوهنده هرگز در متن مصاحبه دخل و تصرف محتوایی نمی کند، اما با گزینش پرسش های شفاف و هدف مند، مخاطب را برای نتیجه گیری هایی از این دست یاری می دهد. پ

یکی دیگر از کار کرد های روان شناسی اجتماعی، کوشش برای درک علل و چگونگی شکل گیری رفتار های جمعی است. بررسی زمینه های این فرایند در دل تاریخ شفاهی نیز کاملاً مشهود و برجسته است و گاه منتج به همان نتایجی می شود که یک روان شناس اجتماعی از مطالعه خود استنباط می کند. (5) شاید به جهت همین اهمیت و پیوند تنگاتنگ است که متولیان

ص: 197

1- هدایت الله ستوده، روان شناسی اجتماعی، چاپ هفتم (تهران: انتشارات آوای نور، 1382)، ص 1.

2- همان، ص 14

3- همان، ص 18

4- همان، ص 45

5- همان، ص 111

پروژه های تاریخ شفاهی، مطالعات خود را بر وقایع تأثیر گذار و نقش توده در آن ها متمرکز می کنند. گوستاو لوبون، به عنوان یکی از مهم ترین نظریه پردازان روان شناسی توده ها معتقد است: «روان شناسی توده ها، نشان می دهد که تأثیر قوانین و نهاد های فرهنگی بر طبیعت دست نخورده توده ها چقدر اندک است و توده ها، سوای عقایدی که به ایشان القا شده است، تا چه اندازه از داشتن رأی شخصی عاجزند؛ قاعده هایی که صرفاً بر قضاوت عقلانی مبتنی باشد، قادر به هدایت کردن توده ها نیست.» (1) محقق تاریخ شفاهی، می تواند با استناد به این گفتار در مطالعات خود درباره جریان های گسترده تاریخی، در صدد رد یا اثبات چنین فرضیاتی بر آید و تاریخ را به عاملی تأثیر گذار و گاه کامل کننده دانش روان شناسی اجتماعی بدل سازد.

گام سوم: پیوند میان تاریخ شفاهی و فرهنگ عامیانه

در جستجوی اهمیت تاریخ شفاهی، پیش از این به اهمیت گردآوری قصه های عامیانه و نماد های فکری آن ها اشاره کرده ایم. امروزه در بسیاری موارد، شاهد تلاش محققان و ناشران داخلی و خارجی برای ثبت و ضبط قصه های عامیانه از زبان مردم کوچه و بازاریم. (2) اکنون پرسش این جاست که آیا ضبط قصه های عامیانه به شکل رایج و در دل آن آداب و سنن و نماد های رفتاری را نیز، می توان تلاشی در راستای اهداف تاریخ شفاهی دانست؟ به نظر می رسد قبل از هر چیز، باید اهمیت اجتماعی قصه های نهفته در رگ و پی فرهنگ عوام را دریافت:

«طرح مسائل مردم در قالبی جذاب، پرکشش، سرگرم کننده و ساده، یکی از دلایل فراگیر شدن قصه هاست. البته نباید تصور کرد که صرف جذابیت و کشش، علت دوام حیات قصه هاست. آن چه قصه ها را تداوم حیات بخشیده، ضرورتی درونی مضاف بر سطح فرهنگی جامعه است.» (3)

صادقیان، افزون بر این معتقد است که رسم و رسوم و عادات و عقاید و سنت های مردم نیز در ادب شفاهی ایشان منعکس شده است. (4) با چنین ره یافتی، باید تلویحاً پذیرفت که پاسداری از قصه های عوام برای ماندگار سازی آن ها نیز بخشی از کوشش تاریخ شفاهی برای

ص: 198

1- گوستاو لوبون، روان شناسی توده ها، ترجمه کیومرث خواجوی ها، چاپ دوم (تهران: انتشارات روشن گران و مطالعات زنان، 1382)، ص 39.

2- از جمله مشهور ترین نویسندگان ایرانی که به اهمیت فرهنگ عوام و مکتوب کردن آن پرداخت، صادق هدایت بود.

3- علی اشرف صادقیان، و رضا خندان مهابادی، فرهنگ افسانه های مردم ایران، چاپ سوم (تهران: نشر کتاب و فرهنگ، ج 1، چاپ سوم، تهران، 1381)، ص 15.

4- همان، ص 17.

پاس داشت تاریخ اجتماعی هر ملت است. از دیگر سو، قصه ها از این جهت که باز تابنده آرزو ها و هویت جمعی یک سرزمین و یک فرهنگ است، می تواند گوشه ای از حیات اجتماعی توده ها را در ادوار مختلف پژواک دهد.

البته بی تردید ادبیات و فرهنگ شفاهی، به قصه ها خلاصه نمی شود و خود شامل چندین تقسیم بندی است که گونه های مختلفی را در این عرصه در بر می گیرد؛ اساطیر، حکایت های اسطوره ای، افسانه ها، قصه های پهلوانی، حکایت های واقعی، داستان های امثال و لطیفه، بخشی از این گونه ها و هر یک دارای ساختار و موضوعی مشخص و متفاوت از دیگری است. در عین حال هر یک از این انواع، خود به اجزای کوچک تری تقسیم می شوند. ویژگی مشترک همه آن ها، روایی بودن آن هاست؛ چیزی که ماهیتاً آن ها را به حیطه تاریخ شفاهی گره می زند.

دسته دیگر شامل آواز ها، ترانه ها، تصنیف ها، واسونک ها، دو بیتی ها، تک بیتی ها، نوحه ها، اشعار سوگواری ها و لالائی هاست. ویژگی مشترک این انواع، منظوم بودن آن هاست. دسته دیگر شامل امثال و حکم، چیستان ها، لُغز ها، زبان زد ها، بازی های زبانی، زبان های زرگری، زبان مخفی، تشبیهات عامیانه، نفرین ها و مانند این هاست.

نباید فراموش کرد که این همه، تنها شامل بعد مکتوب فرهنگ شفاهی است. در حالی که گستره فرهنگ شفاهی هر ملت، در برگیرنده مجموعه رسومی است که چه به صورت مکتوب و یا دارای قابلیت نگارش و کتابت و چه به صورت نمادین و رفتاری به نسل های بعدی منتقل شده است. با چنین پیش فرضی است که توجه به مقوله آداب و رسوم جلب می شود؛ جشن های مذهبی، مولودی خوانی ها، آداب و مراسم عروسی (خواستگاری، بله بران، نامزدی و انواع آن، ناف بریدن پسر و دختر برای یک دیگر، الزام ازدواج پسر عمو و دختر عمو)، ختنه سوران، به زیارت اماکن مقدس رفتن، اعمال قبل از سفر، آشتی کردن و حلالیت طلبیدن، چاووشی خواندن، مرگ و تشییع جنازه، انواع سوگواری مانند سر و پا برهنه کردن، حجله گرفتن برای جوانان، جادو و جنبل، فال گیری، شیوه های جلب محبت، مهره مار و...، جارو کردن، گرفتن ناخن، نمک و حرمت آن، خواب گزاری و... (1) همه و همه تنها گوشه ای از این گستره فراگیر است که ثبت و ضبط آن با شیوه های برخاسته از تاریخ شفاهی، کمک

ص: 199

1- بنگرید به: محمد جعفری قنواتی، ادبیات شفاهی، کتاب ماه کودک و نوجوان، ش 91.

ارزنده ای به حفظ آن ها از دست برد گذر ایام و فراموشی تدریجی شان است. بر همین اساس، محققى که تاریخ شفاهى را برای مطالعه خود برگزیده است، عملاً جست جوگرى است که باید نماد های فراموش شده را از دل روستایى متروک یا خانواده ای کوچک بیرون بکشد و به مثابه گنجینه ای پر بها، به تاریخ نگاران و مردم شناسان بسپارد.

گام چهارم: ارتباط تاریخ گذشته با تاریخ نگاری اکنون

«ما تجربه اکتونی خود را بهتر خواهیم فهمید، در صورتی که آن را در آینه تاریخ ببینیم و اگر به تاریخ در پرتو دوران خودمان نگاه کنیم، در نظر ما زنده می شود، آن گاه که گذشته و اکنون یک دیگر را روشنی بخشند، زندگی ما پر بارتر خواهد شد.» (1)

این گفتار فیلسوف نام دار آلمانی، کارل یاسپرس را می توان به مثابه مدخلی برای ورود به گستره بحث ضرورت و اهمیت تاریخ شفاهى از دریچه فلسفه تاریخ مورد توجه و بررسی قرار داد. تاریخ شفاهى با بررسی رویداد های گذشته از زبان چهره های درگیر در زمان حال، به گونه ای ارتباط زمان مند گذشته و حال را نیز باز می تاباند؛ ارتباط دو سویه ای که در وهله نخست باید احتیاط و دقت محقق را برانگیزاند. از این جهت که واگوبه کردن تاریخ، به منزله گذشته در اکنون بی تأثیر از پالایه های نهفته در زمان حال و تأثیر و تأثرات ناگزیر آن نیست. البته این تنها یک روی سکه است. روی دیگر سکه، گویای اهمیت پیوند محکمی است که میان زمان حال و گذشته تاریخی از نگاه فلسفه تاریخ وجود دارد. یاسپرس در بند های بعدی تفکر مکتوب خود، با تفصیل بیش تری به این مقوله پرداخته است:

«تاریخ و زمان حال برای ما از هم جدا نشدنی است. آگاهی تاریخی دارای دو قطب است: یا من از برابر تاریخ عقب تر می روم و آن گاه تاریخ را هم چون چیزی که رو برویم قرار دارد می نگرم، هم چون کوهی بزرگ با خطوط اصلی و بخش های خاصش؛ یا در زمان حال فرو می روم: در اکنون که هست و من در آن قرار دارم، و در درون آن تاریخ برای من زمان حال می شود، زمان حالی که خود من هستم. هر دو این ها ضروری است: هم عینیت تاریخ به عنوان چیز دیگر که بی من هم وجود دارد؛ و هم ذهنیت اکنون که بی آن، آن چیز دیگر برای من بی معنی است.» (2)

ص: 200

1- کارل یاسپرس، کوره راه خرد، ترجمه مهبد ایرانی طلب، چاپ اول، (تهران: 1378)، ص 99.

2- کارل یاسپرس، آغاز و انجام تاریخ، ترجمه محمد حسن لطفی، چاپ دوم (تهران: خوارزمی، اسفند 1373)، ص 360.

البته یاسپرس فیلسوفی نیست که در این زمینه به نظریه پردازی پرداخته باشد. کالینگوود نیز به تعبیری با طرح مبحث مناقشه برانگیز خود - که تحت عبارت «تاریخ به عنوان باز آفرینی تجربه گذشته» (1) مطرح می شود - به گونه ای غیر مستقیم به بحث ارتباط حال و گذشته می پردازد. به نظر می رسد در تاریخ شفاهی با فراهم کردن این امکان که به باز گویی رویداد های گذشته پرداخته شود، به شکلی تلویحی تلاش می شود فرایندی شبیه به آن چه کالینگوود آن را باز آفرینی تاریخی می نامد، سر و صورت گیرد. تاریخ شفاهی در این معنا با آن چه کالینگوود بر آن صحنه گذاشته است، پهلو می زند؛ در این فراگرد باز آفرینی تاریخی، محقق باید با مصاحبه شونده تا آن جا که می تواند ارتباطی حسی و معنوی برقرار کند تا ضمن استفاده مثبت از تأثیر گذاری عامل زمان حال بر موضع گیری ها و روایت پردازی های او قادر باشد این همه را در مدار ذهن خود باز اندیشی کند و ضمناً اغراق ها را از واقع گویی های صادقانه تمیز دهد. در واقع محقق تاریخ شفاهی، هدفش باز سازی تاریخی گم شده و یا در شرف فراموشی

است. این فرایند تنها به مدد باز اندیشی ذهنی محقق به طور کامل شدنی و محقق می شود. با این وصف، باید دیدگاه «پیتر لی» (Peter Lee) را پذیرفت و متأثر از آن تاریخ شفاهی را یکی از روزه های ضرورت این گونه پژوهشی در تاریخ دانست.

«تاریخ، کل دید ما را نسبت به جهان، نسبت به آن چه زمان حال است و نسبت به آن چه انسان ها هستند و می توانند باشند، تغییر می دهد و با این عمل، دارای توان مندی تغییر اهداف است.» (2)

به نظر می رسد تکمله سائیکیت بر نقل قولی که از لی آورده است، باز به نوعی اشاره غیر مستقیمی است بر اهمیت تاریخ شفاهی و تأثیری که احتمالاً از این روزه تاریخ بر آینده می گذارد:

«برای آن که مطالعه تاریخی فایده ای عملی به همراه بیاورد، باید به تأثیراتی بر آینده بینجامد، باید تغییر آتی را تسهیل و ممکن کند و مسیر آن را جهت ببخشد. این به هیچ رو به معنای القای این مسئله نیست که پیشاپیش آینده را رقم بزند، بلکه به این معناست که

ص: 201

1- آر. جی کالینگوود، مفهوم کلی تاریخ، ترجمه علی اکبر مهدیان، چاپ اول (تهران: نشر اختران 1385)، 356.

2- بورلی سائیکیت، تاریخ چیست و چرا (نماد های باستانی، مدرن و پست مدرن)، ترجمه رؤیا منجم، چاپ اول: تهران: نگاه سبز، (1379)، ص 195.

ادراک ما از گذشته، می تواند برای اعتبار بخشیدن و تقویت دوباره آینده ای که می خواهیم، مورد استفاده قرار گیرد.» (1)

آیا تاریخ شفاهی با تلاش برای به حال کشاندن وقایع گذشته، در حال عینیت بخشیدن به تأثیر همیشگی تاریخ در گذر زمان در حال و حتی آینده نیست؟ و این همه، اهمیت آن را برای علمی تر کردن مقوله تاریخ نمی نمایاند؟ و به این ترتیب نمی توان تاریخ شفاهی را به اختصار گذر از گذشته به حال تعریف کرد؟ و آیا در این باز تعریف رمز هایی نهفته نیست؟

نتیجه گیری

تاریخ شفاهی و اهمیت و نقش آفرینی پویانده آن در تاریخ نگاری، از جمله مباحثی است که طرح آن در دوره ای که تلاشی جهانی و هم سو برای تبدیل تاریخ به علم صورت می گیرد، بسیار کلیدی و مهم است. تأثیرات مخرب شیوه های کهن تاریخ نگاری که اغلب از بیش ترین خطرات نا امنی فکری و جزم اندیشی عقیدتی و فرقه ای و طبقاتی بر خوردار بوده است و به این ترتیب از تاریخ، رویداد نگاری مغرضانه ای آلوده به جانب داری ها و یک سو نگری ها بر ساخته است، کوشش برای نو گرایی و دگر اندیشی در گستره مطالعات و شیوه تحقیق را بر محقق این عرصه بیش از پیش واجب می سازد. تاریخ شفاهی، این امکان را فراهم می کند که محقق مستندات بیش تری برای باز آفرینی، باز کاوی و باز نگاری تاریخ فرا چنگ آورد و در نتیجه، مواد خام بیش تر و کامل تری برای داوری نزدیک به واقع مخاطب خود به دست دهد. با این نگرش، تاریخ شفاهی را می توان در واقع یکی از روزه های منتج به روند گذار از تاریخ نگاری سنتی به سوی تاریخ نگاری نوینی دانست که قرار است تاریخ را از دست اندازی گروهی و فردی در امان نگه دارد و از آن، تندیس اصیل تری بر سازد که از صیقل تعلقات فردی، فکری و زمانی مصونیت یابد و پیکره نخستین خود را - همان گونه که بوده است - باز نمایاند. بررسی واقعیت ها از دریچه چنین بر داشتی از تاریخ، دیگر همانند گذشته کاری دشوار و نا شدنی نیست، بلکه با اندک موشکافی و دقت به عمل نزدیک می شود.

ص: 202

1- همان، ص 196.

- 1- حافظ فرمان فرمایان، نکاتی چند درباره مشکلات تاریخ نویسی در ایران، مجله یاد، سال بیستم، ش 77، پاییز 1384، ص 17.
- 2- همان، ص 18.
- 3- مقاله تاریخ شفاهی (Oral history)، گاه نامه آرشیو تاریخ شفاهی، سازمان کتاب خانه ها، موزه ها و مرکز اسناد.
- 4- همان.
- 5- محمد جعفر محبوب، ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه ها و آداب و رسوم مردم ایران)، به کوشش دکتر حسن ذوالفقاری، چاپ اول (تهران: نشر چشمه، زمستان 1382)، ج 1، صص 41 - 42.
- 6- به یاد دارم که در دوره کارشناسی و برای درس تاریخ محلی، یکی از دانشجو ها، مردم نگاری زبان بازاریان تجریش و خاطرات آن ها را - که گویای زوایای پنهانی از حیات فرهنگی مردم شمیران بود - برگزید. استاد مراجعه به یکی از کهن ترین بازاریان تجریش را پیشنهاد و تأکید کرد که باید هر چه زود تر دست به کار شد که این فرد تنها بازمانده نسلی است که می تواند به کمک این تحقیق بشتابد و دیگران حافظه او را دارند و نه زبان و بیان شیرین و گیرایش را. تنها چند روز گذشت و دانشجو با مراجعه به بازار تجریش، از کسبه شنید که فرد مزبور در گذشته است و عملاً موضوع تحقیق او بدون ارجاع اصلی به سر انجام جالبی نرسید.
- 7- مایکل استنفورد، در آمدی بر فلسفه تاریخ (هستی شناسی و شناخت شناسی، روش شناسی)، ترجمه احمد گل محمدی، چاپ اول (تهران: نشر نی، 1382)، صص 65 - 66.
- 8- در واقع تلاش متولیان تاریخ شفاهی برای مردم نگاری و یا نقل دیده ها و شنیده های توده های عوام، در همین راستاست.
- 9- هدایت الله ستوده، روان شناسی اجتماعی، چاپ هفتم (تهران: انتشارات آوای نور، 1382)، ص 1.
- 10- همان، ص 14.
- 11- همان، ص 18.
- 12- همان، ص 45.
- 13- همان، ص 111.

- 14- گوستاو لوبون، روان شناسی توده ها، ترجمه کیومرث خواجهوی ها، چاپ دوم (تهران: انتشارات روشن گران و مطالعات زنان، 1382)، ص 39.
- 15- از جمله مشهور ترین نویسندگان ایرانی که به اهمیت فرهنگ عوام و مکتوب کردن آن پرداخت، صادق هدایت بود.
- 16- علی اشرف صادقیان، و رضا خندان مهابادی، فرهنگ افسانه های مردم ایران، چاپ سوم (تهران: نشر کتاب و فرهنگ، ج 1، چاپ سوم، تهران، 1381)، ص 15.
- 17- همان، ص 17.
- 18- بنگرید به: محمد جعفری قنواتی، ادبیات شفاهی، کتاب ماه کودک و نوجوان، ش 91.
- 19- کارل یاسپرس، کوره راه خرد، ترجمه مهبد ایرانی طلب، چاپ اول، (تهران: 1378)، ص 99.
- 20- کارل یاسپرس، آغاز و انجام تاریخ، ترجمه محمد حسن لطفی، چاپ دوم (تهران: خوارزمی، اسفند 1373)، ص 360.
- 21- آر. جی کالینگوود، مفهوم کلی تاریخ، ترجمه علی اکبر مهدیان، چاپ اول (تهران: نشر اختران 1385)، ص 356.
- 22- بورلی سائیکیت، تاریخ چیست و چرا (نماد های باستانی، مدرن و پست مدرن)، ترجمه رؤیا منجم، چاپ اول: تهران: نگاه سبز، 1379)، ص 195.
- 23- همان، ص 196.
- ص: 204

نقش دانشگاه‌ها در گسترش تاریخ شفاهی (همراه با ارائه اولین طرح درس تاریخ شفاهی در ایران) ابو الفضل حسن آبادی

*نقش دانشگاه‌ها در گسترش تاریخ شفاهی (همراه با ارائه اولین طرح درس تاریخ شفاهی در ایران) ابو الفضل حسن آبادی (1)

مقدمه

تاریخ شفاهی به عنوان روشی نوین در عرصه جمع‌آوری، نگه‌داری و سامان‌دهی منابع شفاهی، هنوز در کشور ما نهادینه نشده و انبوهی از خاطرات و بسیاری از سنت‌های فراموش شده با غنای فرهنگی این مرز و بوم، تا کنون به ثبت نرسیده است.

بازنگری در برداشت از علم تاریخ و تدریس مبتنی بر فرضیات، عینیت بخشیدن به انگاره‌ها و نمادسازی تاریخی در سطوح مختلف جامعه، به منظور هویت بخشی دینی و ملی و پر کردن گسست‌های بیم‌آور نسل‌ها، از ضرورت‌های انکارناپذیر تاریخ شفاهی است.

کمبود مراکز تاریخ شفاهی، بی‌توجهی دانشگاه‌ها، ناشناخته ماندن اهمیت این شیوه در جمع‌آوری و سامان‌دهی منابع اطلاعاتی، از موانعی است که سد راه گسترش این فرایند علمی شده است.

در این مقاله، نخست نگاهی کلی به وضعیت تاریخ شفاهی در دانشگاه‌های مطرح دنیا شده؛ آن‌گاه جایگاه تاریخ شفاهی در دانشگاه‌های ایران و کارکرد‌های مختلف دانشگاه در گسترش تاریخ شفاهی بررسی شده؛ سپس برخی راه‌کارها، برای فعال کردن نقش دانشگاه‌ها در گسترش تاریخ شفاهی ارائه گردیده است.

ص: 205

سر آغاز، گسترش و پیشرفت تاریخ شفاهی در دنیا، با دانشگاه ها عجین بوده است و دانشگاه های بزرگ خصوصاً در آمریکا، همواره از پایه گذاران طرح های کلان تاریخ شفاهی و راه اندازان آرشیو های بزرگ بوده اند. قدیمی ترین و بزرگ ترین مرکز نگه داری تاریخ شفاهی در دنیا، در دانشگاه کلمبیا می باشد که آن را در سال 1948 آلن نوینز، (1) برنده جایزه پولیتزر (2) تأسیس کرد. این دانشگاه، بیش از هشت هزار ساعت و یک میلیون برگ متن مصاحبه را تا کنون تهیه و سامان دهی کرده است. در کنار این برنامه، تا کنون دو هزار نفر در انجام طرح های ذی ربط مشارکت داشته اند یا از مشورت علمی آن ها استفاده شده و هزار کتاب از مجموعه منابع شفاهی نوشته شده است و صد ها نویسنده مقاله و پایان نامه، از این منابع به طور مستقیم استفاده کرده اند. (3) در این دانشگاه، از تاریخ شفاهی به عنوان یکی از روش های مهم پژوهشی استفاده شده و گام های زیادی در جهت گسترش آن برداشته شده است. در اواخر دهه های 50 و 60 میلادی- که اوج فعالیت دانشگاه در زمینه تاریخ شفاهی بوده - دانشگاه های زیادی به تاریخ شفاهی توجه کردند و به نوعی پایه گذار اولین تشکیلات رسمی تاریخ شفاهی در دنیا نیز شدند.

از مراکز مهم تاریخ شفاهی، دانشگاه کالیفرنیا (4) Regional Oral History Office است که از سال 1954 با انجام طرح های تحقیقاتی تاریخ شفاهی، فعالیت های خود را شروع کرده است و امروزه با داشتن اداره تاریخ شفاهی، به صورت گسترده ای در زمینه آرشیو و سامان دهی منابع شفاهی به فعالیت می پردازد. (5) دانشگاه اوکلاهما (6) در سال 1959 با تلاش تاریخ دانان و کتاب داران، بخش ویژه ای در کتاب خانه خود برای تاریخ شفاهی ایجاد کرد و در سال 1966 اولین هم اندیشی بین المللی تاریخ شفاهی را برگزار کرد که زمینه ساز ایجاد انجمن بین المللی تاریخ شفاهی (7) Oral History Association در سال 1968 گردید. (8) این دانشگاه، هم چنین اولین برنامه های آموزشی تاریخ شفاهی را در دنیا راه اندازی کرد. (9)

دانشگاه کانکتیکوت (10) در سال 1968 با اولویت مستند سازی تاریخ دانشگاه و منطقه آرشیو بزرگی ایجاد کرد. (11) از دیگر مراکز مهم دانشگاهی که در طی چند دهه همواره به عنوان مراکز اصلی تاریخ شفاهی نام برده شده است، دانشگاه ایندیانا (12) می باشد که در سال

ص: 206

1- Allen Nevins.

2- Pulitzer

3- <http://www.Columbia.Edu.Cu/ web/ indir/ oral/ about. htm>

4- (Roho)

5- <http://Bancroft. Berkeley. Edu/ Roho>

6- uclahama university

7- (OHA)

8- <http://www.emoha.Diskinson>

9- <http://www.Library.Ucla.Libraries>

10- Connecticut

1968 تاسیس شد، اما از 1981 جان بودنار، (1) آرشیو آن را به مرکز مهم تحقیقات تاریخ شفاهی تبدیل کرد. خبر نامه و جزوه های تاریخ شفاهی آن دانشگاه، اهمیت زیادی دارد. (2)

مؤسسه تاریخ شفاهی دانشگاه بایلر (3) نیز از مهم ترین مراکز تاریخ شفاهی در دنیا می باشد. این مؤسسه با داشتن کارگاه آموزشی بر خط (Online)، منابع آموزشی و حمایت از طرح های مصوب، نقش زیادی در گسترش تاریخ شفاهی داشته است. (4) علاوه بر دانشگاه های یاد شده - که در زمره مهم ترین مراکز به شمار می آیند - دانشگاه های متعددی در آمریکا و دیگر کشور های جهان به فعالیت در این زمینه مشغولند. دانشگاه ساوت ولز (5) [http:// info. Library. Unsw. Edu. Au/ archives /](http://info.Library.Unsw.Edu.Au/archives/) (6) [university new southwales](http://university.newsouthwales.edu.au/about.htm) (6) [about. Htm](http://university.newsouthwales.edu.au/about.htm) و ملبورن در استرالیا، (7) دانشگاه نیو مکزیکو، (8) دانشگاه فلوریدا، (9) دانشگاه می سی سی پی در آمریکا، (10) دانشگاه آبردین در اسکاتلند، (11) دانشگاه وندربیت در اتریش، (12) دانشگاه آمستردام در هلند،

(13) دانشگاه توکیو در ژاپن، (14) دانشگاه بوگازسی در ترکیه (15) و ده ها دانشگاه دیگر، در زمینه تاریخ شفاهی مشغول به فعالیت هستند. گزارشی که خانم لیندا شاپس در پایان سال 2006 درباره چگونگی تاریخ شفاهی در دانشگاه، به نمایندگی از انجمن جهانی تاریخ شفاهی از طریق پرسش نامه (16) تهیه کرد، اطلاعات با ارزشی به دست می دهد. بیش از 56/7 درصد از اعضای انجمن جهانی تاریخ شفاهی، از دانشگاه ها هستند (17) و 18 مرکز منطقه ای تاریخ شفاهی در دنیا با مدیریت دانشگاه ها تاسیس شده و راهبری می شوند که بیانگر اهمیت نقش دانشگاه ها در این مورد می باشد. هم چنین انجمن بین المللی تاریخ شفاهی (18) Oral History Association - که در سال 1979 شکل گرفته (19) - اکثر نشست های

خود را در دانشگاه ها برگزار کرده و بسیاری از دانشگاه های جهان عضو آن هستند و آخرین نشست آن در سال 2006 به میزبانی دانشگاه سیدنی در استرالیا بوده است. (20)

تاریخ شفاهی در دانشگاه های ایران

به جرئت می توان گفت که هیچ دانشگاهی در ایران تا کنون به بحث تاریخ شفاهی نپرداخته است بجز گروه تاریخ دانشگاه اصفهان که در اردیبهشت 1384 به همت دکتر نورایی کارگاه آموزشی برگزار کرد و در پاییز همان سال، جلسه دیگری هم بر پا ساخت. دانشگاه شیراز هم که زمینه هایی از علاقه به این موضوع با توجه به حضور آقایان دکتر

ص: 207

John Bodnar -1

[http:// www.Indiana.Org](http://www.Indiana.Org) -2

Baylor university -3

[http:// www.Baylor.Edu](http://www.Baylor.Edu) -4

(uusw) -5

-6

university of melborn- [http://www.Ee.Unimel.Edu. Au/ about](http://www.Ee.Unimel.Edu.Au/about) -7

New mexico Oral history Archives- [Http://library. Un,. Edu](http://library.Un,.Edu) -8

- Florida- Samuel Proctor Oral History program -9
- Missisipi -10
- Aberdin- [http://www.abdn.ac.uk/History/oral history](http://www.abdn.ac.uk/History/oral%20history) -11
- Vanderbit/ [http:// www.Library. Vanderbit.Edu/ heard/ about](http://www.Library.Vanderbit.Edu/heard/about) -12
- Amesterdam- [http://www.glow bell. Ac](http://www.glowbell.ac) -13
- Tokyo university- [http://tufs. Ac. Jp/ 2/ coe/ area/ang/oag](http://tufs.ac.jp/2/coe/area/ang/oag) -14
- Bogazici- [http:// hist. about.edu. Tv/oral history.htm](http://hist.about.edu/Tv/oral%20history.htm) -15
- 16- برای نگارنده این مقاله هم، پرسش نامه فرستاده شد که بعد از پر کردن آن، به انجمن جهانی تاریخ شفاهی ارسال گردید.
- linda shops, Backgr [http://www.emoha.Diskinson. ound paper](http://www.emoha.Diskinson.oundpaper), P 27 -17
- (IOHA) -18
- [http://www. Ioha.Fgv.Br/ loha/ English/index.htm](http://www.ioha.fgv.br/loha/English/index.htm) -19
- [http://ioha. Fgv. Br/ioha/ English/ Sydney 2006.htm](http://ioha.fgv.br/ioha/English/Sydney2006.htm) -20

خیر اندیش و دکتر وطن دوست نشان می دهد، هیچ فعالیت عمده ای در این باره صورت نداده است. نکته های فراوانی در زمینه راه نیافتن این رشته به دانشگاه های ایران و خصوصاً بی توجهی گروه های تاریخ به آن وجود دارد. البته نگارنده مقاله، تلاش هایی برای مطرح شدن آن در سطح دانشگاه کرده، ولی تا کنون توفیق آمیز نبوده است. حال، با توجه به تجربیات شخصی، اهم این دلایل را می توان چنین بیان کرد:

1- نبود مراکز پژوهش تاریخ شفاهی در سطح کشور که اهمیت آن را بیش تر مشخص می کند. تمامی مراکزی که امروز در زمینه تاریخ شفاهی فعالیت دارند مانند سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، (1) مرکز اسناد انقلاب اسلامی، (2) مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، (3) دفتر ادبیات انقلاب اسلامی و آرشیو تاریخ شفاهی کتابخانه مرکزی آستان قدس، (4) غالباً در زمینه های کاری خاصی اشتغال دارند و اندک اقدامات انجام شده در زمینه تاریخ شفاهی هم چون برگزاری کارگاه آموزشی در کتابخانه مرکزی آستان قدس در دی ماه سال 1384 و اولین نمایشگاه تخصصی تاریخ شفاهی ایران در دی ماه 1385 در کتابخانه مرکزی آستان قدس، برخاسته از تلاش های فردی بود تا فکر گروهی در کشور.

2- نا آشنایی مراکز دانشگاهی با تاریخ شفاهی و کارکرد های آن. حتی گروه های تاریخ دانشگاه - که بیش ترین ارتباط را با آن دارند - کم ترین آگاهی ای درباره آن ندارند. برخی درس های ارائه شده مانند تاریخ معاصر و تاریخ محلی، ارتباط تنگاتنگی با تاریخ شفاهی دارد و این خود می تواند به عنوان ابزار پژوهشی مورد توجه قرار گیرد.

3- ایستادگی دانشگاه ها در برابر پیدایش افکار نو و هراس از مطرح کردن مواردی که قبلاً اطلاعات کمی درباره آن وجود داشته است.

4- ارتباط نداشتن مراکز دانشگاهی با آرشیو ها، برای کسب اطلاعات بیش تر در زمینه تاریخ شفاهی و کاربرد های آن.

5- نا منسجم بودن گروه های تاریخ در کشور و نبود انجمنی برای برقراری گفتمان در چنین مواردی که نیازمند به تصمیم جمعی است.

6- نبود کتابخانه های قوی مرکزی در بسیاری از دانشگاه ها.

ص: 208

http://www.nlai.Ir -1

http://www.Irdc.Ir -2

http://www.iichs.Org -3

http://www.aqlibrary.org/ oral history -4

7- بی توجهی دانشگاه ها به نقش مهم مراکز دانشگاهی، در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق.

نقش دانشگاه ها در گسترش تاریخ شفاهی

بررسی نقش دانشگاه ها در شناسایی و استفاده از تاریخ شفاهی در دنیا، نشان می دهد ضمن آن که مهم ترین مراکز تاریخ شفاهی در دانشگاه هاست، بیش ترین آرشیو ها و نگه دارندگان منابع شفاهی نیز در دانشگاه ها می باشند. چنان چه جمله انگلیسی Oral History in University را در گوگل جست جو کنیم، هزاران صفحه مطلب در اینترنت به دست می آید که در خور توجه است. از میان 500 وبگاه نخست بررسی شده در این باره - که برای بهره گیری از آن ها در این مقاله جست جو گردید - بیش از 450 مورد مربوط به دانشگاه های آمریکایی بوده است. نتایج این تحقیق، نکات جالبی را در مورد چگونگی فعالیت دانشگاه ها در این زمینه مشخص می کند که مهم ترین آن ها عبارت است از:

1- اکثر فعالیت های دانشگاه ها، از یک طرح تاریخ شفاهی شروع شده است. بیش تر این دانشگاه ها، ابتدا قصد مستند سازی تاریخ خود را داشته اند و بعد از انجام آن و پی بردن به اهمیت بیش تر کار، اقدام به تأسیس مراکزی کرده اند که در این میان می توان به دانشگاه های کلمبیا، وندربیت، میشیگان، (1) ایندیانا، کانکتیکوت، کالیفرنیا، نیو مکزیکو، (2) آبردین و ملبورن اشاره کرد.

2- سه گروه در دانشگاه، عهده دار گسترش تاریخ شفاهی و نگه داری آن بودند: 1- گروه های تاریخ؛ 2- کتاب خانه های مرکزی؛ 3- مراکزی که دانشگاه ها مستقلاً به همین منظور به وجود آوردند.

بررسی سوابق، نشان می دهد که اکثر مراکز تاریخ شفاهی تحت نظر گروه های تاریخ همانند دانشگاه فلوریدا، دانشگاه پرتلند، (3) دانشگاه ارکانزاس، (4) دانشگاه ممفیس، دانشگاه لوئیزویل (5)، دانشگاه بگوزیسی، از این دسته هستند. علاوه بر گروه های تاریخ، کتاب خانه های دانشگاهی نیز نقش مهمی در اجرای طرح های تاریخ شفاهی و سامان دهی آن ها بر عهده دارند.

ص: 209

1- <http://www.Lib.msu.edu.index.cfm>

2- <http://www.Elibrary.unm.edu/oanm/Num>

3- <http://www.history.pdx.Edu> -Portland

4- <http://ualr.Edu/history/oral.history.Htm> -Arkansas

5- <http://library.louisville.edu/uarc/ohc.htm> -Louisville

از مهم ترین کتاب خانه های عهده دار این کار، می توان به کتاب خانه های دانشگاه کلمبیا، دانشگاه نیوساوت ولز، دانشگاه نوادا، دانشگاه پزشکی نیو جرسی (1) و دانشگاه می سی سی پی اشاره کرد.

افزون بر این ها، در مواردی دانشگاه به طور مستقیم تصمیم به ایجاد مراکز تاریخ شفاهی گرفته که وابستگی به کتاب خانه یا گروه تاریخ ندارد. دانشگاه های ایندیانا، کانکتیکوت، کالیفرنیا و لویا (2) را از این دسته می توان بر شمرد.

چگونگی شکل گیری و گسترش تاریخ شفاهی در دانشگاه ها، به نوعی نمادی از پیشرفت و سیر تدریجی تاریخ شفاهی در دنیا می باشد که آن را می توان به صورت ذیل خلاصه کرد:

1- شکل گیری تفکرات اولیه در مورد اهمیت تاریخ شفاهی، با تکیه بر ضبط خاطرات و مستند سازی تاریخ شفاهی دانشگاه ها که هر کدام از دانشگاه ها، جدا گانه به ضبط تاریخ شفاهی یا برنامه های خاص پرداختند.

2- آشکار شدن اهمیت خود تاریخ شفاهی به عنوان روشی برای جمع آوری منابع متنوع و متعدد شفاهی در منطقه و لزوم حفظ و نگه داری منابع در محل خاص و سامان دهی آن ها برای دسترسی عموم. در این راستا، دانشگاه ها نقش مهمی در پی ریزی آرشیو های اولیه شفاهی خصوصاً در کتاب خانه های دانشگاهی داشتند، مانند دانشگاه های نوادا، ایندیانا، کالیفرنیا، می سی سی پی و ...

3- انجام طرح های متعدد تاریخ شفاهی در دانشگاه ها که اولین آن ها در این زمینه در مرکز دانشگاهی صورت گرفت، مانند برنامه تاریخ شفاهی دانشگاه دوک (3) که با کمک بنیاد راکفلر و به دست تنودور وزنگارتن، (4) در کتابی گرد آوری شد (5) و یا طرح تاریخ شفاهی دانشگاه کارولینای شمالی (6) که صد ها ساعت مصاحبه با خانواده های منطقه انجام داده و جایزه انجمن تاریخ دانان آمریکا را در سال 1988 ویژه خود ساخت. (7)

4- رویکرد دانشگاه ها به آموزش تاریخ شفاهی و تحقیقاتی کردن آن، به منظور گسترش زمینه هایش در میان محققان مستقل. امروزه بسیاری از مراکز، دوره آموزش تاریخ شفاهی را به عنوان یک دوره درسی تدریس می کنند. اما مهم ترین مراکز آموزش تاریخ شفاهی در دنیا، زیر مجموعه دانشگاه هاست که می توان به مؤسسه بایلر (تنها انستیتوی

ص: 210

Newjersy – <http://namclij.Edu/ lib web/ syeccoll/oralhistory. Htm> -1

Lowa- <http://www. Lib. uiowa.edu> -2

Duke -3

Theodor.Rosengarten -4

5- کتاب وی، تحت عنوان All Gods Dangers: The life of Nate نوشته شد. Theodor Rosengarten, All Gods Dangers: The life of Nate (show (New York, Alfred A. Knopf, Inc. 1974

North Carolina -6

7- Like family:the making of southern cotton Mill word. Jacquely Dowd Hall, james leloudis, ... chapel Hill:university of North carolina press, 1987

تخصصی تاریخ شفاهی در دنیا)، مرکز تحقیقات کتاب خانه کلمبیا - که بهترین کارگاه های آموزشی دنیا را برگزار می کند - اداره تحقیقات بنکرافت - که عمده فعالیت های خود را در زمینه گسترش تحقیقات در زمینه تاریخ شفاهی بنا گذاشته است - دانشگاه اوکلاهاما و... اشاره کرد. (1) با توجه به مطالب طرح شده، نقش دانشگاه ها را در گسترش تاریخ شفاهی، می توان به شرح زیر بر شمرد:

1- آموزش: مهم ترین وظیفه دانشگاه ها، آموزش تاریخ شفاهی و فراهم ساختن زمینه های رشد آن در میان محققان و عموم می باشد. این مهم، می تواند از طریق پایه گذاری مراکز تحقیقات تاریخ شفاهی، ارتباط بیش تر با محققان و دانش مندان، تهیه منابع آموزشی تاریخ شفاهی، ارائه برنامه درسی آموزش تاریخ شفاهی و پرورش استادان نخبه در این زمینه میسر گردد.

2- جمع آوری منابع شفاهی: ایجاد منابع شفاهی و جمع آوری آن ها، با توجه به وجود محققان مستقل در شهر ها و تنوع منابع شفاهی، مهم می باشد. دانشگاه ها می توانند علاوه بر این که خود با تعریف برنامه های تاریخ شفاهی اقدام به جمع آوری منابع می کنند، از محققان و دانش مندانی هم که به دلایل خاص در زمینه تاریخ شفاهی فعالند، حمایت کنند و منابع شفاهی را در دانشگاه ها گرد آوری سازند.

3- سامان دهی و حفظ اطلاعات شفاهی: اغلب دانشگاه های معتبر، دارای کتاب خانه های مرکزی می باشند که با فعال کردن آن ها، می توانند جایگاه خوبی برای گرد آوری و نگه داری منابع فراهم کنند. ارتباط بین کتاب داران و تاریخ شفاهی، رابطه ای نزدیک و دو جانبه می باشد و کتاب داران نقش اصلی را در این باره در بازیابی اطلاعات، نمایه سازی، ورود اطلاعات به سامانه های رایانه ای و اطلاع رسانی بر عهده دارند. تقویت کتاب خانه ها، می تواند یکی از مناسب ترین راه ها برای گسترش تاریخ شفاهی در دانشگاه باشد.

4- به عهده گرفتن نقش محوری در منطقه: معمولاً دانشگاه های مهم در منطقه ای که واقع شده اند، به عنوان قطب علمی، تحقیقاتی و آموزشی به شمار می آیند. این محوریت، می تواند در مورد تاریخ شفاهی و گسترش آن اعمال گردد. چنان چه دانشگاه های مهم دنیا همانند ایندیانا، کلمبیا، نوادا، کارولینا و...، همگی این نقش را در منطقه خود به عهده دارند و

ص: 211

با ایجاد انجمن های منطقه ای، کار هدایت و رهبری دیگر مراکز را - که در این زمینه به فعالیت مشغول هستند - به عهده دارند. هم اکنون، هجده مرکز تاریخ شفاهی منطقه ای در دنیا وجود دارد. (1) در تحقیق انجمن جهانی تاریخ شفاهی، 77/8 درصد یاد آور شده اند که تاریخ شفاهی را به عنوان یک روش پژوهشی پذیرفته اند و 65/5 درصد گفته اند که دیدگاه مثبت تری درباره تاریخ شفاهی به عنوان یک روش پژوهشی پذیرفته شده دارند. (2)

راه کارها و راه بردها

با توجه به جایگاه تاریخ شفاهی در دانشگاه های دنیا و وضعیت آن در دانشگاه های ایران، به منظور شکل گیری و گسترش تاریخ شفاهی در دانشگاه ها، می توان پیشنهاد های زیر را ارائه کرد:

1- انتخاب یک مرجع به عنوان مسئول شکل گیری و گسترش تاریخ شفاهی در دانشگاه ها که می توان در این باره به گروه های تاریخ دانشگاه های دارای گروه تاریخ، کتاب خانه مرکزی و یا ایجاد واحد مستقلی در زیر مجموعه پژوهش دانشگاه ها اشاره کرد و یا هر دو به طور مشترک.

2- شروع برنامه های تاریخ شفاهی با اولویت مستند سازی تاریخ دانشگاه ها خصوصاً در دانشگاه های قدیمی تر، به منظور آشنایی بیش تر مجموعه های دانشگاهی با اهمیت تاریخ شفاهی.

3- بستر سازی بستر سازی مناسب برای طرح های خارج از دانشگاه ها در قالب تهیه موضوعات متناسب با منطقه و حمایت از محققان و تاریخ شفاهی دانان مستقل، اهتمام به آموزش تاریخ شفاهی و تهیه منابع آموزشی تاریخ شفاهی برای کار بران در قالب برگزاری دوره های بلند مدت آموزشی و واحد های درسی، دوره های کوتاه مدت آموزشی (کارگاه های آموزشی) در زمینه های گوناگون تاریخ شفاهی همانند مصاحبه، پیاده سازی، نمایه سازی و انتشارات.

ص: 212

1- تعدادی از این مراکز منطقه ای عبارتند از : Michigan Oral Association - New England Association for Oral History - Northwest Oral History Mid-Atlantic Region - Southwest Oral History Association - Texas Oral History Association

Ibid. 53 -2

4- ایجاد شبکه ای از مراکز تاریخ شفاهی و تاریخ شفاهی دانان مستقل در منطقه خود، به نحوی که به نوعی رهبری آموزشی - تحقیقاتی منطقه را با توجه به امکانات خود بر عهده داشته باشند.

5- اهتمام به جمع آوری و نگه داری منابع شفاهی خصوصاً در کتاب خانه های مرکزی، با رعایت ضوابط و معیار های کاری.

قطعاً شکل گیری مرکز تاریخ شفاهی در دانشگاه ها و بستر سازی در گسترش محور آن، از مهم ترین هدف هایی است که باید در برنامه ریزی های کوتاه و بلند مدت مورد توجه دانشگاه ها قرار گیرد. چه، این امر ضمن آن که به مستند سازی تاریخ دانشگاه ها کمک می کند، در تقویت جایگاه و نقش راهبری علمی آن ها در منطقه های خود، و هم چنین خدمت به فرهنگ و ثبت و ضبط تاریخ های منطقه ای در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأثیر گذار است.

پی نوشت ها

1- Allen Nevins.

2- Politzer.

3- <http://www.Columbia.Edu.Cu/ web/ indir/ oral/ about. htm>

4- Regional Oral History Office.

5- <http://Bancroft. Berkeley. Edu/ Roho>

6- uclahama university.

7- Oral History Association.

8- <http://www.emoha.Diskinson>

9- <http://www.Library.Ucla.Libraries>

10- Connecticut.

11- <http://www.Oral History.Unconn.Edu>

12- Indiana.

13- John Bodnar.

.http:// www.Indiana.Org -14

.Baylor university -15

.http:// www.Baylor.Edu -16

.university new southwales -17

.http:// info. Library. Unsw.Edu. Au/ archives / about. Htm -18

.university of melborn- http://www.Ee.Unimel.Edu. Au/ about -19

.New mexico Oral history Archives- Http://library. Un,. Edu -20

.Florida- Samuel Proctor Oral History program -21

ص: 213

.Missisipi-22

.Aberdin- [http://www.abdn.ac.uk/history/oral history](http://www.abdn.ac.uk/history/oralhistory) -23

.Vanderbit/ [http://www.Library.Vanderbit.Edu/heard/about](http://www.library.vanderbit.edu/heard/about) -24

.Amsterdam- [http://www.glow bell. Ac](http://www.glowbell.ac) -25

.Tokyo university- [http://tufs. Ac. Jp/ 2/ coe/ area/ang/oag](http://tufs.ac.jp/2/coe/area/ang/oag) -26

.Bogazici- [http:// hist. about.edu. Tv/oral history.htm](http://hist.about.edu/tv/oralhistory.htm) -27

-28 برای نگارنده این مقاله هم، پرسش نامه فرستاده شد که بعد از پر کردن آن، به انجمن جهانی تاریخ شفاهی ارسال گردید.

.linda shops, Backgr [http://www.emoha.Diskinson. ound paper](http://www.emoha.diskinson.oundpaper), P 27 -29

.Oral History Association-30

.[http://www. Ioha.Fgv.Br/ Ioha/ English/index.htm](http://www.ioha.fgv.br/ioha/english/index.htm)-31

.[http://ioha. Fgv. Br/ioha/ English/ Sydney 2006.htm](http://ioha.fgv.br/ioha/english/sydney2006.htm)-32

.[http://www.nlai.Ir](http://www.nlai.ir)-33

.[http://www.Irdc.Ir](http://www.irdc.ir)-34

.[http://www.iichs.Org](http://www.iichs.org)-35

.[http://www.aqlibrary.org/ oral history](http://www.aqlibrary.org/oralhistory)-36

.[http:// www.Lib.msu.edu. index.cfm](http://www.lib.msu.edu/index.cfm)-37

.[http://www. Elibrary.unm.edu/oanm/ Num](http://www.elibrary.unm.edu/oanm/num)-38

.Portland- [http://www.history.pdx. Edu](http://www.history.pdx.edu)-39

.Arkansas- [http://ualr.Edu/history/oral history. Htm](http://ualr.edu/history/oralhistory.htm)-40

.Louisville - [http://library. louisville.edu/uarc/ ohc.htm](http://library.louisville.edu/uarc/ohc.htm)-41

.Newjersy - [http://namclij.Edu/ lib web/ syccoll/oralhistory. Htm](http://namclij.edu/libweb/syccoll/oralhistory.htm)-42

.Lowa- <http://www.Lib.uiowa.edu>-43

.Duke-44

.Theodor.Rosengarten-45

Theodor Rosengarten, All Gods Dangers: The life of Nate. کتاب وی، تحت عنوان All Gods Dangers نوشته شد. 46-
(show (New York, Alfred A. Knopf, Inc. 1974

.North Carolina -47

Like family:the making of southern cotton Mill word. Jacquely Dowd Hall, james leloudis, ... chapel-48
.Hill:university of North carolina press, 1987

.Linda Shops, Oral History, 22 -49

50- تعدادی از این مراکز منطقه ای عبارتند از :

Michigan Oral Association -

New England Association for Oral History -

Northwest Oral History Mid-Atlantic Region -

Southwest Oral History Association -

Texas Oral History Association -

.Ibid. 53 -51

ص: 214

نقش مصاحبه گر در پیش برد اهداف تاریخ شفاهی غلام رضا درکتانیا

*نقش مصاحبه گر در پیش برد اهداف تاریخ شفاهی غلام رضا درکتانیا (1)

نگرش جهانی به تاریخ، آن را در شمار امور مهم قرار داده است؛ تا آن جا که نا آشنایی هر جامعه با تاریخ ملی اش، در واقع بدان معناست که آن جامعه هویت خود را نمی شناسد. شناخت این تاریخ و هویت آن، مستلزم تحقیق در زمینه های مختلف تاریخی است و از آن جا که منابع مکتوب بتهایی نیاز اطلاعاتی پژوهش گران را در این زمینه مرتفع نمی سازند، استفاده از تاریخ شفاهی در کنار منابع کتبی، از ضرورت خاصی برخوردار است. در واقع باید گفت، تاریخ شفاهی یکی از مهم ترین و اساسی ترین روش های تاریخ نگاری معاصر است که در باز جست و تدوین شواهد و مدارک لفظی و بیانی نقش عمده ای ایفا می کند.

تاریخ شفاهی، قدمتی به دیرینگی تاریخ بشری دارد. از همان آغاز که بشر به قدرت تکلم دست یافت، تاریخ شفاهی بخشی از تاریخ انسان ها بوده و اولین نوع تاریخ در جوامع بی سواد شمرده می شده که فرهنگ جوامع را از طریق افسانه ها و داستان ها، سینه به سینه منتقل می کرده است. در صدر اسلام نیز شکل اولیه انتقال تاریخ - که اخبار نامیده می شد - بر اساس روایات شفاهی صورت می گرفت و در دو قرن نخست اسلامی، تاریخ شفاهی تنها منبعی بود که به آن ها در انتقال سنت، حدیث و تاریخ کمک می کرد. در سده اخیر، محققان و پژوهش گران در زمینه های رشد و توسعه تاریخ شفاهی و خاطره نگاری توجه خاصی معطوف کرده اند.

ص: 215

اگر بخواهیم به صورت خیلی مختصر تعریفی از تاریخ شفاهی عرضه کنیم، باید بگوییم: «تاریخ شفاهی فن، روش و شیوه ای است که با استفاده از ابزار صوتی و تصویری به ثبت خاطرات، شنیده ها و مشاهدات مربوط به یک رویداد و واقعه تاریخی خاص می پردازد.» (1)

از اموری که در تاریخ شفاهی بسیار با ارزش و مهم می باشد، تهیه مواد تاریخ شفاهی است که مصاحبه گر فراهم می کند و آن، شامل مراحل است که مصاحبه گر قبل از مصاحبه تا اتمام آن انجام می دهد که به لحاظ اهمیت این امور، در این مقاله تلاش شده شرایط و توانایی های مصاحبه گر و راه های انتخاب صحیح مصاحبه گران برای اهداف و موضوعات مصاحبه، براساس اصول علمی و تجاری که نگارنده به تجربه در انجام پژوهش ها به دست آورده، بیان گردد.

مصاحبه، کلید تاریخ شفاهی

چیزی که آرشویی ست تاریخ شفاهی بیش تر نگران آن است، مسئله «آینده و آیندگان» می باشد. بدین معنی که در عین کمبود رسانه ها، می کوشد در کم ترین زمان از فرصت های پیش آمده بهره بجوید و با بهره جویی از مصاحبه، به تکمیل آن ها پردازد. امروز را از دست دهد، فردا دیر است. زیرا در برابر آیندگان مسئول است. (2)

مصاحبه با قهرمانان و بازیگران حوادث، به مراتب بر تاریخ مخدوش و تحریف شده کتبی (بجز اسناد و مدارک) رجحان دارد. لذا کسانی که بازیگر حادثه و قهرمان واقعه تاریخی ای بوده اند، هنگامی که زبان به سخن می گشایند و به شرح جزئیات می پردازند، بیش تر از مقالات مطبوعات یا کتاب های دیگر قابل اعتماد هستند. از طرفی دیگر، شخصی که خود در جریان وقایع بوده و آمر یا مأمور انجام دستوری بوده، می تواند نگاه محقق یا مورخ را موشکافانه تر سازد. (3) پس مصاحبه فعال، می تواند به آشکار سازی وقایع و حوادث گم شده و کشف حلقه های مفقوده کمک کند. (4)

تاریخ شفاهی نه تنها از زبان بازیگران طراز اول، بلکه از مجموع گفته ها و دیده ها و حتی داستان سرایی های افراد گوناگون شاهد و ناظر در صحنه، کمک شایانی به تبیین تاریخ

ص: 216

1- ائلدار محمد زاده صدیق. «گزارشی از اولین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی در دانشگاه اصفهان». روزنامه فرهنگ 5 مرداد 85؛ هم چنین محسن کاظمی. زمانه (ماه نامه اندیشه و تاریخ سیاسی معاصر)، سال چهارم، شماره 34، تیر ماه 84، ش 43.

2- شفیقه نیک نفس. «آشنایی با اداره آرشو شفاهی». گنجینه اسناد، سال چهارم، شماره 15، پاییز 73، ص 93

3- خسرو معتضد. «شعبان جعفری و مشکل کتمان». گفت گوگر زهرا حاج محمدی، کتاب هفته، شماره 83، 13 مهر ماه 83، ص 10.

4- علی قربانی. «گزارشی از برگزاری سمینار و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی در دانشگاه اصفهان». نشریه تاریخ معاصر ایران، سال هشتم، شماره 29، بهار 83، ص 353.

واقعی دوره ای از حیات سیاسی و اجتماعی کشور می کند. (1) در تاریخ شفاهی، شرح و باز شناخت رویداد ها بر اساس دیده ها، شنیده ها و کرده های شاهدان و ناظران و فعالان آن رویداد ها امکان پذیر می شود (2) و در واقع، می توان گفت که تاریخ شفاهی تریبونی است برای کسانی که امکان دسترسی به ابزار و موقعیت ها یا بستر های لازم را جهت بیان و انتقال خاطرات خود ندارند.

چون در پاره ای موارد، اسناد مکتوب بنا به ملاحظات و مصلحت گرایی های زمان و به لحاظ شرایط حاکم، خاموشند (3)، ارزش تاریخ شفاهی در باز شناخت آن رویداد ها بر اساس دیده های فعالان و ناظران آن وقایع بسیار ارزش مند می باشد. از جمله این موارد که بیش تر در تدوین تاریخ انقلاب اسلامی وجود دارد و نگارنده در تهیه مصاحبه برای جمع آوری تاریخ انقلاب اسلامی در دزفول با آن مواجه شد، شکنجه گروه مبارز شهید سبحانی دزفول به شیوه های خشن و طاقت فرسا در زندان است که این شکنجه ها، در هیچ سند کتبی و حتی در مطبوعات آن زمان نیامده است.

ویژگی ها، توانایی ها و مهارت های مصاحبه گر در تهیه تاریخ شفاهی

کار و نقش مصاحبه گر، همانند مورخ محقق در تاریخ کتبی است. البته ذکر این نکته ضروری است که هنوز شأن و اهمیت گفت گو و ماهیت جدید آن در دنیای علم شناخته نشده و گفت گو با گفت و شنود به معنای رایج آن متفاوت است. مورخ شفاهی (مصاحبه گر)، دست کم باید متن گفت گو را بشناسد، روان شناسی بداند و به کلیات و جزئیات موضوع بحث احاطه داشته باشد. اگر کار مورخ و محقق تاریخ کتبی، گویا کردن و تنظیم و تحلیل اسناد و داده های تاریخی و چینش آن ها و سر انجام پرتو افکنی به مسئله و موضوع است، مورخ شفاهی نیز دارنده موضوع را از طریق مکالمه و مفاهمه - با رعایت این شرط که خواننده و شنونده در این گفت گو حضور داشته باشند - به گفتار می آورد. مورخ شفاهی در مسیر گفت گو، شنونده منفعل نیست، بلکه در بسیاری موارد به کمک گوینده می آید و در راستای روشن گری موضوع حضور جدی دارد. (4)

ص: 217

1- معتضد، همان.

2- صدای «تاریخ محاضره ای»، گفت گو با علی رضا کمری، زمانه، همان، ص 3.

3- قربانی، همان، ص 351.

4- صدای «تاریخ محاضره ای»، همان، صص 3-4.

مصاحبه گر در زمینه موضوع مورد بحث، باید بخوبی تحقیق کرده باشد. (1) در واقع پژوهش گر یا مصاحبه گر برای این که بتواند هدایت هر قسمت از مصاحبه را عهده دار باشد، می باید اطلاعات کاملاً دقیق و سنجیده، حتی در مسائل جزئی واقعه تاریخی مورد نظر یا حوادث دوران زندگی و فعالیت پرسش شونده داشته باشد و بتواند در مواردی که او به دلیل منافع شخصی یا خود خواهی یا کتمان حقایق یا دلایل دیگر از بیان واقعیات طفره می رود یا مسائل فرعی را عنوان می کند، مسئله را به صورت دوستانه و مشارکتی توضیح دهد و به یک مقطع درست و واقعی از موضوع مورد گفتمان برسد. (2) به طور مثال، نگارنده وقتی در طرح پژوهشی جمعیت های خیریه تبریز با متولیان و مؤسسان جمعیت های خیریه مصاحبه می کرد، اکثر آن ها به دلایلی از جمله این که امور خیریه را افراد خیر به دور از هر گونه تظاهر و سر و صدا انجام می دادند و به خاطر این که خلوص را - که در امور شرعی و اجتماعی، اولین شرط قبول و تأیید الهی است - با عناوین و تظاهر مشوّب نکنند، با الهام از تعالیم عالیّه اسلامی و سائقه احساس تکلیف و وظیفه دینی و انسانی خود، سعی می کردند از امور خیریه و عام المنفعه ای که برای مستمندان انجام می دادند، کم تر بگویند و کم تر بنویسند؛ و این خود در روند مصاحبه، نگارنده را با مشکل مواجه می ساخت که با هدایت مصاحبه و کشاندن مصاحبه شونده به موضوع اصلی بحث، از طفره رفتن او در بیان انجام امور خیریه جلوگیری به عمل می آمد.

در واقع، باید گفت که تاریخ شفاهی، جمع آوری اطلاعات زبانی در حوزه های مختلف علوم انسانی و بخصوص تاریخ می باشد. البته با علم به این که انسان ها با توجه به مقتضیات روحی خودشان همیشه حرف های زیادی برای نگفتن دارند و هر کسی پاره ای از مکنونات خودش را روی کاغذ نمی آورد و هیچ وقت هم بیان نخواهد کرد. (3) اما مصاحبه گر می تواند مصاحبه شونده را تشویق و ترغیب به پاسخ دهی به پرسش هایی کند که از سایر منابع نمی توان پرسید. (4) در این جا نقش مصاحبه گر و توانایی های وی بسیار مهم و مفید می باشد تا بتواند مصاحبه شونده را تخلیه اطلاعاتی بکند. زیرا تخلیه اطلاعاتی افراد صاحب نظر در رشته های مختلف تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مانند این ها، از اقدامات برجسته و مفیدی است که غفلت از آن اسفبار و ضایعه آمیز است. (5)

ص: 218

- 1- بی نام. «استاندارد های جهانی تاریخ شفاهی». نشریه سازمان کتاب خانه ها، موزه ها و مراکز اسناد آستان قدس رضوی، بی تا، ص 10.
- 2- معتصد، همان .
- 3- مرتضی رسولی پور. «تاریخ شفاهی زاویه ایرانی». گفت گوگر آرش آذرنگ، کتاب هفته، شماره 140، 12 مهر 82، ص 11.
- 4- غلام رضا عزیزی. «آنا تومی تاریخ شفاهی»، زمانه، همان، ص 14.
- 5- غلام رضا فدایی عراقی. «مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی» (تهران: سمت، 1377)، ص 107.

مصاحبه گر باید دارای روابط عمومی بسیار قوی باشد. به طوری که در انجام مصاحبه، مصاحبه شونده را کاملاً مقهور رفتار مناسب و تلاش پیگیرش کند. هم چنین مصاحبه گر باید صبور باشد. (1) چون در انجام مصاحبه بیش تر افراد بخصوص شخصیت های کشوری و لشکری که به جهت گرفتاری های خاص خود امکان تنظیم وقت برای انجام مصاحبه با آن ها مشکل است و در برخی موارد نیز مصاحبه شونده به جهت کهولت سن و ناراحتی های جسمی از انجام مصاحبه سر باز می زند، صبوری مصاحبه گر و دل سرد نشدن او از اهمیت خاصی برخوردار است. در طرح پژوهشی نگارنده تاریخ انقلاب اسلامی دزفول، از افرادی از فعالان دوره انقلاب که در گروه چریکی «منصورون» فعالیت و در عملیات چریکی و ترور برخی سران ساواک نقش مهمی داشتند، بعضاً اماکن برگزاری جلسه ای جهت مصاحبه با آن ها به جهت مشغله زیاد آن اشخاص میسر نمی شد، اما در این گونه مواقع نباید نا امید شد و از تلاش برای مصاحبه با آنان دست کشید.

مصاحبه گر باید اهل مطالعه در حوزه های مختلف تاریخی و سیاسی باشد. به طوری که در موضوع مورد مصاحبه و تنظیم پرسش ها دقت کافی و در انجام مصاحبه احاطه علمی بر موضوع و هدف داشته باشد و به اندازه ای مسلط باشد که بتواند درست را از نادرست باز شناسد. بنابراین وقتی با کسی مصاحبه می کنیم، آن شخص نخست وزیر، تیمسار، اقتصاد دان، صاحب صنعت و یا هر شخص دیگری که باشد، باید مصاحبه گر به اندازه مصاحبه شونده مسلط و آگاه به حوادث مورد نظر باشد و بتواند تسلط خود را به طور نا محسوس به مصاحبه شونده نشان دهد تا وی در صدد بر نیاید که او را در دهلیز های دود گرفته و سیاه و پر از گرد و غبار گذشته سر در گم کند. (2)

مصاحبه باید با روح انتقادی راهبری شود و تلاش در جهت تهیه و تکمیل هر چه بهتر اسناد تاریخی صورت گیرد. (3) البته باید به این نکته توجه داشت که با مصاحبه شونده به هیچ وجه نباید در حدی احتجاج کرد که برنجد و تصور کند شما سعی دارید مطلب خود را به او تحمیل کنید. پس مصاحبه گر نباید با نگاه اعتقادی وارد این گود بشود؛ چون ممکن است با کسانی مصاحبه کند که افکار و تمایلات شان هیچ سنخیتی با وی نداشته باشد.

ص: 219

1- رسولی پور، همان .

2- معتضد، همان .

3- استاندارد های تاریخ شفاهی، همان .

باید به خاطر داشت که در هر مرحله، هدف اصلی کسب اطلاعات جدید است. به نظر می‌رسد یکی از علل توفیق نداشتن در این زمینه، این است که متأسفانه ما بر اساس یک سنت قدیمی عادت کرده ایم که با ده درصد اطلاعات به تحلیل و داوری بنشینیم. در صورتی که مقدمه کار تحقیق و پژوهش در حوزه علم و تاریخ نگاری، جمع آوری اطلاعات، تنظیم، تسیق و چینش درست مطالب می‌باشد و بعد از آن است که داوری در مورد موضوع یا جریان مورد بررسی، می‌تواند با محتوا و علمی باشد. (1) این موفقیت، زمانی امکان پذیر خواهد بود که مواد مصاحبه به طور کامل دسته بندی شده باشد.

در جایی که رویدادها به قلم نیامده، گفته‌ها و به یاد مانده‌ها در حکم اسناد تاریخی، ارزش رجوع و توجه دارند و در پاره‌ای موارد است که اصلاً گفته‌ها و به خاطر داشت‌ها در شناخت و نقل واقعه به عنوان منبع و متن پایه مورد استفاده قرار می‌گیرند، فراتر از بود و نبود سند و مدرک کتبی. (2) به عنوان مثال، نگارنده در مصاحبه با فعالان انقلاب و افراد گروه چریکی شهید سبحانی دزفول و گروه چریکی منصورون، به مواردی از اصول مخفی کاری در گروه‌های چریکی بر خوردم که ناچار بودند در دوره خفقان شاهنشاهی رعایت کنند که در هیچ سند و مدرکی نیامده بود. از جمله این موارد، نحوه زندگی در خانه‌های تیمی بود که آن‌ها حضور و سلامت خود را در مواقعی که خانه تیمی یا «حصن» لو می‌رفت، با علامت ضربدر روی دیوارهای کوچک‌های منتهی به حصن نشان می‌دادند و یا مجبور بودند که خانه‌های خود را هر دو سه ماه یک بار عوض کنند. از اصول دیگر، این بود که آن‌ها دیگر اعضای گروه را نباید می‌شناختند و هر کس برای خودش یک رابط داشت که فقط با او مرتبط بود تا در صورت دست‌گیری گروه لو نرود.

مصاحبه‌گر در تنظیم مطالب مصاحبه، باید به افواهیات و اقوال غیر رسمی (حتی شایعات)، دست کم به عنوان قراین مورد توجه - که به کار مورخ می‌آیند - توجه داشته باشد و بداند که نکته‌ها و نادره‌هایی در این گفته‌ها وجود دارد که در اسناد قدیمی و تاریخ‌های کتبی به آن‌ها نمی‌توان دست یافت. (3)

مصاحبه‌گر هم چنین باید بداند که به رغم ضعف‌های موجود در برخی مصاحبه‌ها و با این‌که برخی حوادث تاریخی را مصاحبه‌شونده کتمان یا تحریف می‌کند، همین اطلاعات نیز

ص: 220

1- رسولی پور، همان .

2- صدای تاریخ محاضره‌ای، همان، ص 5.

3- همان

به سهم خود در تکمیل و تطبیق بعضی کاستی‌ها در تاریخ‌نویسی و هم‌چنین در نگرش به برخی حوزه‌های تاریخ اجتماعی و سیاسی مؤثر خواهند بود. (1)

از آن‌جا که رویکرد اصلی طرح تاریخ شفاهی ایران به سوی افراد تأثیرگذار در رویدادها و یا مطلع از وقایع می‌باشد، (2) پس مصاحبه با افرادی که در وقایع تاریخی تأثیرگذار و مطلع بوده و هنوز در قید حیات هستند، نتیجه‌بهتری به دنبال خواهد داشت. پس لازم است برای دستیابی به اطلاعات این افراد، پرسش‌نامه‌هایی بر حسب فعالیت‌های آنان تهیه شود. به‌طور مثال پرسش از یک فرد دانشگاهی باید درباره مسائل فرهنگی، علمی و سیاسی جامعه و نیز درباره دانشگاهیان آن زمان باشد و یا از یک فرد بازاری، می‌توان درباره کمک‌های این قشر از جامعه به افراد و گروه‌های اجتماعی، سیاسی و یا نقش آن‌ها در تحصن و تعطیلی بازار در جریان حوادث و رویدادهای تاریخ معاصر سؤال کرد. (3)

یکی از مهم‌ترین اموری که در تاریخ شفاهی ایجاد دشواری و ابهام می‌کند، کهولت سن می‌باشد که معمولاً در حیطه تاریخ شفاهی کسانی که مورد پرسش و پاسخ قرار می‌گیرند، اغلب به دلیل گذشت زمان و نسیان و در برخی موارد به خاطر خودخواهی و خودمحوری، می‌کوشند تمام نکات و دقایق تاریخی را به نفع خود توجیه کنند و به این ترتیب محقق و مورخ هنگامی که به تاریخ شفاهی مراجعه می‌کند، باید دقیقاً مراقب این‌گونه طفره رفتن‌ها یا اشتباهات عمدی و سهوی باشد و ابهامات را با مراجعه به اسناد و مدارک و نیز تاریخ شفاهی مبتنی بر اظهارات دیگر بازیگران صحنه سیاسی در همان مقطع زمانی روشن نماید. (4)

به نظر می‌رسد که مصاحبه‌گر می‌تواند در تهیه تاریخ شفاهی از افراد سال‌خورده به این طریق با آفت نسیان مبارزه کند که از فرزندان و یا نزدیکان و موادی از جمله تصاویر و یا اسناد شخص مصاحبه‌شونده در این باره مددگیرد و تا اندازه‌ای از آفت فراموشی بکاهد. به‌طور مثال نگارنده در برخی از مصاحبه‌ها با مؤسسان جمعیت‌های خیریه تبریز، از فرزندان آن‌ها که بیش‌تر با مصاحبه‌شونده بودند و در جریان امور وی قرار داشتند، در مصاحبه دعوت می‌کرد و از آن‌ها در یادآوری بعضی از مطالب جهت روشن شدن حوادث بهره می‌برد.

ص: 221

1- حمید احمدی. « طرح تاریخ شفاهی جنبش چپ ایران از سال 1920 تا 1990م ». برگرفته از وبگاه: <http://www.iranian-I-O-history.com>

2- عزیزی همان، ص 11.

3- ابو الفتح مؤمن. « گذشته نزدیک ... ». زمانه، همان، ص 19.

4- معتضد، همان

مصاحبه گر، در پاره ای از موارد ممکن است در تنظیم برخی حوادث و جریانات گذشته، در پرداختن به نقش فردی در آن جریان علاوه بر گفت گو با خود شخص برای روشن شدن بیش تر و واقعی تر امور، اطلاعاتی نیز از طریق مصاحبه با دوستان، اعضای خانواده، هم کاران و حتی در صورت لزوم، مخالفان و دشمنان مصاحبه شونده گرد آوری کند. (1)

مصاحبه گر در بررسی واقعه، تنها نباید به مصاحبه با افراد مشهور و درجه اول بسنده کند بلکه باید با افراد درجه سه و چهار مرتبط با آن واقعه نیز مصاحبه کند. زیرا گاه افراد فعال در رده های میانی قدرت، مسائل را بهتر تشخیص می دهند و از اطلاعات بسیار خوبی بر خوردار هستند. (2)

درست است که مخاطب اولیه صاحب گفتار در تاریخ شفاهی، مصاحبه گر فعال است، اما مصاحبه گر نقش واسطه را میان گوینده و شنونده ایفا می کند و بیش تر توجه او معطوف روند موضوع گوینده و مراعات حال شنونده است. قصد مصاحبه گر این نیست که سند تاریخی به وجود بیاورد بلکه او قرار است خود تاریخ را در جریان گفت گو محقق سازد؛ یعنی تاریخ را گویا کند. شاید بهتر باشد بگوییم راوی صاحب گفتار در تاریخ شفاهی مخاطب است؛ اما این کار با همراهی و هم دستی مورخ شفاهی صورت می پذیرد. (3) مصاحبه گر مانند صیادی است که خاطره، یاد و یادمان را از دریاچه و انباشت ذهن فرد یا افراد صید و استخراج می کند. (4) تاریخ اگر چه به دنیای درون هم نظر می کند، اما بیش تر به بیرون اشخاص، حوادث و جریانات نظر دارد. اما کسی که فرد را از اندرونی خودش به بیرونی می آورد، مورخ شفاهی است. (5) بنابراین مصاحبه گر باید مهارت های مصاحبه را چندان که شایسته شغل حرفه ای اوست، کسب و تلاش کند تا گفت گویی آموزنده از طریق بحث و گفت گو و تحقیق هوشمندانه انجام دهد که در انجام این امر، لازم است زمینه فکری شخص مورد مصاحبه را بررسی نماید

(6) و تعادلی بین موضوعات طرح و نگرش مصاحبه شوندهان ایجاد کند. آن ها هم چنین باید نسبت به دگرگونی تجربیات اجتماعی و فرهنگی - که به طور ضمنی به جنس، نژاد، طبقه، سن و مذهب دلالت دارد - حساس باشند و باید مصاحبه شونده را تشویق به پاسخ به روش و زبان خودشان نمایند و به سمتی که مورد نظرشان می باشد، هدایت کنند.

ص: 222

1- نیک نفس، همان

2- نگارنده . «استاندارد روایت». زمانه، همان، ص 38.

3- کمری، همان

4- کاظمی، زمانه، همان، ص 5.

5- کمری، همان

6- استاندارد های جهانی تاریخ شفاهی، همان.

مصاحبه گران باید تمامی جوانب تحقیق را - که مرتبط با مصاحبه شونده است - کشف و به پاسخ های سطحی بسنده نکنند. (1)

مصاحبه گران باید حداکثر تلاش خود را برای استفاده از بهترین وسایل جهت ضبط مصاحبه های شان انجام دهند تا صدای مصاحبه شونده و در صورت امکان تصویر او را به صورت دقیق ضبط کنند. (2)

مصاحبه گر باید استفاده های بالقوه از مصاحبه ها را برای برنامه های عمومی و تحقیقاتی در نظر بگیرد و در جهت جلوگیری از بهره برداری نابخردانه از مصاحبه ها تلاش کند (3) و هم چنین مراقب سوء استفاده های احتمالی از مصاحبه شونده باشد. اما آن چه ایجاد مشکل در کار کرده، این است که مصاحبه گران نمی توانند در مواردی از قبیل انتشار و کنترل بر استفاده از مصاحبه بعد از در اختیار عموم قرار دادن، به مصاحبه شونده اطمینان کامل بدهند (4) و همین مسئله مصاحبه شونده را بخصوص در موارد سیاسی محدود می کند و او را مجبور می سازد تا ملاحظات سیاسی را در پاسخ به پرسش های مطرح شده در نظر بگیرد و از گفتن پاره ای موارد بپرهیزد.

تجربه نشان می دهد که سر شناس بودن مصاحبه گر امتیاز بزرگی به حساب می آید و نتیجه رضایت بخشی در مصاحبه با افراد در بر دارد. مصاحبه ها را باید به شیوه دانشگاهی و کارشناسی انجام داد. بدین معنا که قبل از انجام مصاحبه، لازم است درباره موضوع صحبت بررسی هایی انجام گیرد و بیش تر به شناخت تجربیات و ویژگی های زندگی و آثار فرد مصاحبه شونده پرداخته شود. (5) به عنوان مثال نگارنده در مصاحبه با گروه شهید سبحانی دزفول، از چند نفر از اعضای گروه - که با آن ها مصاحبه به عمل آمد - برای هر کدام بنا به مسئولیتی که در انجام عملیات چریکی داشتند، پرسش های متفاوتی مطرح کرد. چون در بین اعضا افرادی بودند که فعالیت های صرفاً فرهنگی کرده بودند و برخی نیز به فعالیت های نظامی و ساخت بمب های دستی مشغول بودند. پس از انجام مصاحبه با اعضای گروه بود که مشخص شد از جلسات قرآن و درس معارف مساجد، هسته اولیه گروه تشکیل شده و بعد از فعالیت های مذهبی و رشد فکری و سیاسی، خود به این نتیجه رسیده بودند که در وضعیت انسداد فضای سیاسی جامعه، پیگیری مطالبات و اصلاحات در چار چوب قانون و به روش های مسالمت آمیز

ص: 223

1- همان، ص 4

2- همان، ص 5

3- همان، ص 10

4- همان، ص 4

5- نیک نفس، همان، ص 93.

غیر ممکن است. به همین جهت به مبارزه مسلحانه روی آورده بودند. مبارزات این افراد، موجب به صحنه کشاندن مردم دزفول در بین سال های 50 تا 56 شد که اوج خشونت و سرکوب حرکت های مخالف رژیم ستم شاهی بود. این جاست که باید گفته ارزشمند خسرو معتضد را ارج نهیم که می گوید: « مصاحبه گر یا مورخ شفاهی، در درجه اول باید عاشق باشد (1) » و تنها در این صورت است که نتیجه مطلوب به دست می آید.

نتیجه

از برکات انقلاب شکوهمند اسلامی، رشد و شکوفایی تاریخ شفاهی و خاطره نویسی به صورت جامع و فراگیر می باشد که با ورود مؤسسات و سازمان های مختلف پژوهشی و فعالیت در عرصه تهیه تاریخ شفاهی بخصوص در دو دهه اخیر رشد چشم گیری داشته است. این رشد و بالندگی در عرصه تاریخ شفاهی در فرهنگ ما، به جهت حضور و تأثیر نقش فرد در جامعه می باشد که در نتیجه انقلاب و جنگ در ایران تقویت شد.

تاریخ شفاهی علاوه بر ابزار کلی برای کسب اطلاعات، باعث رواج و ارتقای اندیشه در فرهنگ جامعه و مشارکت فعال افراد مختلف در گرد آوری و تنظیم تاریخ شده است. مهم ترین مرحله در تهیه تاریخ شفاهی، مصاحبه با افراد مختلف مؤثر و یا شاهد و ناظر در یک رویداد یا واقعه تاریخی است و از آن جا که مصاحبه گر به منزله محقق و مورخ در تاریخ شفاهی می باشد، باید دارای شرایط و توانایی های لازم برای انجام امر مهم ثبت وقایع و رویداد هایی باشد که در تاریخ مکتوب نیامده است.

اجرای هر طرح تاریخ شفاهی بدون پشتوانه مطالعاتی و پژوهشی در آن زمینه و نیز بدون تدارک لازم در تهیه و تنظیم اسناد تاریخی، نمی تواند عملی شود. درباره هر واقعه و جریان تاریخی، مصاحبه گر باید به جست جوی ویژگی یا ویژگی های آن دوره پردازد. تفاوت در ویژگی، تفاوت در روش را هم پیش می آورد و نتایج مفید و با ارزشی به دنبال خواهد داشت. مصاحبه گر به عنوان یک محقق، بدینی و شکاک بودن را باید به عنوان یک اصل مسلم در تحقیق رعایت کند و بسادگی هر مطلبی را از مصاحبه شونده نپذیرد. تسلط بر واقعه تاریخی مورد مصاحبه برای مصاحبه گر و تشخیص درست از نا درست و هدایت مصاحبه،

ص: 224

1- معتضد، همان، ص 10.

تنها در صورت وجود عشق و علاقه و داشتن پشت کار و جدیت در انجام کار تحقق می یابد و باعث می شود افرادی را که به هر دلیل از مصاحبه طفره می روند، کنار میز مصاحبه بنشانند.

تخلیه اطلاعاتی مصاحبه شونده از اطلاعات مفید و مطمئن و کشاندن وی به سمت و سوی پرده برداری از وقایع تاریخی که در هیچ سند و مدرک کتبی نیامده، بزرگ ترین گام در جهت جمع آوری اطلاعات تاریخی ثبت نشده، بخصوص در تاریخ انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی است که از اهمیت فراوانی در تاریخ معاصر برخوردار می باشد.

تنها با انجام مصاحبه فعال است که می شود حدسیات و عناصر پنهان را در میان لایه های مختلف واقعه آشکار ساخت؛ و تنها در صورت انتخاب درست مصاحبه گر است که اطلاعات به دست آمده به صورت تاریخ شفاهی، می تواند برای محققان و پژوهشگران تاریخ و علوم سیاسی، به عنوان منبعی مهم در کنار دیگر منابع مفید و ارزشمند باشد.

بر قرار کردن ارتباط مصاحبه گر با خواننده یا شنونده در تاریخ شفاهی، بسیار مهم می باشد. مصاحبه گر با ذوق، با طرح سؤالاتی که برای خواننده یا شنونده در تاریخ شفاهی بسیار مهم می باشد، در واقع خواننده یا شنونده را در روشن سازی تاریخ مکتوم مشارکت می دهد و این اتفاق تنها زمانی رخ می دهد که مصاحبه گر دارای توانایی ها و قابلیت هایی باشد که در این مقاله به برخی از آن ها اشاره شد.

پی نوشت ها

1- ائلدار محمد زاده صدیق. «گزارشی از اولین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی در دانشگاه اصفهان». روزنامه فرهنگ 5 مرداد 85؛ هم چنین محسن کاظمی. زمانه (ماه نامه اندیشه و تاریخ سیاسی معاصر)، سال چهارم، شماره 34، تیر ماه 84، ش 43.

2- شفیقه نیک نفس. «آشنایی با اداره آرشیو شفاهی». گنجینه اسناد، سال چهارم، شماره 15، پاییز 73، ص 93

3- خسرو معتضد. «شعبان جعفری و مشکل کتمان». گفت گوگر زهرا حاج محمدی، کتاب هفته، شماره 83، 13 مهر ماه 83، ص 10.

4- علی قربانی. «گزارشی از برگزاری سمینار و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی در دانشگاه اصفهان». نشریه تاریخ معاصر ایران، سال هشتم، شماره 29، بهار 83، ص 353.

ص: 225

5- معتضد، همان.

6- صدای «تاریخ محاضره ای»، گفت گو با علی رضا کمری، زمانه، همان، ص 3.

7- قربانی، همان، ص 351.

8- صدای «تاریخ محاضره ای»، همان، صص 3-4.

9- بی نام. «استاندارد های جهانی تاریخ شفاهی». نشریه سازمان کتاب خانه ها، موزه ها و مراکز اسناد آستان قدس رضوی، بی تا، ص 10.

10- معتضد، همان.

11- مرتضی رسولی پور. «تاریخ شفاهی زاویه ایرانی». گفت گو گر آرش آذرنگ، کتاب هفته، شماره 140، 12 مهر 82، ص 11.

12- غلام رضا عزیزی. «آناتومی تاریخ شفاهی»، زمانه، همان، ص 14.

13- غلام رضا فدایی عراقی. «مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی» (تهران: سمت، 1377)، ص 107.

14- رسولی پور، همان.

15- معتضد، همان.

16- استانداردهای تاریخ شفاهی، همان.

17- رسولی پور، همان.

18- صدای تاریخ محاضره ای، همان، ص 5.

19- همان.

20- حمید احمدی. «طرح تاریخ شفاهی جنبش چپ ایران از سال 1920 تا 1990م». برگرفته از وبگاه: <http://www.iranian-I-O-history.com>

21- عزیزی همان، ص 11.

22- ابو الفتح مؤمن. «گذشته نزدیک...». زمانه، همان، ص 19.

23- معتضد، همان.

24- نیک نفس، همان .

25- نگارنده . «استاندارد روایت». زمانه، همان، ص 38.

26- کمری، همان .

27- کاظمی، زمانه، همان، ص 5.

28- کمری، همان.

29- استاندارد های جهانی تاریخ شفاهی، همان.

ص: 226

30- همان، ص 4 .

31- همان، ص 5 .

32- همان، ص 10 .

33- همان، ص 4 .

34- نیک نفس، همان، ص 93 .

35- معتضد، همان، ص 10 .

ص: 227

نگاهی به میزان بهره‌گیری از تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری معاصر ایران زهرا طلایی

*نگاهی به میزان بهره‌گیری از تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری معاصر ایران زهرا طلایی (1)

چکیده

با وجود آشکار شدن اعتبار و اهمیت مصاحبه با مجریان و دست‌اندرکاران سیاست‌های حکومت در دوره معاصر و نیز ارزش اطلاعات آگاهان از حقایق پشت پرده رخداد‌های این دوره، به نظر می‌رسد مورخان و پژوهش‌گران ایرانی، علاقه چندانی به سودجستن از این روش پژوهشی ندارند. دشواری‌های این روش، تازه کار بودن آرشیوها و مراکز اسنادی و پاسخ‌گویی نامناسب آنان به پژوهش‌گران و کافی‌ندانستن اطلاعات کتاب‌ها و مطبوعات از جمله دلایل این بی‌علاقگی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

آرشیو شفاهی، تاریخ معاصر ایران، مراکز اسنادی، مورخان، پژوهش‌گران.

بهره‌گیری از خاطرات شفاهی در تاریخ‌نگاری، قدمتی به دیرینگی هستی بشر دارد. اما ابزار ثبت آن، با توجه به تحولات همه‌جانبه در زندگی بشر، تغییر اساسی یافته و امروزه، دستگاه‌های مجهز ضبط صوت و دوربین‌های دیجیتال، کار را آسان و مطمئن‌تر کرده است.

ص: 229

1- مسئول پژوهش سازمان کتاب‌خانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

آرشیو تاریخ شفاهی، با همین نام و به صورت مرکزی با برنامه و هدف های مشخص، نخستین بار در آمریکا در سال 1948م. / 1327 ش. و در ایران طی سال های 1360 تا 1361 در مرکز اسناد انقلاب اسلامی و سپس در مراکز اسنادی دیگر از جمله مؤسسه مطالعات معاصر ایران در سال 1368، سازمان اسناد ملی ایران در سال 1371 و مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی در سال 1376، اقدام به ایجاد آرشیو تاریخ شفاهی و در موضوع های مورد علاقه خود، به جمع آوری اطلاعات و انجام مصاحبه مبادرت کردند. (1)

در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، علاوه بر مورخان صاحب نام و مطرح- که در موضوعات تخصصی خود به تاریخ نگاری پرداختند- دیگران نیز وارد این عرصه شدند و آثار فراوانی درباره دوران قاجار و پهلوی منتشر ساختند که از جمله آن ها، مجموعه های خاطرات (2) متعدد است. مراکز اسنادی و تحقیقاتی نیز آثار گوناگونی چه بر پایه اسناد و دیگر منابع، و چه آثاری که پژوهش گران مستقل به آن ها سپردند، منتشر کردند. افزون بر پژوهش گران مستقل، استادان دانشگاه و ایرانیانی که به خارج از کشور مهاجرت کرده اند، و نیز آمریکایی ها و اروپاییانی که طی این دوران، به واسطه مأموریت های سیاسی و اداری خود در وقایع معاصر ایران نقشی ایفا کرده اند یا اطلاعاتی به دست آورده اند، جدا از گردش گران اقدام به انتشار آثاری درباره این مقطع از تاریخ ایران کردند. دو گروه اخیر، با توجه به دسترسی به آرشیو های اسنادی و شفاهی موجود در اروپا و آمریکا، آثار مفیدی پدید آوردند.

نکته در خور ذکر، توجه مدیران مجلاتی هم چون یغما، ارمغان، راهنمای کتاب، خواندنی ها، سال نامه دنیا، پیمان و مانند این ها در دوره پهلوی به ثبت خاطرات رجال و مسئولان آن روزگار بود که با اندکی اغماض، می توان آنان را پیشگامان «آرشیو شفاهی» و ثبت تاریخ شفاهی در ایران نامید. (3)

به هر حال، به انگیزه فراخوان آرشیو ملی ایران در موضوع نگارش مقاله، با نگاهی به شماری از این آثار، میزان بهره گیری آن ها از مصاحبه و آرشیو شفاهی به طور اجمالی بررسی شد و دلایل آن مورد شناسایی قرار گرفت تا در حد وسع راه کاری ارائه شود؛ ولی البته با توجه به حجم فراوان آثار منتشر شده و محدودیت های زمانی برای نگارش مقاله، نگارنده ناگزیر از گزینش تعدادی از آثار هر گروه گردید.

ص: 230

- 1- اطلاعات مربوط به تاریخ تأسیس آرشیو های شفاهی در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر و سازمان اسناد ملی ایران، تلفنی از کارشناسان مربوط پرسیده شد.
- 2- خاطرات در هر دور های استناد زیادی به شنیده ها دارد و خود، نوعی ثبت تاریخ شفاهی است.
- 3- از زمانی که در دوره ناصری نخستین روزنامه ها منتشر شد، نقل اخبار و وقایع سیاسی به صورت روز آمد آغاز شد. هر چند ملاحظات مختلف در آن تأثیر گذار بوده و هست، اما نوعی ثبت اطلاعات شفاهی روز است.

از میان تاریخ نگاران مستقل ایرانی داخل کشور، آثاری از خسرو معتضد، محمود طلوعی، ناصر نجمی، دکتر باقر عاقلی، بهرام افراسیابی و یکی، دو نویسنده دیگر مورد بررسی قرار گرفت.

خسرو معتضد در کتاب هایی هم چون «تنش بزرگ» (1)، «تاریخ پنجاه و هفت ساله ایران در عصر پهلوی» (2)، «سپهبد بختیار، سایه سنگین شاه» (3)، «از آلاشت تا آفریقا» (4)، از مصاحبه بهره جسته است؛ اما بهره گیری او اندک و عمدتاً مربوط به دوران خبر نگاری اش در دهه چهل بوده است و تعدادی اندک از مصاحبه های موجود در آرشیو شفاهی مؤسسه مطالعات؛ ولی در دیگر آثارش از مصاحبه استفاده نکرده است.

دکتر باقر عاقلی، محمود طلوعی و بهرام افراسیابی نیز در کتاب های خود: «داور و عدلیه» (5)، «مصدق در پیشگاه تاریخ» (6) و «همسران شاه» (7) جز، دو یا سه مورد استناد به شنیده ها، پایه کار را بر کتاب و مطبوعات گذاشته اند.

ناصر نجمی (8)، محمد علی سفری (9)، و منوچهر کدیور (10) در آثار شان، و بهرام افراسیابی در اثر دیگرش به نام «اسرار شاه و حکایت هویدا»، (11) بهره ای از مصاحبه و تاریخ شفاهی نبرده اند؛ اما انوش صالحی در کتاب خود «راوی بهاران، زندگی و مبارزات کرامت الله دانشیان» (12)، از مصاحبه بهره مفیدی برده است.

از طرفی، کتابی با عنوان «طیب در گذر لوطی ها» (13) - که آن را سینا میرزایی به رشته تحریر در آورده - کلاً بر اساس مصاحبه تهیه شده و از این لحاظ، در خور توجه و تقدیر است.

مراکز اسنادی و تحقیقاتی نیز در حوزه تاریخ معاصر، آثار متعددی منتشر کرده اند که به عنوان نمونه، شماری از آثار منتشره مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و مرکز اسناد انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفت؛ چون هر دوی آن ها آرشیو شفاهی فعالی دارند. البته گفتنی است که مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، مصاحبه های آرشیو خود را در مقاله های موضوعی، در مجله این مؤسسه با عنوان «فصل نامه تاریخ معاصر»، به چاپ می رساند. از آثاری که این مؤسسه اقدام به انتشار آن ها کرده است، کتاب هایی با عنوان: «سراب یک ژنرال» (14)، «زندگانی سیاسی خاندان علم» (15)، «بحران ظفار و رژیم پهلوی» (16)، «کانون بانوان» (17)

ص: 231

- 1- خسرو معتضد، تنش بزرگ و روابط خارجی ایران در دوران رضا شاه از 1300 تا 1320 (تهران: پیکان، 1377).
- 2- خسرو معتضد، (تهران: علمی، 1380).
- 3- خسرو معتضد، (تهران: علمی، 1379).
- 4- خسرو معتضد، دور دنیا (تهران: 1378)؛ و در آثار دیگر خود از جمله، درون ارتش شاه (تهران: نشر البرز، 1379)، و هویدا، سیاست پپ، عصا و گل ارکیده (تهران: زرین، 1379)، از مصاحبه استفاده نکرده است.
- 5- باقر عاقلی، داور و عدلیه.
- 6- محمود طلوعی، مصدق در پیشگاه تاریخ (تهران: نشر علم، 1379).
- 7- بهرام افراسیابی، همسران شاه (تهران: مهتاب، 1380).
- 8- ناصر نجمی، دکتر مصدق بر مسند حکومت (تهران: نشر پیکان، 1377).
- 9- محمد علی سفری، قلم و سیاست (تهران: پروین نشر نامک، 1380).

- 10- منوچهر کدیور، اصلاح طلبان ناکام (تهران: انتشارات کویر، 1380).
- 11- بهرام افراسیابی، اسرار شاه و حکایت هویدا (تهران: مهتاب، 1382).
- 12- انوش صالحی، راوی بهاران- زندگی و مبارزات کرامت الله دانشیان (تهران: نشر قطره، 1382).
- 13- سینا میرزایی، طیب در گذر لوطی ها (تهران: انتشارات مدیا، 1382).
- 14- صفاء الدین تبراییان، سراب یک ژنرال - باز شناسی نقش ارتشبد طوفانیان در حاکمیت پهلوی دوم (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، 1377).
- 15- مظفر شاهی، زندگانی سیاسی خاندان علم (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، 1377).
- 16- محمد جعفر چمن کار، بحران ظفار و رژیم پهلوی (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، 1383).
- 17- مریم فتحی، کانون بانوان (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، 1383).

مورد بررسی قرار گرفت. از این میان، صفا تبراییان در کتاب «سراب یک ژنرال» و محمد جعفر چمن کار در کتاب «بحران ظفار و رژیم پهلوی»، به دفعات به مصاحبه‌هایی که شخصاً انجام داده‌اند، استناد کرده‌اند و دیگران هیچ استفاده‌ای، حتی از آرشیو شفاهی خود مؤسسه نکرده‌اند که شاید در باب موضوع پژوهش ایشان، مصاحبه‌ای در آرشیو‌های شفاهی موجود نبوده است.

از کتاب‌هایی که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده، آثاری به نام «تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی» (1)، تألیف فرهاد شیخ فرشی و «نقش مساجد و دانشگاه‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی» (2)، که مجموعه مقاله است و مهناز میزبانی، حشمت‌الله سلیمی و منیژه صدری به رشته تحریر آورده، نیز کتاب «طبقات اجتماعی و رژیم شاه» (3) تألیف محمد رحیم عیوضی و «زندگی نامه سیاسی شهید رجایی تألیف سجاد راعی» (4)، مورد بررسی قرار گرفت. از این میان فرهاد شیخ فرشی، شخصاً مصاحبه‌ای انجام نداده، اما از مصاحبه‌های منتشر شده، استفاده کرده است و سجاد راعی تنها مبنای مصاحبه‌اش، مصاحبه با «عاتقه صدیقی»، همسر شهید رجایی می‌باشد که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی صورت گرفته و دیگر استناداتش کتابی و مطبوعاتی است و این، جای تأمل دارد که مرکز اسناد انقلاب اسلامی با این همه حجم مصاحبه - که تعداد زیادی از آن‌ها را نیز منتشر کرده - فقط یک مصاحبه در موضوع شهید رجایی داشته باشد و از دیگران - که اکثراً دوستان و هم‌زمان وی بوده‌اند - سؤالی در این باره نشده باشد. محمد رحیم عیوضی نیز، در کتاب خود فقط یک مورد از مصاحبه استفاده کرده است.

اما از آثاری که ایرانیان مقیم اروپا یا آمریکا به رشته تحریر در آورده‌اند، می‌توان از کتاب‌های: «تضاد دولت و ملت» (5)، «مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران» (6) تألیف دکتر محمد علی همایون کاتوزیان، «معمای هویدا» (7) اثر دکتر عباس میلانی، «بحران دموکراسی در ایران» (8) تألیف فخرالدین عظیمی و «سقوط شاه» (9) نوشته فریدون هویدا و خاطرات شعبان جعفری به کوشش هما سرشار، (10) نام برد که مورد بررسی قرار گرفت.

دکتر همایون کاتوزیان، در آثار خود به دفعات به مصاحبه‌های موجود در آرشیو‌های انگلیس و آمریکا استناد کرده و فخرالدین عظیمی، مواردی اندک و فریدون هویدا اصلاً

ص: 232

- 1- فرهاد شیخ فرشی، تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1379).
- 2- تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383.
- 3- تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380.
- 4- تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383.
- 5- محمد علی همایون کاتوزیان، تضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علی رضا طیب (تهران: نشر نی، 1381).
- 6- محمد علی همایون کاتوزیان، مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ترجمه فرزانه طاهری (تهران: نشر مرکز، 1372).
- 7- معمای هویدا، ترجمه دکتر عباس میلانی، تهران.
- 8- فخرالدین عظیمی، بحران دموکراسی در ایران (1320 تا 1332)، ترجمه عبد الرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری (تهران: نشر البرز، 1372).
- 9- فریدون هویدا، سقوط شاه، ترجمه ج.ا. مهران (تهران: اطلاعات، 1365).
- 10- هما سرشار، خاطرات شعبان جعفری (تهران: نشر ثالث، 1384).

استنادی نکرده است. بهترین و با ارزش ترین کار را از این نظر بر مبنای مصاحبه- چه مصاحبه را خود محقق انجام داده باشد و چه رجوع به آرشیو های شفاهی کرده باشد- در مقایسه با کلیه آثار نویسندگان داخلی و خارجی، دکتر عباس میلانی در اثر خود، «معمای هویدا» انجام داده است. وی علاوه بر بهره گیری از اسناد آرشیو های آمریکا و اروپا- که جنبه دیگری از اعتبار اثر او به لحاظ روش تحقیق است - و نیز استفاده از آرشیو های شفاهی، تلاش ویژه ای برای دستیابی به پاسخ سؤالات خود، در راستای یافتن افراد مطلع و شاهدان عینی در هر سمت و رتبه و هر جا و به دفعات، انجام داده است. به گونه ای که به نظر می رسد این تلاش او، الگویی برای روش تحقیق در حوزه تاریخ معاصر است. اثر قابل توجه دیگری که بر مبنای مصاحبه و مبتنی بر پژوهش در مطبوعات منتشر شده، خاطرات شعبان جعفری است. البته این اثر کلاً مصاحبه با شعبان جعفری است، اما در روش مصاحبه با سوژه اصلی بسیار موفق عمل کرده است و از این لحاظ، الگوی مناسبی برای مصاحبه گران ما در روش مصاحبه گری خود و گرفتن اطلاعات صحیح تر از مصاحبه شوندگان است.

گروه دیگری که در حوزه تاریخ معاصر ایران آثاری پدید آورده اند، مأموران سیاسی یا خبر نگاران خارجی بوده اند که از جمله آن ها می توان از: دکتر آرتور میلسپو با کتاب «آمریکایی ها در ایران»، (1) مایکل لدین مؤلف «شاه و کارتر»، (2) ژراردو ویلیه مؤلف «سیمای پهلوی» (3)، ماروین زونیس صاحب کتاب «شکست شاهانه»، (4) ویلیام شو کراس با «آخرین سفر شاه» (5) و نیز جیمز بیل و ویلیام راجر لوئیس با کتاب «مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی» (6) و ژنرال هایزر با «هایزر در تهران» (7) نام برد.

از نویسندگان مذکور ویلیام شو کراس، ژراردو ویلیه، ماروین زونیس و یک مقاله در کتاب «مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی» از مصاحبه، به صورتی قابل توجه استفاده کرده اند. اما میلسپو، مایکل لدین و ژنرال هایزر استفاده ای نکرده اند.

در مطالعه کتاب ها و مقایسه این چهار گروه مؤلفان، تعداد استنادات به مصاحبه ها و کیفیت مطلوب بهره برداری از مصاحبه و آرشیو شفاهی، در نویسندگان ایرانی خارج از کشور و نیز نویسندگان خارجی بارز است و در مقابل، نویسندگان و مؤسسات پژوهشی داخل کشور، نسبت به این روش و وسیله پژوهش بی توجه و کم رغبت به نظر می رسند. شاید اگر

ص: 233

- 1- دکتر آرتور میلسپو، آمریکایی ها در ایران، عبد الرضا هوشنگ مهدوی (تهران، نشر البرز، 1371).
- 2- مایکل لدین، شاه و کارتر، ترجمه مهدی افشار (تهران: دنیای کتاب، 1371).
- 3- ژراردو ویلیه، سیمای پهلوی، ترجمه مهندس عبد الرحیم مهین یار (تهران: نشر به آفرین، 1382).
- 4- ماروین زونیس، شکست شاهانه - روان شناسی شخصیت شاه، ترجمه عباس مخبر (تهران: طرح نو، 1370).
- 5- ویلیام شو کراس، آخرین سفر شاه، ترجمه عبد الرضا هوشنگ مهدوی (تهران: نشر البرز، 1376).
- 6- ترجمه عبد الرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات (تهران: نشر نو، 1368)؛ نیز بنگرید به: مقاله صنعت نفت آمریکا و قرار داد 1950، تألیف اروین هاندرسون.
- 7- ژنرال هایزر، هایزر در تهران، ترجمه سید محمد حسین عادل (تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، 1365).

پژوهش گران ما و مراکز آرشیو شفاهی توجه هدف مند تری به آرشیو شفاهی نشان بدهند، از حجم انتشار خاطرات یک جانبه کاسته شود و یا حتی خاطره نویسان نیز، آموزش ببینند که چگونه نیاز های اطلاعاتی پژوهش گران را تأمین کنند.

اما علت بی علافگی و این توجه ویژه را، در چند چیز می توان جست:

1. سابقه آرشیو شفاهی در آمریکا و اروپا.
2. غنای آرشیو های آنان از مصاحبه با ایرانیان.
3. غنای آرشیو های آنان در موضوعات متنوع.
4. پاسخ گویی مناسب این آرشیو ها به پژوهش گران.
5. احساس امنیت مصاحبه شونده های ایرانی در خارج از کشور، در قیاس با مراکز داخل کشور.
6. صد در صد دولتی بودن آرشیو های شفاهی یا وابستگی آن ها به نهاد های خصوصی، اما تابع صرف سیاست های دولت.
7. مهاجرت بسیاری از مطلعان و مجریان سیاسی دوره پهلوی به اروپا و آمریکا.
8. اعتماد نداشتن افراد مطلع به مصاحبه گرانی که به صورت مستقل کار می کنند.
9. دشواری های کار مصاحبه مثل بی علافگی فرد مطلع به مصاحبه و ضرورت اصرار و پیگیری های مکرر، کهولت سن مطلعان و عوارض آن.
10. تک بعدی بودن مصاحبه ها در مراکز آرشیو شفاهی در راستای سیاست مرکز.
11. انحصاری کردن مصاحبه ها و آرشیو برای پاسخ گویی به گروهی خاص.
12. ضعیف بودن کیفیت اطلاعاتی بعضی از این مصاحبه ها؛ تا جایی که گاه صرفاً ضبط خاطرات است، نه مصاحبه هدف مند.
13. مبتدی بودن گروه کاری آرشیو شفاهی و هم کاری نداشتن افراد خبره برای همراهی در انجام مصاحبه ها.
14. موازی بودن گاه گاهی مصاحبه ها.

با این توضیحات، راه کار هایی برای رفع این ضعف ها به نظر می رسد که در زیر می آید:

نخست، باید ارتباط مناسبی بین آرشیوهای شفاهی و دانشگاه برقرار شود تا طی آن دانشجویان رشته های مربوط، علاوه بر آشنایی با این مراکز، روش های صحیح و عملی انجام مصاحبه را فراگیرند.

دوم این که، آرشیوهای شفاهی - که اکثراً با کمبود بودجه، امکانات و نیروی انسانی مواجهند - با جذب پژوهش گران علاقه مند و هم کاری متقابل، از کمک افتخاری آنان در انجام مصاحبه استفاده کنند.

سوم، برقراری ارتباط آرشیوهای شفاهی با آرشیوهای مطبوعاتی و اصحاب مطبوعات و جذب مصاحبه های انجام داده آنان، برای نگه داری و خدمات دهی به پژوهش گران.

چهارم، تکیه آرشیوهای شفاهی بر هدفمند کردن مصاحبه ها، از طریق مطالعه و شناسایی مبهمات تاریخی و افراد مطلع و هدایت پژوهش گران مستقل به انجام مصاحبه و تمرکز بر نگه داری و طبقه بندی و اطلاع رسانی مصاحبه.

پنجم، زمینه سازی برای ایجاد آرشیوهای شفاهی دانشگاهی و آرشیوهای مستقل.

ششم، ارتباط با مراجعان آرشیوهای شفاهی، برای بررسی میزان استفاده آنان از آرشیو و شناسایی کاستی ها و نقطه ضعف ها.

هفتم، یافتن پاسخی مناسب برای پرسش های زیر:

- هدف از ایجاد مراکز و واحدهای آرشیو شفاهی چیست؟

- آیا این آرشیو ها با مطالعه تاریخ معاصر ایران، نکات مبهم و تاریک را مشخص کرده، به جست جوی مطلعان می پردازند یا این که تصادفی افراد را می یابند و سپس موضوع خود را مشخص می کنند؟

- آیا اولویت های موضوعی تاریخ معاصر را مشخص کرده اند؟

- آیا این آرشیو ها، بستر لازم را برای بالا بردن کیفیت مصاحبه های خود با آموزش مصاحبه کننده ها، ایجاد کرده اند؟

- آیا آرشیوهای شفاهی، برای توسعه بهره برداری و بهره دهی به پژوهش گران، زمینه سازی کرده اند؟ چگونه از راه های ارتباطی با آنان استفاده کرده اند؟ فهرست ها و

نمایه های خود را منتشر کرده یا در اختیار گذاشته اند؟ و یا اطلاعات را در انحصار خود دارند؟

و اما پژوهش گران و مورخان معاصر:

- اینان تا چه حد با این ابزار پژوهشی آشنایی دارند؟

- تا چه حد به ضرورت و ارزش اطلاعات موجود در آرشیو های شفاهی پی برده اند و چه تلاشی برای دستیابی به آن کرده اند؟

- چقدر خود را ملزم به استفاده از مصاحبه با مطلعان می دانند؟ چه از طریق مراجعه به آرشیو ها و چه از طریق اقدام به انجام مصاحبه ها.

- آیا پژوهش گران با شیوه صحیح مصاحبه آشنا هستند؟ سؤالی که در آخر به صورتی وسیع تر، در سطح آموزش کشور مطرح می شود؛ آیا دانشگاه های ما در صدد آموزش استفاده از این ابزار پژوهشی و راه های صحیح کسب اطلاعات به دانشجویان خود هستند؟

اگر چه این سؤالات به شکل مستقیم با موضوع مقاله مربوط نمی شوند، اما از جمله عوامل مؤثر بر میزان استفاده از آرشیو شفاهی و تاریخ نگاری معاصر است. چه، پژوهش گر علاوه بر این که می باید ارزش این منبع بسیار مهم را دریابد، باید هم امکان استفاده از آرشیو ها را داشته باشد و هم خود در این زمینه ها آمادگی آموزش پذیری داشته باشد.

در پایان یاد آور می شود که نگاه این مقاله نه عمقی، بلکه اجمالی با پیش فرضی مشخص مبنی بر بی علاقهگی پژوهش گران داخلی به استفاده از آرشیو شفاهی است. چه، در طی دوره کاری خود، تلاش مراکز را برای انجام مصاحبه ها دیده ام؛ اما تعداد مراجعان به آرشیو شفاهی، حتی به صورت ظاهری و کلی (نه آماری و نموداری)، در مقایسه با بخش های اسنادی، مطبوعاتی و کتاب خانه ای، نادر می باشد.

این مقاله، در واقع یاد آوری و تلنگری برای مدیران مراکز اسنادی و آرشیو های شفاهی بود تا با مطالعه باز خورد کاری خود، آرشیو شفاهی را به هدف نزدیک تر سازند.

- 1- اطلاعات مربوط به تاریخ تأسیس آرشیو‌های شفاهی در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر و سازمان اسناد ملی ایران، تلفنی از کارشناسان مربوط پرسیده شد.
 - 2- خاطرات در هر دوره‌های استناد زیادی به شنیده‌ها دارد و خود، نوعی ثبت تاریخ شفاهی است.
 - 3- از زمانی که در دوره ناصری نخستین روزنامه‌ها منتشر شد، نقل اخبار و وقایع سیاسی به صورت روز آمد آغاز شد. هر چند ملاحظات مختلف در آن تأثیر گذار بوده و هست، اما نوعی ثبت اطلاعات شفاهی روز است.
 - 4- خسرو معتضد، تنش بزرگ و روابط خارجی ایران در دوران رضا شاه از 1300 تا 1320 (تهران: پیکان، 1377).
 - 5- خسرو معتضد، (تهران: علمی، 1380).
 - 6- خسرو معتضد، (تهران: علمی، 1379).
 - 7- خسرو معتضد، دور دنیا (تهران: 1378)؛ و در آثار دیگر خود از جمله، درون ارتش شاه (تهران: نشر البرز، 1379)، و هویدا، سیاست پپ، عصا و گل ارکیده (تهران: زرین، 1379)، از مصاحبه استفاده نکرده است.
 - 8- باقر عاقلی، داور و عدلیه.
 - 9- محمود طلوعی، مصدق در پیشگاه تاریخ (تهران: نشر علم، 1379).
 - 10- بهرام افراسیابی، همسران شاه (تهران: مهتاب، 1380).
 - 11- ناصر نجمی، دکتر مصدق بر مسند حکومت (تهران: نشر پیکان، 1377).
 - 12- محمد علی سفری، قلم و سیاست (تهران: پروین نشر نامک، 1380).
 - 13- منوچهر کدیور، اصلاح طلبان ناکام (تهران: انتشارات کویر، 1380).
 - 14- بهرام افراسیابی، اسرار شاه و حکایت هویدا (تهران: مهتاب، 1382).
 - 15- انوش صالحی، راوی بهاران- زندگی و مبارزات کرامت‌الله دانشیان (تهران: نشر قطره، 1382).
 - 16- سینا میرزایی، طیب در گذر لوطی‌ها (تهران: انتشارات مدیا، 1382).
- البته این کتاب، در جای خود باید نقد و بررسی شود. این که انگیزه نگارنده برای گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه، توجیه طیب بوده است یا بررسی شخصیت و اقدامات او از دید دوستان و دشمنان و ارائه کار علمی قابل رجوع پژوهش‌گر.

17- صفاء الدین تبراییان، سراب یک ژنرال - باز شناسی نقش ارتشبد طوفانیان در حاکمیت پهلوی دوم (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، 1377).

ص: 237

- 18- مظفر شاهی، زندگانی سیاسی خاندان علم (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، 1377).
- 19- محمد جعفر چمن کار، بحران ظفار و رژیم پهلوی (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، 1383).
- 20- مریم فتحی، کانون بانوان (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، 1383).
- 21- فرهاد شیخ فرشی، تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1379).
- 22- تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383.
- 23- تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380.
- 24- تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383.
- 25- محمد علی همایون کاتوزیان، تضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علی رضا طیب (تهران: نشر نی، 1381).
- 26- محمد علی همایون کاتوزیان، مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ترجمه فرزانه طاهری (تهران: نشر مرکز، 1372).
- 27- معمای هویدا، ترجمه دکتر عباس میلانی، تهران.
- 28- فخر الدین عظیمی، بحران دموکراسی در ایران (1320 تا 1332)، ترجمه عبد الرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری (تهران: نشر البرز، 1372).
- 29- فریدون هویدا، سقوط شاه، ترجمه ج.ا. مهران (تهران: اطلاعات، 1365).
- 30- هماسر شار، خاطرات شعبان جعفری (تهران: نشر ثالث، 1384).
- 31- دکتر آرتور میلسپو، آمریکایی ها در ایران، عبد الرضا هوشنگ مهدوی (تهران، نشر البرز، 1371).
- 32- مایکل لدین، شاه و کارتر، ترجمه مهدی افشار (تهران: دنیای کتاب، 1371).
- 33- ژراردو ویلیه، سیمای پهلوی، ترجمه مهندس عبد الرحیم مهین یار (تهران: نشر به آفرین، 1382).
- 34- ماروین زونیس، شکست شاهانه - روان شناسی شخصیت شاه، ترجمه عباس مخبر (تهران: طرح نو، 1370).
- 35- ویلیام شو کراس، آخرین سفر شاه، ترجمه عبد الرضا هوشنگ مهدوی (تهران: نشر البرز، 1376).
- 36- ترجمه عبد الرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات (تهران: نشر نو، 1368)؛ نیز بنگرید به: مقاله صنعت نفت آمریکا و قرار داد 1950، تألیف اروین هاندرسون.

37- ژنرال هایزر، هایزر در تهران، ترجمه سید محمد حسین عادل (تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، 1365).

ص: 238

Proceedings of the

1st Oral History Seminar

(Tehran, National Archives of Iran, 7 March 2007)

ص: 240

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

